دکتر زهرای خانلری (کیا)

دانشیار دانشکدهٔ ادبیات

راهنمای ادبیّات فارسی

(فرهنگ اعلام و اصطلاحات)

سازمان چاپ و پخش کتاب

از این کتاب دوهزارودویست‌وپنجاه نسخه در اردی‌بهشت ۱۳۴۱
در چاپخانهٔ دانشگاه طبع شد

از همین مؤلف

پروین وپرویز (رمان)

ژاله (رمان)

داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی برندهٔ جایزهٔ یونسکو

ترجمه

رنجهای جوانی ورتر	اثر	آندره‌موروا نویسندهٔفرانسوی
شبهای روشن	«	داستایوسکی نویسندهٔ روسی
بیست داستان	«	پیراندلو نویسندهٔ ایتالیائی

ناشر ، کتابخانهٔ ابن سینا

چاپ اول

به یاد

« آرمان »

پسرک عزیز ناکامم که درهشت سالگی درگذشت ومن ، پس ازدوسال ، هنوز مرگ او را باور ندارم .

شوق او به کتاب خواندن و آموختن نکته‌های ادبی مرا به این کار برانگیخت .

افسوس که کتاب را با امیدی فراوان آغاز کردم وباغم و دردی بی پایان به انجام رسانیدم .

زهرای خانلری (کیا)

بهمن‌ماه ۱۳٤۰

مقدمه

این کتاب به منظور آن فراهم شده است تا همهٔ کسانی را که با ادبیات فارسی سروکاردارند ، راهنمائی باشد و هرکس بتواند برای رفع مشکلی یاردشبهه‌ای در هرمورد به آن مراجعه کند وازآن به‌عنوان مددی برای حافظه بهره‌ور گردد .

درادبیات‌فارسی خاصه‌درشعر غالبا به نکته‌هائی برمی‌خوریم که اشاره به واقعه‌ای تاریخی یا داستانی است وشاعر ازآن واقعه با اشارهٔ به شخص یا داستان به تمثیل واستعاره یاد کرده است . دریافتن لطف شعر وغرض شاعر جز بادانستن آن داستان و شناختن آن اشخاص میسر نیست . گذشته از این درشعر فارسی همیشه به علوم مختلف از نجوم و منطق والهیات و عرفان و اصطلاحات ادبی اشاره شده است و درک مفهوم شعر محتاج آشنائی بااین اصطلاحات واشارات است .

موضوع کتابهای مهم علمی وادبی فارسی از تاریخ وفلسفه‌وشعر وعرفان وهیئت ونجوم وریاضی وهندسه ورشته‌های مختلف ادبیات نیز غالبا مورد اشکال‌است ونام مؤلف وتاریخ تألیف ومطالبی که آن کتابها متضمن است در خاطرها نمی‌ماند و همه برای رفع شبهه محتاج‌اند که به مأخذی رجوع کنند .

این کتاب برای رفع این گونه نیازمندیها تألیف شده است تا هر خواننده‌ای به‌آسانی بتواند موضوع اشکال یاابهام را در آن بیابد و به

مختصرترین عبارتی از نکتهٔ مقصود مطلع شود .

مطالبی که در این کتاب جمع‌آوری شده از قرار ذیل است :

۱ــ ترجمهٔ حال بزرگان علم و ادب ایران که به زبان فارسی یاعربی آثار برجسته‌ای دارند .

۲ــ نام بزرگان تاریخی که به طریقی درنظم‌ونثر ادبیات‌فارسی به آنها وسوانح زندگیشان اشاره شده است .

۳ــ نام و احوال اشخاص بزرگ داستانی که در ادبیات فارسی مورد تمثیل واستعاره واشاره واقع شده اند .

۴ــ نام واحوال پیغمبران وبزرگان دین و داستانهای مربوط به ایشان که درادبیات فارسی به آنان اشاره شده است .

۵ــ نام‌وعنوان وموضوع کتابهای‌مهمی که‌دانشمندان و ادیبان ایرانی به‌زبان‌فارسی‌یاعربی تألیف کرده‌اند باذکرآخرین ومتداول‌ترین چاپ آنها .

۶ــ اصطلاحات مهم‌علم هیئت‌ونجوم که‌درشعرفارسی‌آمده‌است .

۷ــ اصطلاحات معروف منطق و الهیات که در شعر فارسی به آنها برمی‌خوریم .

۸ــ نکته های اصلی ومهم علم عروض .

۹ــ اصطلاحات وتعریفات علم قافیه .

۱۰ــ اصطلاحات وتعریفات مهم علم بیان وصنایع بدیع

شک نیست که در این زمینه کتابی چندین برابر کتاب فعلی می‌توان تألیف کرد که شامل چندین جلد باشد ونگارنده خودزمینهٔ‌چنین تألیفی‌را فراهم آورده است وامیدواراست که توفیق یابد وآن‌رابزودی

به پایان برساند، اما آن تألیف هدف وغرض دیگری دارد ومؤلف در این کتاب بیشتر جنبهٔ تربیتی را درنظر گرفته است تا جنبهٔ تحقیقی. یعنی نخواسته است کتابی بسازد که مورد مراجعهٔ محققان باشد، بلکه بیشتر قصد آن بوده است که از اطلاعات و معلومات مربوط به ادبیات فارسی آنچه مورد احتیاج واستفادهٔ علاقه‌مندان به‌شعروادب‌وتاریخ ادبیات ایران‌است وخاصه دانش‌آموزان‌ودبیران ودانشجویان را به کار می‌آید، در اینجافراهم بیاورد و این نکات را به شیوه‌ای مرتب کند که در هر مورد یافتن آنها بامراجعه به‌این کتاب هرچه آسانتر انجام بگیرد وبه این سبب چه در موادمندرج در کتاب‌وچه درتوضیح وبیان هرماده تاتوانست به‌اختصار کوشید و گمان می کند که برای منظوری که درپیش داشته است از این مقدار تجاوز بسیار جایز نیست.

در این کتاب ممکن است‌نقصها وخطاهائی راه‌یافته‌باشد که‌مؤلف امیدواراست بایادآوری خوانندگان‌دانشمند وسطالعاتی که خودبه‌عمل خواهدآورد درچاپهای‌آینده برطرف شود. همچنین‌غلطهائی‌درچاپخانه بوجود آمده است مانند شکستگی حروف یا جابجا شدن عنوانها که بیشترآنها درغلطنامه یادآوری شده است.

حروف راهنما دربالای صفحه‌ها برحسب حروف اول‌آخرین ماده درصفحه تنظیم شده است وبرای هرنوع مطلب و هریک از رشته‌های علمی وادبی‌دربرابرهرماده علامتی اختصاری قرارگرفته که‌خوانندگان فهرست آنهارا درصفحهٔ جداگانه ملاحظه خواهند کرد.

زهرای خانلری (کیا)

بهمن‌ماه ۱۳۴۰

نشانه‌های اختصاری

ت	بزرگان علم وادب
ك	کتاب
ش— ت	اشخاص تاریخی شاهنامه
ش—د	اشخاص داستانی شاهنامه
د	اشخاص داستانی
تن	تاریخ انبیاء
ب	علم بدیع وبیان
ع	علم عروض
ق	علم قافیه
ط	منطق والهیات
نج	هیئت و نجوم

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	درست
۷	۱۰	رجوع به	رجوع شود به
۸	بالای صفحه	ا ب ن	ا ب ل
۱۲	۲۱	سیر الملوك یاسیرة ملوك الفرس	(سیر الملوك یاسیرة ملوك الفرس)
۲۰	بالای صفحه	ا و ب	ا ب و
۲۳	۱۳	لباب الالبات	لباب الالباب
۲۷	۳	بوده است	بوده اند
۲۷	۱۵	فاضلای	فاضلان
۲۹	۷	داداشته	داشته
۳۸	۱۵	است	اند
٤۱	بالای صفحهٔ	ا س م	ا س ك
٤۲	«	ا ش ت	ا ش ب
٥٦	۳	ازاز	از
٦۰	۱	به‌می رود	به‌شمار می رود
٦۱	۱۹	دورا	دوررا
٦٥	۱۲	لعل	نعل
٦۸	۱۹	اطعمد	اطعمه
٦۹	۱٦	قسمتس	قسمتی
۷۰	بالای صفحه	ب و ر	ب و ز
۱۰۲	۸	فخر الزمان	فخر الزمانی
۱۰٥	۷	اماو	اما
۱۱۳	بالای صفحه	ت ی ه	ت و س
۱۱٤	«	ت ج ا	ت ی ه
۱۱٦	۸	دوازد	دوازده
۱٦۳	٤	مشبهه	مشتبهه
۱۷۰	۱	ملل	علل

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۷۲	۷	شعر بیت	بیت
۱۷۲	۹	فر نظام	فرو نظام
۱۷۶	۹	رشید	رشیدی
۱۷۶	آخر	دیگر	دیگر از آثار او
۱۷۸	۱۰	رما	رمل
۱۸۹	آخر	ریاضی	ریاض
۱۹٤	۱۲	یاری	بازی
۲۰٤	۱۱	بزغله	بزغاله
۲۰۶	۱۰	سر	سفر
۲۰۸	بالای صفحه	س ا م	س ل م
۲۰۸	ماقبل آخر	سام	سلم
۲۲۹	۱۰	نویسندگان	نویسندگان بر
۲۳۵	۳	رضوان	رضوی
۲۶۲	۸	مگوی و	مگوی
۲۹۳	۱	فصا	فصل
۳۰۲	۱۷	قس	قبس
۳۱۰	۵	ویس او رمین	ویس و رامین
۳۱٤	آخر	ووعدة الابرار	وعدة الابرار
۳٤۵	۲۰	مجمع التواریخ	مجمل التواریخ
۳٤۸	۱۷	محمد بن غاز	محمد بن غازی
۳۵۲	۱۰	جله	جلد
۳۵۲	۱۸	فکیه	تکیه
۳۷۹	۱۹	به‌حسام الدین چلپی	به‌حسام الدین چلپی اراد می‌ورزید
۳۸۲	۱	تألیفاب	تألیفات
٤۲٤	۷	چارم	چهارم

آ

آباء علوی (نج) کنایه ازهفت کوکب که به‌عقیدهٔ قدما درسرنوشت انسان تأثیر دارند .

به من نامشفقند آباء علوی
چو عیسی زان ابا کردم زآبا

«خاقانی»

آب‌حیات (تن) آبی که خضر درطلب آن به‌ظلمات رفت و ازآن نوشید وعمرجاودان یافت .

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

«حافظ»

آب‌حیوان رجوع شود به‌آب حیات .

آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست
گل بگشت ازرنگ خود باد بهاران راچه شد

«حافظ»

آب‌خضر (تن) رجوع شود به‌آب حیات .

آبی که خضر حیات ازو یافت
در میکده جو که جام دارد

«حافظ»

آب زندگی (تن) رجوع شود به‌آب حیات

معنیّ آب زندگی و روضهٔ ارم
جزطرف جویبا روسی خوشگوارچیست
«حافظ»

آتش خلیل (تن) آتشی که به‌فرمان نمرود برای سوزاندن ابراهیم خلیل‌الله افروخته شد ، ولی به امر خدا آتش برابراهیم گلستان شد.

یارب این آتش که برجان من است
سرد کن زانسان که کردی برخلیل
«حافظ»

آتش طور (تن) آتشی که بر کوه‌طوربرموسی ظاهرشدوآن تجلی نورالهی بود و کوه ازآن پاره‌پاره گشت.

مددی گر به‌چراغی نکندآتش طور
چارهٔ تیره شب‌وادی ایمن چه کنم
«حافظ»

آتشکدهٔ آذر (ك) از تذکره های معروف. تألیف لطفعلی بیك آذر بیکدلی متخلص به«آذر» ؛ که درسال ۱۱۷٤ تألیف یافته است. دراین تذکره ، شرح حال شاعران هند و ایران تا آخر قرن دوازدهم هجری ونمونه‌ای ازاشعارشان ضبط شده است . چنانکه خود مؤلف می گوید شاعران را برحسب بلادشان تقسیم کرده است،بدون رعایت سبقت‌زمان و تقدیم‌مرتبه . این ترتیب برحسب حرف اول‌نام‌شهر و حرف اول تخلص شاعراست . آتشکده شامل دومجمره است : مجمرهٔ اول درذکراحوال و اشعار شاعران متقدم است؛مشتمل بریك شعله درذکراحوال واشعار شاهزادگان وشاهان وامیران هردیار ازترك وتاجیك؛وسه‌اخگردرذکر

شاعران ایران‌وتوران وهند؛ وهراخگر شامل چند شراره‌است؛شامل اسم ولایتها؛ ویک فروغ دراحوال زنان هرولایت.

مجمرهٔ دوم‌دربیان حالات شاعران معاصرمؤلف،مشتمل بردوپرتو: پرتو اول‌درذکرافکار شاعران معاصر ، وپرتو دوم درذکر اشعارواحوال مؤلف کتاب . (چاپ تهران)

آتشکدهٔ برزین یا آذر برزین مهر یکی ازسه آتشکدهٔ بزرگ زرتشتیان‌دردورهٔساسانی که‌درخراسان‌واقع بودوآتشکدهٔ‌خاص کشاورزان وبرزیگران بوده است .

گرد بستان زفروغ لاله گویی آتشکدهٔ برزین‌است

«ابوالفرج رونی»

آتش وادی ایمن (تن) نوری‌که در وادی ایمن برموسی ظاهر شد وخطاب آمد:انی‌اناالله .

زآتش وادی ایمن نه منم‌خرم‌وبس

موسی اینجا به امید قبسی می‌آید

«حافظ»

آثارالباقیه عن‌القرون‌الخالیه (کث) تألیف دانشمند بزرگ ایرانی،ابوریحان‌بیرونی، که آن را درسال ۳۹۱ هجری به نام قابوس بن وشمگیرنگاشته‌است. کتاب به‌زبان عربی است و موضوع آن تواریخ مختلف ملل واعیادآنهاست.مؤلف‌مبدأ تواریخ ملل‌وادیان‌مختلف‌راشرح می‌دهد ؛ واز اختلاف سنوات ، ایجاد شب وروز ، ایام کبیسه ، درنزد ملل مختلف گفتگو می کند؛ و از پیغمبران تا زمان بنی‌اسرائیل وملوک آشور و بابل جدولهائی ترتیب داده است . تاریخ ایران را به قتل یزدجردبن شهریار وزوال‌آل ساسان ختم می کند. پس‌از آن به‌شاهان

بعد از اسلام می‌پردازد .

ابوریحان درشرح مباحث مختلف از منابع استفاده‌اش نام می‌برد . همه‌جا ازحمزهٔ اصفهانی ، طبری ، ابن خرداذ به،وازمنجمان بزرك مانند ابومعشربلخی مطالبی نقل می کند. ابوریحان درضبط اخبار حقیقی دقت بسیار مبذول می‌دارد و در جائی که به چند قول مختلف برمی‌خورد ، آنها را باهم مقابله کرده موثق‌ترین آنها را انتخاب می کند .

درهیچ تاریخی نمی‌توان اعیاد وروزها وعقاید ملل را مبسوط‌تر از این کتاب یافت . (چاپ اروپا)

آدم(ابوالبشر) (تن) انسان نخستین، که‌خداوند او را از خاك آفرید و برطبق آیات قرآن ، پس از چهل روز ، روح به کالبد او دمیده شد . همهٔ‌ملائک به‌فرمان‌خداآدم‌را سجده‌کردندجز ابلیس . خدای‌تعالی آدم را دربهشت جای داد وحوا را از پهلوی چپ او آفرید؛ وایشان را از خوردن گندم،وبه روایت توراة ازخوردن سیب منع کرد. ابلیس به کمک مار به بهشت رفت و آدم و حوا را فریفت تا گندم خوردند . حق‌تعالی‌برایشان خشم گرفت ودرخت طوبی‌را فرمود تا شاخه‌های‌خود را به هم آورد وآدم وحوا را برگرفت واز بهشت بیرون انداخت . آدم به هندوستان برکوه سراندیب فرود آمد و صد سال در آنجا طاعت کرد وگریست تا توبهٔ او قبول شد .

من ملک بودم وفردوس برین جایم بود
آدم آورد در این دیر خراب آبادم
«حافظ»

آذربیکدلی (ت) لطفعلی‌بیک.متوفی‌۱۱۹۵ - از شاعران قرن

دوازدهم هجری. در اصفهان متولدشد و مقارن فتنهٔ افغان با خانوادهٔ خود به قم هجرت کرد وچهارده سال درآنجااقامت‌جست. پس‌از پایان تحصیلات به شیرازومکه‌سفر کرد ودربازگشت به خراسان‌رفت‌وهنگامی که قشون نادر ازهند برگشت، آذر بیکدلی باسپاه اوبه مازندران رفت وسپس به‌اصفهان‌بازگشت. پس از قتل‌نادر درخدمت علیشاه‌وابراهیم شاه وشاه سلیمان دوم وشاه اسمعیل‌سوم بسر بردوپس‌ازآن‌عزلت اختیار کرد وبه سرودن‌شعر پرداخت‌وفنون شعررا نزد سیدعلی مشتاق‌اصفهانی آموخت ودرقصیده وغزل ازمتقدمان پیروی کرد. از آثاراومثنوی«یوسف و زلیخا»ست. دیگرتذکرهٔ آتشکده که ازتذکره‌های معروف‌فارسی‌است.

آذرگشسب (ت) آتشگاهی بوده‌است‌درشهرشیزآذربایجان که‌در دورهٔ ساسانیان عبادتگاه خاص شاهان وسپهبدان بوده است.

همیدون گله هرچه داری ز اسب
ببر سوی گنجور آذر گشسب
«فردوسی»

آرش کمانگیر (ش—د) نام پهلوان ایرانی که برطبق روایات باستانی درلشکر منوچهربود وبرای تعیین مرز ایران‌وتوران، تیری ازآمل یاساری انداخت که درکنار «جیحون» فرود آمد.

اگر خوانند آرش را کمانگیر
که‌ازساری‌به‌مروانداخت‌یک‌تیر
تواندازی به جان من زگوراب
همی هرساعتی صد تیر پرتاب
«ازویس‌ورامین»

آزر (تن) پدر ابراهیم پیغمبر، که پیشهٔ بت‌تراشی داشت.

بود با تو هدر وسواس شیطان

چنان چون با پسر تعلیم آزر

«انوری»

آزری (تن) منسوب به آزر بت‌تراش پدر ابراهیم خلیل.

دگر به‌روی کسم دیده برنمی‌باشد

خلیل من همه بتهای آزری بشکست

«سعدی»

آفتاب (نج) دراصطلاح نجومی گاهی خورشید را «آفتاب» می‌خوانند. آفتاب درفلک چهارم قرار گرفته‌است.

آغاجی (ت) «ابوالحسن علی بن الیاس آغاجی بخارائی» ازامیران معروف دربار سامانی ومعاصر نوح بن منصور پادشاه سامانی(۳۶۶-۳۸۷) ودقیقی شاعراست. آغاجی درشعر فارسی و عربی دست داشته است. ازآثارش تنها بعضی ابیات وقطعات پراکنده باقی است.

آملی (ت) علامه شمس الدین محمدبن محمود آملی-وفات۷۰۳- ازعالمان قرن هشتم هجری که در زمان الجایتو،سلطان محمد خدابنده، مدرس سلطانیه بوده و با قاضی عضدالدین ایجی مناظره داشته‌است. علامه آملی شیعی مذهب بود وسفری به بیت‌الحرام کرد و گویا پس ازمرگ سلطان ابوسعید درهرج ومرجی که رخ داد ازسلطانیه به‌شیرازمهاجرت کردودرهمانجا وفات یافت.

ازآثار معروف او کتاب «نفایس الفنون» است که گویا در اواخر عمر تألیف کرده وبه نام ابواسحق اینجو ساخته است. دیگر ازآثار او «شرح کلیات قانون ابوعلی سینا» و«شرح کلیات کتاب طب سیدشرف الدین»

ایلاقی و«شرح مختصرالاصول ابن حاجب»و«تهذیب الاصول علامه حلی» علامهٔ آملی درفنون وعلوم مختلف استاد بود .

آیین اکبری (ك) تألیف شیخ ابوالفضل دکنی وزیر وپیشکار اکبرشاه(رجوع شود به اکبرنامه).

آیینهٔ اسکندر (ش–د) یا آئینهٔ سکندر.آیینه‌ای بود که بربالای منار اسکندریه، که ازبناهای اسکندر برکنار دریای‌روم بود،نصب‌شده اوضاع فرنگ و کشتیها را ازصدمیل نشان می‌داد . شبی براثر غفلت پاسبانان فرنگیان آن را درآب انداختند و اسکندریه را برهم زدند .

در شعر فارسی گاهی «آئینهٔسکندر» مترادف‌با«جام‌جم»آمده‌است · (رجوع به این کلمه)

آیینهٔ سکندرجام می است بنگر

تا برتو عرضه دارد احوال ملک دارا

«حافظ»

آیینهٔ اسکندری (ك) ازجملهٔ پنج مثنوی امیرخسرو دهلوی که آن را درسال ۶۹۹ به تقلید اسکندرنامهٔ نظامی ساخته است .

ابجد - رجوع شود به حساب ابجد .

ابراهیم (تن) ابراهیم خلیل‌الله؛از پیغمبران وپسرآزر بت‌تراش بود . ابراهیم نمرود ومردم را ازبت پرستی باز می‌داشت وبه پرستش خدای یگانه دعوت می کرد ، ولی نمرود دعوت اورانپذیرفت وسرانجام به راهنمائی ابلیس‌دستورداد که ابراهیم را گرفتند ودرآتش انداختند. به‌فرمان‌خدای‌تعالی آتش‌سردشد و گلستان گشت وابراهیم نجات‌یافت. ابراهیم خانهٔ کعبه را ساخت و حجرالاسود به‌فرمان خدا درآن خانه گذاشته‌شد وازآن ببعد حج فرض شد · ابراهیم ازهاجر کنیزخودپسری

یافت به‌نام اسمعیل ، وچون نذر کرده‌بود که اگرپسری یابد قربان کند، به هنگام چهارسالگی اسمعیل ، ازخداوندفرمان رسید که بایدبه‌عهدش وفا کند. ابراهیم واسمعیل از این کار کراهت نشان ندادند، اما به‌فرمان خدا به موقع گوسفندی رسید تا بجای اسمعیل قربان شود ۰ از آن پس قربانی کردن درکعبه فرض شد ۰

بمان زآتش غوغای حادثات مصون

چنان کز آتش نمرود بود ابراهیم

«انوری»

کلکش ازبهر شرف تسلیم تیغ آمد بلی

سرتبت بفزود اسماعیل را تسلیم او

(خاقانی)

ابراهیم موصلی (ت)ابواسحق ابراهیم بن ماهان معروف به‌ندیم موصلی (که بعدها خود او نام پدرش را به میمون بدل کرده است) از خاندانهای محترم ارجان فارس بود . پدرابراهیم به کوفه مهاجرت کرد . ابراهیم درکوفه متولد شد وپس ازآن به موصل رفت ودرآنجا اقامت گزید وبه موصلی شهرت یافت . علم وفن موسیقی را در موصل وسپس درری نزد جوانویه نام زردشتی آموخت ودختر او شاهک را به ازدواج خود درآورد . وی در دربار هارون الرشید، خلیفهٔ عباسی، مقامی عالی داشت و از پیشوایان و واضعان موسیقی اسلامی به شمار می‌رود .ـوفات ۱۸۸ -

ابلیس (تن) از ملائک مقرب که چون از امرخدا سرپیچید وآدم را مانند دیگران سجده نکرد ، ازدرگاه خدا رانده شد و پس ازآن آدم وحوا را فریب داد وبه خوردن گندم واداشت و موجب بیرون افتادن

ایشان از بهشت گردید .

گفتهٔ بدسگال چون ابلیس دور کردم ازآن چو خلد جناب

«مسعودسعد»

ابن اثیر (ت) ابوالحسن عزالدین علی‌بن محمد وفات- ۶۳۰ - ازسورخان بزرگ که دوران جوانی‌را در موصل وبغداد وشام به‌تحصیل فنون وادب گذراند و پس ازآن در موصل انزوا اختیار کرد . ابن اثیر معاصر با استیلای مغول بود ووقایع زمان قراختائیان و خوارزمشاهیان را تا اواخر ایام سلطان جلال‌الدین مینکربی ضبط کرده است ، از آثار معروف او کتاب «کامل‌التواریخ» است .

ابن‌اسفندیار کاتب (ت) بهاءالدین محمدبن حسن‌بن اسفندیار کاتب .ازکاتبان مشهور ایرانی دراواخر قرن ششم واوایل قرن هفتم . روزگار جوانی را در خدمت ملوك آل باوند گذرانده است . مدتی دربغداد بود ، پس ازآن به ری آمد ، درمدت توقف درری به کتاب امام ابوالحسن یزدادی دانشمند مشهور برخورد وآن‌را ازعربی به‌پارسی ترجمه کرد ومبنای تاریخ طبرستان قرارداد . پس ازآن به آمل وازآنجا به خوارزم رفت وچندسال درآنجا بسر برد ویکی از ترجمه های ابن‌مقفع را دید که ازنامهٔ تنسر به گشنسب شاه‌بود وآن‌رابه فارسی‌ترجمه کرد . ابن اسفندیار کتاب تاریخ طبرستان را درسال ۶۱۳ تألیف کرد وازاین سال ببعد اطلاعی از او دردست نیست .

ابن‌بابویه (ت) شیخ ابوجعفر محمدبن علی قمی معروف به‌شیخ صدوق . وفات ۳۸۱- از فقیهان بزرگ شیعه ومحدثان معروف که‌دارای تألیفات بسیار می‌باشد . وی به قوت حافظه معروف و درنقل احادیث مورد اعتماد بوده است . ازتألیفات مشهوراو کتاب«من لا یحضره‌الفقیه»

است که مرجع علمای شیعه است. مقبرهٔ ابن بابویه درشهرری واقع است.

ابن البلخی (ت) صاحب کتاب فارسنامه. درزمان سلطنت محمدبن ملکشاه سلجوقی درخدمت رکن الدونه خمارتکین، والی پارس، به شغل استیفا مشغول شد و به کسب اطلاع از تواریخ شاهان همت گماشت، کتابهای بسیار مطالعه کرد ومدارك قابل اعتماد فراهم آورد و کتاب فارسنامه رادرتاریخ وجغرافیای فارس تألف کردوبه نام سلطان محمدساخت.

ابن حسام (ت) مولانامحمدبن حسام الدین خوسفی قهستانی. وفات ۸۷۵–از شاعران قرن نهم. قصایدی درمنقبت خاندان پیغمبردارد اثر معروف اوحماسهٔ دینی «خاورنامه» یا «خاوران نامه» است که موضوع آن داستانی است درشرح احوال وسفرهاوحمله های حضرت علی بن ابیطالب به سرزمین خاوران به همراهی مالك اشتروجنگ با قبادشاه خاورزمین. شاعراین منظومه را درسال ۸۳۰ به پایان رسانیده است.

ابن خرداذبه (ت) ابوالقاسم محمد. از جغرافی نویسان مشهور اسلامی و کتاب مشهورش «المسالك والممالك» است که درحدودسال ۲۳۲ هجری تألیف یافته است.

ابن سینا (ت) رجوع شود به ابوعلی سینا.

ابن طیب (ت) ابوالفرج عبداله بن الطیب الجاثلیق. وفات ۴۳۵- ازحکیمان مشهورقرن پنجم. برکتابهای ارسطو و جالینوس شروحی نوشته است. از کتب او «تفسیر مقولات ارسطاطالیس» وچند رساله درمباحث کلام مسیحیان است. آثار اوهمه به زبان عربی است.

ابن عربشاه (ت) ابوالعباس احمدبن محمدبن عبداله بن عربشاه. وفات ۸۵۴-ابن عربشاه باخانوادهٔ خود به امرامیرتیموردرسال ۸۰۳ ازدمشق به سمرقند کوچ کرد. درسمرقندنزد میرسید شریف جرجانی به کسب علم

پرداخت و کتاب مرزبان‌نامهٔ سعدالدین وراوینی را از فارسی به عربی ترجمه کرد. پس از آن به مملکت خوارزم و استرخان و ادرنه سفر کرد. مدتی منشی سلطان محمد اول پادشاه عثمانی گردید، بعد به دمشق بازگشت و از آنجا به زیارت مکه رفت و آخر در شهر قاهره ساکن شد.

از آثار او کتابی است به نام «عجایب المقدور فی نوائب تیمور» در تاریخ امیر تیمور. دیگر از تألیفات او «فاکهة الخلفا» ست به زبان عربی در حکم و آداب و پند و اندرز به سبک کلیله و دمنه و شامل ده باب است. (چاپ مصر ۱۲۳۰ قمری)

ابن العمید (ت) ابن العمید ابوالفضل محمد بن حسین قمی. وفات ۳۶۰ — از وزیران و ادیبان معروف آل بویه. پدرش دبیر ماکان کاکی بود که پس از کشته شدن ماکان به اسارت افتاد و بعد صاحب دیوان رسائل نوح بن نصر شد. ابن العمید بعد از پدر به وزارت رکن الدوله دیلمی رسید و تا پایان زندگی در وزارت آل بویه باقی ماند.

ابن العمید در بلاغت شهرت داشته و در نوشته‌هایش معانی دقیق و صنایع لفظی را باهم جمع کرده است.

ابن فارس (ت) ابوالحسین احمد بن فارس الرازی. وفات ۳۹۰ — از فاضلان و عالمان بزرگ لغت و استاد بدیع الزمان همدانی. از آثار او کتاب «المجمل» در لغت و کتاب «الصاحبی» که آن را به نام صاحب بن عباد تألیف کرده است. این کتاب شامل بحثهائی در زبان عربی و اختلاف لهجه‌های عربی است.

ابن فقیه همدانی (ت) ابوبکر احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهیم همدانی، از محدثان و جغرافی‌دانان مشهور قرن سوم. از معروفترین آثار او «کتاب البلدان» است در جغرافی که آن را به سال ۲۹۰ به زبان عربی

تألیف کرده و علی‌بن حسن شیرازی در حدود سال ۳۰٤ آن را خلاصه کرده است .

ابن فندق (ت) رجوع شود به بیهقی «ابوالحسن»

ابن قتیبه (ت) ابوعبداله محمدبن مسلم الکوفی المروزی الدینوری. وفات ۲۷۶ — ازدانشمندان بزرگ قرن‌سوم که خوداودر کوفه متولد شده وپدرش درمرو . علت انتساب اوبه دینور اقامت اودراین شهر وداشتن سمت قضا درآنجاست . ابن قتیبه درعلوم ادبی و تاریخی شهرت بسیار داشته است و از مهمترین آثارش کتاب «ادب الکاتب» و«کتاب‌المعارف» و «عیون‌الاخبار» است . ابن قتیبه درعلوم حدیث وقرآن و کلام هم آثاری دارد .

ابن مسکویه (ت) رجوع شود به ابوعلی مسکویه

ابن مقفع (ت) روزبه پسر دادویه معروف به عبداله بن مقفع. وفات ۱٤۲ — روزبه‌معروف به عبداله‌بن‌مقفع ازدانشمندان مشهورایرانی که دربصره تربیت شد. چندی کاتب داوودبن یوسف ازحکام بنی امیه بود وپس‌ازانقراض دولت‌اموی به‌خدمت عیسی‌بن علی رسید وبه دست او اسلام‌آورد وبه‌عبدالله موسوم شد و درسال ۱٤۲ به دست‌سفیان بن معاویه،عامل بنی‌عباس، دربصره کشته شد.

ابن مقفع از بزرگان ادب است که به زبان پهلوی وعربی‌آشنائی کامل‌داشته و بسیاری از کتابهای ادبی را از زبان پهلوی به عربی ترجمه کرده‌است. ازکتابهای مشهوری که‌اوبه عربی‌ترجمه کرده است: کلیله‌ودمنه ، خداینامه ، سیرالملوك یا سیرة ملوك‌الفرس، آئین‌نامه ، گاهنامه ، کتاب مزدك ، کتاب التاج است .

ازآثارمهم ابن مقفع کتاب «ادب الکبیر» و«ادب الصغیر» را نیز نام باید برد .

ابن الندیم (ت) ابوالفرج محمد بن اسحق الندیم. وفات ۳۸۰ ه — ازدانشمندان معروف زبان عربی وستاره‌شناس العزیزبالله خلیفهٔ فاطمی. ابن الندیم احاطهٔ کاملی بر کتابهای مختلف داشته است. از آثاراو « کتاب الفهرست» است که دربارهٔ جمیع علوم اسلامی وعلماء و کتب مشهور نوشته شده است .

ابن هندو (ت) ابوالفرج علی بن حسین بن هندو. وفات ۴۲۰— از حکیمان معروف قرن چهارم واوایل قرن پنجم . بعضی او را اهل ری و بعضی اهل طبرستان می‌دانند . این هندو مدتی را دربغداد گذراند وبعد به گرگان رفت و چندی درخدمت شمس المعالی قابوس و شمگیر وپسرش فلک المعالی بسر برد و پس ازآن به نیشابور رفت.

از آثاراو درحکمت «الکلم الروحانیه» «الرسالة المشوقة فی المدخل الی علم الفلسفه» و«کتاب النفس» است.

ابن یامین (تن) برادر یوسف که پس از او نزد یعقوب از همهٔ برادران عزیزتر بود وبرطبق روایات ، هنگامی که یوسف عزیزمصرشد وبرادران یوسف برای خرید غله به‌مصرآمدند، یوسف دستورداد که رطل طلارا درانبان ابن یامین بگذارند تا به‌این بهانه اورا نزد خود نگهدارد ودرنتیجه یعقوب را به مصربکشاند .

چویوسف نیست کزقحطم رهاند

مرا چه ابن یامین چه یهودا

«خاقانی»

ابن یمین فریومدی (ت) امیرمحمود بن امیریمین الدوله طغرائی:

وفات ۷۶۹ — از شاعران قرن هشتم هجری . پدرش شاعر بود ودرخدمت خواجه علاءالدین محمد که ازطرف سلطان ابوسعید بهادر درخراسان مستوفی بود ، شغل دیوانی داشت . ابن یمین هم مدتی به این شغل مشغول بود . وی دراوایل ، خواجه علاءالدین وبعد برادرش خواجه غیاث‌الدین هندو را مدح کرد ؛ وباعلاءالدین محمد به گرگان رفت‌وطغا تیمورحکمران گرگان را مدح گفت وبه‌خراسان و هرات رفت و به مدح امرای سربداران وآل کرت پرداخت .

از حوادث زندگی شاعرآن است که در جنگ زاوه که میان وجیه‌الدین مسعود سربداری و ملک معز الدین حسین کرت واقع شد ، به اسارت افتاد .

این یمین مذهب شیعه وذوق عرفانی داشته وبراثر تجربه‌های گوناگون قطعه‌های سودمند اخلاقی واجتماعی ساخته است . مجموع اشعارش به پانزده هزاربیت می‌رسد . بیشترشهرت‌اودر قطعات اخلاقی است . (دیوان ابن یمین - چاپ‌تهران - ۱۳۱۸ شمسی)

الابنیه عن حقایق الادویه (ك) کتابی‌به‌زبان فارسی درخاصیت دواها . تألیف ابومنصور موفق‌بن علی هروی که درآن نام ۵۸۰ دارو به ترتیب حروف تهجی ذکر شده است . نسخهٔ منحصر این کتاب در کتابخانهٔ وین به خط اسدی طوسی شاعر است که آن را درسال ۴۴۷ بـه اتمام رسانده است و ایـن نسخه قدیمترین نمونـهٔ خط فارسی است .

ابواب‌الجنان (ك) کتابی اخلاقی و دینی به فارسی تألیف رفیع‌الدین محمد واعظ قزوینی. متوفی ۱۰۸۹ هـ ـ که در دورهٔ صفویان تألیف یافته است. (چاپ تهران)

ابواسحق اطعمه (ت) شیخ ابواسحق شیرازی معروف به بسحق از شاعران قرن نهم هجری. قسمت عمدهٔ عمر خودرا در شیراز گذراند وسورد لطف اسکندربن عمرشیخ میرزا نوادهٔ امیرتیمور قرار گرفت. حرفهٔ ابواسحق حلاجی و ازمریدان شاه نعمةالله ولی بوده است. ابواسحق شاعراطعمه واغذیه است. دیوانش شامل مقدمه‌ای است به نثروقصاید وغزلیات و رباعیات ومثنوی و ترجیعات که همه را به تقلید و استقبال شاعرانی مانند ظهیر، خواجو، حافظ، عراقی، عبید، سعدی ودیگران سروده است. همچنین رساله‌ای ازنظم‌ونثرآمیخته‌به نام «ماجرای برنج وبغرا» و«داستان مزعفروبغرا» دارد.

اشعار ابواسحق که شامل اصطلاحات کهنه ومتروك طباخی است ازنظر لغت مهم است. دیگررسالهٔ منظومی دارد به‌اسم «کنزالاشتها» که شامل ۱۰۸ بیت است. (دیوان بسحق اطعمه — چاپ اسلامبول و تهران).

ابوالبشر (تن) رجوع شود به آدم

ابوجعفرمحمدبن‌جریر طبری (ت) رجوع شود به طبری

ابوحفص‌سغدی (ت) ابوحفص حکیم بن احوص سغدی سمرقندی. ابوحفص را برخی اولین شاعر فارسی گوی دانسته‌اند. وی ازموسیقی دانهای اوائل قرن چهارم است و شهرود از اختراعات اوست. شعری که به وی نسبت می‌دهند این است:

آهوی کوهی دردشت چگونه دودا
چوندارد یاربی یار چگونه رودا

ابوحنیفهٔ اسکافی (ت) ازشاعران قرن پنجم. بیهقی دراواخرسلطنت فرخزاد غزنوی با او دوستی یافته و اورا جوانی فاضل وفقیهی دانشمند

خوانده است . ابوحنیفهٔ اسکافی در در بارسلطان ابراهیم غزنوی می‌زیست. بعضی از اشعار او درتاریخ بیهقی و لباب الالباب‌عوفی نقل شده است .

ابوحنیفهٔ دینوری (ت) ابوحنیفه احمدبن داد وَنند دینوری . وفات ۲۸۱—از دانشمندان بزرك قرن سوم هجری. تحصیلات خود را درمدارس بصره و کوفه‌انجام داد وزبان عربی را بخوبی آموخت. پس ازآن دراصفهان به‌تحصیل علم‌نجوم پرداخت ودرادب وهندسه وحساب ونجوم استاد گشت. ابوحنیفه درمسائل مختلف تألیفاتی به زبان‌عربی دارد که مهمترین آنها کتاب «اخبارالطوال» درتاریخ و کتاب«النبات» درعلم طبیعی و کتاب«الشعر والشعراء» و«کتاب الوصایا»ست.

ابوحیان توحیدی (ت)علی‌بن محمدبن‌العباس . وفات. . ٤— از معتزله و فیلسوف و نویسندهٔ مشهور ایران درقرن چهارم . ابوحیان مدتی درخدمت ابن‌العمیدوصاحب‌بن عباد بسربرده وبا ابوعلی مسکویه نویسندهٔ بزرك رابطه داشته است . ابوحیان از دانشمندان بزرگ بود و در نثر روان عربی استادی داشت . چنانکه اورا «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند . ازآثار معروف اوکتاب «المقابسات» است که آراء فلاسفهٔ بزرك آن‌عهدرا درباب‌مسائل مختلف‌وبحث‌های فلسفی ذکر کرده‌است.

دیگر کتاب «الامتاع والموآنسه» و کتاب «الهوامل والشوامل» است .

ابوریحان بیرونی (ت) رجوع شود به بیرونی

ابوزیدالبلخی (ت) ابوزید احمدبن سهل‌البلخی. وفات ۳۲۲— ازنویسندگان وفیلسوفان بزرك ایرانی که‌درفلسفه و کلام وتفسیر استاد بوده است. وی درتفسیر به‌ظواهرآیات اکتفا می کرد. کتابهای‌معروف

او «حدودالفلسفه» و کتاب «اخلاق الامم» و کتاب «صورالاقالیم» است درجغرافیا . اخیراً ترجمهٔ قسمتی ازاین کتاب به‌فارسی به‌دست‌آمده‌است که چند نقشه جغرافیائی نیز دارد .

ابوسعیدابی‌الخیر (ت) فضل‌الدین ابی الخیر محمد بن احمد میهنی-وفات ۴٤٠ هـ - ازعارفان بزرگ و محدثان معروف قرن پنجم. در قریهٔ مهنه ازقراء خاوران خراسان متولد شد . پس از تحصیلات مقدماتی درعلوم دینیه و ادبیات به سرخس رفت و به خدمت شیخ ابوالفضل محمدبن حسن سرخسی رسید و بعد در نیشابور به خدمت ابوعبدالرحمن سلمی نائل شد . ابوسعید در عرفان به مقام ارشاد رسید ومیان مردم نفوذ بسیاری بدست آورد . درمجالس وعظی که ترتیب می‌داد،اشعارفارسی‌می‌خواند؛ومی‌توان گفت که‌وی اولین‌سخنگوئی‌است که افکار عارفانه را باشعر بیان کرده است . در تفسیر و حدیث وفقه وادبیات‌نیز اطلاع کامل داشت.دوتن‌ازنوادگان‌شیخ دربارهٔ‌او کتابهائی نوشته‌اند . یکی محمدبن منورکه کتاب «اسرارالتوحید فی‌مقامات‌شیخ ابی‌سعید»رادرشرح‌حال‌اوتألیف کرده‌ودیگر کمال‌الدین‌محمد که‌در کتاب «حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر» شرح حال و گفتاراو را بیان کرده است .

ابوسلیک گرگانی (ت) ازشاعران قرن سوم ومعاصر عمر ولیث صفاری.منوچهری او را درشمار استادان بزرگ خوانده است . ابیاتی ازاو درتذکره‌ها ضبط است .

ابوالشرف‌ناصح گلپایگانی (ت) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن المنشی الجرفادقانی. ازشاعران و دبیران فاضل در بار الغ بیگ که به وصایت ابوالقاسم علی‌بن حسن وزیر الغ بیگ به ترجمهٔ تاریخ یمینی

پرداخت واین کتاب را درسال ۶۰۳ به پایان رسانید .

ابوشکور بلخی (ت) از شاعران معروف قرن چهارم هجری که دردربار نوح بن نصرسامانی می‌زیسته است. اولین شاعری است که مثنوی ساخت ، منظومه‌ای به ابوشکورنسبت داده‌اند به نام «آفرین نامه» که درحدودسال ۳۳۶ سروده شده وابیات متفرقی ازآن باقی است .

ابوطاهر خاتونی (ت) وفات ۵۳۲-علت‌شهرت او به‌خاتونی‌آن است که وی‌متصدی امور ومستوفی گوهر خاتون زوجهٔ محمدبن‌ملکشاه بوده است. ابوطاهراز فاضلان واعیان دولت سلجوقیان بوده ودرشاعری ونویسند گی فصاحت وظرافت داشته‌است. ازآثار او «مناقب‌الشعرا» بوده است که اکنون دردست نیست ولی دولتشاه ازآن نام برده است .

دیگر «تاریخ آل سلجوق» که آنهم موجود نیست .

ابوطیب‌مصعبی (ت) ابوطیب‌محمدبن حاتم‌المصعبی. ازکاتبان نصربن احمد که گویا بعد از عزل ابوالفضل بلعمی چندی منصب وزارت یافت ومطابق نقل ثعالبی در«یتیمة‌الدهر» به فرمان آن پادشاه کشته شد . ابوطیب ازشاعران زبردست درزبان فارسی وعربی بود .

ابو العتاهیه (ت) اسمعیل بن‌قاسم. وفات ۲۱۱—از ایرانیانی که به‌عربی‌شعرسروده‌اند. این‌شاعر درادبیات عرب مقام مهمی‌داردودرمدح وغزل استاد بوده است .

ابوالعلاء شوشتری (ت) از شاعران و ادیبان قرن چهارم. وی کتابی درعروض به پارسی نوشته که ازقدیمترین کتابها در علوم ادبی پارسی‌است. اشعاری از او درترجمان البلاغة وحدائق السحر به‌عنوان شاهد آورده شده است .

ابوعلی بلخی (ت) ابوعلی‌محمدبن‌احمدالبلخی. از نویسند گان

نیمهٔ دوم قرن چهارم وازقدیمترین کسانی است که به نوشتن شاهنامهٔ منثور پرداختند و بنا به گفتهٔ ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه، شاهنامه‌اش بسیار معتبر و مورد اطمینان و بیشترمستند به‌روایات کتبی بوده است تا شفاهی .

ابوعلی بلعمی (ت) رجوع شود به بلعمی

ابوعلی سینا (ت) شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبداله سینا. وفات ۴۲۸-ابوعلی‌سینا پزشک و فیلسوف و نویسندهٔ ایرانی که مقام وزارت داشت‌وازبزرگترین‌حکیمان وعالمان جهان بشمار می‌آید. پدرش اهل بلخ بود . ابوعلی ابتدا دربخارا پرورش یافت ودرده‌سالگی قرآن وبسیاری ازعلوم ادب را آموخت ومنطق و اقلیدس والمجسطی را نزد ابوعبداله‌الناتلی که ازرجال مشهورقرن چهارم بود ، آموخت. پس‌ازآن به مطالعهٔ علم الهی وطبیعی وطب‌وریاضی پرداخت ودر۱۸ سالگی از تحصیل علوم فارغ شد وبراثر معالجهٔ نوح بن‌منصورشاه سامانی، به‌دربار سامانیان‌راه یافت وچون کارسامانیان‌براثرغلبهٔ آل افراسیاب آشفته شد، به گرگانج پایتخت امراء مأمونیهٔ خوارزم رفت و به خدمت خوارزمشاه علی‌بن‌مأمون محمدرسید ونزد اوتقرب یافت. پس‌ازگرگان‌به‌ری‌وهمدان رفت و در حدود نه سال در همدان ماند و بر اثر معالجهٔ مرض قولنج شمس‌الدولهٔ دیلمی، پسر فخرالدولهٔ دیلمی، به دربار اوراه یافت وپس‌از چندی به مقام وزارت رسید . بعد از شمس‌الدوله در زمان پسرش به اتهام مکاتبه با علاءالدولهٔ کاکویه به زندان افتاد . پس از رهائی از زندان به‌اصفهان رفت وبه خدمت علاءالدوله کاکویه درآمد. وهمه جا درسفر وحضر وحتی درسفرهای جنگی با او بود، تا درسال ۴۲۸ که باعلاءالدوله به‌همدان‌رفت، درآنجا درگذشت و همانجا مدفون گردید.

ابوعلی‌سینا مردی نیرومند بود و به سبب همین نیروی جسمانی می‌توانست باشغل وزارت و کارهای سیاسی ورنج سفر، پیوسته به‌مطالعه وتحقیق وتألیف و تصنیف بپردازد. ابوعلی در علوم حکمت و فلسفه وطب وریاضی استادی داشت ودرهمهٔ رشته‌ها تألیفات فراوان از او در دست است.

آثار ابوعلی‌سینا بسیار متعدد است ودرحدود ۲٤۰ کتاب ورساله ازاو نام می‌برند که بسیاری‌ازآنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است.

ازمعروفترین‌آثار ابوعلی‌سینا کتاب شفا، قانون، اشارات، نجات، دانشنامهٔ علائی است.

شیخ علاوه برمقام شامخی که در علوم مختلف داشت، دارای مقام ادبی قابل توجهی بوده است.

از جملهٔ رسالات‌ادبی‌او کتاب «اسباب‌حدوث‌الحروف»، یا «مخارج الحروف» است که به وسیلهٔ دکتر پرویزخانلری استاد دانشگاه به‌فارسی ترجمه شده ودرچاپخانه دانشگاه به چاپ رسیده است.

اشعار فارسی که به‌ابن‌سینامنسوب است بیست ودوقطعه می‌باشد که درتذکره‌ها ضبط است. اشعارعربی اوبیش از فارسی‌است وقصاید معروفی دارد ازقبیل قصیدهٔ عینیه وقصیدهٔ شکوائیه وجزاینها

ابوعلی‌مروزی (ت) ابوعلی بن الحسین المروزی از شاعران اواخرقرن ششم‌وآغاز قرن هفتم. ابوعلی مروزی‌مداح علاءالدین‌اسکندر ثانی محمدبن‌علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۹۷—۶۱۷) بوده است. عوفی دو قصیده از او درلباب الالباب آورده. رباعیاتی هم به نام او ثبت است.

ابوعلی‌مسکویه (ت) ابوعلی الخازن احمدبن محمدبن یعقوب

معروف به ابن‌مسکویه. وفات ۴۲۱ ﻫ - ابوعلی‌مسکویه ازنویسندگان بزرگ وازمورخان مشهور اسلامی است. وی در خدمت عضدالدوله دیلمی می‌زیست وچندی خازن کتابخانه ابن‌العمید بود؛ به همین جهت خازن لقب گرفت.

ابوعلی به طب وفلسفه و کیمیا بسیار علاقه داشت وآثارفراوانی دراین علوم ازاو باقی است. ازجمله: الطهارة فی‌علم الاخلاق، کتاب فی‌جواب المسائل الثلث، آداب العرب و الفرس، جاویدان‌خرد، و از مهمترین آثارش «تجارب‌الامم» درتاریخ است.

ابوالفتح بستی (ت) نظام الدین عمیدابوالفتح علی بن محمد. وفات میان ۴۰۱ و۴۰۳ - ابوالفتح ازشاعران عهد غزنوی و اواخر قرن چهارم، مدتی دربست سمت دبیری بایتوز، امیر بست، را داشت. چون ناصرالدین سبکتکین برباپتوز غلبه کرد، ابوالفتح را به دبیری خود خواند وابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود ودرابتدای سلطنت محمود نیز درشغل خود باقی ماند، سپس مغضوب سلطان قرار گرفت و از دربار او رفت. ابوالفتح درشعر و نثر عربی استاد بود ودو دیوان پارسی وتازی به او نسبت داده‌اند که در دست نیست. بعضی ازاشعارفارسی اودرلباب‌الالباب ومجمع‌الفصحاء نقل شده‌است

ابوالفتوح رازی (ت) جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد بن احمدالخزاعی. وفات درحدود ۵۵۲ - ازعالمان بزرگ شیعه واز مفسران مشهور. وی ازاولاد بدیل‌بن ورقاء خزاعی است که از بزرگان صحابهٔ حضرت رسول ص بوده است. اجداد ابوالفتوح درایران سکونت‌اختیار کردند و ایرانی‌شدند وعده‌ای ازآنان درنیشابور و عده‌ای‌در ری اقامت کردند. ابوالفتوح درری به وعظ اشتغال داشت وهمانجا وفات کرد.

از آثار معروف او «روح الجنان» است که تفسیر معتبری از قرآن کریم است. دیگر «شرح الشهاب». و «رسالهٔ حسینیه» است در مسئله امامت.

ابوالفرج اصفهانی (ت) ابوالفرج علی بن الحسین الاصفهانی. وفات ۳۰۶-از ادیبان بزرك عرب در قرن‌چهارم وسعاصر آل بویه. ازآثار معروفش کتاب«الاغانی»است که‌مورد توجه‌صاحب بن عباد وعضدالدوله دیلمی‌قرار گرفت. این کتاب اطلاعات دقیق وسودمندی دربارهٔ‌شاعران عربی زبان وموسیقی دانان واشعاری که به‌الحان موسیقی‌خوانده‌می‌شده وهمچنین داستانها وروایاتی دربارهٔ رجال وامیران آن روزگار دربردارد

ابوالفرج رونی (ت) ابوالفرج بن مسعود رونی. از شاعران‌دورهٔ دوم غزنوی که‌دردربارسلطان ابراهیم‌بن‌مسعود (۴۵۱—۴۹۲)وپسرش مسعودبن‌ابراهیم(۴۹۲—۵۰۸) بسرمی‌برده وایشان‌را مدح کرده است. بامسعودسعد دوستی داشته ویکدیگررا درشعرستوده‌اند.

ابوالفرج درشعر شیوهٔ نوی پدیدآورد وسبك دورهٔ اول غزنوی‌را کنار گذاشت. قصایدش باتغزل شروع نمی‌شود و جز در چند مورد از ابتدا به مدح ممدوح می‌پردازد. دراشعارش لغات‌عربی و افکار علمی واستعارات وتشبیهات فراوان دیده‌می‌شود وبه اوزان دشوار وردیفهای دشوارمی‌پردازد. سبک ابوالفرج مورد توجه شعرای بعد، خاصه‌انوری قرار گرفته است. (دیوان‌ابوالفرج رونی-چاپ‌تهران)

ابوالفضل بیهقی (ت) رجوع شود به بیهقی

ابوالفضل دکنی (ت) ابوالفضل بن‌مبارك. وفات ۱۰۱۳- شیخ ابوالفضل پسر شیخ مبارك وبرادرشیخ فیضی دکنی. پدرش اهل یمن بود وخود درسال ۹۵۸ دردکن متولد شد و سمت وزارت و پیشکاری

اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱٤) را یافت .

شیخ ابوالفضل با آنکه دراصل عرب بودو درهندزاده شده بود، به اصلاح زبان فارسی علاقهٔ بسیاری داشت وبسیار کوشید که نثرفارسی را ازلغات عربی منزه کند ولغات دری بجای آنها بگذارد ، ازینرو سبک نثررا تغییرداد ، نامه هائی راکه از دربار دهلی به اطراف می‌فرستاد به سبک تازه‌می‌نوشت . یعنی درآنهالغات عربی‌بسیار کم‌و گاهی سراسر،لغات فارسی خالص بکارمی‌برد .

ازآثار شیخ ابوالفضل «اکبرنامه» است درتاریخ شاهی اکبرشاه وخانوادهٔ او و«آیین‌اکبری» در روش‌حکومت اکبرشاه . دیگرتلخیص وتهذیبی ازکلیله ودمنه است به نام «بهاردانش» . ابوالفضل در سال ۱۰۱۳ کشته شد .

ابو الليث طبری (ت) ازشاعران ابتدای عهد غزنوی . از حال اواطلاعی دردست نیست . ابیاتی ازاودرلباب‌الالبات ومجمع‌الفصحاء و ترجمان البلاغه ضبط است .

ابو المعالی رازی (ت) وفات ٥٤١-ازشاعران معروف‌قرن‌ششم ودورهٔ سلجوقی .قصائدی درمدح ابوالفتح مظفر دارد که وزارت بر کیارق وسنجر را داشت و بدست باطنیان به قتل‌رسید . درلباب‌الالباب ومونس الاحراراشعاری از او باقی است . وی مذهب‌شیعه داشت وحضرت‌علی وآل اورا مدح کرده است .

ابو المعالی نصر الله بن محمد بن عبد الحمید منشی (ت) وفات درنیمهٔ‌دوم‌قرن‌ششم-ازمنشیان دربارغزنوی.ابوالمعالی‌مورد‌لطف‌بهرامشاه غزنوی(٥١٢-٥٤٧)بوده وسمت دبیری‌اوراداشته‌است‌وپس ازاودردربار خسروملک سمت وزارت یافته است ولی سرانجام بر اثر سعایت دشمنان

مغضوب گشته وبه حبس افتاده است .

ازآثاراوترجمهٔ کلیله ودمنه به زبان فارسی است که انشاء استادانه‌اش مورد توجه مترسلان قرن ششم به بعد قرار گرفته است .

ابومعشر بلخی (ت) جعفربن محمد عمرمعروف به ابومعشر. وفات ۲۷۲-ازریاضی دانان ومنجمان قرن سوم واز شاگردان یعقوب بن اسحق کندی، فیلسوف مشهور عرب، ابومعشر ابتدا فلسفه آموخت وبعد به علم نجوم پرداخت . منجمان معروف به اقوال وآراء وی متمسک می‌شدند .

ابومعشر صاحب تألیفات بسیار است . از آن جمله کتابی از او باقی است به نام «رساله دراتصال کواکب وقرانات». دیگر کتاب «المواليد والادواروالالوف»

ابومنصور محمد بن عبدالرزاق (ت) وفات ۳۵۰ — از بزرگزادگان طوس که در حدود سال ۳۳۰ از جانب ابوعلی احمدبن محمد بن مظفربن محتاج چغانی ، سپهسالار خراسان، حاکم طوس شد . هنگامی که بوعلی برپادشاه سامانیان طغیان کرد، ابومنصورجزوشورشیان درآمد ، پس ازآن بجای بوعلی سپهسالارخراسان شد . چندی بعد ، از عمال سامانی شکست خوردوبه ری وآذربایجان گریخت. سرانجام باپادشاه سامانی صلح کرد وبه طوس بازگشت وباز به سپهسالاری خراسان رسید سپس وقتی به خیال اتحاد بارکن الدوله دیلمی افتاد وبه گرگان خوانده شد . وشمگیربن زیار از این حال آگاه شدو او را بوسیلهٔ یوحناء طبیب مسموم کرد .

ابومنصوربراثرعلاقهٔ مفرط به ایران وتاریخ ایران ابومنصورالمعمری را مأمور تدوین شاهنامه کرد وهمین کتاب که به نثرفراهم آمده بود، مأخذ مهم شاهنامهٔ فردوسی ودقیقی گشت .

ابومنصور موفق بن علی هروی(ت) ازنویسندگان قرن پنجم. ازآثار معروف او کتاب «الابنیه عن‌حقایق‌الادویه» است که آن‌را درسال ٤٤٧ به زبان فارسی تألیف کرده ونام ٥٨٥ دارو را درآن ذکر کرده است. نثرکتاب بسیار روان وساده است.

ابوالمؤید بلخی (ت) ازشاعران دورهٔ سامانی و نیمهٔ اول قرن چهارم. مولدش بلخ است و ازکسانی است که پیش از فردوسی به تصنیف شاهنامه پرداختند. ابوالمؤید بلخی اولین کسی‌است که قصهٔ یوسف وزلیخا را به‌پارسی‌منظوم ساخته،ولی ازآن چیزی دردست‌نیست. کتاب دیگری نیز به او منسوب است که صاحب تاریخ سیستان به‌آن اشاره کرده است وآن «عجایب‌البلدان» در عجایب دنیاست.

شاهنامهٔ ابوالمؤید کتاب‌بزرگی به‌نثر بوده است، شامل بسیاری ازروایات وداستانهای ایرانی که اغلب آنها درشاهنامهٔ فردوسی وسایر منظومه‌های حماسی ذکر شده است. این کتاب بزرك ومفصل ازمیان رفته‌وتنهاقسمتی که ازآن در دست مانده‌قطعه‌ای‌ازکتاب گرشاسب‌است که‌صاحب‌تاریخ‌سیستان درکتاب خودآن را نقل کرده‌است. این‌قسمت ازقدیمترین‌قطعه‌های‌منثور زبان فارسی‌است که ازقرن چهارم‌مانده‌است.

ابوالهیثم (ت) خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی. از شاعران وفاضلان اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم. وی ازمعتقدان مذهب اسمعیلی بوده و ناصرخسرو در «جامع‌الحکمتین» از او یاد کرده است. ازاشعار ابوالهیثم تنها قصیده‌ای باقی است که حاوی پرسشهائی در بارهٔ مسائل فلسفی بدون جواب است که بعدها ناصر خسرو شاعر و نویسندهٔ اسمعیلی آن را شرح کرده است. همچنین ابوسعید محمدبن سرخ نیشابوری، شاگرد ابوالهیثم ،کتابی مفصل درشرح عده‌ای از

ابیات آن نوشته است .

این شرح که درنیمهٔاول قرن پنجم تألیف‌یافته وجواب‌پرسشهای فلسفی ابوالهیثم‌است،ازنظر فلسفه و کلام وازحیث‌انشاء پارسی درشمار کتابهای خوب قرن پنجم است .

ابو الفداء (ت) اسمعیل بن علی‌بن محمود ملقب به‌الملک‌الموید والملک‌الصالح صاحب حماة . وفات ۷۷٤-ازامیران فاضل که‌دردمشق متولد شد وپس ازکسب دانش در جنگهای صلیبی شرکت کرد و به خدمت‌الملک‌الناصرپیوست وازجانب او به امارت حماة رسید وبه لقب الملک الصالح والملک‌المؤید ملقب گشت .

ابوالفداء درفقه وطب وحکمت وهیئت خاصه درتاریخ و جغرافی استادی داشت . ازآثارمعروفش درجغرافی کتاب «تقویم‌البلدان» ودر تاریخ «المختصرفی‌اخبار البشر» ودرفقه « کتاب الحاوی» است . دیگر کتاب «الکناش» و«الموازین» را نام برده‌اند .

اتصال (نج) رجوع شود به اجتماع .

اتصال نجوم خاطر او فیض‌طبع‌سرانوید گراست

«خاقانی»

اثیر (نج)طبقه‌ای‌ازآسمان‌بالای کرهٔ‌هوا که‌آن‌را کرهٔ‌آتش‌نیز گویند.

برشوند ازپل‌آتش که اثیرش خوانند

پس سر مائدهٔ جنت ماوی بینند

«خاقانی»

اثیر اخسیکتی (ت) اثیرالدین . وفات‌۶۰۸-ازشاعران مدیحه سرای قرن ششم که از ریاضی وفلسفه هم‌بااطلاع بوده است . وی معاصر ومداح رکن‌الدین ارسلان‌بن طغرل (۵۵۵—۵۷۱) بوده است . دیگر

از ممدوحان او شمس‌الدین اتابک‌اعظم ایلدگزواتابک جهان پهلوان نصرة‌الدین محمدبن‌ایلدگز ومظفرالدین اتابک قزل ارسلان بن‌ایلدگز فرمانروای‌آذربایجان بوده‌است. اثیر درشیوهٔ سخن‌سرائی ازانوری وسنائی پیروی کرده وچند قصیده به سبک خاقانی سروده است و بامجیر بیلقانی رقابت داشته‌ویکدیگر را به‌تعریض یاتصریح هجا گفته‌اند. اثیربه‌آوردن ردیفهای دشوارومعانی صعب علاقه داشته‌است.

(دیوان اثیر — چاپ تهران)

اجتماع (نج) حالت‌ماه‌است هنگام «محاق» که درآن حال کرهٔ ماه از همه وقت به خورشید نزدیکترمی‌شود و درست درمقابل او قرار می گیرد. این حال را «اتصال» نیز گویند.

ماه را نیکوئی همی گفتیم　　　که‌دریغی به‌اجتماع ومحاق

«انوری»

احتراق(نج)اجتماع سیارات‌راباآفتاب‌احتراق گویندمگراجتماع ماه راکه «محاق» خوانند

بیرون شد از احتراق بهرام　　　واورد به شاه ماه پیغام

احسن‌التواریخ (ك) تألیف حسن بیک روملو ازفاضلای زمان شاه‌طهماسب. این کتاب در اواخر قرن دهم هجری تألیف یافته و در آن، وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۴ و سلطنت شاه‌طهماسب شرح داده شده است.　(چاپ کلکته)

احیاءالعلوم (ك) از آثار معروف امام محمد غزالی به زبان عربی. موضوع کتاب مسائل اخلاقی و دینی است وغزالی خلاصهٔ آن را به زبان فارسی نیز نوشته و آن را «کیمیای سعادت» نامیده است.

اخبارالطوال (ك) کتابی در تاریخ عمومی به زبان عربی، تألیف ابوحنیفه احمدبن داودونددینوری. دراین کتاب تاریخ از زمان آدم شروع می‌شود و به قتل افشین ومرگ معتصم درسال ۲۲۷ پایان می‌پذیرد.

ابوحنیفه وقایع را ازهم‌جدا نمی کند ورشتهٔ مطلب‌رانمی گسلد، بلکه تاریخ را مانند حکایت و داستان شروع می کند و بدون انقطاع ختم می کند. وقایع را بدون تصریح نام راوی ذکر می کند وحوادث تاریخی را به اختصار می گوید وبیشتر به وضع اجتماعی وشرح امارات و حکمرانیها و ارتباط خلفا و ممالک دست نشانده و فرستادن امیران و حکمرانان می‌پردازد. مخصوصاً نهضتهای سیاسی ومذهبی و انقراضها و پیشرفتها را بسیار دقیق شرح می‌دهد.

سبک نوشتهٔ کتاب اخبارالطوال بسیار ساده است.

اخلاق‌الاشراف (ك) رساله‌ای به نثرآمیخته به نظم. از آثار عبید زاکانی که آن را به‌سال ۷٤۰ هجری‌تألیف کرده است. موضوع کتاب «اخلاق الاشراف» انتقاد اخلاق بزرگان و اشراف عهد مؤلف است که نویسنده‌با بیانی شیرین آن را برای نمودن فساد جامعه نگاشته وسراسر آن را باحکمت وپند آمیخته است. این کتاب شامل هفت‌باب درفضایل اخلاقی یعنی حکمت، شجاعت، عفت، عدالت، سخاوت، حلم، حیا و وفا، است.

اخلاق جلالی (ك) تألیف جلال‌الدین‌محمدبن اسعدالدوانی که به خواهش سلطان خلیل سلطان پسراوزون‌حسن آق قوینلو درنیمهٔ‌دوم قرن نهم تألیف یافته است. بیشتر مطالب این کتاب که عنوان آن «لوامع‌الاشراق فی‌مکارم الاخلاق» است به گفتهٔ خود مؤلف ازاخلاق

ناصری تألیف خواجه‌نصیرالدین طوسی اقتباس شده وحاوی مطالبی در تدبیر منزل و سیاست مدن می‌باشد . انشاء کتاب متکلفانه ومصنوع است . (چاپ لاهورولکهنو)

اخلاق‌محسنی (ك) کتابی در صفات پسندیده ومبانی اخلاقی درچهل باب ،تألیف حسین واعظ کاشفی که آن را به‌نام ابوالغازی‌سلطان حسین بایقرا در سال ۹۰۰ هجری تألیف کرده است . اخلاق محسنی در هندوستان رواج بسیار داداشته‌است .

اخلاق ناصری (ك) کتابی درحکمت‌عملی واصول اخلاق .تألیف دانشمند بزرك خواجه نصیرالدین طوسی که آن رادرحدود سال ۶۳۳ به زبان فارسی وبنا به خواهش ناصرالدین عبدالرحیم ابن ابی منصور حاکم اسمعیلیه درقهستان تألیف کرده است . مؤلف قسمت اول کتاب را ازکتاب‌اخلاق‌ابن‌مسکویه به‌نام «الطهارة» اقتباس کرده ودرقسمت دوم به تدابیر المنازل ابن‌سینا و در قسمت سوم به کتاب فارابی نظر داشته است .

درمقالهٔ اول ازحکمت وشجاعت و عفت و عدالت بحث می کند وحکمت را به هفت نوع تقسیم می کند: ذکاء ، سرعت فهم ، صفای ذهن ، سهولت تعلم ، حسن تعقل ، تحفظ ، تذکر .

مقالهٔ دوم درتدبیر منزل ومقالهٔ سوم درسیاست مدن است .

اخوان‌الصفا (ت)دسته‌ای‌ازحکمای‌ایرانی‌درقرن‌چهارم هجری . این دسته‌خواسته‌اند که عقایدفلاسفهٔ‌یونان رابامبانی دین‌اسلام سازش دهند و به فرقهٔ خاصی بستگی‌نداشته‌اند، بلکه بسیاری از مسائل دینی را باعقاید فلاسفه منطبق می کردند وچنانکه اظهارکرده‌اند باهیچیك ازادیان وعلوم دشمنی‌نداشته وکتابهای مختلف فلسفی‌را مورد استفاده

قرارداده وبه همهٔ کتابهای آسمانی اعتقاد داشته‌اند .

ادب الصغیر (ك) تألیف عبداله بن المقفع که نویسنده درتألیف آن از متن کتابهای پهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب میان نویسندگان عرب معروف بوده وابن قتیبه در کتاب «عیون الاخبار» ازآن نام برده‌است .

ادب الکبیر (ک) معروف به درة الیتیمه تألیف عبدالله بن المقفع . مؤلف درتألیف این کتاب از کتابهای پهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب بین مؤلفان کتابهای ادب مشهور بوده و مورد استفادهٔ آنان قرارگرفته است . اثر تمدن و فرهنگ ایرانی در این کتاب به خوبی نمایان است ونویسنده درچند مورد به گفته های حکیمان ایران استشهاد کرده‌است.

ادریس (تن) از پیغمبران . گویند که علم نجوم معجزهٔ اوست و ازطوفان نوح خبرداد وچون عمرش به هشتصد وشصت‌وپنج سال رسید، از ملك الموت خواست تا روحش را به امر خدا قبض کرد و بهشت و دوزخ را به او نشان داد . ادریس چون از بهشت بیرون آمد به بهانهٔ آنکه نعلین را آنجا فراموش کرده‌است، بازگشت ودربهشت‌ماند .

بمیر ای دوست پیش ازمرگ اگر عمر ابد خواهی

که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش ازما

«سنائی»

ادیب‌پیشاوری (ت) سید احمدبن شهاب رضوی متوفی ۱۳۴۹ قمری — ادیب پیشاوری فرزند سید شهاب الدین اهل پیشاور . وی‌مقدمات علوم رادرپیشاور آموخت ودر جنگی که میان اقوام هندی باقوای دولتی درگرفت ، پدر وخویشانش به قتل رسیدند واو موفق‌شد که خودرا به کابل برساند . ادیب پیشاوری پس ازچندی‌اقامت درکابل به غزنین و هرات و تربت شیخ جام ومشهد سفرکردونزد دانشمندان

معروف به تحصیل پرداخت. درسی سالگی نزد حاج ملا هادی سبزواری به کسب دانش مشغول گشت و در سال ۱۳۰۰ هجری به تهران آمد و در همانجا اقامت کرد. ادیب به علوم قدیم و ادبیات عرب و ایران احاطه داشت. دیوان او مشتمل بر ۴۲۰۰ بیت فارسی و ۳۷۰ بیت عربی است به ضمیمهٔ دو رساله یکی در بیان قضایای بدیهیات اولیه، دیگر در تصحیح دیوان ناصرخسرو

یک مثنوی دارد بنام قیصرنامه شامل وقایع جنگهای بین المللی که دارای متجاوز از ۱۴۰۰۰ بیت است.

(دیوان چاپ تهران)

ادیب صابر (ت) شهاب الدین صابربن اسمعیل ترمذی. مقتول درحدود ۵۴۲ هـ — از شاعران قرن ششم واصلش از ترمذ است، ولی بعد به مرو وبلخ وخوارزم رفت ومدتی سلطان سنجر را مدح گفت واز طرف او به رسالت نزد اتسز رفت و چندی در خوارزم ماند. وقتی که اتسز دانست که ادیب صابر نهانی خبرهائی از دربار او برای سنجر می فرستد دستورداد تا او را درجیحون غرق کردند.

ادیب صابر، درسبک شاعری بیشتر پیرو عنصری وفرخی است، وبارشید وطواط مشاعره داشته است.

دیوان ادیب صابر مشتمل است برقصاید وغزلیات.

(چاپ تهران)

ادیب الممالک فراهانی (ت) میرزا صادق حکیم. وفات ۱۳۳۶ هـ.ق — ازفرزندان میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی وزیر محمدشاه قاجار. ادیب الممالک از آزادیخواهان به شمار می رفت و مدتی روزنامهٔ ادب را انتشار می داد. درابتدای جوانی «پروانه» تخلص داشته ولقب امیر الشعرائی یافت وبه «امیری» مشهور گشت. ادیب الممالک در عصر

مشروطیت وانقلاب وکشمکش های سیاسی می‌زیست. از اینرو اشعار فراوانی درانتقاد اوضاع زمان واجتماع خود دارد . ادیب‌الممالک در علوم ادب و لغت فارسی و عربی و علم انساب و تاریخ عرب استاد بوده است . دیوان او شامل قصاید وقطعات واشعار جد و هزل ومدح وذم درانتقاد جامعه وتحریک حس میهن پرستی است .

(دیوان ـ چاپ تهران)

ادیب‌نیشابوری (ت) شیخ عبدالجواد وفات ۱۳۴٤ ه . ق— شیخ عبدالجواد فرزند ملاعباس نیشابوری که درچهارسالگی از مرض آبله از یک چشم نابینا گشت وبا وجود ضعف بینائی تا۱٦ سالگی در نیشابور به خواندن مقدمات علوم دینی پرداخت . سپس فنون ادبی را آموخت وبیشتر اوقات را به مطالعهٔ ادبیات فارسی وعربی صرف کرد . علاوه براین درفنون ریاضی وهیئت وطب دست یافت . دیوانش قریب شش‌هزار بیت دارد . رساله‌ای هم درجمع بین عروض فارسی و عربی ورساله‌ای درشرح معلقات سبع وچند جزوه درتلخیص‌شرح خطیب‌تبریزی برحماسهٔ ابی تمام نوشته است . اشعار او به نام لآلی مکنون درمشهد به چاپ رسیده است .

اذاله (زحاف)(ع) درمستفعلن افزودن الف است قبل ازنون که می‌شود مستفعلان وآن را مذال خوانند .

اردشیر بابکان (ش — ت) پسر ساسان ازدختر بابک، مطابق نقل شاهنامه،ساسان پسردا راپس‌ازکشته شدن پدر به هندوستان گریخت وفرزندان اوتاچند پشت درهندوستان ماندند . پسرچهارم به اسم‌ساسان به پارس آمد و نزد بابک حاکم استخربه سرشبانی رسید . شبی بابک خواب دیدکه ساسان برپیل ژیان نشسته و هرکس به نزدش

می‌آید او را نماز می‌برد . بابک ساسان را خواست وچون دانست که ازنژاد شهریاران است ، دختر خود رابه وی‌داد واز او اردشیر به‌وجود آمد ، اورابزرگ کردند وفرهنگ آموختند ، اردوان چون آوازهٔ اردشیر را شنید اورا از بابک خواست و جوانی شایسته‌اش یافت ولی پس از چندی به علت درشتی که با پسراردوان کرد ، او را به نگهبانی اسبان شاهی برگماشت . اردشیر باگلنارکنیزك اردوان به پارس فرارکرد و طرفداران بابک را جمع کرد وبه جنگ اردوان رفت واورا شکست داد ودخترش راگرفت‌وبه پارس برگشت . شهر «خرهٔ اردشیر» را ساخت و برتخت شاهی نشست. دختر اردوان به خونخواهی‌پدر خواست‌اردشیر را زهردهد ، شاه‌دریافت واو را به وزیر خود سپرد تاهلاك کند . وزیر چون دانست ملکه باردارد ، فرمان را به‌کارنبست و او را نگاه داشت تا شاپوربه وجود آمد . چون شاپور به هفت‌سالگی‌رسید ، اردشیرازاین رازآگاه شد وازداشتن چنان پسری خشنودگشت .

رسالهٔ پهلوی«کارنامک ای ارتخشیر ای پاپکان» درشرح وقایع زمان این پادشاه ساسانی است که با افسانه آمیخته است وفردوسی‌مفاد آن‌را درشاهنامه به نظم آورده است .

اردشیر دراز دست (ش - د) اردشیر درازدست لقب بهمن،شاه ایران بود .

شنیدستم که بر پای ایستاده

رسیدی تا به زانو دست بهمن

«منوچهری»

اردوان (ش—ت) آخرین پادشاه‌اشکانی که پاپک‌نیای اردشیر ازطرف او فرمانروای استخر بود . اردوان چون آوازهٔاردشیر نوادهٔ بابک

را شنید ، اورا از پدر خواست وعزیزش داشت ، اما ناگهان براوخشم گرفت وبه نگهبانی اسبان وادارش کرد . اردشیر باکنیزك اردوان به اسم گلنار فرارکرد ولشکری جمع آورد وبه جنگ اردوان رفت و او را کشت ودخترش رابه‌زنی گرفت.

ارژنك، ارتنك (ش — د) نام کتاب منسوب به‌مانی نقاش که دارای تصاویر زیباودلاویز بوده است.

تنش چون نامهٔ ارژنگ زیبا
میان چون خامهٔ مانی مصور
«مسعودسعد»

ارسال‌المثل (ب) : آن است که شاعر مثل معروفی را در شعر بیاورد یا مصراعی بگوید که حکم‌مثل پیدا کند وقبول عامه یابد

بابط می‌گفت ماهیی در تب و تاب
باشد که به جوی رفته بازآید آب
بط گفت چو من قدید گشتم تو کباب
«دنیا پس‌مرگ‌ما چه دریا چه سراب»

ارسال‌المثلین (ب) آن است که شاعر دریک بیت دومثل آرد ، یعنی هریک از دو مصراع شعر یک مثل باشد .

چنین کنندبزرگان چوکرد باید کار
چنین نماید شمشیر خسروان آثار
(عنصری)

ارسطا طالیس (ت)رجوع شودبه‌ارسطو

ارسطو (ت) حکیم یونانی شاگرد افلاطون و معلم اسکندر. ارسطو به معلم اول معروف است .

ارکان اربعه رجوع شود به‌چهار ارکان.

ارکان عروض (ع) ارکان ازاصطلاحات عروض وشامل سبب و وتد وفاصله می‌باشد. رجوع شود به این کلمات.

ارم یا **ارم ذات‌العماد** (تن) باغی که شداد ساخت و در روزگار مانند نداشت. ودرشعرفارسی کنایه از باغهای بسیار مصفاست:

در گلستان ارم دوش چو ازلطف هوا
زلف سنبل زنسیم سحری می‌آشفت...

«حافظ»

ارمن (د) نام سرزمینی است که برطبق داستان خسرووشیرین، مهین بانوعمهٔ شیرین برآن حکومت می کرد.

ارنی (تن) اشاره به قصهٔ موسی که به خدا گفت: «رب ارنی انظرالیک» پروردگارا، خودرا بمن بنما تا بسوی تو بنگرم. جواب آمد «لن ترانی» یعنی هرگز مرا نخواهی دید.

با توآن عهد که در وادی ایمن بستیم
همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم

«حافظ»

ازاحیف (ج زحاف) (ع) رجوع شود به زحاف.

ازرقی (ت) ابوبکر زین‌الدین بن اسمعیل وراق هروی. وفات درحدود ٤٦٥ - ازشاعران زبردست قرن پنجم. پدرش اسمعیل وراق همان کسی است که فردوسی پس از فرار از غزنین به خانهٔ او رفت. ازرقی دردستگاه شمس‌الدوله ابوالفوارس طغانشاه بن ارسلان سلجوقی که درزمان سلطنت الب ارسلان حاکم خراسان بود، تقرب یافت واورا مدح گفت. ازممدوحان دیگرازرقی امیرانشاه بن قاورد ازسلجوقیان کرمان بود.

ازرقی جز قصیده در داستانسرائی نیز مهارت داشت . از جملهٔ آثاری که به او نسبت داده‌اند «الفیه‌وشلفیهٔ» منظوم است . دیگر قصهٔ «سندباد» است که ازرقی به نظم آورده است ، ازرقی درآوردن تشبیهات غریب ووصف وتصویردقیق اشیاء ، استادی‌داشت. ودرمدح لحن مبالغه آمیزی بکار می‌برد . (دیوان ازرقی — چاپ تهران ـ دانشگاه)

ازهری‌هروی (ت) ابومنصورمحمدبن احمد . متوفی ۳۷۰ ـ از عالمان بزرك ادب ولغت،درعربستان به‌جمع لغت‌مشغول گشت وبسیاری از لغات و اصطلاحات اصلی زبان عرب را فرا گرفت . از آثار مشهور او درلغت کتاب «التهذیب» است .

اساس‌الاقتباس (ك) کتابی در منطق به زبان فارسی ، تألیف ابوجعفر محمدبن حسن طوسی ملقب به‌نصیرالدین که آن‌را درسال ۶۴۲ تألیف کرده‌است. خواجه‌نصیرالدین درتنظیم‌این کتاب به روش کتاب شفا مطالب را به نه بخش تقسیم کرده و هریك از بخش‌ها را مقاله نامیده است . این‌مقاله‌ها دربارهٔ مدخل منطق، مقولات عشر، عبارات ، علم‌قیاس ، برهان ، جدل ، مغالطه ، خطابه ، شعر می‌باشد .

اساس‌الاقتباس پس‌ازکتاب شفای ابوعلی‌سینا بهترین‌وجامعترین کتابی است درفن منطق که مؤلف درآن تمام فنون منطق را به فارسی ساده بیان کرده است . این کتاب را رکن‌الدین محمدبن علی فارسی استرابادی که از فاضلان نزدیك عصر خواجه بود ، به عربی ترجمه کرده است . (چاپ دانشگاه تهران — ۱۳۲۶)

اسباغ (زحاف) (ع) افزودن حرفی ساکن است درسببی که‌آخر جزء باشد · فاعلاتن می‌شود فاعلاتان ؛ وبجای آن فاعلیان می گذارند وآن را مسبغ می‌خوانند .

استرابادی (ت) میرزا مهدیخان استرابادی منشی نادرشاه که سرآمد منشیان آن دوره بود ودرنویسندگی قدرت و پختگی داشت ولی دربعضی آثارش تصنع وتکلف پیداست . ازآثارمعروف‌او«جهانگشای نادری» و«درهٔ نادره».

استعاره (ب) نوعی از مجاز است و آن چنان است که لفظی را به‌مناسبت کمال شباهت دریکی از صفات به‌جای لفظ دیگر به کاربرند چنانکه مرد دلیر را «شیر» بخوانند از روی اشتراك و مشابهتی که‌میان این‌دو درصفت شجاعت هست. وبعضی گفته‌اند که‌استعاره عبارت است از مبالغه درتشبیه یعنی به جای آنکه بگویند چیزی مانند چیزی دیگر است گفته شود که این عین‌آن یک است ودراستعاره همیشه ادات‌تشبیه محذوف‌است، چنانکه دراین‌شعرنهنگ‌برای«اسب»واژدهابرای« کمند» استعاره شده است .

همی تاخت اندرمیان دوصف نهنگی بزیر اژدهائی به کف

استغنائی نیشابوری (ت) ابوالمظفر نصر بن محمد استغنائی نیشابوری . ازشاعران قرن چهارم ومعاصر آل‌بویه وآل سامان . از حال او اطلاعی دردست نیست . ازآثارش ابیات پراکنده‌ای باقی است .

استقبال (نج) حالت‌ماه‌درشب«بدر» که درآن حال‌ماه‌باخورشید مقابله پیدا می کند .

اجتماع ماه بود امروز و استقبال بخت

کاوفتاداین ذره‌راباچون توخورشیدالتقا

اسحق (تن) پسرابراهیم خلیل‌الله . اسحق دوپسر داشت به‌نام عیص ویعقوب. یعقوب رمهٔ گوسفندان‌را دوست داشت واسحق شکار را . روزی اسحق‌ازپسران گوشت‌بریان خواست وچون‌یعقوب برهٔ بریان کرده

رازودترفراهم کرد ، اسحق او رادعا کرد وپیغمبری به‌او و اولادش رسید.

اسحق موصلی (ت) ابومحمد اسحق بن ابراهیم موصلی. وفات ۲۳۵- اصلا ایرانی وازخاندانهای معروف فارس وپسرابراهیم پسرماهان ارجانی، اونیزبه‌مناسبت شهرت پدرش به‌موصلی شهرت یافت. وی دردستگاه خلافت مأمون ومعتصم عباسی می‌زیست، درعلم موسیقی وریاضی استادی کامل بود ودرفن حدیث ولغت ونحومهارت داشت. شعرنیزمی‌سرود.

اسد (نج) ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه‌شکل شیر. برج اسد برابر ماه مرداد است.

اسد در پیش خرچنگ ایستاده

کمان کردار دم بر سر نهاده

اسدی طوسی (ت) ابونصر علی‌بن احمداسدی‌طوسی. ازشاعران بزرگ و از حماسه سرایان معروف قرن پنجم که کتاب گرشاسب‌نامه را درسال ۴۵۸ به‌نام ابودلف‌حکمران اران‌ونخجوان ساخته‌است. اسدی درانقلابات خراسان و غلبهٔ سلاجقه ، به آذربایجان رفت و باعده‌ای از سلاطین آنجا آشنا شد. ازممدوحان اسدی‌امیر ابودلف پادشاه نخجوان وشجاع الدوله ابوشجاع اند. ازآثار دیگر اسدی فرهنگ لغات فرس یا «لغت‌فرس»است. مؤلف این کتاب را بعد ازگرشبنامه تألیف کرده‌ونام آن را ذکر کرده است. دیگر ازآثارمنظوم او قصائد مناظرات می‌باشد شامل‌مناظرهٔ آسمان وزمین ومغ ومسلمان وغیره

اسدی به‌تاریخ ۴۴۷ نسخهٔ کتاب الابنیهٔ ابومنصور موفق هروی را به خط خود استنساخ کرده وآن‌قدیمترین نسخهٔ‌خطی‌فارسی است که دردست است ودر کتابخانهٔ ملی وین موجود است.

اسرارالتوحید (ك) اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید.

ازآثار شیوای زبان‌فارسی. مؤلف این کتاب محمدبن‌منور ازنوادگان‌شیخ ابوسعیداست که این کتاب‌را دربارهٔ‌احوال واخبار و کرامات جدخویش نگاشته وروایات واطلاعاتی درآن جمع‌آورده وبه ابوالفتح غیاث‌الدین محمدبن سام شاه غوری (متوفی سال ۵۹۹) تقدیم کرده است. تألیف این کتاب بین سالهای ۵۵۳ و ۵۹۹ انجام گرفته است. انشاء اسرار التوحید بسیار ساده‌است‌و کلمات‌وترکیبات‌مهجورعربی درآن کم است.

(چاپ تهران - ۱۳۳۲)

اسرارالحکم (ك) کتابی درحکمت الهی به زبان فارسی تألیف حاج ملاهادی سبزواری از فیلسوفان وحکیمان معاصر ناصرالدین شاه قاجار. مؤلف در این کتاب‌بیشتربه اثبات توحید و اصول عقایداسلامی پرداخته است. این کتاب مکررچاپ شده است.

اسطرلاب (نج) کلمه یونانی به معنی آئینه نجوم. آلتی است مدور که‌دوائر وخطوط‌بسیاربرآن منقوش است وبرای تعیین‌ارتفاع آفتاب وستارگان به کار می‌رود.

نگاه کردم‌از دور سن تلی دیدم
که‌چاه‌ژرف‌نماید ازآن‌بلندعقاب
که گرسنجم بروی‌شود، چنان بیند
بروج‌چرخ که‌بی‌غم‌شود زاسطرلاب

(مسعودسعد)

اسفزاری (ت) ابوحاتم‌المظفربن‌اسعمیل‌اسفزاری. وفات ۵۱۵- ازدانشمندان بزرگ قرن پنجم ومعاصرحکیم عمرخیام. درعلم هیئت وریاضی‌استاد بود. ازآثارش سه رساله دردست است. به نام «اختصار اصول اقلیدس» به عربی ورسالهٔ «آثارعلوی یاکائنات جو و«الشبکة»

به فارسی . کتاب « کائنات‌جو » را به نام فخرالملک‌بن نظام الملک نوشته وشهمردان‌بن ابی الخیر معاصر اسفزاری آن را درکتاب نزهت نامه علائی درفصل آثار علوی آورده است .

اسفزاری (ت) معین‌الدین محمد اسفزاری ازمورخان معاصر دورهٔ تیمورکه به‌شغل انشاء وترسل‌اشتغال داشته وکتاب تاریخ هرات را به نام سلطان حسین ابوالغازی تألیف کرده است .

اسفندیار (ش — د) پسر گشتاسب وملقب به روئین تن که به فرمان پدر به جنگ ارجاسب رفت وپس ازگذشتن از هفتخوان و فتح روئین‌دژ، ارجاسب را کشت وازپدر تخت وتاج خواست . پدربرای دفع الوقت اورا نزد رستم فرستاد تا آن پهلوان نامدار را دست بسته‌به‌درگاه آورد . رستم به این ننگ‌تن در نداد وکار به جنگ انجامید.دراین جنگ ، پس ازدلاوریهای دوحریف ، رستم به دستور سیمرغ اسفندیار را باتیری که ازچوب گز ساخته بود ، کورکرد واسفندیار از آن زخم جان سپرد . داستان جنگ رستم واسفندیار ازقطعه‌های بسیار زیبای شاهنامه است .

اسکندر (ش — د) بنا بر روایت شاهنامه‌پسر داراب از دختر قیصرروم که نزد پدر بزرگ تربیت یافت وبادارا پسر دیگرداراب، شاه ایران ، جنگ کرد .دراین‌جنگ ، داراجروح‌شد وچون اسکندر آن‌خبر راشنید ، خود را به بالین دارا رساند وزارگریست وخواست که پزشک حاضرکند ، اما سودی نکرد ودارا پس ازوصیت جان داد . اسکندر پس ازدارا بنابروصیت او دخترش «روشنک» را به‌زنی گرفت وبه هند و مصرلشکر کشید . در هند پیری او را ازشگفتیها خبر داد و جای تاریکی را به اونشان دادکه درآن‌چشمهٔ آبی بود ،که هرکس ازآن

بخورد، هرگز نمی‌میرد . هنگامی که اسکندر بسوی تاریکی می‌شتافت، درروشنائی کوهی دید. از کوه بالا رفت. اسرافیل را دید ،صوری به دست وسنتظرفرمان که درصور بدمد . اسکندر را آوازداد که برای تاج و گنج آنقدرآزار به خود راه ندهد . اسکندر باناله فرود آمد و به طرف باختر رفت . مردم از جانورانی شکایت کردند به نام یا جوج و مأجوج که گوشهایشان به اندازه‌ای است که یکی را بستر ودیگری را روی پوش سازند . اسکندر باعده‌ای از دانشمندان به گذرگاه یأجوج ومأجوج رفت وبه‌فرمان او دیوارهای بلندی ساختنداز آهن وسنگ و گچ وقیرو باساختن این سد مردم را از شر یأجوج ومأجوج رهانید .

اسکندر نامه (ك) یکی از پنج‌مثنوی معروف‌نظامی،داستانسرای بزرك ایران درقرن‌ششم، که‌شامل دوقسمت است . قسمت اول‌شرفنامه است که نظامی آن را به نام اتابك نصرة‌الدین ابوبکربن محمد جهان پهلوان از اتابکان آذربایجان ساخته است وقسمت دوم اقبالنامه است به نام ملک عزالدین ابوالفتح مسعود پسر نورالدین ارسلان صاحب موصل . کتاب شرفنامه شامل داستان اسکندر است ، از تولد تافتح ممالك‌ومراجعت‌به‌روم ، واقبالنامه درحکمت‌وپیغامبری اسکندر است . در این کتاب، نظامی به داستان‌اسکندر درشاهنامهٔ‌فردوسی‌نیزنظرداشته‌است .

اسکندرنامه (ك) کتاب مفصلی به نثر ، مشتمل برافسانه‌های منسوب به اسکندر ذوالقرنین . این کتاب‌ظاهراً درعصر صفویه تدوین شده واز افسانه‌های عامیانهٔ ایران است که رواج بسیار دارد وچندین باربه‌چاپ رسیده است .

اسکندرنامه (ك) کتابی در داستان اسکندربه نثر، از آثارقرن ششم هجری .

(دربارهٔ این کتاب رجوع کنید به «سبک شناسی» ملک الشعراء بهار - جلد دوم)

اسمعیل بن حماد جوهری فارابی (ت) رجوع شود به جوهری

اسیر (ت) میرزا سیدجلال اسیراصفهانی . وفات ۱۰۷۹-ازسادات اصفهان ومعاصرشاه عباس ثانی . اساس شعر را بر مضامین دقیق وخیال پردازی نهاده ومورد تقلید طرفداران سبک هندی قرار گرفته است . اسیر دارای غزلهای لطیف است وقصایدی درمدح خاندان پیغمبر دارد .

اشارات (ك) الاشارات والتنبیهات آخرین وبهترین کتاب درحکمت، تألیف دانشمند بزرك ابوعلی سینا که شامل دوقسمت است . قسمت اول در علم منطق وقسمت دوم درعلم طبیعی والهی . خواجه نصیرالدین طوسی بر این کتاب شرحی نوشته است بنام «حل مشکلات الاشارات»

اشارات و تنبیهات (ك) ترجمهٔ کتاب الاشارات والتنبیهات ابوعلی سینا به زبان فارسی که ظاهراً درحدودقرن ششم به فارسی درآمده است .

اشباع (ق) ازحرکات قافیه . حرکت دخیل .مانند حرکت یاء در دوکلمهٔ شمایل و قبایل در این شعر سعدی

چشم بدت دور ای بدیع شمایل ماه من و شمع جمع و میر قبایل

اختلاف حرکت دخیل جایزنیست مگر وقتی که روی به حرف وصل پیوندد .

مثال ازسعدی :

ای نفس اگر به دیدهٔ تحقیق بنگری
درویشی اختیار کنی بر توانگری
مردی گمان مبر که به پنجه است وزور و کتف
با نفس اگر برآئی دانم که شاطری

اشتقاق (ب) آن است که شاعر الفاظی به کار برد که از یک اصل مشتق باشد. مانند کلمه های مداین و مدین در این شعر

شنیدم من که برپای ایستاده
رسیدی تا به زانو دست بهمن
رسد دست تو از مشرق به مغرب
ز اقصای مد این تا به مدین
(منوچهری)

اشعة اللمعات (ك) - کتابی به زبان فارسی درشرح کتاب لمعات شیخ فخرالدین عراقی که مولانا عبدالرحمن جامی درسال ۸۸۶ آن را به خواهش امیر علیشیر نوائی تالیف کرده است. این کتاب شامل یک مقدمه و ۲۸ لمعه است. جامی درمقدمهٔ کتاب می گوید که چون عده‌ای ازقبول عقاید مندرج درکتاب لمعات عراقی استناع کردند ، اوناچار به تفسیر وشرح آن گشت واز کتابهای دیگر مشایخ صوفیه نیز استفاده کرده است . بنابراین بعد از مقدمه، نکته های مختلف عرفانی را به انضمام سؤال وجواب شرح داده وبه این طریق کتاب را تفسیر می کند وبه قطعهٔ ملمع عربی وفارسی آن را ختم می کند .

اصحاب کهف (تن) کهف به معنی غاراست واصحاب کهف شش تن بودند که درعهددقیانوس به خداپرستی گرائیدند وازترس او شبانه گریختند . درراه شبانی با ایشان همراه شد، خواستند که سگ شبان را به شهر بازگردانند ، ولی سگ به سخن درآمد و گفت « من نیزآن کس را می‌طلبم که شما می‌طلبید .» دست از اوبازداشتند وهمگی به غاری رفتند وخوابیدند. پس از سیصدونه سال بیدار شدند ، یکی از ایشان به شهر رفت تا طعامی فراهم کند، چون سکه به‌نام دقیانوس بود، طباخ

او راپیش فرمانروای‌شهر برد. فرمانروا زبان‌اورانمی‌فهمید ، دانشمندی را حاضر کرد که زبان او را دریافت و واقعه رادرك کرد . همگی‌برای زیارت‌آن عده به غار رفتند تا ایشان‌را باتجلیل واحترام‌به‌شهربیاورند ، ولی اصحاب کهف به‌این امر تن درندادند ودعا کردند تاخدای تعالی مرك برایشان فرستاد .

سگ اصحاب کهف روزی‌چند پی نیکان گرفت و مردم‌شد

«سعدی»

اصطخری (ت) ابواسحق ابراهیم بن‌محمد الفارسی‌الاصطخری معروف به کرخی از دانشمندان قرن چهارم هجری که کتاب مشهوری به زبان عربی درجغرافیا دارد به نام «المسالك والممالك»

اصفهانی (ت) ابوالفتح محمودبن‌محمد بن قاسم الاصفهانی‌از مترجمان‌وریاضی‌دانان قرن‌چهارم که‌ترجمهٔ کتاب‌المخروطات‌اپولونیوس راکه به توسط هلال بن ابی هلال‌الحمصی و ثابت‌بن قره انجام گرفته بود ، تکمیل کرد وتفسیری برآن نوشت .

اضافه(ط)ازمقولات‌عشر.مفهوم‌اضافه،وجودچیزیست که‌تصورش باتصور چیزدیگری توأم باشد وبدون آن دیگری به عقل درنیاید،مثل تصور پدری وبسری ؛که بدون یکدیگر ممکن نیست .

اطناب : (ب) آن است که ترتیب معانی کمتر از الفاظ باشد

من وتوایم من وتوکه در جهان نبود

من و ترا به هنر جزمن و تو یاروقرین

اعتدال (نج)دونقطه‌ازمنطقةالبروج است که‌زمین چون‌در گردش خود به دور آفتاب به آن نقاطبرسد ، شب‌وروز در آن یکسان می‌شود. اعتدال برد وگونه است اعتدال ربیعی ـ اعتدال‌خریفی

اعتدال خریفی (نج) اول پائیز که در آن شب و روز مساوی می‌شود

اعتدال ربیعی (نج) اول بهار که در آن شب و روز مساوی می‌شود

اعتماد السلطنه (ت) میرزا محمد حسن خان صنیع الدوله علی مقدم مراغه‌ای. محمد خان صنیع الدوله رئیس انطباعات دولتی دربار ناصرالدین شاه که در سال ١٣٠٤ ﻫ لقب اعتماد السلطنه یافت. هرسال کتابی زیر نظر صنیع الدوله در مطبعهٔ دولتی به چاپ می‌رسید و روزنامهٔ «ایران» نیز به ریاست او هفته‌ای سه شماره منتشر می‌شد. روزنامه‌های کوچک دیگر مانند «مرآت السفر و مشکوة الحضر» در سرگذشت مسافرت شاه در اردوی شاهی و «روزنامهٔ علمی» مصور و روزنامهٔ «شرف» در زمان او و به همت او انتشار یافت.

ازآثار اعتماد السلطنه کتاب مرآت البلدان، مطلع الشمس، المآثر والآثار، تاریخ ایران، منتظم ناصری، خیرات حسان است.

اعنات (ب) آن است که گوینده در کلام ملزم به چیزی شود که لازم نیست وآن را الزام مالایلزم گویند مانند شمایل وقبایل در این شعر

چشم بدت دورای بدیع شمایل

ماه من و شمع جمع و میر قبایل

که سعدی تاآخر غزل یاء ماقبل لام را التزام کرده است.

اغراق (ب) آن‌است که گوینده در وصف کسی یاچیزی مبالغه کند.

آه سعدی اثر کند در سنگ نکند در تو سنگدل اثری

افاعیل(اصلی) (ع) از ترکیب وتقدیم وتأخیر ارکان عروض ده وزن (به عقیدهٔ شمس قیس مؤلف المعجم فی معائیر اشعار العجم) به‌وجود می‌آید که بنای همهٔ اشعار عرب وعجم بر آن نهاده‌شده است وعروضیان آنها را «افاعیل» می‌خوانند از این قرار: فعولن، فاعلن، مفاعیلن،

مستفعلن،فاعلاتن،مفاعلتن، متفاعلن، مفعولات، فاع لاتن،مس تفع لن.

ازترکیب این افاعیل سه صورت حاصل می‌شود. ترکیب یک سبب ویک وتد، دوسبب ویک وتد، یک وتد ویک فاصله.

ازترکیب یک وتد ویک سبب صورتهای ذیل حاصل می‌شود:

۱-اگر وتد برسبب مقدم باشد،وزن فعولن به وجود می‌آید، مانند مخور غم

۲- اگرسبب بر وتدمقدم باشد،وزن فاعلن به وجود می‌آید،مانند غم مخور

ازترکیب دوسبب ویک‌وتدشش صورت حاصل می‌شود. ازاین‌قرار:

ترکیب دوسبب ووتد مقرون سه صورت دارد

۱- اگر وتد مقرون بردوسبب مقدم باشد،مفاعیلن به وجودمی‌آید. مانند مخورغم رو

۲- اگر دوسبب بروتد مقرون مقدم باشد،مستفعلن به‌وجودمی‌آید، مانند رو غم مخور

۳- اگر وتد مقرون درمیان دوسبب قرار گیرد،فاعلا تن به‌وجود می‌آید،مانند غم مخور رو

ترکیب دوسبب و وتد مفروق نیز سه صورت دارد

۱- اگر دو سبب بر وتد مفروق مقدم باشد،مفعولات به وجود می‌آید. مانند دل شد تازه

۲- اگر وتد مفروق بردوسبب مقدم باشد،فاع لاتن به‌وجودمی‌آید. مانند تازه شد دل

۳- اگر وتد مفروق میان دوسبب قرار گیرد،مس تفع لن به وجود می‌آید. دل تازه شد

ترکیب یک وتد و یک فاصله دو صورت دارد

۱- اگر وتد بر فاصله مقدم شود، مفاعلتن به وجود می‌آید. مانند بتا چکنم

۲- اگر فاصله بر وتد مقدم شود، متفاعلن به وجود می‌آید. مانند چکنم بتا

در اصول عروض پارسی بیش از هفت جزء یا فعل از افاعیل ده گانهٔ فوق استعمال نمی‌شود. از این قرار: مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن، مفعولات، فاع لاتن، مس تفع لن، فعولن

افاعیل(فرعی) افاعیل فرعی بیست‌وشش است از این قرار:

مفاعیلُ، مفاعیل، فعولن، فاعلن، مفعولن، مفعولُ، مفعول، مفاعلن، فاع، فع، فاعلات، فعلاتن، فعلات، فعلن، فع لن، فاعلان، فعلان، مفتعلن، فعولان، مفعولان، فعولُ، فعول، فعل، فع لان، مفاعیلان، فاعلیان. (فعولن) هم در اصول به‌شمار آمده است و هم در فروع

افسر (ت) شیخ الرئیس محمد هاشم میرزا. وفات ۱۳۰۹ ق- محمد هاشم میرزا افسر فرزند نورالله میرزا در سبزوار متولد شد و درهمان شهر به تحصیل علوم قدیم مانند منطق ومعانی وبیان وحساب وهندسه پرداخت. علوم معقول و منقول را نزد حاج میرزا حسن حکیم داماد حاجی سبزواری آموخت. افسر در مجلس شورای ملی از دورهٔ دوم تا دورهٔ نهم نمایندگی داشت وچندین بار عهده‌دار نیابت ریاست مجلس بود. افسر مؤسس انجمن ادبی ایران است. وی در اشعار خود اغلب مضامین نو واوزان غیر مبتذل اختیار کرده ودر نقد شعر نیز دست داشته است.

(دیوان افسر - چاپ تهران)

افضل الدین کاشی (ت) افضل الدین محمد بن حسین مرقی کاشانی وفات ۷۰۷- افضل الدین معروف به بابا افضل از حکیمان وادیبان قرن

هفتم واهل مرق از توابع کاشان . بابا افضل تألیفات بسیار به زبان فارسی دارد.مانند جاودان‌نامه ، و«ترجمه رسالهٔ نفس ، ارسطو«المفید للمستفید»،ره‌انجام‌نامه، انشائنامه، رسالهٔ عرض،رسالهٔ درمنطق و غیره.

بابا افضل ازکسانی است که مطالب علمی وفلسفی را به‌فارسی محکم‌وموجز نوشته‌است وبا آنکه لغات فراوان‌پارسی بجای اصطلاحات عربی به کاربرده است،بهیچوجه از فصاحت وروانی‌ترجمه نکاسته‌است. عبارات درنثر او بسیارکوتاه و فهم آن برای کسانی که به اصطلاحات علمی آشنا باشند،بسیار آسان است .

افضل کرمانی (ت) افضل‌الدین‌ابوحامداحمدبن‌حامد کرمانی . وفات ۶۳۲-از نویسندگان آخر قرن ششم که در تسلط غزان برکرمان درآن‌شهر می‌زیست. وی‌معاصر ملک دینار بود که‌درسال۵۸۳ به کرمان استیلا یافت و شاهد کشاکشهای عمال‌اتابک‌فارس ، سعدبن زندگی ، وقطب‌الدین مبارز وسلطان محمد خوارزمشاه بود . چنانکه ازفصل‌آخر کتابش برمی‌آید ، بعد از شروع انقلابات‌کرمان چندسال سمت‌کتابت پسران طغرلشاه را داشت . پس ازآن جلای وطن اختیارکرد و رو به سوی خراسان نهاد ودرکوبنان متوقف شد وپنج سال‌آنجا ماند . پس‌از آن به یزد رفت ودرسال ۵۸۴ به‌کرمان بازگشت . از آثاراو کتاب «عقدالعلی‌للموقف‌الاعلی» و «بدیع‌الازمان فی‌وقایع کرمان» و«المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان» است .

اقبال (ت). عباس اقبال آشتیانی. وفات ۱۳۳۴ش-عباس‌اقبال درسال۱۳۱۴ قمری‌متولد گردید وتحصیلات‌خود را درمدرسهٔ دارلفنون تهران به‌پایان رساند ودرکتابخانهٔ‌عمومی وزارت معارف به کارمشغول شد. سپس درمدارس‌علوم سیاسی ونظام ودارالمعلمین عالی به‌تدریس

پرداخت ، پس از آن سفری به پاریس کرد وازدانشگاه سوربن به اخذ لیسانس دررشتهٔ ادبیات نائل آمد . پس از بازگشت،دردانشگاه‌تهران به تدریس پرداخت ودرسالهای آخر عمر به سمت مستشار فرهنگی در ترکیه وایتالیا اجرای وظیفه می کرد،تادرسال ۱۳۳۴ دررم فوت کرد . ازجملهٔ کارهای پرارزش اقبال انتشار مجلهٔ «یادگار» در سال ۱۳۲۳ است . اقبال به زبان فرانسه تسلط کامل داشت وچندین کتاب ازاین زبان به فارسی‌ترجمه کرده است . همچنین درتصحیح و تحشیهٔ بسیاری ازکتابهای ادبی وتاریخی ایران کوشش کرد . از جملهٔ تألیفات او « خاندان نوبختی »و« تاریخ مفصل ایران »و«قابوس وشمگیر زیاری» و«ابن المقفع»و«بحرین وجزایر خلیج فارس» وچند دوره جغرافیا و تاریخ عمومی وتاریخ ایران برای مدارس است .

اقبال (ت) علامه محمد اقبال لاهوری— وفات ۱۳۵۷ هجری قمری—از شاعران بزرك پاکستان که‌به‌زبان فارسی شعر گفته واشعارش دارای ذوق عرفان و اندیشه‌های عمیق است . اقبال درکشورهای انگلستان وآلمان تحصیل کرده‌است ، ازاینرو افکارتمدن مغرب زمین‌را بااندیشه های‌دقیق‌شرقی‌درشعرآمیخته است. آثار او درمجموعه هائی به نام «جاویدنامه»، «پیام شرق» ، «اسرار ورموز »، «ارمغان حجاز»چاپ شده است .

اقتران (نج)رجوع شود به‌قران

اقوا (ق) ازعیوب‌قافیه .اختلاف حذووتوجیه است

مثال اختلاف حذو :

هر وزیر و مفتی و شاعر که او طوسی بود
چون نظام‌الملك وغزالی و فردوسی بود

مثال اختلاف توجیه :

از غصهٔ هجران تو دل پردارم

پیوسته ازآن دیده به خون تردارم

اکبر نامه یاتاریخ اکبری(ك) تاریخ مفصلی تألیف شیخ ابوالفضل دکنی، وزیراکبرشاه، که آن را درآخر قرن دهم هجری درهندوستان و دربارهٔ تاریخ پادشاهی اکبرشاه وتیموریان هند تألیف کرده است. این کتاب درسه جلد است وجلد چهارم آن به نام «آئین اکبری» است دربارهٔروش حکومت وسیاست کشورداری اکبرشاه.

البرز (ش - ت) نام سلسلهٔ کوهی که درشمال تهران واقع است وبرطبق داستان شاهنامه، رستم کیقباد را ازآنجا همراه آورد وبرتخت شاهی نشاند وسیمرغ زال را برفرازآن پرورش داد .

اگر کیقبادم زالبرز کوه　　به زاری فتاده میان گروه

نیاوردمی من به ایران زمین　　نبستی کمربند و شمشیر کین

تراابن بزرگی نبودی و کام　　که گوئی سخنها به دستان سام

« ازشاهنامهٔ فردوسی»

التفات (ب) آن است که نویسنده در اثنای بیان مطلب ، از غیبت به خطاب توجه کند یابه عکس

از غیبت به خطاب :

قرین ومثل ندارد وگرنه می گفتم

بود مقدم اقران و قدوهٔ امثال

خدایگانا در مدحت تو روز دیگر

کنم حدیث که تفصیل دارد این اجمال

از خطاب به غیبت :

ما را جگر به‌تیر فراق تو خسته‌شد

ای صبر در فراق بتان نیک‌جوشنی

الست (تن) یعنی «آیانیستم» اشاره به‌آیهٔ قرآن است که در آن خداوند به‌آدمیان خطاب کرد که «الست بربکم» یعنی «آیامن پرورد گارشما نیستم» «قالوابلی!» یعنی گفتند که «آری» ودرشعرفارسی به‌معنای روزازل آمده‌است

بروای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر

که ندادند جزاین تحفه به ماروز الست

«حافظ»

امام‌فخررازی (ت) رجوع شود به فخررازی

امامی هروی (ت) ابوعبدالله‌محمدبن ابوبکربن عثمان. وفات ۶۶۷- ازشاعران‌قرن‌هفتم ومعاصران سعدی. امامی‌بامجد همگروشاعران‌دیگر سؤال وجواب‌منظوم‌داشته واشعاری‌درمدح‌امیران‌ووزیران کرمان دارد.

ازمجدالدین همگرشعری‌منقول‌است که‌درمعرفی‌امامی کافی است

ما گرچه به نطق طوطی‌خوش نفسیم

بر شکر گفته‌های سعدی مگسیم

در شیوهٔ شاعری به اجماع امم

هرگز من و سعدی به امامی نرسیم

قطعاتی از اشعارامامی درتذکرهٔ دولتشاه وآتشکدهٔ آذرو مجمع الفصحا ضبط است. ونسخهٔ خطی دیوان او هنوزبه چاپ نرسیده است.

امهات‌سفلی یا امهات اربعه (نج) کنایه ازچهارعنصر (آب‌وباد وخاک وآتش)

امیدی تهرانی(ت) ارجاسب مقتول ۹۲۵ــ ازشاعران عهد شاه اسمعیل‌صفوی و ازشاگردان حکیم جلال‌الدین دوانی. بیشتر اشعارش

قصیده‌است وقسمتی از آنها که شامل ۱۷ ورق می‌باشد، درموزهٔ بریتانیا وجود دارد . درمجمع الفصحاء وآتشکده اشعاری از او آمده است .

امیرخسرودهلوی (ت) امیر خسروبن امیرسیف الدین محمود دهلوی. وفات ۷۲۵—ازشاعران بزرگ ایران که درهندوستان(شهردهلی) اقامت داشته وشاهان هندرا مدح کرده‌است . امیرخسرودرحلقهٔ ارادت یکی از مرشدان صوفیهٔ هند به نام شیخ نظام‌الدین اولیاء درآمد .

امیرخسرو درشعر ازسنائی وخاقانی‌ونظامی وسعدی پیروی کرده، خاصه درغزل‌پیرو سبک سعدی بوده‌است، ولی خود او باوجودپیروی ازشاعران دیگر می گوید:«جلد سخنم دارد شیرازهٔ شیرازی» درشعرلحن خاصی داردکه به تدریج‌صورت تازه‌ای یافته و به سبک هندی معروف شده است.دیوان اشعار امیرخسرو برپنج قسمت است .

۱- تحفةالصغرکه دردوران جوانی‌سروده ومرکب‌است‌ازقصاید غزلیات ، ترجیع‌بند ودرآن سلطان غیاث‌الدین بلبان (٦٦٤ — ٦٨٦) وپسرش وشیخ نظام الدین‌اولیاء را مدح کرده است .

۲- واسطةالحیوة که‌درآن‌قصایدی‌درمدح‌شیخ نظام‌الدین اولیاء ونصرةالدین سلطان محمد، پسر بزرگ (بلبان مقتول ٦٧٣) ، و سلطان معزالدین کیقباد(٦٧٦-٦٨٩)دارد.

۳- غرةالکمال که درمقدمهٔ آن ازشعر فارسی ومحسنات‌آن سخن گفته وازشاعران بزرگ‌ایران ، مانند سنائی وخاقانی وسعدی و نظامی نام‌برده وشیخ نظام‌الدین‌اولیاءوسلطان معزالدین کیقباد وجلال‌فیروزشاه (٦٨٩—٦٩٥) وجانشین های اورکن‌الدین وعلاءالدین را مدح کرده است .

٤- بقیة النقیه‌که قسمتی ازآن در مدح علاءالدین محمد شاه

(۶۹۵—۷۱۵) وپسرش وامیران دیگراست‌ود، زمان پیری شاعر سروده شده است .

۵- نهایةالکمال که شامل قصاید درمدح سلطان غیاث‌الدین تغلق (۷۲۰—۷۲۵) ودرمرثیهٔ سلطان قطب‌الدین مبارك شاه (متوفی ۷۲۰) است و اشعار دورهٔ آخر زندگی شاعرست .

قصاید امیر خسرو بسیار طولانی است ودربسیاری از آنها قصاید خاقانی‌رادر نظر داشته‌است وبه‌نظامی هم‌عقیده خاصی داشته وبه‌تقلید ازاو خمسه‌ای ساخته است ، مشتمل برمنظومه‌های زیر :

۱- مطلع‌الانوار

۲- شیرین وخسرو

۳- مجنون ولیلی

۴- آئینهٔ اسکندری

۵- هشت بهشت

امیرخسرو منظومه‌های دیگر نیز مانند قران‌السعدین و نه سپهر و مفتاح الفتوح دارد که در شرح حال و اوصاف شاهان هند است. از کتابهای منثور او « خزائن الفتوح » است، دیگر « رسایل الاعجاز » درفن انشاء .

امیرخسرو را می‌توان بزرگترین شاعر ایرانی مقیم هند نامید

کلیات‌امیرخسرودهلوی چاپ هند

امین احمدرازی (ت) از تذکره نویسان قرن یازدهم و معاصر شاه‌طهماسب . وی پسر خواجه‌میرزا احمد است که‌درسال ۹۳۰ ازجانب شاه طهماسب، کلانتری‌ری‌را داشته است، کتابی درجغرافیا وشرح حال

بزرگان ورجال ادب دارد، به‌نام «هفت اقلیم»

امینی نجار (ت) ابوسرافه عبدالرحمن بن احمد البلخی الامینی النجار. ازشاعران عصر محمود غزنوی . از زندگیش اطلاعی دردست نیست . قصیده‌ای ازاو درلباب‌الالباب عوفی ضبط است .

انفعال (ط) (ازمقولات‌عشر) انفعال عبارت است از قبول کردن تأثیر از غیر. مثل گرم شدن آب ازآتش

انقلاب (نج) دونقطه از منطقة البروج است که زمین چون در گردش خود به دورآفتاب به آن نقاط می‌رسد ، شب وروز به حداعلای تفاوت باهم می‌رسند. انقلاب بردو گونه است : انقلاب صیفی، انقلاب شتوی .

انقلاب شتوی (نج) یا انقلاب‌زمستانی در روز اول زمستان است که روز به منتهای کوتاهی وشب به منتهای بلندی می‌رسد .

انقلاب‌صیفی (نج) یاانقلاب‌تابستانی در روز اول تابستان است که روز به منتهای بلندی وشب به منتهای کوتاهی می‌رسد .

انگشتر سلیمان (تن) انگشتری که‌سلیمان دردست‌داشت وبه‌وسیلهٔ آن برانسان و جانوران پادشاهی‌می‌کرد ودیوی آن راربود وچهل‌روز بجای سیلمان برتخت نشست .

از ملک توگریابم انگشتری زنهار

صد ملک سلیمانم درزیر نگین‌باشد

«حافظ»

انوار (ت) سید علی بن هرون بن‌ابوالقاسم الحسینی‌التبریزی. وفات ۸۳۷—سیدقاسم‌الانوارشا گردشیخ صدرالدین اردبیلی ازاجدادصفویه بوده‌است. وی‌مدتی‌در گیلان اقامت کرد ، بعد به خراسان رفت و در

هرات ساکن شد . درزمان سلطنت تیمور وفرزندش شاهرخ در هرات می‌زیسته‌است،ولی به‌سبب سوءظنی که‌میرزا بایسنقر پسرشاهرخ به اوپیدا کرده بود، ازهرات به‌سمرقندرفت وتحت حمایت‌میرزاالغ بیک قرار گرفت، بعد به خراسان بازگشت ودر خرجرد ازولایت‌جام اقامت کرد وهمانجا وفات یافت .

از آثارقاسم‌الانوار دیوان‌غزلیات او ودوشنوی «انیس العارفین» و«انیس‌العاشقین»است. (نسخهٔ‌خطی کتابخانهٔ‌مدرسهٔ عالی‌سپهسالار)

انوارالتنزیل و اسرارالتأویل (ك) یا تفسیر بیضاوی. تفسیر بسیار معتبری‌ازقرآن به زبان عربی‌تألیف ناصرالدین البیضاوی ازعالمان ومفسران مشهور عصرمغول . تفسیر بیضاوی درمیان عالمان وفاضلان بسیارمعتبر وموردااستفاده بوده‌است، وبه سبب همین تفسیر معروف‌است که بیضاوی به‌مقام قاضی‌القضاتی‌رسیده‌است. شیخ بهائی‌براین تفسیر حواشی وتعلیقات مفصل نوشته است .

انوارسهیلی (ك) یکی از مهمترین آثارادبی زبان‌فارسی،تألیف ملا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی که آن را به نام امیر شیخ احمد سهیلی ازامیران دربار سلطان حسین بایقرا نگاشته است . این کتاب ازروی کتاب کلیله‌ودمنهٔ‌ابوالمعالی‌منشی‌انشاء گردیده‌وماانندآن‌پرازاشعار و امثال عربی است ، مؤلف انوار سهیلی خواسته است که کتابش را به شیوهٔ ساده بنویسد وبه جای امثال واشعارعربی و عبارات مصنوع، اصطلاحات ساده‌تر و امثال فارسی به کار بردتافهم آن آسانتر گردد . بااینحال شیوهٔ نگارش کتاب‌تابع‌سبک متکلف قرن‌نهم هجری است واز لفاظی و عبارت پردازی خالی نیست .

انوشیروان (ش — ت) خسرو اول از شاهان‌ساسانی، پسرقباد .

نام او درعربی به صورت «کسری» آمده ودرادبیات فارسی نیزغالباً به همین صورت به کار رفته است . درزمان پدرش،قباد، مزدك آئین نوی آورد وقباد دین اورا پذیرفت ولی پس ازچندی از او رو برگرداند و کسری به فرمان پدر مزدك و مزدکیان را کشت وچون به تخت‌نشست به کشورداری وآبادی پرداخت ، دختر خاقان چین را گرفت و دوستی ایران وچین را استوار ساخت. درزمان انوشیروان شطرنج ازهندبه‌ایران آمد، همچنین به دستورانوشیروان ، کتاب کلیله‌ودمنه بوسیله برزویهٔ طبیب به ایران آورده شد وبه زبان پهلوی ترجمه گردید. همین ترجمه است که‌درقرن دوم هجری ابن مقفع آن‌را به عربی برگرداند. انوشیروان باقیصر روم جنگید وبراو پیروز شد وقیصر را باژگزارایران کرد .

درادبیات فارسی،انوشیروان نمونهٔ دادگری ورعیت پروری‌است.

انوری (ت) اوحدالدین محمدبن محمد وفات ٥٨٣ — انوری ملقب به‌حجةالحق درقریهٔ بدنه از ولایت ابیورد متولدشد . درجوانی درطوس به تحصیل همت گماشت وعلاوه بر ادبیات، درریاضی وفلسفه وحکمت نیز مهارت یافت . به آثار ابوعلی سینا علاقهٔ بسیار داشت وبعضی ازآنها رابه خط خود نوشت . انوری به‌نجوم هم علاقهٔ‌خاص داشت ومی گویند که در اقتران کواکب سال ٥٨٣ پیشگوئی باد سختی راکرد که حقیقت نیافت .

انوری غیراز سنجر بسیاری از رجال معروف ازقبیل ابوالحسن عمرانی وقاضی‌حمیدالدین صاحب «مقامات‌حمیدی»را مدح گفته است.

انوری از قصیده سرایان معروف‌قرن ششم‌است. وی‌ابتدا درشعر خاوری تخلص می‌کرده ودرقصیده سرائی ازحیث فصاحت لفظ و دقت معنی از پیشینیان سبقت گرفته است. غزلیاتش بسیار لطیف ودل‌انگیز

است ودر هجو نیز ماهر بوده است .

انوری درتغییر سبک سخن فارسی بسیار مؤثر بوده و طریقهٔ تازهٔ او استفاده از زبان محاوره است درشعر . اشعارش گاه سادگی و روانی خاصی دارد وگاه دارای معانی دقیق‌ومشکل میشود . شاعران پس‌از انوری همه اورا به استادی ستوده‌اند .

دیوان انوری چندین بار چاپ شده است .

انیس‌العارفین (ك) منظومه‌ای عرفانی ازآثار سید قاسم‌الانوار (متوفی ۸۳۷) این منظومه دارای مقدمه‌ای به نثر درحمد خدا و۵۰۷ بیت‌است. موضوع کتاب پاسخ به‌پنج سؤال‌است. این سؤالهاعبارت‌است از نفس ، روح ، قلب ، عقل ، عشق ،که شاعر در توضیح هر یک داستانی‌آورده است . ازجمله داستان ملاقات‌شیخ صفی‌الدین جدصفویه باشیخ سعدی شیرازی است. این‌مثنوی ازحیث سبک بیان‌وادای‌معانی، تقلیدی است از مثنوی مولانا جلال‌الدین وبوستان سعدی .

اوحدالدین کرمانی (ت) —شیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی وفات۶۳۵—اوحدالدین ازعارفان معروف ایران واز پیروان و شاگردان شیخ محی‌الدین‌بن العربی . از اوحدالدین آثار فراوانی دردست‌نیست. مثنوی «مصباح الارواح» ازاو باقی است وقطعات پراکنده‌ای درمجمع الفصحا از او نقل شده اشت .

اوحدی مراغه‌ای (ت) رکن الدین اوحدی اصفهانی وفات ۷۳۸-ازشاعران متصوف آذربایجان‌که قسمت مهمی ازعمرخود را در اصفهان بسربرده‌است. درعرفان به یک واسطه مریدعارف معروف شیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی (متوفی ۶۳۵) بوده وتخلص خود را از او گرفته است .

اوحدی دردورهٔ سلطنت آخرین ایلخان مغول، ابوسعید، می‌زیسته، و او وغیاث‌الدین محمد را مدح گفته است . دیوان اوحدی مرکب است از قصاید وغزلیات وقطعات وترجیع بند ورباعیات. درغزل عرفانی نیز دست داشت . از آثار دیگر او مثنوی «منطق العشاق» است که آن را درسال ۷۰۶ به نام « وجیه‌الدین شاه » نبیرهٔ خواجه نصیر الدین طوسی ساخته است. دیگرمثنوی معروف«جام‌جم»است .

اوستا (ك) کتاب دینی زردشت پیغمبر ایرانی که شامل پنج جزء است:

۱ - یسنا که گاتا (سرود زرتشت) جزو آن است ۲ — ویسپرد ۳— وندیداد ۴ - یشت ۵ - خرده اوستا

آقای پورداود استاد دنشگاه تهران اوستارا به فارسی امروز برگردانده‌وتفسیر کرده‌اند(ازسلسلهٔ انشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبی).

اوصاف الاشراف (ك) کتابی درعرفان وسلوك به زبان فارسی، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که‌آن را بنابه خواهش وزیردانشمند، خواجه بهاءالدین محمدجوینی،تألیف کرده است .

(چاپ تهران)

اهریمن (تن) نزد ایرانیان قدیم مظهر ناپاکی و تیرکی که پیوسته با اهورمزدا،خدای پاکی و صفا ونور،درجنگ است . اهریمن گاهی‌اشاره به‌دیوی‌است که انگشتر سلیمان را به دست‌آوردوچهل روز بجای‌اوبرتخت‌نشست .شیطان هم گاهی درفارسی اهریمن خوانده می‌شود.

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

اهلی ترشیزی (ت). متوفی ۹۳۴ - از جملهٔ شاعران دربار سلطان حسین و امیر علیشیر نوائی. اشعار وی در هندوستان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

اهلی شیرازی (ت). وفات ۹۴۲ - از شاعران قرن دهم و از معاصران شاه اسمعیل صفوی. اشعارش شامل قصاید و غزلیات است. قصاید متعددی در منقبت پیغمبر اسلام دارد. ازآثار اهلی مثنوی «سحر حلال» است که آن‌را درجواب تجنیسات و مجمع البحرین کاتبی به دو بحر و دو قافیه سروده است. دیگر «شمع و پروانه» و مجموعهٔ رباعیاتی به نام «ساقی‌نامه» است.

ایاز (ت) نام غلام ترك سلطان محمود که محبوب او بود و به زیرکی و ملاحت معروف، و در ادبیات فارسی به عنوان محبوب و معشوق محمود ذکر شده است.

دست دل مجنون و خم طرهٔ لیلی
پیشانی محمود و کف پای ایاز است
«حافظ»

ایجاز (ب) آن است که ترتیب معانی بیش از الفاظ باشد.

عشق دیدم که در مقابل صبر
آتش و پنبه بود و سنگ و سبوی
«سعدی»

ایجی (ت) مولانا عضدالدین عبدالرحمن احمد ایجی وفات ۷۵۶ ه‍ — از عالمان معروف فارس و از قصبهٔ ایج. معاصر شیخ ابواسحق اینجو و سلسلهٔ آل مظفر است. قاضی عضدالدین فقیهی شافعی است که به منصب قضا اشتغال داشته است. آثار بسیار در فلسفه و کلام و مذهب و اخلاق به زبان عربی دارد که از معروفترین آنها کتاب

«المواقف فی علم‌الکلام» است وازمتون معتبرعلم کلام به‌شمار می‌رود .

ایرانشاه بن ابی الخیر (ت) ازشاعران اواخرقرن پنجم ومعاصر سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی که داستان بهمن پسر اسفندیار را در حدود سال پانصد هجری به نظم آورده است .

ایرج (ش — د) پسرفریدون ، از شاهان سلسلهٔ پیشدادی. چون فریدون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد وایران وعربستان را به‌ایرج داد، برادران که ازسهم خود ناراضی‌بودند، بروی‌حسد بردند واورا کشتند وسرش را نزدپدر فرستادند .

ایرج (ت) ایرج میرزا ملقب به جلال الممالک وفات ۱۳۰۴ شمسی-ایرج‌میرزا ملقب به جلال‌الممالک فرزند غلامحسین میرزا پسر برادر فتحعلیشاه، ازشاعران معروف معاصر . تحصیلات فارسی وعربی را در تبریزانجام داد وزبان فرانسه‌آموخت وسورد تشویق مرحوم حسنعلی خان امیرنظام گروسی قرارگرفت. در نوزده سالگی وارد خدمت‌دولتی شد ، ابتدا درگمرك مشغول شد سپس به‌ریاست کابینهٔ وزارت معارف وریاست‌دفتر ایالتی آذربایجان ومعاونت‌حکومت اصفهان‌منصوب گشت، وسرانجام به معاونت مالیهٔ خراسان نائل آمد . ایرج‌سفری هم به‌اروپا کرد و پس از بازگشت درتهران به مرض سکتهٔ قلبی درگذشت.ایرج درده سال آخر عمر خود درشعر سبك خاصی اختیارکرد ، افکار تازه و مضامین نو رادرشعر واردکرد . وی‌اشعار هزل‌آمیز بسیار دارد و روانی وسادگی اشعارش سبب‌شده‌است که بعضی‌ازآنها زبانزد خاص و عام گردد . دیوان ایرج‌چندین بار به چاپ رسیده است .

ایطاء (ق) ازعیوب قافیه . ایطاء بر دو قسم‌است : ایطاء جلی ایطاء خفی.ایطاء جلی آن است که قافیه تکرار شود : مانند :

در این زمانه بتی نیست ازتو نیکوتر — نه برتو برشمنی از رهیت مشفق تر

ایطاء خفی آن است که بعضی از حروف زواید را تکرار کنند.

آن شنیدم که وقت زادن تو — همه خندان بدند وتو گریان

توچنان زی که وقت مردن تو — همه گریان شوند وتوخندان

ایلاقی (ت) ترکی کشی ایلاقی. ازحال او اطلاعی دردست نیست، وی ازناحیهٔ ایلاق نزدیک چاچ در ماوراءالنهراست. در ترجمان البلاغة ودرحدائق السحر ومجمع الفصحاء اشعاری ازحسین ایلاقی نقل شده که درقرن چهارم می‌زیسته است و گویا همین شخص باشد.

این (ط) از مقولات عشر مفهوم «این» نسبت جسم است به مکان؛ یعنی «کجا بودن».

ایوب (تن) از پیغمبران که درصبر وتحمل رنج مشهور است. درروایت است که خدای تعالی اورا به‌بلاها مبتلا کرد وصبرش راآزمود ابتدا مال اورا گرفت وفقیرش گردانید سپس فرزندانش مردند وخوداوبیمار شد ودربدنش کرم افتاد. اما اوننالید وصبر کرد، پس خدای تعالی اورا بخشود و چشمهٔ آب زیر پایش روان کرد. ایوب خود را باآب شست وصحت یافت وآن چشمه به‌عین ایوب معروف گشت که هربیماری خود را درآن می‌شست شفا می‌یافت. صبر ایوب درادبیات فارسی مثل است

ایهام (ب) آن است که گوینده دراستعمال یک کلمه دو معنای نزدیک ودو را در نظر گیرد

زگریه مردم چشمم نشسته درخون است

ببین که در طلبت حال مردمان چون است

شاهد برسر کلمهٔ «مردم» است که یک معنی آن سیاهی چشم ومعنی دیگرآن انسان است.

ب

باباافضل کاشی (ت) رجوع شود به افضل‌الدین کاشی

باباطاهر (ت). وفات درحدود ۴۱۰ – ازشاعران عارف قرن پنجم. اصلش ازهمدان است و اززندگیش اطلاعات فراوانی دردست نیست. ازآثار او مجموعهٔ کلمات قصاری است به عربی، شامل عقاید متصوفان دیگر مجموعهٔ دوبیتی های عارفانه ولطیف اوست که به‌لهجهٔ لری سروده شده وازنوع «فهلویات» است. باباطاهر دراین دوبیتی‌ها ازوحدت عالم وجودوتنهائی وناچیزی وپریشانی واشتیاق معنوی خود گفتگو کرده است. ترانه های باباطاهر درکمال سادگی وبی پیرایگی دارای لطف خاص و نفوذ بسیار است.

دیوان باباطاهر چند بار درتهران به چاپ رسیده است.

بابافغانی (ت) وفات ۹۲۵ – ازشاعران قرن نهم واوایل قرن دهم ومعاصر صفویه. تولداو درشیرازاست وپس ازچندی به هرات عزیمت کرد ودرآنجا به خدمت مولانا جامی رسید وازهرات آذربایجان رفت ومدتی در تبریز اقامت کردودردربار سلطان یعقوب آق‌قونیلو تقرب یافت ودرسلک شاعران دربار او قرار گرفت. پس از فوت سلطان یعقوب وآشفتگی اوضاع به شیراز وپس ازآن به خراسان رفت ودرآنجا عزیمت گزید. غزلهای بابافغانی بسیار پرسوز وحاکی از دردمندی است که پیروان بسیاریافت

خاصه درهندوستان. دیوان بابافغانی— چاپ تهران

باباکوهی (ت) ابوعبدالله‌علی. وفات ۴۴۲—ازعارفان‌ومرشدان قرن چهارم هجری. باباکوهی پس‌ازطی مراحل اولیه سلوك درشیراز، به سفر پرداخت و در نیشابور به خدمت امام قشیری و شیخ ابوسعید ابی‌الخیر رسید، سپس به بغداد رفت وبامنصور حلاج ملاقات کرد واز آنجا به‌شیراز مراجعت کرد ومنزوی‌شد ودرصومعه‌ای‌به‌عبادت‌پرداخت. جامی دربارهٔ او گوید:

کوه نشین گشت سه سال تمام

شد لقبش کوهی و باباش نام

(دیوان باباکوهی-چاپ شیراز)

باخرزی (ت) ابوالقاسم‌علی‌بن‌ابوالحسین‌بن‌ابی‌الطیب‌باخرزی. مقتول‌در۴۶۸—ازشاعران‌ونویسندگان قرن پنجم. پس از آموختن علم دین به علوم ادبی روی آورد ودرشعر ونثر عربی وفارسی مشهور شد. عوفی اورا کاتب سلطان رکن‌الدین طغرل سلجوقی می‌داند. دیوان عربی باخرزی مشهور است وعوفی مجموعه‌ای از رباعیات فارسی او را به‌نام «طرب‌نامه» ذکر کرده است. اثر معروف او کتاب «دمیة القصر وعصرة اهل‌العصر» است.

باخرزی (ت) سیف‌الدین ابوالمعالی سعیدبن مظفر باخرزی. وفات ۶۲۹ ازشاعران اواخرقرن ششم واز مشایخ‌صوفیه. مدت درازی ازعمر را در بخارا گذراند و از طرف نجم‌الدین کبری مأمور نشر طریقهٔ کبرویه گردید. سیف‌الدین باخرزی‌معاصر شیخ فریدالدین عطاروشیخ مجدالدین بغدادی بوده است. رساله‌ای به فارسی درمعنی عشق‌دارد ودرنظم‌ونثر آثاری از او باقی است.

باد (تن) در داستان سلیمان. بادفرمانبردار او بودواورا ازشهری به‌شهری می‌برد .

اندر آن موکب که برپشت صبا بندند زین
باسلیمان چون‌برانم‌ من که مورم‌ مرکب است
«حافظ»

باربد (ت) رامشگر معروف دربار خسروپرویز

...خاصه که به هرطرف نشسته است صد باربد از هزار دستان
«خاقانی»

بایقرا (ت) رجوع شود به‌سلطان‌حسین بایقرا

بت‌آزری (تن) اشاره به‌بتهائی که آزر بت‌تراش، پدر ابراهیم پیغمبر، می‌تراشید ودرشعر فارسی کنایه ازخوبرو است .

دگر بروی کسم دیده برنمی‌باشد
خلیل من همه‌بتهای آزری بشکست
«سعدی»

بتر (زحاف) (ع) درمفاعیلن مجموع جب وخرم است که‌حذف میم وعی‌ولن باشد .می‌ماند فا،بجای آن فع می گذارندوآن‌را ابتر گویند درفعولن حذف فعو است که می‌ماند لن،بجای آن فع می گذارند وآن را ابتر خوانند

بحر (بحور) (ع) اصطلاحی است که بر انواع اوزان اطلاق می‌شود ، خلیل‌بن احمد که واضع علم عروض‌است، درشعر عربی پانزده جنس وزن یعنی پانزده «بحر» یافته است که عبارتند از :

طویل ، مدید ، بسیط ، وافر ، کامل، هزج ، رجز، رمل، سریع، منسرح ، خفیف ، مضارع ، مقتضب ، مجتث ، متقارب .

(به هریک از این کلمات رجوع شود)

بدایع الازمان فی وقایع کرمان (ك) معروف به تاریخ افضل تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی. این کتاب شامل اطلاعاتی است در بارهٔ جغرافیای کرمان و بنای بلاد و تاریخ مختصر کرمان ازدورهٔ قبل از اسلام وفتح آن بدست مسلمین واستیلای صفاریان وغزنویان وآل بویه وسلاجقهٔ قاوردی وانقلاب پس ازآنها وتسلط ملك دینار وپسرانش وتسلط ملوك شبانکاره واتابکان فارس وخوارزمشاهیان. بدایع الازمان مورد استفادهٔ حافظ ابرو واغلب مورخان واقع شده است.

چاپ تهران

بدر (نج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب زمین است کاملا روشن است واین حال درشب چهاردهم ماه ظاهر می‌شود.

قرص مه چون هلال وبدرشود　　　لعل یکران وقرص خوان توباد

«ابوالفرج رونی»

بدر چاچی (ت) ازشاعران دورهٔ مغول که شهرتش درهندوستان بیش از ایران است. اهل چاچ (ازشهرهای ترکستان) است. ازشعرهای اوقطعاتی درتاریخ هندوستان به قلم Sir H. Elliot نقل شده است.

بدیع بلخی (ت) ابومحمد بدیع بن محمد بن محمود بلخی ازشاعران قرن چهارم. هدایت اورا معاصر سلطان محمود غزنوی می‌داند ومنظومه‌ای به نام «پندنامهٔ انوشیروان» به او نسبت داده که قسمتی ازآن رادرتذکرهٔ مجمع الفصحا آورده است.

بدیع الزمان (ت) ابوالفضل احمدبن حسن. وفات-۳۹۸-ازادیبان ونویسندگان قرن چهارم هجری. اولین کسی است که نثرمسجع عربی ساخت وسبک مقامه نویسی را به وجود آورد. بدیع‌الزمان علوم ادبی

را در همدان نزد ابن‌فارس رازی فرا گرفت وبعد به خدمت صاحب‌بن عباد رسید . بدیع‌الزمان ازلحاظ حافظه واحاطهٔ برلغت و شعروادب در عصر خودممتازبود ودرنظم‌ونثرعربی استاد . مقامات‌بدیع‌الزمان‌مرکب از پنجاه ویک مقامه است

براق (تن) اسبی که حضرت‌محمدص درشب معراج برآن‌نشست

براق همتش معراج پیمای عقاب‌دولتش نهمت‌شکاراست

«ابوالفرج‌رونی»

برج (نج) یکی ازقسمتهای دوازده گانهٔ منطقة‌البروج

برج‌ثوراست مگرشاخ سمن که گلش‌را شبه‌پروین‌است

«ابوالفرج‌رونی»

برجیس (نج) ستارهٔ مشتری

دارد ازلطف تو برجیس وزقهر تو زحل

این سعادت مستفاد و آن نحوست مستعار

«انوری»

برزونامه (ك) بزرگترین منظومهٔ حماسی به زبان فارسی که به‌تقلید شاهنامهٔ فردوسی ساخته شده است . این منظومه شامل روایاتی است دربارهٔ خاندان رستم وبرزو پسرسهراب . داستان برزونامه کم‌وبیش شبیه‌داستان رستم وسهراب است، جزآنکه پایان غم انگیز سهراب را ندارد . مأخذ منثورکتاب ذکرنشده اما روایات آن‌در بعضی از منظومه‌های حماسی دیگر با مختصر تفاوت دیده شده‌است. تاریخ نظم برزونامه کاملاً صریح نیست وآن را به شاعری موسوم به خواجه عمید عطائی ابن یعقوب‌معروف به عطائی‌رازی نسبت می‌دهند، که ازشاعران قرن پنجم ودربار غزنویان است ومسعود سعد درسرگاو

(۴۷۱) مرثیه‌ای ساخته است . نظم برزونامه بسیار محکم و سلیس است و گوینده دروصف‌میدانهای جنگ‌و پهلوانان قدرت بسیاربکاربرده ودرتقلیدفردوسی درنظم شاهنامه‌ازدیگرحماسه‌سرایان‌پیش‌افتاده است .

برهان (ت) محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان. وی‌مؤلف کتاب «برهان قاطع»وازمعاصران‌سلطان عبدالله‌قطب‌الدین‌شاه پادشاه شیعی مذهب هند است وکتاب خود را درسال ۱۰۶۲ به‌نام او تألیف کرده است.

برهان‌قاطع (ك) کتابی‌است‌درلغت‌فارسی تألیف‌محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به «برهان» که کتاب را درسال ۱۰۶۲ درحیدر-آباد دکن به‌نام عبدالله قطب‌شاه از شاهان هند تألیف کرده است .

مؤلف درکتاب ازچهار فرهنگ که مورد مراجعه واستفادهٔاوبوده است، نام می‌برد .

۱- فرهنگ جهانگیری ۲-مجمع‌الفرس‌سروری

۳- سرمهٔ سلیمانی ۴- صحاح‌الادویهٔ حسین‌انصاری

برهان قاطع به این سبب که مؤلف از کتابهای لغتی که پیش ازاو تألیف شده ، استفاده‌بسیار کرده‌است، جامع‌لغات بیشتری می‌باشد . مجموع لغات برهان درحدود بیست‌هزار و دویست کلمه است .

(برهان قاطع — چاپ‌تهران)

برهانی (ت)امیرالشعراعبدالملك برهانی. وفات‌درحدود ۴۶۵- ازشاعران عهد سلجوقی ، دردربار الب‌ارسلان می‌زیست ومورد اعتماد اوبود .برهانی‌پدر امیر معزی شاعر معروف‌است‌که در زمان فوت، پسر خود را به سلطان ملکشاه سپرده است .

بزرجمهر (ش - ت) یا بزرگمهر نام وزیر دانشمند انوشیروان.

در ادبیات فارسی بارها به‌عنوان نمونهٔ دانش ولیاقت وتقوی از او نام برده شده است.

بزم نوشیروان سپهری بود کزجهانش بزرگمهری بود

«نظامی»

بزرجمهر قائنی (ت) امیر ابومنصور بزرجمهر قسیم‌بن ابراهیم قاینی از شاعران وادیبان عصر غزنوی. در شعر عربی و فارسی استاد بوده است. ابیاتی از اشعار عربی او در لباب‌الالباب عوفی ضبط‌است.

بسام کورد (ت) بسام کورد به روایت تاریخ سیستان ازخوارج بود که به نزد یعقوب آمد وقصهٔ کشته شدن عمار خارجی را به دست یعقوب، به شعر فارسی سرود. بسام کورد را از جملهٔ نخستین شاعران زبان فارسی ذکر کرده‌اند.

بستان‌السیاحة (ك) تألیف حاجی زین العابدین شیروانی. این کتاب در سال ۱۲۴۷ ه تألیف یافته و در حکم سفرنامه است. مؤلف سفرهای طولانی کرده و از جمله شهرهای عراق و گیلان وقفقاز وآذربایجان‌وخراسان وافغانستان وهند وکشمیر وبدخشان و ترکستان وماوراءالنهر وخلیج فارس ویمن وحجاز ومصر وشهرهای مختلف ایران را دیده و وقایع سفر خود را درکتاب شرح می‌دهد، حاجی شیروانی شیعه ودرویش نعمةاللهی بوده‌است.

بسحق اطعمه (ت) رجوع شود به ابواسحق اطعمه

بسیط (ع) از بحور شعر عرب و مرکب است از چهاربار مستفعلن فاعلن. این بحر درشعرفارسی متداول نیست وگاهی مثال آن‌را عروضیان به تکلف‌ساخته‌اند. مثال بحر بسیط‌مخبون: «مستفعلن‌فعلن ۲بار درهر مصراع»

روزم سیاه چرا گر تو سیاه خطی   اشکم عقیق چرا گر تو عقیق لبی

بشار بن برد (ت) از بزرگترین شاعران ایرانی قرن دوم هجری وازشاهزادگان تخارستان که به زبان عربی شعر می‌سروده است . وی درمباهات به نژاد خود وتحقیر عرب وهجو وحکم و امثال، مشهور ودر تغییر سبک شعرعربی بسیارمؤثر بوده است. بشار بن برد نابینا بودوسرانجام به جرم ارتداد درسال ۱۶۷ کشته شد .

بشارمرغزی (ت) ازشاعران قرن چهارم هجری که قصیدهٔ خمریه معروفی دارد که دردست است.

بقراط (ت) طبیب وحکیم یونانی ، شاگرد فیثاغورث

بلعمی (ت) ابوعلی محمدبن ابوالفضل البلعمی. وفات ۳۶۳—وزیر معروف منصوربن نوح بن نصر سامانی که به امر این پادشاه مأمورترجمهٔ کتاب «الرسل والملوك» معروف به تاریخ طبری شد. پدرش ابوالفضل بلعمی وزیرمشهور اسمعیل بن احمدسامانی واحمد ونصربوده است. ابوعلی محمد نیز مانند پدر علاوه برمقام بزرگ سیاسی ، دردانش و ادب نیز مقامی عالی داشت . ترجمهٔ بلعمی معروف به «تاریخ بلعمی» است . قسمتی که در بارهٔ ایران است ، در تهران به‌چاپ رسیده است.

بلقیس (تن) ملکهٔ سبا که سلیمان خبر قدرت اورا شنید وآهنگ شهراوکرد . بلقیس چون دانست او پیغمبر است به درگاهش روانه شد ، ولی سلیمان از خداخواست که تخت بلقیس ، پیش ازرسیدن خود او به درگاه حاضر شود. به فرمان خدای تعالی تخت بلقیس در مجلس سلیمان حاضر شد و بلقیس به سلیمان ایمان‌آورد وبه نکاحش درآمد .

حضرت بلقیس بانوی سبا   برسر عرش معلا دیده‌ام

«خاقانی»

بنات‌النعش (نج) از صور فلکی هفت ستاره ؛ که نعش آن‌چهار ستاره است به شکل تخت درچهار گوشه وبنات آن‌سه ستاره است که به طول واقع شده است . بنات النعش را «هفت برادران» و «دب اکبر» نیز می‌خوانند .

بنات‌النعش گرداوهمی گشت　　چواندردست مرد چپ‌فلاخن

«منوچهری»

بناکتی (ت) ابوسلیمان داوود بناکتی یا فناکتی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراءالنهر . وی از مورخان دورهٔ مغول و ملک‌الشعرای دربار غازان‌خان بوده‌است وچون ازنزدیک باخارجیانی که ازشهرهای دور به دربار غازان خان می‌آمدند ، سروکار داشت اطلاعات‌جامعی‌دربارهٔ مذاهب وملل گوناگون کسب کرد که به‌تألیف تاریخ او به نام تاریخ بناکتی منجر شد .

بوالبشر یا ابوالبشر (تن) رجوع شود به آدم.

به صفای صفیّ حق آدم　　که سرانبیا وبوالبشراست

«انوری»

بوزجانی (ت) ابوالوفامحمدبن‌محمد . وفات ۳۸۷- اهل بوزجان نیشابورکه در همین شهر به تحصیل ریاضی پرداخت وازآنجا به عراق رفت وبه‌تألیف کتاب مشغول گشت . ابوالوفاء ازمترجمان وریاضی‌دانان مشهورقرن چهارم است . وی بسیاری ازکتابهای ریاضی را از یونانی به عربی نقل کرده‌وخود نیزدرریاضیات ونجوم تالیفاتی دارد وازواضعان علم مثلثات است . ازآثار اوکتاب‌المجسطی است که شامل هفت‌جزء می‌باشد . دیگر«کتاب‌الکامل» . «کتاب‌الهندسه» و«کتاب‌فی مایحتاج الیه الکتاب والعمال من علم‌الحساب» .

بوستان (ك) منظومهٔ معروفی از آثار شاعر بزرگ ایران سعدی، که آن را درسال ٦٥٥ به نام ابوبکربن سعدبن زنگی ساخته است.

بوستان شامل چندین باب است درعدل وانصاف، احسان وبخشش عشق ومستی، تواضع وفروتنی، تسلیم ورضا، آداب تربیت، شکربرعافیت، توبه وانابه، مناجات وختم کتاب.

سعدی مطالب این منظومه را باحکایتها و تمثیل های شیرین می آمیزد واز وقایع سفر دراز خود شواهدی ذکرمی کند.

بهار (ت) محمدتقی ملك الشعرا وفات ۱۳۳۰ ه شمسی — محمد تقی ملك الشعرا متخلص به بهار فرزند میرزا محمد کاظم صبوری ملك الشعراء آستان قدس رضوی. بهار درسال ۱۳۰٤ ق درمشهد متولد شد ودرهمان شهر به تحصیل پرداخت. درسال ۱۳۲۸ روزنامهٔ (نوبهار) را منتشر کرد ودرسال ۱۳۳۳ ازمشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد وبه تهران آمد وروزنامهٔ نوبهار را در تهران منتشر ساخت ودر ۱۳۳۵ انجمن ادبی دانشکده و مجله دانشکده را تأسیس کرد و چندی مدیریت روزنامهٔ ایران را به عهده داشت. بهار درهیجده سالگی پس ازفوت پدر لقب ملك الشعرائی را به فرمان مظفرالدین شاه دریافت کرد. بهار درعالم سیاست مبارزاتی کرد. تبعیدها وزندانها ومحرومیتها دیدودربارهٔ همهٔ این حوادث اشعاری سرود. بهار درسال ۱۳۰۷ شمسی در دارالمعلمین عالی به سمت معلمی تاریخ وادبیات اشتغال ورزید، پس ازآن به سمت استادی تاریخ ادبیات فارسی دردانشکده ادبیات تهران منصوب گشت. کم کم اززندگی سیاسی کناره گیری کرده به توسعهٔ آثارادبی پرداخت. کتابهای «مجمل التواریخ والقصص» و«تاریخ سیستان» و«جوامع الحکایات عوفی» راتصحیح کرده باحواشی وتعلیقات به چاپ رسانده است. بهار علاوه

براحاطهٔ برادبیات فارسی وعربی به خط وزبان پهلوی نیز مسلط بودوچند کتاب از زبان پهلوی به فارسی نقل کرده است مانند یادگار زریران ورسالهٔ ماديكان شترنگ

از مهمترین آثار بهار دیوان اوست در دوجلد، شامل قصاید وقطعات وغزلیات. بهار در قصیده پیروسبک خراسانی است. ازآثارمهم دیگراوسه جلد کتاب سبک شناسی یاتاریخ تطور نثر فارسی است که بوسیلهٔ وزارت فرهنگ به چاپ رسیده است.

آثار پراکنده مانندمقالات سیاسی وادبی وتحقیقی فراوان دارد که در روزنامه ها ومجله ها منتشر شده است.

دیوان- چاپ تهران

بهارستان (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۹۲ به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا ساخته است. این کتاب به سبک گلستان سعدی می‌باشد وبه تقلید ازآن به هشت روضه تقسیم شده‌است. منظور نویسنده در این کتاب تذکر نکته های تربیتی و اخلاقی است ونثرش به صنایع لفظی آراسته است. چاپ تهران

بهاء ولد (ت) سلطان العلماء بهاءالدین محمدبن حسین خطیبی بلخی. وفات ۶۳۱ — از بزرگان مشایخ صوفیه دراواخر قرن ششم واوائل قرن هفتم. مادرش به خوارزمشاهیان انتساب داشت وچون سخنوری او موجب توجه مردم گردیده‌بود، سلطان خوارزمشاه اورا به ترك خراسان واداشت. گویا وجود اختلاف نظر بین امام فخررازی وبهاء ولد دراین کار بی‌اثر نبوده‌است، زیرا که خوارزمشاه به امام فخر رازی ارادت می‌ورزیده است. بهاءالدین درحدود سال ۶۱۰ ازخراسان مهاجرت کرد و در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد. شیخ کتاب «اسرارنامه» را به پسر او

جلال‌الدین هدیه کرد. بهاء ولد سپس به‌بغداد وازآنجا به مکه‌رفت وچند سال در ملطیه ماند وبه‌دعوت علاءالدین کیقباد سلجوقی به‌قونیه رفت ودرآنجا به وعظ وارشاد پرداخت ومریدان بسیار یافت و تا زمان مرگ همانجا ماند. ازآثار معروف او «المعارف» است.

بهرام (نج) کرهٔ مریخ

بهرام تافت از فلک پنجمین همی
چونانکه دیده سرخ کند شرزهٔ ژیان
«انوری»

بهرام‌گور (ش ـ ت) بهرام‌پنجم پسر یزدگردساسانی. پدرش اورا نزدمنذربن‌نعمان فرمانروای حیره‌فرستاد تاتربیت شود. چون‌بهرام هنروفرهنگ آموخت وازمرگ پدر خبر یافت ودانست که بزرگان یکی ازشاهزادگان را به نام خسرو و برتخت نشانده‌اند، باسی‌هزار سوار به ایران آمد. ایرانیان تاج شاهی را میان دو شیر گذاشتند تا هریک از دوشاهزاده که آن را برداشت برتخت بنشیند. بهرام شیران را کشت وتاج را برگرفت وبرسرنهاد. بهرام گور دردوران‌شاهی پیروزیها یافت وداد بسیار کرد.

درادبیات فارسی بهرام به رعیت پروری و تجمل وخوشگذرانی شهرت دارد ومثل است. درشاهنامهٔ فردوسی‌داستانهای متعددی ازشکار ومجالس‌بزم بهرام‌وسرکشی ورسیدگی به وضع مردمان وطبقات مختلف ملت ودادگری او آمده است.

منظومهٔ «هفت گنبد» یا «بهرام‌نامهٔ» نظامی نیز دربارهٔ اوست.

سرانجام بهرام هنگامی که درپی گورخری می‌تاخت، به‌باتلاقی فرورفت‌وناپدیدشد. رباعی ذیل ازخیام‌اشاره‌برسرگذشت وعاقبت‌اوست:

آن قصر که بهرام دراو جام گرفت
آهو بچه کرد و گرگ آرام گرفت
بهرام که گوری گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت
«خیام»

بهرامی (ت) استادابوالحسن علی بهرامی‌سرخسی. وفات اوائل قرن پنجم ـ ازشاعران مشهور اوایل عصر غزنوی که درعلوم ادبی استاد بود. نظامی عروضی کتابهای «غایة‌العروضین و«کنزالقافیه» و «خجسته نامه» را در علم عروض به او نسبت داده است. اشعاری از او در تذکره‌ها و کتابهای ادب ضبط است.

بهمن (ش ـ د) یا اردشیر درازدست پسر اسفندیار، که چون پدرش به دست رستم کشته شد، رستم پرورش اورا به عهده گرفت وبه او هنر آموخت‌وچون‌پسر عزیزش داشت. اما چون بزرگ شد، نامه‌ای به گشتاسب فرستادواورا ازکار بهمن آگاه کرد. گشتاسب‌بهمن راخواند وبهمن پس ازگشتاست به شاهی رسید. وی به خونخواهی پدر به زابلستان لشکرکشید، رستم دراین زمان به حیله برادرش شغاد کشته شده بود. درگنج خاندان رستم راگشاد وگنجها را غارت وزال را اسیر کرد. فرامرز پسر رستم که شنید زال اسیرگشته است، به جنگ بهمن آمد ولی شکست‌خورد وبه دست‌او کشته شد. بهمن ازکارخودپشیمان گشت وزال را آزاد کرد.

شنیدم‌من که برپای‌ایستاده   رسیدی تا به‌زانودست‌بهمن
«منوچهری»

بهمنجنه بهمن روز یعنی روز دوم از ماه بهمن که پارسیان این

روزرا جشن می گرفتند . این جشن تا چندقرن پس از اسلام نیز معمول بوده است .

رسم بهمن گیر و ازنو تازه کن بهمنجنه
ای درخت ملک بارت عزوبیداری تنه
«منوچهری»

بیان‌الادیان (ك) تألیف اسیرابوالمعالی محمدبن عبیدالله ازسادات علوی ومعاصر ناصرخسرو که این کتاب را به زبان فارسی درسال ٤٨٩ تألیف کرده است . بیان‌الادیان ازجملهٔ قدیمترین و مهمترین کتابهای زبان فارسی درملل ونحل است چاپ تهران

بیان وتفسیر (ب) آن است که شاعریانویسنده کلام مجملی بیاورد وپس ازآن به تفسیر پردازد

دوکس رنج بیهوده برد وسعی بیفایده کرد، یکی آنکه مال گرد کرد ونخورد ودیگرآنکه علم آموخت وعمل نکرد .

بیت (ب) در زبان عرب به معنی خانه ودراصطلاح شعر عبارت است از حداقل شعر که ازدوپاره ساخته شده ودارای وزن وقافیه واحدی باشد . هرپارهٔ یک بیت را مصراع گویند .

بیت‌الاحزان (تن) یا بیت‌الحزن
(رجوع شود به کلبهٔ احزان)

ای زوصلت خانه ها دارالشفا وی زهجرت بیتها بیت‌الحزن
«سعدی»

بیدل (ت) ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل . وفات ۱۱۳۳— از شاعران فارسی زبان هند واز ترکان جغتائی که درهند متولد شده ودر آن کشور تربیت یافته است . بیدل آثار فراوانی به نظم ونثر دارد ودر شعر صاحب شیوهٔ خاصی است . درغزل عرفانی استادی دارد واشعارش

با استعاره و کنایه و مضامین پیچیده آمیخته است . از آثار معروف او مثنویهای عرفات ، طلسم حیرت،طور معرفت است . دیوان اشعارش شامل غزل وقصاید وترجیعات ومستزاد وهزلیات است .

بیرونی (ت) ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی وفات ۴۴۰–از بزرگترین دانشمندان علم ریاضی .ابوریحان درسال ۳۶۲ در بیرون،حوالی خوارزم، متولد شد وتحصیلات خودرا درخوارزم انجام داد سپس به دربارشمس المعالی قابوس بن وشمگیر رفت ومورد توجه‌اوقرار گرفت و کتاب«آثار الباقیه»رادرسال ۳۹۱ به‌نام‌اوتألیف کرد .ابوریحان به خوارزم بازگشت وبه‌دربار خوارزمشاهیان آل مامون پیوست ومورد احترام قرارگرفت وهنگامی که‌سلطان محمود غزنوی به گرگانچ دست یافت ، ابوریحان را به غزنین برد . ابوریحان درسفرهای سلطان‌محمود به هندبااوهمراه‌بود وبادانشمندان هندی‌مصاحبت‌ومعاشرت کردوازعقاید وعلم آنها استفاده بسیارکرد وزبان سانسکریت‌راآموخت.بعد ازسلطان محمد در دربار مسعود باقی ماند و کتابهائی به نام‌اوتألیف کرد .

ابوریحان فهرست کتابهای خود را تا سال ۴۲۷ یکصد وسیزده عدد شمرده است درمسائل هیئت ، نجوم ، تاریخ وجغرافیا ، فیزیک، اسمار واحادیث ، داروشناسی .

ازجملهٔ آثار معروف او کتاب «تحقیق ماللهند من مقولة مقبوله فی‌العقل اومرذوله» درذکر عقاید هندوان ، «قانون مسعودی» درهیئت ونجوم به نام سلطان مسعود ، غزنوی «الدستور» به نام شهاب‌الدوله ابوالفتح مودود بن مسعود، «الجماهرفی‌معرفةالجواهر» درتحقیق‌فیزیکی بنام‌مودود بن مسعود،«التفهیم‌لاوائل صناعةالتنجیم» به‌نام ریحانه‌دختر حسین خوارزمی «آثار الباقیه عن‌القرون الخالیه»

ابوریحان در دوزبان پارسی‌وعربی استاد بود وازمفاخر عصرخود به شمار می‌رفت .

بیژن (ش — د) پهلوان ایرانی ، پسر گیوکه مطابق روایت شاهنامه، خواستار جنگ با گرازها گشت و به فرمان کیخسرو همراه گرگین عزیمت کرد ، ولی گرگین اورا فریب داد وبه‌دشتی راهنمائیش کرد که دختر افراسیاب درآن خیمه گاه افراشته وجشن برپا کرده بود . بیژن عاشق منیژه شدومنیژه‌نیز شیفتهٔ وی گشت‌واورا به‌چادر خودخواند وپس ازآن به کاخ خود برد .چون‌افراسیاب‌ازوجود بیژن در قصر دختر آگاه شد ، بیژن را اسیر ودرچاهی زندانی کرد ومنیژه را سروپابرهنه از کاخ بیرون افکند . منیژه هرروز برسرچاه می‌رفت ونانی را که ازگدائی به دست آورده بود به‌بیژن می‌رسانید. سرانجام رستم درجامهٔ بازرگانان به جستجوی بیژن به شهر توران آمد وبه راهنمائی منیژه برسرچاه رفت وبیژن را نجات داد وبه ایران آورد .

ثریا چون منیژه بر سر چاه   دوچشم‌من بدوچون‌چشم بیژن

«منوچهری»

بیستون نام کوهی‌نزدیک کرمانشاه که درداستان خسرووشیرین فرهاد به فرمان خسرو به کندن آن‌مشغول شد .

آواز تیشه امشب از بیستون نیاید

گویابه‌خواب‌شیرین‌فرهادرفته باشد   «وحشی»

بیهقی(ت) ابوالحسن‌علی بن ابی‌القاسم زیدبن‌محمدبن الحسین البیهقی‌معروف به‌ابن‌فندق‌وفات ۵۶۵ ازدانشمندان‌قرن‌ششم‌واهل بیهق (سبزوارحالیه) . بیهقی معاصر شهرستانی صاحب‌ملل ونحل بوده‌ودرصغر سن زمان‌عمرخیام رادریافته‌است.

یاقوت درمعجم الادباء هفتاد وچهار کتاب ازتألیفات او را ذکر می کند که متأسفانه از همهٔ آنها جز چند کتاب در دست‌نیست. ازآثار بیهقی «تاریخ بیهق»، «کتاب‌نحو»، «جوامع الاحکام»، «شرح نهج البلاغه» «تتمه‌صوان‌الحکمة»، «ذیلی برتاریخ یمینی» است‌موسوم به«مشارب‌التجارب وعوارب‌الغرایب» که مشتمل بروقایع تاریخی‌ایران است درصدوپنجاه سال، یعنی از همانجاکه تاریخ یمینی ختم می‌شود.

دیگر ازتألیفات‌او کتابی است درامثال‌عرب‌موسوم‌به«غررالامثال و درر الاقوال».

بیهقی (ت) ابوالفضل‌محمدبن‌حسین‌وفات ۴۷۰ - ازنویسندگان بزرگ قرن پنجم ومعاصر غزنویان. بیهقی درقریهٔ حارث آباد ازقراء بیهق متولد شد وتحصیلات خود را درنیشابور انجام داد. پس‌از آن به سمت دبیری، به دیوان رسالت محمود بن سبکتکین وارد شد ودر خدمت خواجه بونصرمشکان به‌کار پرداخت ونوزده سال منشی رسائل غزنویان بود ودرزمان سلطان عبدالرشید صاحب دیوان رسالت گشت. بیهقی مدتی به علت سعایت مخالفان در زندان بسربرد وپس ازآزادی انزوا اختیارکردوبه تصنیف کتاب‌پرداخت. ازآثار او یکی«زینة‌الکُتّاب» است که گویادرفن کتابت‌بوده واکنون‌دردست‌نیست. دیگر تاریخ مهم اوست‌به‌نام «تاریخ آل سبکتکین» که‌قسمتی‌ازآن‌به‌نام«تاریخ مسعودی» دردست است.

پ

پازند (ک) چون خواندن خط پهلوی ساسانی دشوار بود وسوجب خطا واشتباهاتی می‌شد ، برای آنکه رسالات و کتابهای مذهبی درست خوانده شود، غالباً آنها را به خط دقیق اوستائی نقل می کردند. این گونه نقل متن پهلوی به خط اوستائی پازند خوانده می‌شود .

ای خوانده کتاب زندوپازند — زین خواندن زند تا کی وچند

از فعل منافقی و بی باك — از قول حکیمی و خردمند

«ناصرخسرو»

پدر (تن) اشاره به حضرت آدم

نه من ازخلوت تقوی به در افتادم وبس

پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

«حافظ»

پروین (نج) رجوع شود به ثریا

آسمان گوسفروش این عظمت کاندر عشق

خرمن مه به جوی خوشهٔ پروین به‌دوجو

«حافظ»

پروین اعتصامی (ت) وفات ۱۳۲۰ شمسی - دختر یوسف اعتصامی (اعتصام الملک آشتیانی) از زنان هنرمند و شاعر معاصر. پروین در سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد وتحصیلات خودرا درمدرسهٔ امریکائی

تهران به پایان رساند و ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت. پروین درسال ۱۳۲۰ درسن سی‌وپنجسالگی فوت کرد. اشعار او ابتدا درمجلهٔ بهار منتشر شد و نخستین مجموعه اشعارش در سال ۱۳۱۴ به طبع رسید. دیوانش شامل قصاید ومثنویات وقطعات است. پروین در قصیده ازسبک شاعران خراسان پیروی کرده ومضامین اجتماعی وواقعی زندگی را در شعر وارد کرده است و در پند و اندرز و تسلیت خاطر بیچارگان نکته های لطیف وحکیمانه بکاربرده است که اغلب آنهارا از زبان بیچارگان یا گاهی از زبان طیوربیان می کند.

دیوان پروین چندین بار در تهران به چاپ رسیده است

پریشان (ك) کتابی به نثر تألیف قاآنی شاعر بزرك قرن‌سیزدهم هجری. این کتاب به‌سبک گلستان سعدی‌نوشته شده وشامل پند واندرز وقصه وهمچنین حاوی‌مطالبی‌است دربارهٔ احوال مؤلف. چاپ تهران

پسر نوح (تن) فرزند نوح پیغمبر که بامخالفان پدر همراه شد ودر طوفان غرق گشت.

پسرنوح با بدان بنشست　　　خاندان نبوتش گم‌شد

«سعدی»

پور بهای جامی (ت) ازشاعران‌دورهٔ مغول که وجیه‌الدین زنگی وطاهرفریومدی‌رامدح کرده‌وبه خدمت‌صاحبدیوان‌جوینی‌هم رسیده است دولتشاه‌قصیده‌ای‌شامل ۲۸ بیت‌ازاونقل کرده که‌حاوی‌لغات‌مغولی‌وترکی است. همچنین ازپوربها قطعاتی مربوط به واقعهٔ انهدام نیشابور براثر زلزلهٔ سال۶۶۶ وتجدید بنای آن درسال۶۶۹ به حکم آبا قاخان باقی است که پر ازصنایع لفظی می‌باشد

پیر پیر کسی است که درخانقاه تربیت سالکان رابرعهده دارد.

این شخص باید اجازهٔ ارشاد از مشایخ صوفیه داشته و ازعلم طریقت وشریعت اطلاع کامل داشته باشد .

دوش ازمسجد سوی میخانه آمد پیرما
چیست یاران‌طریقت بعداز این تدبیرما
«حافظ»

پیراهن‌یوسف (تن) چون برادران یوسف براو حسد بردند ، از پدر اجازه خواستند تا او را به صحرا برند ، همینکه ازچشم پدر غایب شدند ، یوسف‌رادرچاهی‌انداختند و کبوتری‌را کشتندوپیراهن یوسف‌راواز خون او رنگین کردند ونزد پدر بردند و گفتند که گرگ یوسف را دریده و گواه پیراهن خونین اوست . یعقوب پس از آن آنقدر درفراق یوسف گریست که کورشد ، اما یوسف بوسیله کاروانی از چاه بیرون آمد و به مصر رفت وبراثر تعبیر خواب پادشاه ، عزیز مصر گشت . درسالهای فراوانی گندم اندوخت‌ودرسالهای قحطی از ذخیره به کاربرد وفروخت . برادران یوسف برای خریدغله به مصر رفتند وپس از چند نوبت‌خرید، یوسف خودرا به آنها معرفی کرد وپیراهن خودرا برای یعقوب فرستاد . وقتی که برادران از مصر خارج شدند وسوی کنعان رفتند ، یعقوب‌بوی پیراهن او را شنید وچون پیراهن را به او دادند ، به چشم خود مالید وبینا گشت .

بوی پیراهن‌یوسف که کند روشن‌چشم
باد گوئی که بر پر غم کنعان آرد
«سیدحسن‌غزنوی»

بوی پیراهن یوسف ز صبا می‌شنوم
شادی آورد گل و بادصبا شاد آمد
« حافظ »

پیر کنعان (تن) اشاره به یعقوب

شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

«حافظ»

پیرمغان کنایه از پیشوای طریقت‌ومرشدعارفان

مشکل خویش برپیرمغان بردم دوش
کوبه تأیید نظر حل‌معما می‌کرد...

«حافظ»

ت

تاتار ولایتی که درشعرفارسی به داشتن مشک خوب معروف است.

در آن چمن که نسیمی و زد ز طرهٔ دوست
چه جای دم زدن نافه های تاتاری است

«حافظ»

تاج التراجم (ك) تاج التراجم یا تفسیر اسفراینی از تفسیرهای مهم به زبان فارسی است که امام عمادالدین ابوالمظفر شاهپور آن را درقرن پنجم تألیف کرده است.

این کتاب دارای چند مجلس است که درهر مجلس سوره‌ای تفسیر شده است.

تاریخ ابوالفداء یا کتاب المختصر فی اخبارالبشر (ك) تاریخی به زبان عربی درچهار جلد تألیف ابوالفداء. این کتاب شامل دوقسمت است: تواریخ قدیمه وتواریخ اسلامیه.

قسمت اول دارای یک مقدمه وپنج فصل است در تاریخ انبیا وملوك، شامل چهار طبقه: فراعنهٔ مصر، ملوك یونان وروم، ملوك عرب قبل از اسلام، امم مختلف.

قسمت دوم تواریخ اسلامیه از زمان حضرت محمد شروع می‌شود وبه وقایع سال ۷٤۹ پایان می‌پذیرد.

ابوالفداء درقسمت اول به اختصار می کوشد ولی تاریخ حضرت

محمد را با تفصیل بسیار شرح می‌دهد. وی مطالبی از تواریخ دیگران نقل می‌کند وازایران همه جا بااحترام نام‌می‌بردوعظمتش رامی‌ستاید. نثر کتاب ساده وخالی از اغراق‌است.

تاریخ اکبری (ك) رجوع شود به اکبرنامه

تاریخ بخارا (ك) اصل تاریخ بخارا به زبان عربی و تألیف ابوبکرمحمدبن جعفرالنرشخی است که آن را به‌نام امیر حمید ابومحمد نوح بن نصر سامانی ساخته است . این کتاب ظاهراً پس از دوقرن یعنی دراوایل قرن‌ششم به‌وسیلهٔ ابونصربن احمدبن‌محمد نصرالقباوی به‌فارسی ترجمه شده است .

مترجم قسمتی از مطالب کتاب را که لازم نمی‌دانسته ، حذف کرده ومطالب واخبار سودمندی به‌آن افزوده است . ترجمهٔ این کتاب به سال ۵۲۲ انجام گرفته است وپس از آن محمدبن زفربن عمر ترجمهٔ قباوی را در تاریخ ۵۷٤ تلخیص کرده وبه‌نام صدرالصدور صدر جهان برهان‌الدین عبدالعزیزبن مازه حاکم‌بخارا گردانده است. همین کتاب است که اکنون دردست می‌باشد . گویا پس از آن باز در این کتاب دستی برده شده‌وحوادث تاغلبهٔ‌مغول وتسخیر بخارا به دست چنگیزبرآن افزوده شده است .

این کتاب شامل اطلاعاتی است دربارهٔ بخارا وفتح آن‌به‌دست مسلمین و اوضاع آن قبل از تسلط سامانیان . مؤلف علاوه بر تاریخ و جغرافی از فلاحت وصنعت واوضاع مذهبی و عقاید اهالی بخارا پیش از اسلام واز عادات قدیم محلی‌نیز گفتگو کرده است . نثر تاریخ بخارا بسیار ساده وبی‌پیرایه است. (چاپ تهران)

تاریخ بداونی (ك) کتابی‌درتاریخ عمومی هندتألیف‌عبدالقادر

بداونی که وقایع را تا سال ۱۰۰۳ یعنی چهلمین سال سلطنت اکبرشاه شرح داده است . تاریخ بداونی ازمعتبرترین تواریخی است که درهند نوشته شده است .

تاریخ برامکه (ك) تاریخ برامکهٔ حاضر ترجمه‌ای است از متن عربی ومترجم آن محمدبن‌حسین بن عمر هروی می‌باشد ، زمان ترجمهٔ کتاب معلوم نیست و مترجم همهٔ حکایتها را بانقل‌از «ابوالقاسم‌غسان گرد آورندهٔ اخبار آل‌برمك» شروع می کند .موضوع اصلی کتاب شرح سجایا وسیر و جود وسخای خاندان برامکه است که به صورت حکایت آمده است وبیشتر حکایتها مربوط‌به‌سه تن ازمهمترین افراد این‌خاندان یعنی‌یحیی ودوپسرش‌فضل وجعفر می‌باشد. نثرفارسی کتاب بسیار ساده و روان است و شاید بتوان گفت ازنوع انشاء قرن پنجم است .

(چاپ‌تهران)

تاریخ بلعمی (ك) تألیف ابوعلی محمدبن ابوالفضل بلعمی‌وزیر منصور بن نوح بن نصر . این کتاب ترجمه‌ای است از « تاریخ‌الرسل و الملوك» تألیف محمد جریر طبری (متوفی ۳۱۰) که به سال ۳۵۲ انجام گرفته است . بلعمی درترجمهٔ کتاب طبری تغییراتی داده است . سلسله روات واسناد پیاپی را که‌برای‌خوانندهٔ‌فارسی زبان ملال‌آوراست حذف کرده وبجای آن ازمنابع ومآخذ جدیدی که غالباً به‌روایات‌پهلوی متکی بوده ، استفاده کرده است . بلعمی سبك سالنامه نویسی را مانند طبری به کار نبرده ، بلکه وقایع را برحسب‌ترتیب اقوام مختلف‌تقسیم کرده است .

تاریخ بلعمی از نمونه های بسیار قدیم نثر فارسی است و ساده وطبیعی ودور از صنایع لفظی می‌باشد. (چاپ تهران)

تاریخ بناکتی (ك) «روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر والانساب» تألیف ابوسلیمان داوود بناکتی که درسال ۷۱۷ هجری به زبان فارسی تألیف یافته است. مؤلف درتألیف این کتاب بیشتر ازهمه ازجامع التواریخ رشیدی استفاده کرده است. این تاریخ شامل نه قسمت است.

۱- انبیاء واولیاء. ۲- پادشاهان قدیم ایران. ۳- پیغمبراسلام وخلفا. ٤- سلاطین ایران و معاصران خلفاء بنی عباس. ٥- یهودیان. ٦- مسیحیان و فرنگیان. ۷- هندیان. ۸- چینیان. ۹- مغولان.

گرچه مؤلف درقسمتی که به ملل خارجی اختصاص دارد، به اختصار پرداخته است ولی اطلاعات ذیقیمت وحقیقی بدست می دهد و درکمتر تاریخی دربارهٔ اماکن ونفوس وحوادث تاریخی بیرون از دایرهٔ اسلامی تااین حد بحث شده است. شرح مذاهب مختلف در این کتاب منصفانه وخالی از تعصب است.

تاریخ بیهق (ك) تألیف ابوالحسن بیهقی. موضوع تاریخ بیهق عبارت است از تاریخ این شهر (سبزوار حالیه) و شرح حال مشاهیر ورجالی که به آن منسوب اند، از هر دسته مانند عالمان، شاعران، ادیبان، وزیران، حکیمان، پزشکان، سادات. انساب خانواده‌های مشهور که از قدیم درآنجا اقامت داشته‌اند وهمچنین اطلاعات جغرافیائی و فضائل شهر ووجه تسمیهٔ آن وتقسیمات دوازده گانهٔ شهر درزمان عبدالله طاهر.

مؤلف درضمن تاریخ بنای هرشهری داستانها واتفاقاتی را که درآنجا افتاده است، نقل می کند، مانند سفرهای اشخاص بزرك چون هارون الرشید و مامون و ساختن مسجد جامع. مؤلف درضمن وقایع همه جا حدیثهای نبوی وآیات قرآن واشعار عربی می‌آورد وعنوانات تاریخ را به عربی ذکرمی کند. عبارات فارسی در تاریخ بیهق اغلب باجمله‌های

مطول عربی آمیخته و فرمانها ومثالها به عربی نقل شده است .
(چاپ تهران)

تاریخ بیهقی(تاریخ مسعودی) (ك) تألیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی ؛ از تواریخ معتبر دورهٔ غزنویان. اصل این کتاب تاریخ آل‌سبکتکین نام داشته وسی‌مجلدبوده‌است. تنها قسمتی که‌اکنون‌از این تاریخ بزرك در دست است ، قسمتی است به نام « تاریخ مسعودی » حاوی سلطنت مسعودبن محمود سبکتکین‌وتاریخ خوارزم از زوال‌دولت آل مأمون‌وتصرف ولایت‌ایشان به‌دست سلطان محمود غزنوی‌وحکومت آلتون تاش تاغلبهٔ سلاجقه . تاریخ بیهقی از مهمترین کتابهای ادبی فارسی است که مؤلف درآن تنها به حوادث‌سیاسی دورهٔ غزنویان‌اکتفا نکرده،بلکه کوشیده است که‌وقایع را بااستدلال شرح دهد وعلت‌قضایا وجنگها رابنویسد. بیهقی احکام وفرامین ونسخه‌ها را عیناً نقل‌می‌کند و برای آنکه کتاب جالبتر شود ، وقایع را باحکایات تاریخی می‌آمیزد. اغلب به‌ذکرشاعران واشعاری می‌پردازد که درکتابهای دیگرذکری از آنها نشده است . مؤلف آنچه را که شرح می‌دهد ، یا خود شاهدآن بوده یا ازراوی معتمدی نقل می‌کند و همه جا درستی اخبار را تأکید می‌کند. تاریخ بیهقی مستندبه مدارك صحیح است و ازموثقترین‌مدارك تاریخی دورهٔ غزنوی به شمار می‌رود. سبك انشاء تاریخ بیهقی بسیار لطیف‌ونمونهٔ عالی از روش انشاء دربارغزنوی است .

(چاپ‌تهران)

تاریخ‌جلالی - رجوع شود به تقویم جلالی .

تاریخ جهانگشا(ك) ازتواریخ دورهٔ مغول به‌زبان فارسی،تألیف علاء الدین عطاملك جوینی . این‌تاریخ درسال ۶۵۸ تألیف یافته و

شامل سه جلد است در وقایع دورهٔ مغول تا سال ٦٥٥

جلد اول در عادات و رسوم قدیم مغول و قوانین موضوع چنگیز معروف به یاسا و فتوحات چنگیز و سلطنت اوگتای قاآن و دورهٔ نیابت توراگیناخاتون و سلطنت گیوك خان و جغتای .

جلد دوم در تاریخ خوارزمشاهیه و وقایع و احوال آنها و سلوك قراختای و گورخانیه .

جلد سوم در وقایع تاجگذاری وجلوس منکوقاآن ووقایع سلطنت وتفصیل حرکت هلاگوبه بغداد وقلع وقمع اسمعیلیه .

در پایان بعضی از نسخه های جهانگشا فصلی در واقعهٔ فتح بغداد بدست هلاگو تألیف خواجه نصیرالدین طوسی به طریق ذیلی به جهانگشا منضم است ولی در غالب نسخه هانیست.

مؤلف به سراسر قلمرو مغول سفر کرده وبسیاری از وقایع را که به چشم دیده یا ازمعتبران شنیده ، درتاریخ خود شرح داده است . جوینی به ذکر حوادث اکتفا نمی کند ، بلکه سبب ایجاد فتنه ها وشکستها را می گوید وفتح نامه ها را عیناً ضبط می کند و دربارهٔ مذاهب وادیان نیز گفتگو می کند .

تاریخ جهانگشا تاریخ بسیار معتبری است که مؤلف در تنظیم روایات آن دقت بسیار بکار برده وبرای جالب ساختن تاریخ، حکایات شیرینی به‌آن آمیخته وشواهد بسیاری به نظم یا نثر به زبان فارسی یا عربی آورده است .

سبك انشاء جهانگشا به‌سادگی بیهقی وبلعمی‌نیست ، تااندازه‌ای متکلفانه است ولی هرگز حقیقت تاریخی درآن فدای لفظ نشده است .

(چاپ تهران)

تاریخ الرسل والملوک (ک) تألیف ابوجعفر محمدبن جریر طبری مورخ بزرک قرن سوم و چهارم اسلامی . این کتاب به زبان عربی است در تاریخ عمومی عالم ، در دوازده جلد ، شامل وقایع عالم از ابتدای خلقت تا سال ۳۰۲ هجری . طبری دراین تاریخ سبک سالنامه نویسی بکاربرده است ووقایع را برحسب سنوات تقسیم کرده نه برحسب اقوام . وی دربارهٔ وقایع وحوادث چندین روایت اعم از موافق ومخالف را نقل می کند وسلسلهٔ رواة را به شخص مورد اعتمادی می رساند .

طبری دراین کتاب بیشتر جنبهٔ وقایع نگاری را در نظر داشته است وبه تمدن و مظاهر اجتماعی وعادات ورسوم وعلل وقایع توجهی ندارد .

تاریخ طبری مأخذ مورد اطمینانی است که بسیاری از مورخان آن را ازصحیح ترین مدارک شمرده و به آن استناد کرده اند . تاریخ طبری درزمان سامانیان به وسیلهٔ ابوعلی محمدبن محمدبن عبدالله بلعمی وبه فرمان امیر منصوربن نوح سامانی درسال ۳۰۲ هجری به فارسی ترجمه شده واین ترجمه به تاریخ بلعمی معروف گردیده است .

تاریخ رشیدی (ک) رجوع شود به جامع التواریخ

تاریخ سیستان (ک) تاریخی به زبان فارسی که مؤلف آن معلوم نیست ولی دو یا سه نفر به نوبت این تاریخ را به پایان رسانده‌اند ، زیرا که سبک نوشتهٔ ابتدای کتاب با انتهای آن بکلی متفاوت است . تحریر اصل کتاب در اوائل عهد سلاجقه صورت گرفته است . بنظر مرحوم ملک الشعراء بهار تألیف کتاب یکبار درعصر یعقوب لیث وعمرولیث وعصر خلف بن احمد وغلبهٔ سلطان محمود غزنوی انجام گرفته ویکبار هم درعصر طغرل سلجوقی وباردیگر درحدود ۷۲۵ که پایان کتاب است .

درتاریخ سیستان از بنای شهر وآبادانی،نامها ، حدود وتوابع ، رستاقها گفتگو می‌شود، همچنین تاریخ زندگی بزرگان وپیغمبران ودرضمن داستانهای مذهبی شرح داده‌شده‌است. مؤلف تاریخ سیستان در جنگها به‌حیله های جنگی‌وقراردادها وعلت‌زدوخوردمی‌پردازد وصحنه‌هاومناظر جنگ را وصف می‌کند. تاریخ سیستان تاآمدن امیر بیغو به سیستان‌به یک نحو وبه قلم یک نویسنده است ولی‌دراینجا مطلب بریده وناتمام می‌ماند ودرصفحهٔ بعد به‌طریق دیگر وباتاریخ دیگر شروع می‌شود. تاریخ وقایع قسمت اول تا سال ٤٤٨ است وتاریخ قسمت بعد از ٤٦٥ آغاز می‌شود. از اینجا سبک نوشتن‌تاریخ بکلی عوض‌می‌شود. سنه‌ها که تا اینجا به‌عربی نوشته شده بود،ازاین پس به‌فارسی است. وقایع که تا این تاریخ به تفصیل شرح‌داده شده است ، ازاین ببعد فهرست وارمی‌شود. باز ازسال ٦٩٠ه فهرست‌نویسی‌تمام می‌شود ومطالب‌باعنوان شروع می گردد.

صاحب تاریخ سیستان از تواریخ ومؤلفان آنها نام می‌برد ودر نقل روایات وشرح‌داستانهاجنبهٔ اختصاررا رعایت‌می‌کند. سبک‌نوشتهٔ تاریخ‌سیستان‌بسیارساده ودرقسمت‌اول کتاب‌عاری ازلغات نامستعمل عربی است. (چاپ تهران)

تاریخ طبرستان (ك) تاریخی به زبان‌فارسی تألیف بهاءالدین محمدبن‌حسن بن‌اسفندیار کاتب‌آملی‌معروف به ابن‌اسفندیار ، ازکاتبان مشهورایرانی. این کتاب درسال ٦١٣ه تألیف‌یافته‌است. مؤلف‌چنانکه خود گوید در تألیف‌تاریخ طبرستان‌از کتابهای‌مختلف مانند کتاب‌امام ابوالحسن یزدادی به زبان عربی و رساله‌ای ازابن‌المقفع وکتابهای دیگر استفاده کرده است. تاریخ طبرستان شامل چهارقسم وهرقسم

شامل چندین باب است در بنیاد طبرستان و خصایص وعجایب آن وذکر ملوك وعلماء وحکماء آل وشمگیر وآل باوند. درتاریخ طبرستان جزحوادث تاریخی ، حکم ومواعظ واشعار وامثال نیز از کتابهای مختلف نقل شده است .انشاء این کتاب ساده وروان است . (چاپ تهران)

تاریخ طبری (ك) رجوع شود به «تاریخ الرسل والملوك»

تاریخ قم (ك) تألیف حسن بن محمدبن حسن قمی . اصل این کتاب به زبان عربی است ودرسال ۳۷۸ درزمان صاحب بن عباد وبه تشویق او تألیف یافته است و ترجمهٔ آن به فارسی در سال ۸۰۵ به توسط حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی صورت گرفته است . مؤلف مطالب کتاب را برحسب فهرست بسیار منظم بیان می کند و عوامل و کیفیاتی را که در معرفی شهر کمال لزوم را دارد درنظر می گیرد . مؤلف خود می گوید که بیشتر اخبار را درمدت حکومت برادرش در قم بدست آورده وقسمتی را ازمردم قم شنیده است ودرضمن نام کتابهائی را که از آنها استفاده کرده ، ذکر می کند. نویسنده درتالیف تاریخ قم به کتاب اصفهان تألیف حمزهٔ اصفهانی نظر داشته است و ازآن روایاتی نقل می کند . همچنین از کتاب سیرالملوك العجم وتاریخ خلفا روایاتی دارد . مؤلف پس از مطالعه ومقایسهٔ روایات متعدد ، آنها را باهم سنجیده و قول درست تر را انتخاب کرده است . دقت و تنظیم مطالبی که در تاریخ قم به کار رفته است ، کمتردرتواریخ دیگرشهرها دیده می شود . انشاء ترجمه تاریخ قم بسیارساده وروان است. گرچه دارای لغات واشعار عربی است ولی مطالب تاریخ بسیار صریح وروشن است. (چاپ تهران)

تاریخ کرمان (ك) «عقدالعلی للموقف الاعلی» تألیف افضل الدین ابوحامداحمدبن حامد کرمانی معاصر سلاجقهٔ کرمان که کتاب را درسال

۵۸٤ به‌پایان رسانده‌است . این کتاب‌شامل پنج قسمت است : درذکر آخر دولت آل سلجوق وایام فترت ملک کرمان، ورود آیات ملک دینار به کرمان‌وگرفتن ملک‌وظفریافتن،شرح اخلاق‌ملوک‌وذکرممالک کرمان، ثنای‌صاحب قوام‌لدین،ذکرمحاسن‌وشرح خاندان‌او، شرح‌حال مؤلف .

مؤلف دراین کتاب‌بیشتر به‌شرح‌اوضاع سیاسی کرمان‌وزمامداران آن می پردازد و تاریخ را باپند و اندرز می‌آمیزد و سفرها و زندگی خودرا درغربت وناراحتیها وسپس آسودگی خیال و اشتغال به شغل دبیری را شرح می‌دهد . سبک‌نوشتهٔ تاریخ کرمان ساده نیست ، بلکه شامل‌صنایع وتکلفات ادبی است و درآن‌نثربا اشعار مفصل آمیخته‌است (چاپ تهران)

تاریخ گزیده (ك) تألیف‌حمدالله‌مستوفی‌قزوینی که آن رادرسال ۷۳۰ به زبان فارسی به نام خواجه غیاث‌الدین محمود ، فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله ، تألیف کرده است. تاریخ گزیده تقلید و تلخیصی است ازجامع التواریخ رشیدالدین‌فضل‌الله‌به‌انضمام تلخیصی ازتواریخ دیگر . این کتاب مشتمل است بریک مقدمه وشش باب که هربابی‌به فصول مختلف تقسیم شده است . مؤلف پس از ذکر منابع خود به مبدأ تاریخ درنزد طبقات مختلف می‌پردازد وازابتدای‌آفرینش‌وعقل کل ونفس وهیولی‌وصوروعناصر بحث می کند، سپس‌تاریخ پیغمبران وقبایل عرب وخلفا و پادشاهان ایران را تا زمان خود شرح می‌دهد . تاریخ گزیده دارای‌وسعت مندرجات‌است، اما مؤلف دربارهٔ هیچیک ازمطالب به شرح وبسط نپرداخته وبه علت حوادث توجه ندارد و در نقل‌وقایع، جز تاریخ زمان خود، به اختصار می کوشد. سبک تاریخ گزیده بسیار ساده وروان است . (چاپ تهران)

تاریخ مسعودی (ك) رجوع شود به تاریخ بیهقی

تاریخ معجم (ك) «المعجم فی آثار ملوك العجم» این کتاب به زبان فارسی وتألیف شرف‌الدین فضل‌اله حسینی قزوینی می‌باشد که در سال ٦٨٤ به‌نام اتابك نصرة‌الدین احمد شاه‌لرستان تألیف یافته‌است.

کتاب دربارهٔ تاریخ مختصر ایران است از عهد کیومرث تاآخر عهد ساسانیان. مؤلف درضمن تاریخ ایران از پیغمبران و فلاسفه و حکمای یونان که معاصر شاهان ایران بودند، نام می‌برد. در تاریخ معجم مانند تاریخ وصاف جنبهٔ ادبی برجنبهٔ تاریخی غلبه دارد. عبارات مصنوع ومتکلفانه است. همه‌جا خطبه‌ها ومناجاتهائی به‌شاهان باستانی ایران نسبت می‌دهد، آمیخته به جمله‌های عربی وشعر فارسی. درشرح وقایع به‌اختصار می‌کوشد ودربارهٔ بعضی از شاهان به ذکر نام قناعت می‌کند. از مورخینی‌مانندابن‌المقفع، ابن قتیبه، جریر طبری روایت‌دارد.

(چاپ‌تهران)

تاریخ وصاف (ك) «تجزیه‌الامصار وتزجیة‌الاعصار» تاریخی به زبان‌فارسی تألیف ادیب شهاب‌الدین عبدالله شیرازی ملقب به وصاف الحضرة که آن‌را ذیلی برتاریخ جهانگشای جوینی می‌داند. این تاریخ درپنج جلد وشامل تاریخ ایلخانان‌مغول وامیران اطراف‌است تا اواسط عهد ابوسعید بهادرخان. تاریخ از همانجا که جهانگشا قطع می‌شود، یعنی از سال ٦٥٦ شروع می‌شود وبه سلطنت سلطان علاءالدین‌وقطب الدین ختم می گردد.

مؤلف درروش تاریخ نویسی ازتاریخ جهانگشا پیروی کرده‌است ولی سبک‌انشاء کتاب‌متکلف‌ومصنوع است‌ودراین راه‌اغراق‌ومبالغهٔ بسیاربکار رفته‌است، تاحدی که تاریخ ملال آورمی‌شود. نویسنده جزییان وقایع

از شاعران وشعرهای‌آنان گفتگوبی کند و مراسلات شاهان را عیناً ضبط می کند . درمیان‌شرح‌وقایع به‌شکایت‌ازروزگارمی‌پردازدوپندواندرزمی‌دهد واغلب‌وارد بحثهای‌فلسفی‌ومذهبی‌می‌شودوگاه مجبورمی گردد که‌نکات استعاری و تشبیهی مبهم را تفسیر کند و خود این روش را بی سابقه می‌شمارد . باوجود روش اغراق‌آمیز مولف،تاریخ وصاف تاریخ پرارزشی است که واجد اسناد قابل اعتمادی از تاریخ مغول است .

تاریخ‌هرات (ك) «روضات‌الجنات فی‌تاریخ‌مدینة‌الهرات» تألیف معین‌الدین محمد اسفزاری مورخ دورۀ تیموری که این کتاب را به‌نام سلطان حسین بایقرا تألیف کرده‌است . تاریخ هرات شامل وقایع‌تاسال ۸۷۵ هجری است که نویسنده درآن شهر هرات ونواحی اطراف آن را از لحاظ جغرافیائی و از نظر فرمانروایان قدیم و همچنین‌سلسلۀ ملوك کرت وانقراض آن‌رابدست‌تیمورو تاریخ تیموریان را تاسلطنت سلطان حسین‌ابوالغازی به تفصیل شرح داده است . (چاپ تهران)

تاریخ یمینی (ك) تاریخ یمینی به زبان عربی تألیف ابونصر عتبی از ملازمان دربارسلطان محمود غزنوی‌است . این کتاب درشرح حال سلطان محمود یمین‌الدوله‌وپدرش‌سبکتکین است وبه همین جهت به تاریخ یمینی معروف است . تاریخ تألیف‌کتاب اوایل قرن پنجم است ولی درقرن‌هفتم‌وبسال ۶۰۳ ابوالشرف‌ناصح بن ظفربن‌سعدالمنشی الجرفادقانی که درزمان اتابکان آذربایجان می‌زیسته ، آن را به فارسی ترجمه‌کرده است . و درآغاز قرن یازدهم هجری منینی شرحی به‌زبان عربی‌برآن نوشته وبه«الفتح الوهبی» موسوم ساخته است.

تاریخ یمینی کتابی‌است مشتمل برشرح سلطنت سلطان محمودبن سبکتکین وکمی از احوال آل سامان واندکی ازتاریخ آل‌بویه . وقایع

باعبارتهای سلیس بدون اختلاط با داستان بیان می‌شود . شرح وقایع جزئی ، روابط شاهان با دول وامیران معاصر ، وعزل ونصب حکام و منشیان و فرمانهاو جزئیات زندگی شاهان به تفصیل ذکر شده است. مترجم تاریخ یمینی درترجمه سادگی اصل کتاب راکاملا حفظ نکرده وگاهی به‌تطویل‌می‌پردازد و قصاید عربی را ازاصل کتاب نقل‌می‌کند تاریخ یمینی ازمهمترین مأخذهای تاریخ غزنوی‌است ونثرش نمونه‌ای ازنثر مصنوع فارسی درآغاز قرن هفتم است .

تأسیس (ق) از حروف قافیه . الفی که با فاصلهٔ‌متحرکی قبل از روی قرارگیرد مثل قاصر . بیشتر شاعران آوردن الف تأسیس را لازم نمی‌دانند واگر رعایت شود ، آن را لزوم مالایلزم می‌خوانند . مثال‌از شعرانوری

گرچه در بستم درمدح و غزل یکبارگی
ظن مبرکز نظم الفاظ و معانی قاصرم
بلکه در هر نوع کز اقران من داند کسی
خواه جز وی گیر آن را خواه کلی ماهرم

مثال عدم التزام درشعر خاقانی

نشایدبردن انده جز به انده　　نشاید کوفت‌آهن جزبه‌آهن
دلم آبستن خرسندی آمد　　اگر شد مادر روزی سترون

تبت شهری درحدود چین که مشک آن معروف بوده است .

نو بهار آمد و آورد گل و یاسمنا
باغ همچون‌تبت وراغ بسان‌عدنا
(منوچهری)

تبصرةالعوام (ك) فی‌معرفة مقالات‌الانام تألیف سید مرتضی‌بن

الداعی‌الحسینی رازی که آن را در اوائل قرن هفتم و شروع حملهٔ مغول نوشته است. تبصرة‌العوام به‌زبان‌فارسی ودارای بیست وشش باب‌است درذکر مقالات مربوط به‌فرقه های‌مختلف‌مذهبی که درضمن آن ازصوفیه وشایخ صوفیان لطلاعاتی به دست می‌دهد. (چاپ تهران)

تثلیث (نج) آن است که میان دوبرج یک‌سوم دورهٔ فلك یعنی چهاربرج فاصله باشدوبه‌اصطلاح دیگر آنکه‌هربرجی به‌برج پنجمش نظر کند. تثلیث بعضی از سیارات سعد است مانند تثلیث ماه ومشتری.

به‌تثلیث بروج و ماه وانجم	به تربیع وبه‌تسدیس ثلاثا
به‌تثلیثی کجاسعدفلك‌راست	به تربیع صلیب باد پروا
که بهر دیدن بیت‌المقدس	مرا فرمان بخواه ازشاه دنیا

«خاقانی»

تجارب‌الامم (ك) کتابی درتایخ عمومی عالم به زبان عربی که ابوعلی مسکویه آن را درشش‌جلد تألیف کرده است ولی فقط جلد اول وپنجم وششم آن دردست است. جلد اول از پادشاهی هوشنگ شروع می‌شود وباجنگ جمل پایان می‌یابد

جلدپنجم از وقایع سنه ۲۳٤ شروع می‌شودوپس‌ازذکر اخبار ایران وعرب و کشورهای دیگربه‌وقایع سال ۳۲٦ ختم می‌شود.

جلد ششم دنبالهٔ مطالب جلدپنجم است تا سنهٔ ۳۷۰ وپادشاهی عضدالدوله دیلمی.

منظور ابن‌مسکویه درجمع‌آوری‌اخبار فقط‌ذکراحادیث‌نیست، بلکه منظورش شرح وقایعی است که درزندگی بشر مؤثر بوده وتجربه‌ای از آن بدست می‌آید. ابن‌مسکویه به‌تاریخ، تنها‌مانند مورخ نظر نمی‌اندازد بلکه مانندفیلسوف وروانشناس‌وقایع وپیشرفتها وشکستها راموردتجزیه

وتحلیل قرار می‌دهد ومطالبی از بین آنها برمی گزیند که جامعترومفیدتر است . می‌توان گفت به فلسفهٔ تاریخ توجه بیشتر دارد وهمه جا علل شکست یا پیروزی را شرح می‌دهد .

سبک ادبی کتاب کاملا بی‌تکلف وازعبارت پردازی خالی‌است .

تجارب السلف (ك) تألیف محمدبن فخرالدین هندوشاه نخجوانی که آن را به سال ۷۲٤ به نام اتابک نصرةالدین تألیف کرده است . تجارب‌السلف ترجمه‌ای‌است از کتاب «منیةالفضلاء فی‌التاریخ الخلفاء والوزراء» معروف به «تاریخ فخری» تألیف ابن الطقطقی (که درسال ۷۰۱ تألیف یافته است) . هندوشاه دراین کتاب نظر ترجمهٔ ساده وتحت اللفظ نداشته بلکه‌ازاصل کتاب اقتباس کرده است، زیرا که‌قسمتهائی‌را حذف کرده و چیزهائی بر آن افزوده است و حکایتها و داستانهائی آورده که دراصل کتاب نبوده‌است . ولی‌نقشهٔ کتاب مانند کتاب‌الفخری است . هندوشاه دراین کتاب ازترجمهٔ تاریخ‌طبری و الکامل‌ابن اثیر ونفثةالمصدوروجوامع الحکایات‌عوفی‌وکتابهای‌دیگر که‌مورداستفاده‌اش بوده است نام می‌برد .

تجارب‌السلف نثری ساده وسلیس وانشائی بلیغ وشیرین دارد .

تجاهل العارف (ب) آن است که شاعر عمداً خودرا درمطلبی جاهل نشان بدهد .

گلی یا سوسنی یا سرو یا ماهی نمی‌دانم
ازاین آشفتهٔ بیدل چه می‌خواهی‌نمی‌دانم

تجلّی (تن) درلغت به معنی آشکار وروشن شدن و جلوه کردن است‌ودرادبیات فارسی گاه کنایه‌از تجلّی خداست دردل سالکان‌طریقت پس از طی منازل‌سلوك ورسیدن به مقام فناء فی‌الله؛ وگاه کنایه‌ازظهور

نور الهی است بر کوه طور که موسی ازآن بیهوش گشت .

آن سهیل است برق هیبت او
که تجلیش سکنهٔ طور است

«ابوالفرج رونی»

تجنیس (ب) تجنیس یا جناس آن است که دو کلمه از جهتی بایکدیگرمشابهت ومجانست داشته باشد . تجنیس برهفت قسم است: تجنیس تام ، تجنیس ناقص ، تجنیس زائد ، تجنیس مرکب ، تجنیس مکرر ، تجنیس مطرف ، تجنیس خطی .

۱ــ تجنیس تام آن است که دو کلمه در صورت یکسان باشد ودرمعنی متفاوت . مانند کلمه های گور دراین شعر

بهرام که گورمی گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

۲ــ تجنیس ناقص آن‌است که دو کلمه درنوشتن مانند هم‌باشد ولی درحرکت اختلاف داشته باشد . مانند خَلق , خُلق

بُرد بیاورکه بَردآمد وهنگامه کرد
آب چمن‌چون‌برفت آتش سوزان‌بیار

۳ــ تجنیس زائد آن است که در آخر یکی از دوکلمهٔ مجانس حرفی اضافه بردیگری باشد . مانند باد وباده دراین شعر

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است
بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

٤ــ تجنیس مرکب آن است که دو کلمهٔ مجانس یکی بسیط ویکی‌مرکب باشد . مانند

امروزشمع انجمن دلبران یکی‌است   دلبرا گرهزا ربود دل برآن یکی‌است

۵- تجنیس مکرر یا مزدوج آن است که یکی از دو کلمهٔ مجانس یک یا دوحرف از دیگری بیشترداشته باشد. مانند زار ونزار، گفتاروتار،

ای بت شیرین لبان تاچند ازین گفتارتلخ
روزمن چون شب مدار از تلخی گفتار تار

۶- تجنیس مطرف آن است که دو کلمه در همهٔ حروف جز در حرف آخر یکسان باشد. مثل الخائن خائف، جام وجان

۷- تجنیس خطی یامصحف آن است که دو کلمه، قطع نظر ازنقطه، به یک شکل وصورت نوشته شود. مانند تیمار وبیمار، پوشیدن ونوشیدن

در دولت تو اسب معالی بتاختیم
وز نعمت تو نرد امانی بباختیم

تجنیسات (ك) ازمثنویهای کاتبی نیشابوری که در کلمات آخر مصراعها صنعت جناس رارعایت کرده است. این مثنوی دارای ده باب است در اخلاق، وشامل پندواندرز است ودرپایان این ده باب فصلی درنصیحت به فرزند داردو در خاتمه از شاعرانی مانند عطار و مولوی و فردوسی ونظامی وشاعران دیگرمثنویهائی ذکر می کند. مثنوی تجنیسات متکلف وخالی از شور است و کاتبی درآن بیشتر به لفظ وصنعت پرداخته است.

تحفة الاحرار (ك) یکی از منظومه های هفت اورنگ اثرمولانا عبدالرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۶ ساخته است. این کتاب به سبک مخزن الاسرارنظامی وبرهمان وزن است ودارای دیباچه ای است درمناجات خداومنقبت پیغمبرومدح خواجه بهاءالدین مؤسس سلسلهٔ نقشبندیه وبیست مقاله درآفرینش جهان ومسائل دینی وشرح حال علماء و سلاطین و وصف جوانی وپیری که هریک ازاین مطالب باحکایتها ومثلها آمیخته وشامل نکته های اخلاقی است.

تحفهٔ سامی (ك) کتابی در شرح حال قریب به هفتصدتن از شاعرانی که اغلب معاصر مؤلف بوده‌اند . این کتاب تألیف سام‌میرزا پسرشاه اسمعیل اول صفوی است و در حدود سال ۹۰۷ تألیف یافته است.
(چاپ تهران)

تحفة العراقین (ك) ازآثارمنظوم خاقانی شاعر بزرگ قرن ششم. این مثنوی درحدودسه هزاربیت دارد ودرشرح سفر شاعر است به عراق عجم وعراق عرب ومکهٔ معظمه. خاقانی دراین منظومه اغلب بزرگان ودانشمندانی راکه هنگام سفر ملاقات کرده است ستوده وآداب ورسوم بعضی از کشورها را شرح داده است . مثنوی تحفهٔ العراقین به نام جمال الدین محمد موصلی سروده شده است . (چاپ تهران)

تخت بلقیس یا عرش بلقیس (تن) تخت بلقیس، ملکهٔ سبا ، که دیوان آن‌را برداشته نزد سلیمان بردند

نشستم از برش چون تخت بلقیس
بجست او چون یکی عفریت هائل
«منوچهری»

تخت طاقدیس تخت خسروپرویز.

به گردا گرد تخت طاقدیسش		دهان تاجداران خاك‌لیسش
«نظامی»

همچنین نام نوائی است از نواهای باربد.

چوتخت طاقدیسی سازکردی		بهشت ازطاقها آواز کردی
«نظامی»

تخلیع : (ب) آن است که شعر بروزنهای ناخوش و بحور ثقیل گفته شود

ای بت‌من چرا همی‌سوزی مرا پس هردسی می‌زنیم بی گنه

تخنیق (زحاف) (ع) در مفاعیلن مانند خرب است که می‌شود فاعیلُ ؛ وبجای آن مفعولُ می گذارند ، درزبان عربی فقط در اول بیت می‌آید ؛ ودرفارسی درسایر اجزاء بیت هم جایز شمرده می‌شود . این مفعولُ را مخنق گویند .

تدارك (ب) آن‌است که شاعریک‌معنی را به نفی‌یا به‌اثبات‌آورد سپس آن را به وجهی تدارك کند ، یعنی شرطی‌درمیان‌آرد که آن‌صفت متبدل شود .

کجا توانم مالید کعبتین عدو

بلی‌اگرتودهی مرمرابه‌حق‌یاری

تذکرة الاولیاء (ك) از آثار منثور شیخ فریدالدین عطار که در اواخر قرن ششم تألیف یافته است . این کتاب در بیان مقامات عرفان است ومؤلف‌درآن سرگذشت نودوشش‌تن از اولیاء مشایخ صوفیه را باذکر مکارم اخلاقی وسخنان حکمت‌آمیزشان آورده است . این کتاب از حیث بیان مکارم واخلاق مشایخ طریقت وحالها وچگونگی اوضاع ایشان ورنجهاومجاهدات وسخنان‌حکمت‌آمیزوپندهایشان کتابی بسیار مهم وسودمند است. نوشتهٔ کتاب نیز نمونهٔ نثربسیار روان‌وشیرین زبان فارسی‌است . (چاپ لیدن)

تذکرهٔ بزم آراء (ك) تألیف سیدعلی‌بن محمود حسینی که آن‌را درسال ... به پایان رسانده است . این تذکره شامل شرح حال شاعران‌فارسی زبان است اززمانهای قدیم تاعصرمؤلف . مؤلف‌درتألیف این تذکره،مطالب لباب الالباب عوفی را حتی دیباچه و مقدمهٔ آن را اقتباس کرده ولی هیچ نامی ازآن نبرده‌است .

تذکرةالشعراء (ك) (تذکرهٔ دولتشاه) کتابی معروف.به زبان فارسی،درشرح حال عدهٔ بسیاری از شاعران ومنتخباتی از اشعار ایشان تألیف دولتشاه سمرقندی که آن را درسال ۸۹۲ تألیف کرده است . در این کتاب علاوه برشرح حال شاعران ، مؤلف از امیران وبزرگانی که ممدوح شاعران‌قرار گرفته‌اند، نیز ذکر کرده و در خاتمهٔ کتاب شرح حال هفت تن شاعر معاصر خودرا آورده است . (چاپ‌تهران)

تذکرهٔمیخانه (ك) کتابی درشرح حال شاعرانی که ساقی‌نامه ساخته‌اند،تألیف ملاعبدالنبی‌فخرالزمان قزوینی که‌آن را درسال۱۰۲۸ درهندوستان به نام سردارخان خواجه یادگار تألیف کرده است .

دراین کتاب شرح احوال هفتاد ویک شاعر ذکر شده است که قبل از اکبرشاه فوت کرده یا معاصر مؤلف بوده و به دربار اکبرشاه یا جهانگیر یا امیران‌دکن منتسب بوده‌اند ، یااصلاً به هندوستان‌نرفته‌اند یا اهل قزوین وهموطن‌مؤلف بوده‌اند. مؤلف این هفتادویک شاعررا برسه مرتبه تقسیم می‌کند وشرح حال ایشان را با نام ونسب و تاریخ وفات و دیوان شعر وتعداد ابیات‌آن و نمونهٔ ساقی‌نامه یاکلام منظوم دیگر آنها را به تفصیل ذکر می‌کند.مؤلف در همهٔ این اطلاعات به مآخذکتاب اشاره می‌کند و از خود نیز ساقی‌نامه‌ای با تخلص «نبی» می‌آورد . سبک نوشتهٔ کتاب ساده واز تکلفات منشیانه دوراست .

(چاپ تهران)

تذکرهٔ نصرآبادی (ك) تذکره‌ای تألیف میرزامحمد طاهر نصر آبادی اصفهانی که آن را درسال ۱۰۸۳ وبه نام صفی‌میرزا معروف به شاه‌سلیمان فرزند شاه‌عباس ثانی تألیف کرده است . تذکرهٔ‌نصرآبادی شامل شرح حال‌وآثارقریب هزارشاعرعهدصفوی‌است . این تذکره‌مورد

استفادهٔ تذکره نویسان دیگر مانند آذر بیکدلی صاحب آتشکده قرار گرفته است. (چاپ تهران)

تذکرهٔ هفت اقلیم (ك) تذکره‌ای مشتمل برجغرافیا وترجمهٔ احوال رجال ادب تألیف امین احمد رازی که آن را درزمان شاه طهماسب صفوی در مدت شش سال نوشته وبه‌سال ۱۰۰۲ هجری به پایان رسانده است. در تذکرهٔ هفت اقلیم شرح احوال رجال برجغرافیا غلبه داردومورد استفادهٔ محققان قرار گرفته است.

ترازوی انجم (نج) رجوع شود به اسطرلاب

به سیر سپهر انجمن ساختند ترازوی انجم برافراختند

«نظامی»

تربیع (نج) حالتی از ماه که از جانبی که روبه زمین است یک چهارم آن روشن است. این حالت یک بار در شب هفتم ماه ظاهر می‌شود که به «تربیع اول» موسوم است وبار دیگر درشب بیست‌ودوم ماه که «تربیع دوم» خوانده می‌شود.

همچنین دراصطلاح نجوم تربیع آن است که میان دوبرج یک چهارم دورهٔ فلک یعنی سه‌برج فاصله باشد وبه اصطلاح دیگر هر برجی به‌برج چهارمش نظر کند.

به تثلیث بروج وماه وانجم به‌تربیع وبه تسدیس ثلاثا
به‌تثلیثی کجا سعدفلک راست به‌تربیع صلیب باد پروا
که بهردیدن بیت‌المقدس مرا فرمان بخواه ازشاه دنیا

«خاقانی»

ترجمان البلاغة (ك) ازکتابهای مهم علم بلاغت، درمباحث معانی وبیان وصنایع لفظی ومعنوی. این کتاب را به فرخی سیستانی

نسبت داده‌اند ولی این نسبت درست نیست . مؤلف‌در این کتاب، پس از ذکر هریک از صنایع لفظی‌ومعنوی، شواهدمعدودی از شاعران‌قرن چهارم واوائل قرن پنجم می‌آورد . کتاب ترجمان البلاغة مورداستفادهٔ رشیدالدین وطواط درحدائق السحر قرارگرفته است . درنسخهٔ معتبری که درکتابخانهٔ اسلامبول پیدا شده است ، کاتب درپشت نسخه این کتاب را تصنیف محمدبن‌عمرالرادویانی دانسته‌است که یکی ازادیبان قرن پنجم وابتدای ششم است .

ترجمهٔ تاریخ طبری (ك) رجوع شود به تاریخ بلعمی

ترجیع بند (ب) مجموع چندرشته شعر است که هررشته‌دارای یک وزن ویک قافیه باشد ودرآخر هررشته بیتی باقافیهٔ جداگانه مکرر می‌شود واین‌بیت‌ترجیع یابرگردان‌است. مانند ترجیع بندفرخی:

زباغ ای باغبان مارا همی بوی بهار آید
کلید باغ ما را ده که فرداmان بکار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید
تولختی‌صبرکن چندانکه‌قمری برچنارآید...
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
ملک را درجهان هرروزجشنی باد و نوروزی

ترصیع (ب) آن است که در دوقطعه کلام،الفاظی در برابر هم آورده شود که به وزن و حروف آخر مساوی باشد. مانند منور و مقرر ونجوم ورسوم دراین‌شعر:

ای‌منور به‌تو نجوم جلال   وی‌مقرر به تو رسوم کمال

ترك در ادبیات فارسی کنایه از زیبا و خوبرو است

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سمرقندوبخارا را
«حافظ»

ترکیب بند (ب) شعری است مانند ترجیع بند یعنی دارای چند رشته شعر باوزن‌وقافیهٔ واحد که درآخر هررشته بیتی باقافیهٔ جداگانه آورده می‌شود. این بیت در ترکیب بندتکرار نمی شود وهربار بیتی دیگر با قافیهٔ دیگرمی‌آورند اما و در ترجیع بندهمان یک بیت مکرر می شود .

ترنج (تن) اشاره به ترنجی که زنان مصر هنگام دیدن یوسف درخانهٔ زلیخادردست‌داشتندوچنان مفتون زیبائی یوسف‌شدند که دستهای خود را بجای ترنج با کارد بریدند و ازآن پس دیگر زلیخا را ازاینکه به یوسف دل‌داده بود ، سرزنش نکردند .

گرش ببینی ودست ازترنج بشناسی
روا بود که ملامت کنی زلیخا را
«سعدی»

تسدیس (نج) آن است که میان دوستاره یک ششم دورهٔ فلک یعنی دو برج فاصله باشد و به اصطلاح نجوم برجی بسوی برج‌سومش نظر کند .

مه به تسدیس زحل کرده نظربا آفتاب
وصلتی کردی به رسم بخردان باستان
«انوری»

تشبیب (ب) در قصیده قبل از شروع به بیان مقصود اشعاری که در مغازله یاوصف طبیعت و بهار و خزان می‌آورندو بعد به‌مقصود اصلی‌می‌رسند . این مقدمهٔ‌قصیده‌را تشبیب گویند .

تشبیه (ب) از محسنات بدیع ودراصطلاح مانند کردن چیزی به چیزی‌است. درتشبیه چهار جزء وجوددارد: مشبه، مشبه‌به، ادات تشبیه، وجه شبه. مانند این جمله: «دندان اوچون مروارید است به‌سفیدی» دراین جمله دندان مشبه‌است، مروارید مشبه‌به، چون اداتتشبیه، سفیدی وجه‌شبه. تشبیه برچند قسم‌است. تشبیه مطلق، تشبیه‌تفضیل تشبیه تسویه، تشبیه عکس، تشبیه مشروط، تشبیه بکنایه.

تشبیه مطلق تشبیهی‌است که‌بدون قید وشرط باشد مانند.

شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک

تشبیه تفضیل آن‌است که گوینده‌مشبه را برمشبه به برتری‌دهد:

خواستم گفتن که‌دست وطبع اوابراست و کان
عقل گفت این‌مدح باشد نیز بامن هم‌پلاس
دست او را ابر چون خوانی و آنجا صاعقه
طبع او را کان چرا گوئی و آنجا احتباس

تشبیه تسویه آن است که گوینده یک صفت از خود ویک صفت ازطرف‌رابه‌چیز واحدی تشبیه کند.

برخیز که شد بار دگر ابر بهار
از بهر صفای بوستان و گلزار
چون چشم‌من‌ودهان تولؤلؤخیز
مانند کف راد ملک گوهر بار

تشبیه عکس آن است که گوینده دو چیز را به هم تشبیه کند، این را به‌آن وآن را به این.

دل من چون دهن تنگ‌بتان　　دهن تنگ بتان چون دل‌من

تشبیه مشروط آن است که درآن شرطی وجود داشته باشد.

گردل ودست بحروکان باشد   دل و دست خدایگان باشد

تشبیه اضمار آن است که به ظاهر قصد تشبیه در آن رعایت نشده است ، ولی درحقیقت تشبیه باشد .

گرنور مه و روشنی شمع تراست
این کاهش وسوزش من ازبهرچراست
گرشمع توئی مرا چرا باید سوخت
ورماه توئی مرا چرا باید کاست

تشبیه کنایه : آن است که ارارکان تشبیه در آن به ذکر مشبه به اکتفا شود . مثال :

بیا که لعل وگهر در نثار مقدم تو
زگنج خانهٔ دل می کشم به مخزن چشم
«حافظ»

دراینجا قطره‌های اشک به «لعل و گهر» تشبیه شده است .

تشعیث (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن‌است که آن را مفعولن کنند وآن‌را مشعث خوانند .

تصوف (رجوع شود به عرفان)

تضمین (ب) ازصنایع شعروآن است که بیتی یا مصراعی‌از شعر دیگران درشعرخویش‌آورند؛چنانکه رشیدوطواط شعر عنصری‌راتضمین کرده است. و اگر بجا افتد مستحسن است.

نمود تیغ تو آثار فتح وگفت فلک
«چنین نماید شمشیر خسروان آثار»

تضمین مزدوج (ب) آن است که کلام دارای دو لفظ باشد که

کاملاً بهم شبیه باشد ودرحقیقت سجع باشد.

سود بازارجهان بنگر و آزار جهان
گرشمارانه بس این سودوزیان ما رابس
حافظ

تعریض (ب) آن است که شاعر کلامی بیاورد ومقصودش گوشه زدن به مطلب دیگری باشد.

دلدارمرا گفت چراغمگینی غمگین کدام دلبر شیرینی
برجستم وآئینه به دستش دادم گفتم که درآینه که رامی بینی

تفتازانی (ت) مولانا سعدالدین مسعود بن عمربن عبدالله التفتازانی. وفات در حدود ۷۹۱-از دانشمندان و حکیمان دورهٔ تیموری. در قریهٔ تفتازان نزدیک نسا درخراسان به‌سال ۷۲۲ متولد گردید ودرخوارزم که مرکزعلم وادب بود اقامت کرد. امیرتیمور چون به شهرت ومقام علمی تفتازانی پی برد، دستور داد تا ملک محمد سرخسی، تفتازانی را باخود به سرخس برد ومنصب تدریس را به او واگذار کرد. پس ازآن اورا به سمرقند پایتخت خود احضار کرد و مورد توجه خاص‌قرار داد. تفتازانی بقیهٔ عمر را درهمانجا بسر برد.

از آثار او شرحی است به تصریف زنجانی «المطول» که آن را درسال ۷٤۸ درهرات به‌نام ملک‌معزالدین حسین کرت‌تألیف کرد، دیگر «المختصر» که آن را به‌جانی بیک‌خان‌مغول هدیه کرد. آثار تفتازانی به زبان عربی است وبیشتر درمنطق وصرف ونحو عربی وفلسفه وکلام وتفسیر وفقه می‌باشد. منظومه‌ای از اوباقی است که ترجمهٔ ترکی از بوستان سعدی است.

تفسیر تربت جام(ك) تفسیر قرآن مجید. خلاصه واقتباسی‌است از

تفسیر بزرگ ابوبکر عتیق سورآبادی که درقرن پنجم هجری نوشته‌شده ویک نسخه ازآن در شهر تربت شیخ جام باقی مانده بود و اکنون در موزهٔ تهران است. (چاپ تهران)

تفسیر سورآبادی (ك) مؤلف این تفسیر «ابوبکر عتیق بن‌محمد الهروی‌السورآبادی» است که از معاصران الب‌ارسلان سلجوقی بود، این تفسیر از نمونه های خوب نثر فارسی درقرن پنجم است.

تفسیر طبری (ك) جامع‌البیان فی تفسیرالقرآن. معروف به‌تفسیر کبیر. ازتفسیرهای معروف‌قرآن‌تألیف مورخ وادیب وفقیه‌بزرگ‌اسلامی محمدبن جریرطبری (متوفی ۳۱۰ ه). تفسیرطبری تاعهدمؤلف‌بزرگترین کتابی بوده که دراین علم‌نوشته‌شده وبزودی کسب شهرت کرده‌است. تفسیر طبری درعهد سامانیان‌به فرمان ابوصالح منصوربن نوح وبه‌همت عده‌ای از دانشمندان به فارسی ترجمه‌شده است.

اهمیت این کتاب آن است که مقدار فراوانی لغات و مفردات فارسی‌دارد که در برابر مفردات و ترکیبات قرآن آورده شده است.

تفسیر کبیر (ك) رجوع شود به تفسیرطبری

التفهیم‌لاوائل‌صناعة‌التنجیم (ك)تألیف دانشمند بزرگ ایرانی ابوریحان‌محمدبن‌احمد بیرونی خوارزمی که آن‌را درسال ۴۲۰ درغزنین به خواهش ریحانه بنت‌الحسین خوارزمی نگاشته است.

ابوریحان دراین کتاب اطلاعاتی دربارهٔ نجوم وریاضی داده‌است وباموجزترین عبارات درهندسه، حساب، هیئت، احکام نجوم، اسطرلاب بحث کرده است. می‌توان گفت که این کتاب جامعترین کتابی دراین پنج فن است.

کتاب‌التفهیم به دوزبان فارسی وعربی نوشته شده وابوریحان‌در

تألیف این دو کتاب استادی بسیار به کاربرده است ، چنانکه تشخیص اصل ازترجمه دشوار است وپیدا نیست کدام یک را اول نوشته‌است.

کتاب التفهیم معتبرترین سند و صحیحترین مأخذ قدیم علمی و ادبی فارسی بعد از اسلام است . در بارهٔ تاریخ و ادب ورسوم‌وطرز گاه شماری مطالبی دارد که بسیار مورد استفاده‌است. ابوریحان‌در این کتاب کوشیده است که بجای اصطلاحات‌عربی کلمات‌فارسی بکار برد، بنحوی که هم عبارت مفهوم باشد وهم‌بلیغ. رویهمرفته ایجازوفصاحت وپختگی درمعانی ولفظ، این کتاب‌را بی نظیر ساخته است .

(چاپ تهران)

تقسیم (ب) آن است که شاعر معنائی را درنظر گیرد وبعد آن را تفسیر کند .

بد نامی حیات دو روزی نبود بیش
آنهم کلیم باتوبگویم چنان گذشت
یک‌روزصرف‌بستن‌دل‌شد به‌این‌وآن
روزد گربه کندن دل زین‌وآن گذشت

تقطیع (ع) عبارت‌است‌ازتقسیم‌شعر به‌اجزاء ونهادن‌هرجزء در برابر جزوی ازافاعیل که در وزن باآن برابرباشد. در تقطیع‌ملفوظ شعر معتبراست نه مکتوب یعنی حروفی که درلفظ‌آید، اگرچه‌نوشته نباشد ، درتقطیع‌حرفی محسوب می‌شود وحرفی که‌درلفظ نیست اگرچه درنوشته باشد ، اعتبار ندارد .

تقویم‌جلالی (نج) تقویمی که درزمان سلطان ملکشاه سلجوقی وبه امروی وضع شده است وبه مناسبت‌لقب اوکه جلالدین بوده‌است آن را تاریخ جلالی یاتقویم جلالی خوانده‌اند .

چون درتقویم شمسی، یعنی تقسیم سال به دوازده برج برحسب حرکت انتقالی زمین که گردش یک دور تمام به دور خورشید است ، جزئیات را به‌حساب نمی‌آوردند، روزاول فروردین به‌تدریج تغییرمی کرد واز اول تحویل شمس به‌برج حمل می گذشت وتقریباً هرچهارسال یک روزجلوتر می‌افتاد. چنانکه درزمان ملکشاه سلجوقی (سال ٤٧١ هجری) اول اعتدال ربیعی درنوزدهم فروردین واقع بود .

برفرمان ملکشاه چندتن ازدانشمندان بزرگ زمانه که ازآن‌جمله عمر خیام نیشابوری بود ، تقویم را اصلاح کردند به طریقی که دیگر روزهای بروج دوازده گانه برحسب گردش زمان و آغاز اعتدال ربیعی تغییر نپذیرد ونوروز که آغاز سال است همیشه ثابت بماند .

به موجب این تقویم سال به دوازده برج سی روزه که نامهای آنها همان نامهای‌ایرانی باستان (فروردین ، اردیبهشت ... الخ)بود، تقسیم می‌شد . پنج روزباقی مانده را به‌آخر اسفندماه می‌افزودند و آن را خمسهٔ مسترقه (یاپنجه دزدیده) می‌خواندند وهرچهار سال یک بار روزششمی به‌آن اضافه می کردند ٠

ماههای این تقویم را همیشه باقید صفت جلالی می‌آوردند تا با ماههای ایرانی قدیم که تاروزگاری بعد ازآن متداول بود واکنون هم دربعضی از روستاهای ایران معمول است ، اشتباه نشود .

اول اردیبهشت ماه‌جلالی بلبل گوینده برمنابرقضبان

«سعدی»

تقی‌الدین محمد کاشی (ت) تقی‌الدین محمد پسرشرف الدین علی حسینی کاشانی .ازتذکره نویسان دورهٔ صفوی و معاصر شاه عباس اول .اثر معروف او تذکرهٔ «خلاصة‌الاشعار وزبدة‌الافکار» است دربارهٔ

شاعران معاصر مؤلف .

تکرار (ب) آن است که شاعر لفظی را مکرر بیاورد مانند این شعر عسجدی:

باران قطره قطره همی بارم ابروار
هرروز خیره خیره ازاین چشم سیل بار
زان قطره قطره قطرهٔ باران شده خجل
زآن خیره خیره، خیره دل من زهجر یار

تکملهٔ روضة الصفا (ك) اصل روضة الصفا تألیف میرخواند در شش جلد تا پایان سلسلهٔ تیموری است. رضاقلیخان هدایت مطالب این تاریخ را ادامه داده وتاریخ شاهان قره قوینلو وآق قوینلو وتاریخ صفویه ونادرشاه وقاجاریه را تااوایل عهد ناصرالدین شاه به تفصیل نوشته وبرآن افزوده است. این تاریخ به تکملهٔ روضة الصفا معروف است .

تمثیل (ب) نوعی استعاره است به طریق مثال :

کرا خرما نسازد، خارسازد　　کرا منبر نسازد، دار سازد

تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین (ك) در واقع ترجمه‌ای است از نهج البلاغهٔ حضرت علی. مترجم این کتاب ملافتح الله بن شکرالله شریف کاشانی (متوفی ۹۸۸ هجری) است .

تنسیق الصفات (ب) آن است که شاعر صفات کسی را به توالی ذکر کند .

شاه گیتی خسرو دشمن کش لشکر شکن
سایهٔ یزدان شه کشور ده ملکت ستان

تنین (نج) به تشدید نون- ازصورتهای شمالی منطقة البروج شبیه به مار.

نموداندر شمال خویش تنین　　به گرد قطب دنبالش چوپرچین

توجیه (ق) ازحرکات قافیه .حرکت ماقبل روی ساکن که در این صورت‌روی را مقیدخوانند .مانند حرکت خ درکلمهٔ مفخر:

زهی‌بقای تو دوران ملك را مفخر .

اختلاف توجیه جایز نیست مگر آنکه‌روی به‌حرف‌وصل پیوندد .

تور (ش – د) طبق روایات باستانی ایران پسر میانهٔ فریدون که هنگام تقسیم کشور فریدون، سرزمین ترك وچین نصیب او شد،ولی ازسهم خود ناراضی بود وبهمین‌جهت به همدستی برادر بزرگ خود ، سام ، به ایران لشکر کشید وبرادر کهتررا کشت .

دگر توررا‌داد توران‌زمین ورا کرد سالارترکان چین

«ازشاهنامهٔ فردوسی»

التوسل الی الترسل (ك) مجموعه‌ای ازمنشآت بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی‌منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه که درقرن‌ششم‌می زیسته است . مؤلف خود منشآت خویش را جمع‌آوری کرده وبه‌نام بهاءالدین وزیر ساخته است .

این کتاب مشتمل است بر دیباچه ودوفصل مقدمه و سه قسم ، در حمد خدا و پیغمبر و اصحاب او و ستایش سلطان و سبب تألیف کتاب‌ومدح بهاءالدین وزیر ومختصری درسبکهای مختلف نویسندگان ونمونهٔ فرمانها وعهدنامه هائی که ازجانب سلطان به امیران وشاهان اطراف نوشته شده ونامه های دوستانه حاوی حوادث تاریخی و عادات واخلاق مردم ودربار ورجال نیمهٔ دوم قرن ششم .

کتاب‌التوسل الی‌الترسل کتاب مهمی است که روشهای مختلف انشاء ونثر فارسی‌را دراعصار مختلف نشان می‌دهد و خود از بهترین نمونه‌های منشآت‌است که به صنایع لفظی آراسته وبسیارپخته‌ویکدست

است.　　　(چاپ تهران)

توشیح (ب) آن‌است که‌شاعر قطعهٔ‌شعری بگویدودراول هرمصراع حرفی بیاورد که‌ازمجموع آنهانامی بیرون‌شود. مانند کلمهٔ‌محمددراین‌شعر

معشوقه دلم به تیر اندوه بخست
حیران‌شدم و کسم نمی گیرد دست
مسکین تن من ز بار محنت شد پست
دست‌غم‌دوست پشت‌صبرم‌بشکست

تهمتن (ش ـ د) لقب رستم پهلوان نامدار شاهنامه

تهمورس (ش — د) پسرهوشنگ‌وملقب‌به‌دیوبند که بادیوان جنگها کرد و برایشان غالب شد. بنابرروایت شاهنامه، پشم رشتن وفرش بافتن را او آموخت ومرغان وجانوران را اهلی کرد.

تهمینه (ش ـ د) از زنان‌داستان شاهنامه، دخترشاه سمنگان که عاشق رستم شد وبه همسری او در آمد وبعدها پسری از اوآورد به‌نام سهراب که برای یافتن پدر به ایران آمد و مادر بازوبندی را که رستم به او داده بود بربازوی‌پسربست تا بتواند خود را به پدر بشناساند. اما سهراب ناشناخته به دست پدرکشته شد.

تیر (نج) کرهٔ عطارد است

تیر زشست سپهرپیر مقوس　　　هم‌بشود زودودرکمان‌بنماند

تیه (تن) بیابانی‌که موسی وبنی اسرائیل در آن راه‌گم کردند وسرگردان شدندوچهل‌سال درآن‌ماندندوخدای‌تعالی برایشان‌من‌وسلوی فرستاد و ازسنگی که موسی عصای خود را برآن زد، آب روان شد.

ببین که کوکبهٔ عمر خضر وارگذشت
توبازمانده چوموسی به‌تیه خوف ورجا «خاقانی»

ث

ثرم (زحاف) (ع) درفعولن مجموع قبض و ثلم است . عول می‌ماند بجای آن فعل می گذارند وآن را اثرم می‌خوانند .

ثریا (نج) از منازل قمر که به فارسی پروین‌نام دارد وشش‌ستاره است مانند خوشهٔ‌انگور وبه این‌سبب درشعر فارسی آنرا «خوشهٔ پروین» می‌خوانند :

ثریا چون منیژه بر سر چاه دوچشم‌من بدوچون‌چشم بیژن

«منوچهری»

وبه تازی آن را «نجم» نیز گویند

ثعالبی (ت) ابومنصور عبدالملک‌بن محمد ثعالبی نیشابوری. وفات ۴۲۹—ازنویسند گان ومورخان معروف ایرانی درقرن چهارم که آثار مهمی به زبان عربی دارد . مانند «یتیمةالدهر» و «تتمةالیتیمه» درشرح حال شاعران بزرگ معاصر مؤلف. اثر معروف و مهم او « غرر اخبارسلوك‌الفرس‌وسیرهم» می‌باشددرتاریخ ایران‌قدیم . همچنین کتاب «الاعجازوالایحاز» و کتاب «التمثیل والمحاضره»

ثلم (زحاف) (ع) درفعولن حذف فاءاست که می‌ماندعولن ؛ بجای آن فع‌لن می گذارند ؛ وآن‌را اثلم خوانند

ثمود (تن) نام‌قبیله‌ای ازفرزندان‌سام‌بن‌نوح که بت‌می‌پرستیدند و خداوند صالح را برایشان پیغمبر کرد . قوم ثمود از صالح معجزه خواستندکه از میان‌کوه شتری ماده با بچه بیرون بیاورد ، صالح به

فرمان خدا چنان کرد ، اما قوم ثمود گفتند که صالح سحر کرده است وبه او نگرویدند ، پس شتر بسرچشمهٔ ایشان رفت وهمهٔ آبها را خورد، ایشان شتر را کشتند. دراین هنگام صدای مهیبی ازآسمان برآمد وقوم ثمود از وحشت آن مردند .

این همان چشمهٔ خورشید جهان‌افروزاست
که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود

«سعدی»

ثور (نج) ازصورتهای دوازدگانهٔ فلکی درمنطقة‌البروج وبه‌شکل گاو . برج ثور برابر ماه اردیبهشت می‌باشد .

به شاخ ثور بر شکل ثریا　　چو مروارید گون بارصنوبر

«انوری»

ج

جام جم (ش ـ د) بنا برداستانهای ایرانی، جامی بود که جمشید همهٔ جهان را درآن می دید. بنابرروایت شاهنامه، کیکاوس برای آگاهی یافتن از کاربیژن هنگام نوروز درآن نگریست وبیژن را دربن چاهی در توران زمین دیدورستم را به رهانیدن‌اوفرستاد.

سالها دل طلب جام جم ازما می کرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنامی کرد
«حافظ»

گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم
گفت آن روز که این گنبد مینامی کرد
«حافظ»

جام جم (ك) مثنوی «جام جم» یا «جام جهان نما» اثر منظوم اوحدی‌سراغه‌ای، شاعرقرن هشتم که آن را به تقلید حدیقهٔ سنائی‌سروده وبه‌نام سلطان ابوسعید بهادر ایلخانی ووزیر او خواجه‌غیاث‌الدین‌محمد ساخته است. (چاپ تهران)

جامع‌البیان فی‌تفسیرالقرآن (ك) رجوع شود به تفسیرطبری

جامع‌التواریخ (ك) تألیف رشیدالدین فضل‌الله وزیر و محقق ومورخ بزرگ دربار مغول که آن را درسال ۷۱۰ به دستور غازان‌خان وپسرش الجایتو تألیف کرده است. این کتاب شامل سه جلد است. جلد اول درتاریخ مغول شامل دوفصل. جلد دوم درتاریخ عمومی‌عالم

شامل دو قسمت ، جلد سوم در بیان صور اقالیم ومسالک الممالک (این قسمت کتاب ازبین رفته است)

رشیدالدین فضل‌الله درتاریخ خود دقت بسیار بکاربرده است . تنها به ذکر وقایع اکتفا نکرده بلکه مقدمات جنگ و پیغامها وعلت شکست‌ها را شرح می دهد . چون مؤلف خود در دربار مقام مهمی داشته و از اوضاع و حوادث مطلع بوده است . مشاهدات و تجربیات وگفتگوها را بادقت مورد توجه قرار می‌دهد . مخصوصاً ازخانوادهٔ مغول اطلاعات گرانبهائی بدست می‌دهد که اسنادومدارك آن بوسیله غازان خان دراختیاراو گذاشته‌شده‌است وازینروجامع التواریخ رامی‌توان کتاب مهم ومعتبری دانست سرشار ازمدارك حقیقی ودرست . (چاپ تهران)

جامع الحکمتین (ك) تألیف ناصرخسرو قبادیانی نویسنده‌وشاعر بزرك اسمعیلی قرن پنجم . این کتاب شرحی‌است برقصیدهٔ خواجه‌ابوالهثیم جرجانی از معتقدان مذهب اسمعیلی . قصیده شامل هشتادوهشت‌بیت ومتضمن سؤالهائی‌است دربارهٔ مسائل دشوار دینی وحقایق علمی‌واصول عقاید اسمعیلیه . ناصرخسرو بنابر خواهش عین‌الدوله ابوالمعالی علی‌بن الاسدالحارث امیر بدخشان‌این قصیده را درسال ٤٦٢ شرح کرده‌است. به این ترتیب که یکا یك بیتها را آورده وبه تفصیل به شرح‌وتفسیر آن پرداخته وکتابی مفصل ازآن ساخته است .

ناصرخسرو خود در مقدمهٔ کتاب می گوید که‌چون بنیاد کتاب بر گشایش‌مشکلات دینی‌ومعضلات‌فلسفی‌بوده‌نام‌آن‌را «جامع الحکمتین» گذارده‌است . (چاپ تهران)

جامع عباسی (ك) کتابی دراحکام فقه تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دورهٔ

صفویه و از مقربان دربار شاه عباس که این کتاب را به زبان فارسی‌وبه نام این پادشاه تألیف کرده است . شیخ بهائی خود کتاب را به‌بیست باب‌تقسیم کرده ولی پس ازباب پنجم یعنی باب‌حج فوت کرده‌و کتاب ناتمام مانده است ونظام‌الدین ساوجی ازشاگردان او پانزده باب دیگر را به همان روش ساخته وبر کتاب افزوده است . این کتاب بارها در ایران به چاپ رسیده است .

جامی (ت) نورالدین‌عبدالرحمن‌جامی. وفات ۸۹۸–ازشاعران معروف قرن نهم،پدروی نظام‌الدین دشتی‌منسوب به‌محلهٔ دشت‌اصفهان بوده که بعد به ولایت جام مهاجرت کرده است . عبدالرحمن ازدونظر جامی تخلص کرده است . یکی به مناسبت تولدش درولایت جام ودیگربه مناسب ارادتی که به‌شیخ‌الاسلام جامی داشته است . جامی ازخردسالی با پدربه هرات وسمرقند رفت ودرآن شهرها به کسب علم وادب پرداخت . پس به عالم عرفان وارد شد و پس ازکسب فیض ازاستادانی مانند سعدالدین محمد کاشغری و قاضی زادهٔ رومی به مرتبهٔ ارشاد رسید ودرسلك رؤسای طریقهٔ نقشبندی که مؤسس آن بهاءالدین نقشبند بود ، درآمد .

جامی به مکه سفر کرد وپس‌اززیارت حج از راه دمشق به تبریز رفت و در سال ۸۷۸ به هرات وارد شد .

جامی را می‌توان ازآخرین شاعران متصوف ایران دانست . در فنون مختلف وعلوم دین وادب وتاریخ استاد بود و درشعر به سعدی و حافظ توجه داشت ، ازنظامی نیز پیروی کرده وبه تقلید اوخمسه‌ای ساخته است . جامی دراشعارخود ابوالغازی سلطان حسین بایقراووزیر او امیرعلیشیر نوائی وسلطان ابوسعیدتیموری‌وجهانشاه قراقوینلووسلطان

محمد فاتح پادشاه عثمانی را مدح کرده است.

جامی به بسیاری آثار نظم ونثر معروف است. از آثار منظومش یکی دیوان اشعار اوست که شامل قصاید وغزلیات ومراثی وترجیع بند ومثنویات ورباعیات است. جامی دیوان خود را برسه قسمت تقسیم کرده وآنها رافاتحة‌الشباب،واسطة‌العقد، خاتمه‌الحیات‌نام گذارده‌است.

دیگراز آثار او«هفت اورنگ» به‌تقلید خمسهٔ‌نظامی است شامل: سلسلة الذهب ، سلامان و ابسال، تحفة‌الاحرار ، سبحة‌الابرار ، یوسف و زلیخا ، لیلی ومجنون، خردنامهٔ اسکندری.

ازآثار منثورجامی : نقدالنصوص، نفحات الانس، لوایح ، لوامع، شواهدالنبوة ، اشعة‌اللمعات . بهارستان می‌باشد. گذشته ازاینها،جامی رسالاتی در مسائل مختلف دارد مانند «مناسک‌حج» و«رساله تهلیلیه‌در علم دین ورساله در اخلاق صوفیان به‌نام « تحقیق مذهب صوفیان »و «رساله درعلم قوافی»و«رساله‌موسیقی» وتجنیس الخط» ومنشآت‌ومعمیات ودرصرف ونحو «فوایدالضیائیه» معروف به «شرح ملاجامی» ودرتاریخ «تاریخ صوفیان» .اشعار وافکار جامی‌درخارج از ایران مانند هندوستان وعثمانی تأثیر بسیار داشته است.

جب (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف‌دوسبب یعنی عی ولن‌است که می‌ماند مفا ؛ وبجای آن فعل می گذارند وآن را مجبوب گویند.

جبلی (ت) بدیع‌الزمان عبدالواسع بن‌عبدالجامع غرجستانی‌جبلی وفات ۵۵۵—ازشاعران قرن ششم که درناحیهٔ‌غرجستان تولد یافت و دردربار بهرامشاه غزنوی وسلطان‌سنجر بسرمی‌برده وپیوسته مورداحترام آنها بوده‌است.عبدالواسع اشعاری درمدح این شاهان وهمچنین شاهان غوری وخوارزمی سروده است. چنانکه از اشعار او پیداست ، در علوم

زمان خاصه ادب وشعر مهارت داشته و کلامش به صنایع لفظی آراسته است. به عربی نیز شعر می‌سروده. عوفی او را «ذوالبلاغتین» نامیده و ملمعاتی ازاو نقل کرده است. اشعارش شامل قصیده وغزل وترجیع بند است. (دیوان عبدالواسع - چاپ تهران)

جبهه (نج) منزل دهم از منازل قمر که به معنی پیشانی شیر است ودارای چهار ستارهٔ روشن می‌باشد.

جحف (زحاف) (ع) فاعلاتن را خبن‌س کنند می‌ماند فعلاتن؛ پس ازآن فعلا را می‌اندازند، می‌شود: تن؛بجای آن فع‌می گذارندوآن را مجحوف خوانند.

جدع (زحاف)(ع) درمفعولاتُ حذف‌مف‌وعووساکن کردن‌تاست که می‌شود لات؛ و بجای آن فاع می گذارند؛ وآن را مجدوع خوانند

جدی (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه شکل بزغاله. برج جدی برابر ماه دی است.

چشم بزغاله برآن خوشه که خرمن کرده شب
داس کژ دندان ز راه کهکشان انگیخته

«خاقانی»

جُدَی (نج) ستاره‌ای روشن بردب اصغر ونزدیکترین ستارگان به قطب شمال که چون به‌چشم بیحرکت وثابت می‌نماید، برای یافتن قبله ازآن استفاده می کنند.

همی برگشت گردقطب جدی چوگرد با بزن مرغ مسمن

«منوچهری»

جرجانی (ت) ابوبکر عبدالقاهربن عبدالرحمن جرجانی.وفات ٤٧١ یا ٤٧٤—عبدالقاهر جرجانی ازادیبان بزرگ واز استادان‌علم‌نحو

ومعانی وبیان . تألیفات مهمی دارد. از آنجمله کتاب «الجمل» معروف به «جرجانیه» درفقه و کتاب «المغنی» درشرح ایضاح ابوعلی فارسی «والمقتصد والعمده» درصرف و کتاب «دلائل الاعجاز» «واسرارالبلاغة» درمعانی وبیان.

جرجانی (ت) زین الدین اسمعیل بن حسن الجرجانی. وفات ۵۳۱— جرجانی از پزشکان معروف قرن ششم ومعاصر خوارزمشاهیان. مدتی در خراسان وچندی درخوارزم درخدمت ابوالفتح قطب الدین محمدوپسرش آتسز بود . جرجانی بزرگترین پزشک قرن ششم وآثار او در ردیف آثار ابوعلی سیناست . همهٔ مباحث طب را مورد مطالعه قرار داده ومهمترین آثار طبی خود را به زبان فارسی نوشته است . از آثار مهم فارسی او «ذخیرهٔ خوارزمشاهی» و کتاب «خفی علائی» و «یادگار» و «اغراض» است. کتاب «خفی علائی» تلخیصی است از ذخیره که به فرمان علاءالدوله اتسز خوارزمشاه نوشته شده . کتاب «یادگار» دریک جلد درطب است که جرجانی برای خوارزمشاه تصنیف کرده و «اغراض» نیز تلخیصی از کتاب ذخیره است که به خواهش مجدالدین ابومحمد آتسز تألیف شده است.

جرجانی (ت) میرسید شریف علی بن محمدالجرجانی وفات ۸۱۶ از عالمان مشهور قرن هشتم که درسال ۷۴۰ درشیراز متولد شد وبه خدمت شاه شجاع معرفی گردید وبه تدریس درمدرسهٔ دارالشفاء پرداخت تیمور هنگام فتح شیراز او را باخود به ماوراءالنهر برد واو مدتها در مجلس تیمور باسعدالدین تفتازانی به مباحثه می‌پرداخت. جرجانی پس ازمرگ تیمور به شیراز بازگشت وهمانجا وفات یافت .

بیشتر تألیفات میرسید شریف به زبان عربی است ازجمله حاشیه‌ای بر «مطول» کتاب درسی تألیف تفتازانی نوشته است ودیگر کتاب «التعریفات»

در ذکر اصطلاحات صوفیه . از آثار فارسی میرسید شریف یکی رسالهٔ معروفی است درصرف ونحوعربی موسوم به «صرف‌میر» دیگررساله‌ای در منطق به نام «الکبری‌فی‌المنطق» سوم رساله ای‌است‌به‌نام «رسالة الوجود»

(رسالةالوجود– چاپ تهران)

جریرطبری (ت) رجوع شود به طبری

جسم (ط) جوهری که دراوسه بعدباشد یعنی‌دارای درازاوپهنا وستبری(یاطول وعرض وضخامت) باشد .

جم (ش – د) رجوع شود به‌جمشید.

گفتم ای مسندجم جام جهان‌بینت کو
گفت افسوس که‌آن دولت بیداربخفت

«حافظ»

جمال‌الدین اصفهانی (ت) جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی وفات ۵۸۸ه-از شاعران قرن ششم .مولدش اصفهان بوده‌وبیشتر عمر خودرا درآنجا گذرانده است وبه‌آذربایجان‌نیز رفته‌وبانظامی گنجوی ملاقات کرده است .جمال‌الدین بیشترشاهان سلجوقی‌را مانند ارسلان‌بن طغرل وطغرل‌بن‌ارسلان ونصرة‌الدین‌جهان پهلوان و بعضی از ملوك‌آل باوندرا که‌درمازندران حکومت داشتند ودوخانوادهٔ آل‌خجند وآل‌صاعد راکه ازخانواده‌های بزرگ اصفهان بوده‌اند ، مدح کرده‌است . دیوان جمال‌الدین شامل قصیده وغزل ومدح وحکمت ووعظ است . ازپیروان انوری وسیدحسن‌غزنوی ورشید وطواط می‌باشد وبا خاقانی ومجیروظهیر مشاعره داشته است . بیشترقصائدش بی تغزل بامدح شروع می‌شود ، کمتربه وصف طبیعت می‌پردازد،ولی غزلیاتش در ردیف اول غزلیات عصراوست .

(دیوان‌جمال‌الدین - چاپ تهران)

جمشید (ش — د) یا جم از شاهان بزرگ پیشدادی. لباس دوختن و کشتی رانی وپزشکی‌را به‌مردم‌آموخت، گوهر را استخراج کرد وتختی گوهرنشان ساخت،جشن‌نوروزرا اوبرپا کردوپس‌ازاین کارها خود بینی براوچیره شد تاضحاك براودست‌یافت وميانش‌را با اره‌به دونیم کرد.

صدرتوبه‌پایه تخت جمشید خنگ توبه‌سایه رخش‌رستم

«انوری»

جنس (ط) ازکلیات خمس. آن‌است که درجواب‌ماهو(چیست) واقع شود. مانند حیوان وقتی که بپرسیم . انسان یا گاو یا گوسفند یا اسب چیست ؟ درجواب گفته می‌شود: حیوان. پس جنس آن است که تمام حقیقت مشترکه‌را شامل‌است یعنی حیوان که شامل گاووگوسفند واسب وانسان است .

جنیدی (ت) ابوعبدالله محمدبن عبدالله الجنیدی از شاعران و فاضلان مشهورقرن چهارم. اورا درشمار شاعران دستگاه صاحب‌بن‌عباد ذکر کرده‌اند. ثعالبی‌دوبیت‌عربی ویک‌قطعه‌پارسی از اونقل کرده‌است.

جوامع الحکایات و لوامع الروایات (ك)ازمعتبرترین کتابهایی که به زبان فارسی تألیف یافته ومؤلف آن محمد عوفی صاحب تذکرهٔ لباب الالباب است که آن را درحدود سال ٦٣٠ و به نام نظام‌الملک قوام‌الدین محمدبن‌جنیدی وزیر شمس‌الدین التتمش‌تألیف کرده است. جوامع‌الحکایات مشتمل برحکایتهای ادبی واشعار وامثله است درچهار مجلد وهرمجلد دارای بیست‌وپنج‌باب. این کتاب ازلحاظ منابع تاریخی بسیار مهم است ، زیرا که عوفی منابع استفادهٔ خود را ذکر می کند و اسنادی را نقل می کند که درکتابهای دیگر نیست وبهمین‌جهت‌مورد استفادهٔ بسیاری ازمؤلفان مانند حمدالله مستوفی‌درتاریخ گزیده وامین

احمد رازی درهفت‌اقلیم ومنهاج سراج درطبقات ناصری‌قرار گرفته‌است.
سبک انشاء کتاب جزدیباچه که دارای نثر مصنوع است، به‌نثر ساده وروان می‌باشد ولی دارای ترکیبات عربی است.

جواهرالاسرار وظواهرالانوار (ك) کتابی‌درشرح مثنوی‌مولانا جلال‌الدین رومی به قلم کمال‌الدین حسین بن‌حسین خوارزمی. قسمت عمدهٔ این کتاب‌مقدمه‌ای‌است شامل‌تاریخ واصطلاحات‌ومبادی‌صوفیه.

جودی (تن) کوهی که کشتی نوح پس از فرونشستن طوفان برآن‌قرار گرفت. (قرآن)

طوفان حوادث اگر آفاق بگیرد
برسدهٔ اوباش که جودی نجاتست
«انوری»

جوزا (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج‌وبه شکل دو پیکر ایستاده. برج جوزابرابر ماه خرداد می‌باشد.

جوزا صفت دوگانه هزارآفتاب زاد
هرگه که رفت‌همت او دربرسخاش
«خاقانی»

دوپیکربازچون‌دویاردرخواب به یکدیگر بپیچیده‌چودولاب
«فخرالدین‌اسعد گرگانی»

جوزا (نج) نام دیگر صورت فلکی جباراست که از صورتهای جنوبی منطقةالبروج‌است وآن صورت‌مردی‌است کمربسته وشمشیربردست گرفته وکمراورا «نطاق» گویند.

خورده‌ام تیر فلک باده‌بده‌تاسرمست
عقده دربند کمرترکش جوزا فکنم
«حافظ»

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم
یعنی غلام شاهم و سوگند می خورم
«حافظ»

جوهر (ط) از مقولات عشر. موجودی که به‌خودی خود وجود داشته باشد . مانند سنگ ، درخت

جوهری (ت) اسمعیل بن حماد جوهری فارابی. وفات ۳۹۸— ازعالمان لغت است وبرای جمع آوری لغات ، مدتی درمیان قبایل عرب بسربرد . پس از آن به نیشابور رفت ودرآنجا به تدریس پرداخت . از آثار مشهور او «الصحاح فی اللغة» است که از کتابهای مهم لغت به شمار می‌رود .

جویا (ت) میرزاداراب بیک جویای تبریزی وفات ۱۱۱۸- از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم. مولدش در کشمیر و از معاصران اورنگ زیب است . جویا رابعد از غنی از استادان مسلم شعر فارسی درهند می‌دانند . وی درغزل پیروصائب است . کلیاتش شامل قصیده ومثنوی وقطعه وغزل است .

کلیات جویا به اهتمام دکتر محمد باقر استاد دانشگاه پنجاب چاپ شده است .

جویباری (ت) ابواسحق ابراهیم بن محمد البخاری الجویباری از شاعران دورۀ سامانی که عوفی غزل لطیفی از او نقل کرده است .

جوینی (ت) علاءالدین عطاملک بن بهاءالدین جوینی وفات ۶۸۱- از تاریخ نویسان معروف ایرانی دردورۀ مغول پسر بهاءالدین و برادر شمس الدین محمد صاحبدیوان جوینی که از خاندانهای معروف ومتنفذ زمان مغول بوده است. علاءالدین مدت بیست وچهار سال دربغداد

حکومت کرد ولی او وبرادرش شمس‌الدین گرفتار سعایت مجدالملک یزدی وزیرآباقاخان‌شدندوبنا به‌دستورآباقاخان،علاءالدین دربغداد توقیف و گرفتار شکنجه گشت وسرانجام درسال ۶۸۱ وفات یافت. اثر مهم او تاریخ جهانگشاست.

جهانگشای‌جوینی (ك) رجوع شود به تاریخ جهانگشا

جهانگشای نادری (ك) تاریخ معروف دورهٔ سلطنت نادرشاه تألیف مهدیخان‌بن محمدنصیراسترآبادی منشی‌نادرشاه‌است که درسفرها با او همراه بوده است و وقایع سلطنت اورا تا زمان مرگ یعنی تا سال ۱۱۶۰ شرح داده است.

(چاپ‌تهران)

چ

چاه بیژن (ش - د) چاهی که بیژن پهلوان ایرانی به فرمان افراسیاب درآن افکنده شد منیژه دختر افراسیاب ومعشوق بیژن هر روز نانی ازگدائی به‌دست می‌آورد و ازبالای چاه‌برای‌اوسی‌انداخت.

شبی چون چاه بیژن تنگ وتاریک
چو بیژن در میان چاه او من
ثریا چون منیژه بر سر چاه
دو چشم من بدون چون چشم‌بیژن

«فردوسی»

چاه یوسف (تن) چاهی که برادران یوسف او را درآن افکندند

ببین که سیب زنخدان توچه سی گوید
هزار یوسف مصری فتاده درچه‌ماست

«حافظ»

چرخ‌اثیر (نج) رجوع شود به اثیر

شهاب کلک توبادیو دولت تو به سیر
همان کند که به‌دیوان‌شهاب چرخ اثیر

«انوری»

چشمهٔ حیوان (تن) رجوع شود به آب حیات

زهرسفرنوش کن‌اول چوخضر   پس برو وچشمهٔ حیوان‌طلب

«خاقانی»

چشمهٔ خضر (تن) رجوع شود به آب حیات

زبان درآن دهن پاك گوئیا که مگر
میان چشمهٔ خضر است ماهئی گویا
«خاقانی»

چگل نام شهری است در ترکستان که درشعرفارسی مردم آن به زیبائی مثل شده‌اند

صفای خلوت خاطر ازآن شمع‌چگل جویم
فروغ چشم ونوردل ازآن ماه ختن دارم
«حافظ»

چهار ارکان (نج) یا چار ارکان عبارت است ازآب وخاك وباد وآتش

سپهر مثل تو ازاتصال هفت اختر
زمانه‌مثل تو ازامتزاج چار ارکان
«انوری»

چهارامهات (نج) کنایه ازچهارعنصر (آب وخاك وباد وآتش)

به‌صد قران بنزاید یکی نتیجه چوتو
ز امتزاج چهار امهات و هفت آبا
«خاقانی»

چهارمقالهٔعروضی (ك) یامجمع‌النوادر، کتابی به زبان فارسی ، تألیف احمدبن علی‌النظامی العروضی سمرقندی که آن را درسال ۵۵۱ به‌نام ابوالحسن حسام‌الدین‌علی شاهزادهٔ غوری تألیف کرده است .

کتاب چهار مقاله پس از مقدمه‌ای درحکمت وطبیعیات به‌چهار مقاله تقسیم‌می‌شود: درماهیت علم دبیری و کیفیت‌دبیر کامل ، ماهیت

علم شعر وصلاحیت شاعر ، ماهیت علم نجوم وغزارت منجم ، ماهیت علم طب .

نظامی عروضی کتابش‌را به کیفیات‌وعواملی مخصوص کرده‌است که به درباربستگی دارد ودراین کتاب تأثیرعلوم و فنون را در ادارهٔ کشور ولیاقت درباریان ونفوذ ایشان را درشاهان شرح می‌دهد وطبقهٔ خواص‌را به چهار طبقهٔ دبیر ، شاعر ، منجم ، طبیب ، تقسیم‌می‌کند. مؤلف مطالب کتاب راباشواهد تاریخی‌می‌آمیزد ودرضمن توضیح مقالات نام بسیاری ازکتابها را می‌برد واشعار ونوشتهٔ شاعران ونویسندگان‌را ذکرمی‌کند.

نظامی‌عروضی‌درحکایات گاهی‌خود شاهد واقعه بوده وسرگذشت اشخاص را چنانکه از خود آنها شنیده است‌نقل می‌کند و گاهی هم‌از اشخاصی که‌خود ناظر وقایع بوده‌اند. کتاب چهارمقاله اهمیت تاریخی وجغرافیائی دارد . سبک انشاء آن بسیار موجز وسلیس است ویکی از آثار برگزیدهٔ نثر فارسی به شمار می‌رود .

(چاپ‌تهران)

ح

حاج ملاهادی سبزواری (ت) رجوع شود به سبزواری

حافظ ابرو (ت) شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید الخوافی. وفات ۸۳۴ - از مورخان بزرك دورهٔ تیمور که به‌قولی در هرات وبه‌قولی در خواف متولد شده ولی در همدان تربیت یافته است. حافظ ابرو معاصر امیرتیمور ودرجنگها ملتزم رکاب او بوده است وبعدازمرگ تیموربه خدمت خود در دربار شاهرخ وبعد بایسنقر ادامه داد. آثاری درتاریخ وجغرافیا دارد که معروفترین آنها را به نام «زبدة التواریخ» به امر بایسنقردرسال ۸۲۹ تألیف کرده است ولی مجموع چهار جلدتاریخ اورا «مجمع التواریخ سلطانی» خوانده‌اند. حافظ ابرو به زبانهای ترکی جغتائی (زبان درباری) وعربی آشنابوده وشعرهم می‌سروده‌است وکتابهای تاریخ وجغرافیای او، چون بیشتر مربوط به‌وقایعی بوده است که خود شاهد آن بوده یامربوط به سفرها وسیاحتهای شخصی او بوده است، سند اصلی تاریخ نویسانی چون میرخواند وخواندمیر قرارگرفته‌است.

حافظ شیرازی (ت) شمس‌الدین محمدبن بهاءالدین معروف به لسان‌الغیب. وفات ۷۹۱ - شمس‌الدین محمدحافظ بزرگترین غزلسرای ایران که در اوایل قرن هشتم درشیراز متولد شد وهمانجا به تحصیل علوم وکمالات پرداخت ودرمجالس درس عالمانی مانند قوام‌الدین عبدالله حضوریافت وبه مطالعهٔ قوانین ادب ودیوانهای شاعران عرب می‌پرداخت

وچون قرآن را از برداشت ، حافظ تخلص کرد . پدر حافظ بهاءالدین درعصر اتابکان فارس از اصفهان به شیراز مهاجرت کرد وحافظ درزمان جوانی به خدمت دیوانی در دربار شاهان اینجو و آل مظفر درآمد . مخصوصاً حافظ درنزد ابو اسحق اینجوکه حکومت فارس را داشت ، تقرب بسیار یافت واو را مدح کرد تا دولت ابواسحاق به دست محمد مبارزالدین مؤسس مظفریان منقرض شد . حافظ از شاهان آل مظفر ، امیر مبارزالدین وشاه شجاع و شاه‌یحیی وشاه‌منصور را درغزلهای خود یاد کرده است. حافظ همهٔ عمر را درشیرازگذرانده و سفرهای کوتاهی‌به اصفهان و یزد کرده‌است. یکبار نیز ازطرف محمودشاه بهمنی دکنی به هندوستان دعوت شد ، ولی به علت‌طوفانی بودن دریا از سفر منصرف گشت . وفات حافظ درسال ۷۹۱ درشیراز اتفاق افتاد .

دیوان اشعار حافظ شامل غزلیات‌ومثنوی ساقی‌نامه وچند قصیده است. این‌سخنور بزرگ‌با آنکه درزمانی پرفتنه وآشوب زندگی‌می‌کرد در اشعارش متانت‌وبردباری آشکار است وهرگز درمدح‌غلونکرده‌است. حافظ از روح عرفان بهرهٔ کامل داشته و مضامین عاشقانه را بامعانی عرفانی آمیخته واین شیوه را به درجهٔ کمال رسانده است .

دیوان حافظ بیش ازهمهٔ آثار غزلسرایان دیگر نزد فارسی‌زبانان شهرت ورواج دارد وازاین جهت خواجه حافظ شیرازی محبوبترین‌شاعر ایران شمرده می‌شود .

دیوان حافظ چندین بار درایران به چاپ رسیده است

حالنامه (ك) رجوع شود به گوی وچوگان

الحاوی (ك) تألیف‌دانشمند وطبیب‌عالیقدر ایرانی ابوبکرمحمد زکریای رازی . این کتاب از مهمترین کتابهای طبی به شمار می‌رفته

ودرعلم طب حکم دائرةالمعارفی را داشته است . درسی جزو نوشته شده ونسخهٔ ترجمه شده به لاتین به ۲۵ جزو می‌رسد ولی از متن عربی آن درحدود نصف باقی است . شاگردان رازی پس از او این کتاب راازروی یادداشتهای استادخود مرتب کرده‌اند. کتاب شامل انواع شعب وفنون مختلف علم طب است وهمچنین حاوی یادداشتهائی می‌باشد که مؤلف درمدت معالجه وعمل از تجارب شخصی گرد کرده است .

حبش ولایت زنگ یا زنگبار که مردم آن سیاه چهره‌اند ودرشعر فارسی لشکر حبش یا خادم حبش کنایه از شب و لشکر روم یا خادم روم کنایه از روز است .

تاروزوشب دو خادم رومی وزنگی‌اند
هر یک به‌صدق عنبرجان درمیان اوست
خورشید روم پرور و ماه حبش نگار
سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست
«خاقانی»

حبیب‌السیر (ك) تاریخ عمومی عالم که درآن وقایع از ابتدای تاریخ بشر تا وفات شاه اسمعیل صفوی یعنی سال ۹۳۰ شرح داده‌شده است. این کتاب درسه جلد است ومؤلف آن غیاث‌الدین بن همام‌الدین معروف به خواندمیر است که آن رادرسال ۹۲۹ تألیف کرده است.
(چاپ تهران)

حجرالاسود (تن) سنگ کعبه

خال سیاه اوحجرالاسود است ازآنک
ماند به خال وزلف به خم حلقهٔ درش
«خاقانی»

حدائق السحر فی دقایق الشعر (ك) کتابی درمباحث معانی وبیان وصنایع شعر از آثار رشیدالدین وطواط دانشمند بزرگ قرن ششم که آن را به اشارهٔ اتسز خوارزمشاه درسال ۵۵۱ شروع کرد ودرزمان سلطنت ایل ارسلان به پایان رساند. رشیدالدین وطواط پس ازمطالعهٔ کتاب «ترجمان البلاغة» خواسته است کتابی بهتر وجامعتر درمحاسن نظم ونثر تألیف کند.

رشید در این کتاب ابتدا به ذکر محاسن شعر می‌پردازد و بعد شواهدی‌از فارسی وعربی ذکر می‌کند وازشاعرانی مانند معزی وعمعق وابوالفرج رونی ومسعودسعدسلمان وناصرخسرواشعاری‌من باب مثال می‌آورد (چاپ تهران)

حدود العالم من المشرق الی المغرب (ك) از کتابهای معتبر جغرافیا که درسال ۳۷۲ تألیف یافته است. مؤلف آن معلوم نیست ولی به «ابوالحرث محمدبن احمد فریغون» تقدیم شده است که از آل فریغون است که درگوزکانان اقامت داشتند وبه دست سلطان محمود غزنوی از میان‌رفتند. این کتاب در تقسیم شهرهاوبلاد ونواحی‌واقوام مختلف واحوال آنهاست وبسیار سودمند می‌باشد.

حدود قوافی (ق) حدودقوافی‌پنج است: متکاوس، متراکب، متدارك، متواتر، مترادف

۱– متکاوس. قافیه‌ای‌است که دارای‌چهار حرف متحرك ویک ساکن باشد. ودرشعر خوش آیند نیست.

گریار من غم دلم بخوردی زین بهترك به‌حال‌من نگردی

۲-متراکب: قافیه‌ایست که دارای‌سه حرف‌متحرك ویک‌ساکن باشد

توهمچو صبحی ومن شمع خلوت سحرم

تبسمی کن وجان‌بین که چون همی‌سپرم

«حافظ»

۳– متدارك : قافیه‌ای است که دارای دوحرف متحرك و یك ساکن باشد .

به‌نام خداوند جان وخرد کزین برتراندیشه برنگذرد

٤– متواتر : قافیه‌ای است که دارای یک متحرك ویك ساکن باشد .

من آن روز را قدرنشناختم ندانستم اکنون که دریافتم

٥– مترادف: قافیه‌ای است که‌دارای دو حرف ساکن باشدمانند

زسم ستوران در آن پهن دشت
زمین شدشش وآسمان گشت هشت

حدیقةالحقیقةوشریعةالطریقه (ك) از مهمترین آثار حکیم سنائی شاعر معروف قرن ششم،شامل ده‌هزاربیت، که درسال ٥٢٥ به نام بهرامشاه غزنوی ساخته شده است . حدیقه شامل ده باب است . درتوحید ذکر کلام باری، نعت نبی، صفت عقل ، فضیلت علم ، ذکر نفس ، صفت افلاك ، مدح بهرامشاه غزنوی ، حکمت وامثال ، صفت تصنیف کتاب . کتاب حدیقه سراسر شامل پندواندرز و مطالب عرفانی وبیان مقام دانش وعقل است ودرحقیقت سرمشق وراهنمای بزرگی‌است برای افراد و اجتماع . این کتاب ازنظر اهمیت موضوع در زمان‌حیات شاعر شهرت یافت وادیبان ومشایخ صوفیه به‌آن توجه کردند ، چنانکه نصرالله منشی معاصرحکیم سنائی درکلیله‌ودمنه ازاشعار حدیقه‌بعنوان شاهد نقل کرده است . همچنین مورد توجه شاعران بعد از سنائی قرار گرفته است، بطوریکه خاقانی مثنوی تحفةالعراقین ونظامی مخزن‌الاسرار را به سبك آن ساخته‌اند .

حدیقةالحقیقة چندین بار به چاپ رسیده است .

حذذ (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف علن است که می‌ماند مستف بجای آن فع‌لن می گذارند ؛ وآن را احذ خوانند .

حذف (ب) آن است که شاعر ملزم شود که یک یا دو حرف را درشعر بکارنبرد مانند این شعر قاآنی که بدون الف است .

برد زگیتی برون ربیع چو لشکر
لشکر دی ملک وی‌نمود مسخر
دهرزدم‌سردیش به‌خویش‌مشوش
مهر ز بیمهریش به میغ مستر

ودرآخر قصیده گوید :

گفته به مدحت قصیده‌ای والف‌نی
جز به همین فرد ملتزم شده دیگر

حذف (زحاف) (ع) حذف در مفاعیلن حذف لام ونون است که می‌ماند مفاعی وبجای آن فعولن می گذارند وآن را محذوف‌خوانند .

در فاعلاتن حذف نون وتاء است که می‌ماند فاعلا و بجای آن فاعلن می گذارند وآن‌را محذوف‌خوانند. درفاع لاتن‌مانندفاعلاتن‌است.

در فعولن حذف نون و لام است که می‌ماند فعو بجای آن فَعَلْ می گذارند وآن‌را محذوف خوانند .

حذو (ق) از حرکات قافیه. حرکت ما قبل ردف و قید مانند حرکت میم ودال‌در کلمه های مست ودست. اختلاف حذو جایزنیست مگر آنکه روی به حرف وصل پیوندد .

حرکات‌قافیه (ق) حرکات‌حروف قافیه‌شش‌است : رس،اشباع ، حذو ، توجیه ، مجری، نفاذ. حرفهای‌اول این شش کلمه را برای‌آنکه به یاد سپرده شود درکلمات «راحت من» جمع کرده‌اند .

(به این کلمات رجوع شود)

حروف قافیه (ق) حروف ماقبل وما بعد حرف روی هریک به نامی خوانده می‌شود وتابع احکامی است که به تفصیل درکتابهای علم قافیه آمده‌است . این حروف جز حرف روی هشت حرف است. به این ترتیب: ردف ، قید، تأسیس ، دخیل ، وصل ، خروج ، مزید ، نایره. که چهار حرف : ردف وقید وتأسیس و دخیل پیش از روی قرار می‌گیرد وچهار حرف وصل وخروج ومزیدونایره بعد از روی. (به هریک از این کلمات رجوع شود)

حزین (ت)شیخ محمدعلی محمدبن ابیطالب حزین لاهیجی. وفات ۱۱۸۰—اجداد شیخ علی حزین درلاهیجان اقامت داشتند ولی او درسال ۱۱۰۳ در اصفهان متولد شد و در دوران اغتشاش و هجوم افغانها براصفهان ، خانوادهٔ خودرا از دست داد وخود پس از نجات‌ازبیماری سختی درسال ۱۱۳۰ ازاصفهان گریخت وپس از مدتها سرگردانی سفری به مکه کرد و از شهر های یمن ، بغداد ، کرمانشاه ، کردستان ، آذربایجان ، تهران دیدن کرد وبه‌اصفهان بازگشت ودرسال ۱۱۴۶ به هندوستان عزیمت نمود وبقیهٔ عمر را درآنجا گذراند .

ازآثار معروف او تذکرهٔ حزین است مشتمل برشرح حال صدنفر از شاعران معاصر او و«تاریخ حزین» که مربوط به سوانح عمر مؤلف است قبل از عزیمت‌به هندوستان و«مدة‌العمر» که‌حوادث زمان‌نویسنده وانقلاب اصفهان‌رانشان می‌دهد ومجموعهٔ اشعار وی.

حساب ابجد یکی از ترتیب های حروف الفباآن‌است که مطابق حرفهای کلمات زیر باشد :

ابجد ، هوز ، حطی ، کلمن ، سعفص، قرشت ، ثخذ ، ضظغ

هریک از این حروف به ترتیب به ازای یکی از اعداد آحاد و عشرات ومآت است . حروف

ا ب ج د ه و ز ح ط ی (۱ تا ۱۰)

ك ل م ن س ع ف ص (۱۰ تا ۹۰)

ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ (۱۰۰ تا ۱۰۰۰)

نوشتن اعداد به حروف ابجد به‌وسیلهٔ ترکیب این حروف حاصل می‌شود . مثلاً تاریخ سال ۱۳٤۰ را می‌توان چنین نوشت : «غشم»

گاهی نیزعدد منظور از حاصل جمع حروف متعدد به دست می‌آید: مانند عبارت «الخیرفی ماوقع» که ۱۱۶۰ یعنی تاریخ قتل نادر از آن حاصل می‌شود .

حسن تخلص (ب) آن است که شاعر در گریز از تغزل به مدح ، کلمات خوش آیند ومطبوع استعمال کند .

خلق گویند برودل به هوای دگری نه

نکنم خاصه درایام اتابك دو هوائی

«سعدی»

حسن تعلیل (ب) از صنایع شعری که شاعربرای مطلبی که آورده، دلیلی دلپذیر بیاورد نه مطابق با واقع

چوب را آب فرو می‌نبرد حکمت چیست

شرمش آید زفرو بردن پروردهٔ خویش

حسن طلب (ب) آن است که گوینده خواهش را به نوعی اظهار کند که مورد پسند خواننده واقع شود ، مانند این شعر امیرمعزی :

شاها ادبی کن فلك بد خورا کاسیب رسانیده رخ نیکو را

گر گوی خطا کرد به چوگانش زن ور اسب غلط کرد به من بخش اورا

حسن دهلوی (ت) رجوع شود به دهلوی

حسن غزنوی (ت) اشرف‌الدین ابومحمد حسن بن محمد حسینی غزنوی. وفات ۵۵۷ ملقب به اشرف از واعظان و فصیحان معروف قرن ششم هجری که معاصر ومداح بهرامشاه غزنوی بوده ودرسفر هندوستان با اوهمراهی کرده است ولی پس از مدتی مغضوب واقع شده وازغزنین به بغداد ومکه سفر کرده و در بغداد مورد لطف غیاث‌الدین مسعود سلجوقی واقع گردیده است. سیدحسن غزنوی از بغداد به همدان رفت و چندتن از ارکان مملکت سلاجقه را مدح کرد وسپس به خراسان رفت ودربازگشت درقصبهٔ «آزادوار» ازولایت جوین وفات یافت.

دیوان اشعار سید حسن غزنوی چهار بیت دارد وشامل قصائد وغزل وترجیعات در انواع موضوعها مانندمدح ورثاء ووعظ وتغزل‌است، کلامش ساده ونسنجم وخالی از ابهام است. (چاپ تهران)

حسن مطلع (ب) آن است که شاعر درابتدای شعر مطلب را طوری بپروراند که مقصود از مدح و اندرز و اغراض دیگر معلوم شود والفاظ به گوش خوش آید.

دولت جوان و بخت جوان و ملک جوان
ملک جهان گرفتن و دادن کنون توان

حسن ودل یادستورعشاق (ک) منظومه‌ای بالغ برپنجهزاربیت که مولانا یحیی سیبک نیشابوری معروف به‌فتاحی درسال ۸٤۰ آن‌راساخته است. خود شاعر نام این منظومه را «دستور عشاق» گذارده ولی چون موضوع آن داستان عشق حسن ودل است به مثنوی «حسن ودل» معروف شده است. موضوع داستان سرگذشت عشق شاهزاده‌ای است به نام «دل» باشاهزاده‌ای به‌نام «حسن». شاعر دراین‌داستان همه‌نوع مضامین عاشقانه را در نظر داشته ودرپایان آن خضر با «دل» سخن می گوید.

سبک شعر دراین منظومه متکلفانه ودارای صنایع بدیع واطناب واغراق است و شاعر یک بارهم آن رادررسالهٔ منثور کوچکی بنام «حسن ودل» تلخیص کرده که برخلاف مثنوی آن بسیار موجز نوشته شده است.

حشو (ب) کلامی است زائد درمیان جمله که از حیث معنی به آن احتیاج نباشد وبرسه قسم است: حشوقبیح، متوسط، ملیح.

حشو قبیح زشت است ودوری ازآن لازم می‌باشد. مانند رمدچشم وصداع سر دراین شعر

گر می‌نرسم به خدمتت معذورم
زیرا رمدچشم وصداع سرم است

حشو متوسط برای موزون شدن کلام است

مانند کلمات «ای ماهرو» دراین شعر

تو رود کی را ای ماهرو کنون بینی
بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود

حشو ملیح پسندیده است مانند جملهٔ «ذکرش به خیرباد» دراین شعر

دی پیر می‌فروش که ذکرش به خیرباد
گفتا شراب خورکه غم دل برد زیاد

حمدالله مستوفی (ت) ابی‌بکربن احمدبن نصرمستوفی قزوینی. وفات ۷۵۰ - از خانواده‌های قدیمی که سالیان دراز در قزوین اقامت داشته‌اند وجداعلای آنها امین‌الدین نصر مستوفی بوده است. حمدالله مستوفی در خدمت رشیدالدین فضل‌الله به کار مشغول گشت وبرحسب امر او پیشکار مالیاتی قزوین وزنجان وابهرگردید. حمداله مستوفی غالباً درمجالس رشیدالدین حضورمی‌یافت ودرمباحث علمی وتاریخی

شرکت می کرد . از آثار معروفش «ظفرنامه» به‌نظم و «نزهة‌القلوب» و «تاریخ گزیده » است .

حمزهٔ اصفهانی (ت) ابوعبداله‌حمزة‌بن حسن اصفهانی . وفات در حدود ۳۵۰ - از مورخان بزرك و ادیبان قرن چهارم که‌دراصفهان متولد شده و بارها به بغداد سفر کرده و باز به اصفهان برگشته است . حمزه درعلم نحو وفقه نیز استاد بوده است . از آثار او کتاب معروف «تاریخ سنی‌ملوك‌الارض والانبیاء» کتاب «کبارالبشر» و «کتاب الامثال» و «کتاب‌التبنیه‌علی حدوث التصحیف» است .

حمل (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة‌البروج ؛ به شکل بره است نیم خفته ، برج حمل برابر باماه فروردین است .

در بره مریخ گرزگاوافریدون به دست
وز مجره شب درفش کاویان انگیخته
«خاقانی»

زآتش غیرت خوان تو مقیم　　برفلك ثور وحمل بریان‌است
«انوری»

حنظلهٔ بادغیسی (ت) وفات درحدود ۲۲۰-از معروفترین شاعران دورهٔ‌طاهری‌است که‌درنیشابور دردورهٔ‌حکومت‌عبدالله‌بن‌طاهرمی‌زیست . اشعاری از او درتذکره‌ها باقی است .

حوا (تن) دومین بشر مخلوق خدا وهمسر آدم که دربهشت می‌زیست وبه اغوای ابلیس گندم خورد واز بهشت رانده شد وبه‌جده فرو افتاد .

حدیث عشق اگر گوئی گناهست
گناه اول ز حوا بود و آدم
«سعدی»

حور (تن) حور جمع حوراء بمعنی زنان سیاه چشم بهشت . این کلمه که به‌صیغهٔ جمع در قرآن آمده است در ادبیات فارسی بمعنی مفرد می‌آید و از آن زن زیبای بهشتی اراده می‌شود .

صحبت حور نخواهم که بود عین قصور
با خیال تو اگر با دگری پردازم
«حافظ»

حورالعین (تن) رجوع شود به حور

باغ پیراسته گلزار بهشت گلبن آراسته حورالعین است
«ابوالفرج رونی»

حوت (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة البروج و به شکل ماهی . برج حوت برابر ماه اسفند است .

بمانده ماهی از رفتن به نا کام تو گفتی ماهی است افتاده در دام
« ازویس ورامین »

حیة الحوا (نج) ازصورتهای فلکی که در شمال منطقة البروج است. به صورت ماری است که مار افسای او را به هردودست گرفته و سار سرودم بلند کرده است .

الا که تا بود برین فلک روان شجاع او وحیة الحوای او…
«منوچهری»

خ

خاتم‌سلیمان(تن) رجوع شود به انگشترسلیمان.

گرچه شیرین دهنان پادشهانند ولی

او سلیمان زمان‌است که خاتم بااوست

«حافظ»

خاقانی (ت) افضل‌الدین ابوبدیل بن‌علی خاقانی. وفات ۵۹۵- از سخن سرایان بزرگ ایران. نخست حقایقی لقب داشته ولی‌بعد، به مناسبت انتساب به خاقان اکبر منوچهر بن فریدون شروانشاه، خاقانی تخلص یافت. پدرش علی نجار و مادرش کنیزك رو می‌بود که به‌دین اسلام درآمد. اولین بار تقرب‌خاقانی نزد شروانشاه به وسیلهٔ‌ابوالعلاء گنجوی انجام گرفت. وی پس از خاقان اکبر به خدمت پسرش خاقان کبیر اخستان درآمد. خاقانی پس از مدتی که دردربارشروانشاه زیست‌ملول گشت و آرزوی سفر عراق کرد، ولی شروانشاه به او اجازه نداد واین امر موجب دلتنگی خاقانی گشت. عاقبت به سفرمکه رفت ودرمراجعت هنگام ورود به اصفهان قصیده‌ای در وصف اصفهان‌ساخت خاقانی به دربارشروانشاه بازگشت ولی به علت سعایت حسودان به امر شاه به حبس افتاد. پس از آن درحدود سال ۵۶۹ باز به‌حج رفت. در بازگشت به سبب مرگ فرزند و مصائب دیگر به عزلت روی آورد ودرتبریز اقامت کرد ودرهمانجا درگذشت.

از ممدوحان خاقانی خاقان اکبر ابوالهیجا فخرالدین منوچهربن فریدون شروانشاه وخاقان کبیر جلال‌الدین ابوالمظفر اخستان‌بن‌منوچهر وعلاءالدین اتسزبن محمد خوارزمشاه و نصرةالدین اسپهبد اعظم از فرمانروایان طبرستان وغیاث‌الدین محمدبن محمود بن محمدبن ملکشاه ورکن‌الدین ارسلان بن‌طغرل‌وسیف‌الدین اتابک‌منصور حکمران‌شماخی و مظفرالدین قزل ارسلان و علاء الدین تکش بن ایل ارسلان می باشند.

خاقانی را باید از سخن سرایان بلند فکرواز استادان بزرگ زمان واز قصیده سرایان درجهٔ اول‌ایران دانست که درشعر ابتکاراتی‌داشته است . از اختصاصات او یکی التزام ردیفهای مشکل در قصاید بلند وطولانی است . اشعار خاقانی به علت اطلاع وسیع وی برلغات عربی واصطلاحات فلسفه و طب ، گاهی ازسادگی بیرون می‌آید . قصایدش بیشتر به وصف طبیعت وبهار وخزان وصبح شروع می‌شود وجنبهٔ وصف در این قسمتها بسیار قوی است. تشبیهات بسیار تازه دراشعار اواغلب زادهٔ احساس وقوهٔ تخیل خود اوست . غزلیات خاقانی شامل ابیات لطیف و شورانگیز است که گاهی تحت تأثیر سبک غزلیات سنائی واقع می‌شود .

ازآثار خاقانی جزدیوان‌قصاید وغزلیات‌ومثنوی «تحفة العراقین» است. (دیوان خاقانی چاپ‌تهران)

خالد (ت) امیرفخرالدین تاج‌الافاضل خالدبن ربیع‌الملکی. وفات نیمه قرن ششم - از شاعران‌خراسان وکاتبان مشهورقرن ششم که در خدمت علاءالدین جهانسوز (۵۴۵–۵۵۶) می‌زیسته وباانوری دوستی داشته است . خالدبن ربیع‌ازجملهٔ امیران وبقول خود او (مردلشکری)

بوده است .

خالد در اشعارش علاءالدین جهانسوز و سلطان سنجر را مدح گفته است .

خانقاه جایگاهی که سالگان را برای رسیدن به مقام واقعی عرفان ارشاد می کند ومتصوفه درآنجا به ریاضت وعبادت وتفکر می پردازند .

منم که گوشهٔ میخانه خانقاه من است

دعای پیرمغان ورد صبحگاه من است

«حافظ»

خبن (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف حرف دوم یعنی الف است که می‌ماند فعلاتن ؛ وآن را مخبون گویند .

در مستفعلن حذف سین است که می‌ماند متفعلن . بجای آن مفاعلن می گذارند . وآن را مخبون گویند . درمس تفع‌لن مانند خبن در مستفعلن است .

در مفعولاتُ حذف فاء است که می‌ماند معولاتُ . بجای آن مفاعیلُ می گذارند ؛ وآن را مخبون خوانند .

ختا ولایتی درترکستان چین که مشک آن معروف بوده است .

ای گمشده آهوی ختائی هم زابخور ختات جویم

«خاقانی»

ختن ولایتی درترکستان چین که آهوی مشکین ومشک آن معروف بوده است .

مژدگانی بده‌ای خلوتی نافه گشای

که زصحرای ختن آهوی مشکین آمد

«حافظ»

خداوندنامه (ك) منظومه‌ای بروزن شاهنامه که فتحعلی‌خان صبا ملك الشعرای دربار فتحعلیشاه قاجار آن را دربارهٔ پیغمبر اسلام وعلی‌بن‌ابیطالب سروده است .

خداینامه (ك) خداینامه که به‌زبان پهلوی به معنی شاهنامه‌است کتابی است که دردورهٔ ساسانیان در ایران تألیف‌شده است . این کتاب را ابن المقفع درقرن دوم هجری به زبان عربی ترجمه کرده وآن‌را «سیرالملوك» نامیده‌است . نسخهٔ این کتاب اکنون دردست نیست .

خرب (ع) حذف‌میم ونون است درمفاعیلن؛ که می‌ماندفاعیلُ بجای آن‌مفعولُ می گذارند ؛ وآن را اخرب خوانند .

خردنامهٔ‌اسکندری (ك) یکی ازمثنویهای هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را درحدود سال ۸۹۰ ساخته است . این کتاب‌به تقلید اسکندرنامهٔ نظامی‌ساخته‌شده و وزن آن همان وزن اسکندرنامه و شاهنامهٔ فردوسی است . جامی در این مثنوی پس از خطبه در توحید ونعت پیغمبر وبیان معراج به اصل‌موضوع می‌پردازدواز نصایحی گفتگو می کند که به نام ارسطو وافلاطون وسقراط وفیثاغورث و حکمای دیگر به‌اسکندرداده‌شده‌است‌وهمچنین‌مکاتبات‌ومراسلات‌حکیمانه و گفتگوهای فیلسوفانهٔ بین اسکندر وکسان دیگر را بنظم آورده و مثنوی را به داستان وفات اسکندر وندبهٔ حکیمان بروی وتعزیت‌نامهٔ ارسطو به مادر اسکندر ختم می کند .

هفت اورنگ (چاپ‌تهران)

خرقانی (ت) ابوالحسن خرقانی . وفات ۴۲۵ — از مشایخ بزرگ صوفیه . خانقاهش محل توجه حکیمان و دانشمندانی‌مانند ابو علی سینا و شیخ ابوسعید ابی الخیر و ناصرخسرو بوده است . از

آثار او کتاب «نورالعلوم» است به زبان فارسی درمبانی عرفان .

خرقه لباسی که پیران و مرشدان خانقاه بر تن سالکان طریقت می‌پوشاندند ، و این کار هنگامی صورت می گرفت که سالک پس از ریاضت ومجاهدت بسیار شایستگی دخول درصف صوفیان راپیدا می کرد . خرقه پوشاندن باآداب خاصی انجام می گرفت و به صاحب آن مقام والائی می‌بخشید .

درخرقه زن آتش که خم ابروی ساقی

بر می‌شکند گوشهٔ محراب امامت

«حافظ»

خرم (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف حرف اول یعنی میم است که می‌ماند فاعیلن؛ بجای آن مفعولن می گذارند ؛ وآن را اخرم خوانند.

خروج (ق) از حروف قافیه . آن است که حرف وصل به آن پیوندد:

خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم

دیبا نتوان بافت از این پشم که رشتیم

«سعدی»

میم در کلمه های کشتیم ورشتیم خروج است .

خزانهٔ عامره (ك) تذکره‌ای به زبان فارسی تألیف میرغلامعلی آزاد از فاضلان هند (۱۲۰۲) که آن را در هندوستان تألیف کرده است . چنانکه مؤلف خود گوید در تنظیم این کتاب از لباب الالباب عوفی بسیار استفاده کرده است .

خسروانی (ت) ابوطاهرطیب بن محمد خسروانی ازشاعران عصر سامانی. اشعاری از او درتذکره‌ها باقی است .

خسروپرویز (ش—ت) پسر هرمز ونوادهٔ انوشیروان که شورشیان پدرش را کور کردند و کشتند و اورا بر تخت نشاندند . خسرو ابتدا

به‌دفع بهرام چوبینه پرداخت وبرای این کار ازقیصر روم کمک‌خواست. قیصر دختر خود سریم را به او داد وبه او کمک کرد تا بهرام چوبینه را دفع کرد وپس‌ازآن به کشور داری‌پرداخت وتحت طاقدیس راساخت و ایوان مدائن را بنا کرد . داستان خسرو و شیرین در ادبیات فارسی معروف‌است ومهمترین‌نمونهٔ آن،داستان منظومی است که‌نظامی گنجوی سروده است . در این داستان خسرو عاشق شیرین برادرزادهٔ مهین‌بانو ملکهٔ ارمنستان می‌شود وسالها از عشق او در سوزوگداز بسر می‌برد. شیرین به‌علت نجابت وپاکدامنی جزازراه ازدواج به اوتن در نمی‌دهد و سرانجام به همسری او در می‌آید . خسرو پرویز به وسیلهٔ شیرویه پسر خود که بنابرداستان نظامی عاشق شیرین بود، کشته می‌شود . در شعر فارسی پرویزوخسرو مثال شوکت و جلال است وبه داستان عشق او با شیرین بارها اشاره می‌شود :

خسروآن است که در صحبت او شیرین است
دربهشت است که همخوابهٔ حورالعین است

«سعدی»

سپهر برشده پرویز نی‌است خون افشان
که ریزه‌اش سر کسری و تاج پرویز است

«حافظ»

خسرووشیرین (ك) یکی‌ازمثنویهای خمسهٔ نظامی داستانسرای بزرگ‌ایران درقرن ششم که آن رادرسال ۵۷۶ به‌نام‌اتابک‌شمس‌الدین محمدجهان پهلوان‌بن ایلدگزساخته‌است. این مثنوی دارای‌شش‌هزار وپانصد بیت است وداستان عشقبازی خسروپرویز شاه ساسانی باشیرین شاهزادهٔ‌ارمنی‌می‌باشد. داستان خسرووشیرین ازداستانهای کهن‌ایرانی

است ودرشاهنامهٔفردوسی هم آمده است،اما درمنظومهٔ نظامی تفصیل و شاخ وبرگ بیشتری دارد.

خسروی سرخسی (ت) ابوبکر محمدبن علی خسروی سرخسی. وفات ۳۸۳-أزشاعران قرن چهارم ومداح شمس‌المعالی قابوس وصاحب بن‌عباد وامیر ناصرالدوله ابوالحسن محمدبن ابراهیم سیمجور.

خسروی به زبان فارسی‌وعربی شعر می گفته است وازاصطلاحات فلسفی که دراشعارش به کار برده پیداست که از علوم حکمی وفلسفی اطلاع داشته است . در لباب‌الالباب قطعه‌ای از اشعار عربی او نقل شده است.

خسوف (نج) هرگاه‌ماه‌باخورشید مقابله کندخسوف‌واقع‌می‌شود. مقابله آن است که خورشید بریک طرف قطر یعنی بر خطی باشد که از مرکز کره می گذرد و ماه برطرف دیگر آن قطر و زمین حایل میان ماه وخورشید گردد ، دراینصورت خسوف ایجاد می‌شود :

مه نوی توبه‌سلک‌اندرازخسوف مترس
ازآنکه راه نباشد خسوف را به هلال
«انوری»

خضر (تن) از پیغمبران ومعاصر اسکندر ذوالقرنین که با او به طلب آب حیات رفت و در ظلمات چشمهٔ حیوان را یافت وازآن خورد وعمرجاودانی یافت.

شاه دریک حال هم خضر است وهم اسکندر است
کاینه دین کرد و شد با آب حیوان آشنا
«خاقانی»

خط وخطاطان (ك) تألیف میرزاحبیب اصفهانی که آن را در

اسلامبول هنگامی که عضویت انجمن معارف عثمانی را داشت تألیف کرده است. موضوع کتاب چنانکه از اسمش پیداست تاریخ خط و خطاطان معروف است.

خطیب تبریزی (ت) ابوزکریا یحیی بن علی تبریزی. وفات ۵۰۲- از عالمان ادب و لغت عرب در قرن پنجم و شاگرد ابوالعلاء معری. خطیب تبریزی چندی درمدرسهٔ نظامیه بغداد تدریس می کرده است. درعروض وقوافی واعراب قرآن وشرح دیوانهای عرب تألیفات دارد. مهمترین اثر او «شرح حماسهٔ ابی تمام» «شرح دیوان متنبی» «شرح دیوان ابی العلاء معری» شرح «معلقات سبع» است.

خفیف (ع) از بحور شعر فارسی وعربی اصلش دوبار «فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» است. درفارسی از این بحر وزن زیر بسیار رایج است خفیف مسدس مخبون محذوف (فعلاتن مفاعلن فعلن) مثال:

صنما طاقت فراقم نیست   جزبه وصل تواتفاقم نیست

خلاصة الاشعار وزبدة الافکار (ك) تذکره ای دراحوال شاعران تألیف تقی الدین محمد کاشی که در زمان شاه عباس اول تألیف یافته است. مؤلف کتاب را به ۱۲ اصل و هراصل را به دوفصل تقسیم کرده است. فصل اول درترجمهٔ شاعران معاصر مؤلف و فصل دوم شاعرانی که مؤلف آنان را ندیده است.

نثر کتاب مصنوع و پراز عبارت پردازی است اما از نظر اشتمال براشعار شاعرانی که نام بعضی از آنها درجای دیگر ذکر نشده است، قابل استفاده می باشد.

خلاصة الحساب (ك) تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان وفقیهان دورهٔ صفویه.

این کتاب دراصول جبر وحساب وهندسه‌است که درعین اختصار بسیار سودمند است وجزو کتابهای درسی به شمار می‌رفته‌است.

خلدبرین (ك) اثر شاعر قرن دهم وحشی بافقی که آن را به تقلید مخزن‌الاسرار نظامی ساخته است. این مثنوی شامل ۲۹۰ بیت ودارای شش روضه‌است حاوی پند واندرز وتمثیل های‌شیرین.

خلیل یاخلیل‌الله (تن) رجوع شود به ابراهیم

یارب این آتش که بر جان من است

سرد کن زانسان که کردی بر خلیل

«حافظ»

خلیل بن احمدالبصری وفات درحدود ۱۷۰ — خلیل درسال ۱۰۰ هجری دربصره متولدشد ودرهمان شهر به کسب علم پرداخت درعلوم مختلف خاصه درعلوم ادبی تبحر یافت. خلیل از نحویان و لغویان بزرگ صدراسلام شمرده‌می‌شود. ایجادشکل یعنی علامتهای حرکات را به طریقی که در خط عربی و فارسی امروز معمول است به او نسبت می‌دهند. ازآثار مهم او کتاب لغت عربی‌است که آن را برحسب مخرج حروف مرتب کرده یعنی حرفهای ملفوظ را از مخرج حلق آغاز کرده وبه لب پایان داده است وچون دراین ترتیب حرف نخستین «عین» بوده، کتاب لغت اوبه «کتاب العین» معروف شده است. دیگرازآثار مهم او علم عروض‌است که آن را خود ابداع کرده وپیش ازاودرزبان عربی چنین علمی سابقه نداشته است.

«کتاب‌الایقاع» و«کتاب‌النغم» که هردو در علم موسیقی بوده است نیز به او منسوب است.

خواجوی کرمانی (ت) کمال‌الدین ابوالعطاء محمودبن علی

کرمانی. وفات ۷۵۳- از شاعران بزرك قرن هفتم که در کرمان متولدشده وهمانجا کسب فضائل کرده وپس از چندی به سفر پرداخته است. وی درضمن سفر به ملاقات‌شیخ رکن‌الدین علاءالدوله سمنانی (متوفی ۷۳۶) از بزرگان صوفیه نائل آمد وجزو مریدان او گشت.

خواجو سلطان ابوسعید بهادر ووزیر او غیاث‌الدین محمد را در قصاید خود مدح کرده است. مدتی درشیراز اقامت کرد وبافاضلان‌آن شهر ازجمله با خواجه حافظ شیرازی معاشرت کرد و شیخ ابو اسحاق اینجو وشمس‌الدین محمود صاین وزیر او و تاج‌الدین احمد عراقی از بزرگان کرمان‌رامدح کرده است. ازآثار خواجو دیوان غزلیات‌وقصاید اوست. دیگر مثنویهائی به سبك نظامی مانند همای وهمایون، گل ونوروز، روضة‌الانوار، کمال‌نامه، سام‌نامه، گوهرنامه. خواجو درغزل پیرو شیخ سعدی است.

خواجه‌عبدالله‌انصاری (ت) رجوع شود به عبدالله‌انصاری

خواجه‌نصیرالدین‌طوسی (ت) رجوع شود به نصیرالدین‌طوسی.

خواجه نظام‌الملك (ت) رجوع شود به‌نظام‌الملك.

خوان‌اخوان (ك) ازآثار منثور ناصرخسرو شاعر و نویسندهٔ قرن پنجم دربارهٔ مسائل دین که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ایاصوفیه ضبط است.

خواندمیر (ت) غیاث‌الدین‌بن همام‌الدین. وفات ۹٤۱- نواده وشاگردمیر خواند که درزمان امیر علیشیر نوائی می‌زیسته و در تحت حمایت‌اوقرار گرفته است. از آثاراویکی «خلاصة‌الاخبار» است که‌تلخیص ازکتاب روضه‌الصفاست، دیگر کتاب «حبیب‌السیر» که درسال ۹۲۹ تألیف یافته است.

خورنق قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام پسر یزدگرد ساسانی ساخت.

از شارهٔ ملون و پیرایهٔ بزر　　آنجا یکی خورنق و اینجا یکی ارم

خون سیاووش یا خون سیاووشان (ش — د) گویند که چون به فرمان افراسیاب، سیاووش کشته شد، برزمینی که خون او ریخته شد، گیاهی روئید که به خون سیاووش یا خون سیاووشان معروف گشت این گیاه چون دارو به کار می‌رفته است.

شب چاه بیژن بسته سرمشرق گشاده زال زر

خون سیاووشان نگر برخاك و خارا ریخته

«خاقانی»

خیام (ت) حکیم ابوالفتح عمربن ابراهیم الخیام نیشابوری. وفات ۵۱۷ه‍ - از دانشمندان وریاضی‌دانان وشاعران بزرگ ایران دراواخر قرن پنجم واوائل قرن ششم. خیام معاصرسلطان ملکشاه سلجوقی وخواجه نظام‌الملك وازجملهٔ کسانی بود که به دستور ملکشاه به اصلاح تقویم ایران پرداخت وایام سال رابه‌وضع ثابت درآورد. خیام علاوه برنجوم در پزشکی وحکمت استاد بوده‌ودرریاضی وفلسفه آثاری دارد. در زمان حیاتش بیشتر به حکیم معروف بود تا شاعر. آثارخیام به‌زبان‌فارسی‌وعربی است.

ازجملهٔ رساله‌های اوبه‌زبان عربی رساله‌هائی است درطبیعیات، معراج، رسالهٔ جبرومقابله، لوازم الامکنه در اختلاف هوای اقالیم، رساله‌ای درحل یك مسئله‌جبری که درآن ازبیست‌ویك قسم معادلات جبری نام برده است. دربارهٔ جنبه ریاضی وعلمی حکیم عمرخیام به کتاب «حکیم عمرخیام به‌عنوان عالم جبر» تألیف «دکتر غلامحسین مصاحب» رجوع شود.

ازآثار فارسی خیام یکی ترجمه «رسالهٔ خطبةالغراء» ابوعلی سیناست به‌فارسی . دیگر «نوروزنامه» ورساله‌ای درعلم کلیات «یا رسالهٔ وجودیه» که خیام آن را برای فخرالملک بن نظام‌الملک نوشته است . از آثار معروف خیام رباعیات اوست که گویا قصدش از ساختن آنها اشتغال به شعر وشاعری نبوده بلکه بیان بعضی از افکار فلسفی خود بوده است ، این رباعیات شهرت عالمگیر یافته و به‌اغلب زبانهای زندهٔ دنیا ترجمه شده‌است . خیام افکار فلسفی ونظرهای حکیمانه خودرا با عبارات ساده درقالب رباعی که موجزترین نوع شعراست، گنجانده است .

قالب رباعیات خیام ومضامین آنهامورد تقلید بسیاری ازشاعران بعداز او قرار گرفته‌است. دیوان خیام چندین بار به‌چاپ رسیده‌است .

خیفاء (ب) آن است که درشعر یا عبارت یک کلمه منقوط‌ویک کلمه بی نقطه باشد .

زین عالم‌شد اوببخشش وسال تیغ او زینت ممالک شد

د

دارا (ش — د) دارا پسر داراب پادشاه کیانی که در دوازده سالگی پس از پدر به شاهی رسید و از رومیان باژخواست. اسکندر که به روایت شاهنامه پسردیگر داراب بودبه‌اوجواب‌سخت داد وبراثر آن جنگ درگرفت. دراین‌جنگ‌ایرانیان شکست خوردند ودوتن‌ازسرداران داراکه‌وضع‌اوراد گرگون‌دیدند، شبانه دشنه‌برسینهٔ‌اوزدند. چون‌خبربه اسکندررسید، بربالین‌دارا آمد وزاری کردوبراوفاش کرد که‌برادراوست. دارا پس ازآنکه اسکندر را به دادگری وصیت کرد جان داد. زاری اسکندر بربالین دارا از قسمتهای بسیار مؤثر شاهنامهٔ فردوسی است، ودراسکندرنامهٔ‌نظامی نیزمجلس وصیت دارا هنگامی که اسکندر سراورا برزانو نهاده است به شیوائی تمام سروده شده است.

داراب (ش — د) پسر بهمن که مادرش برای آنکه تاج‌وتخت را از دست ندهد، اوراباجواهر بسیاردرصندوقی گذاشت‌وبه‌آب‌انداخت. گازری صندوق را از آب گرفت و به خانه برد و نام کودك را داراب گذاشت. داراب بزرگ ونیرومند گشت وفرهنگ‌وسواری‌آموخت ولی چون نسبت به پدرومادرگازر پیشه مهری احساس نمی‌کرد، ازنژاد خود پرسید و چون راز را دانست، اسبی و سلاحی خرید و به خدمت مرزبان درآمد. اتفاقاً رومیان به آن‌مرزآمدند ومرزبان را کشتند وجنگ آغاز کردند، هما ملکهٔ ایران شخصی را به نام «رشنواد» بالشکری به

جنگ روم فرستاد، داراب در آن جنگ رشادتها کرد ومورد توجه «رشنواد» قرار گرفت وچون از نژاد او آگاه شد ، نامه‌ای به هما نوشت ودارا را به درگاه فرستاد . هما که پسر را چنان دید ، ازگذشته پوزش خواست وبزرگان را جمع کرد واورا برتخت شاهی نشاند . داراب دختر قیصر روم را به زنی گرفت . اما چون دهانش بوی ناخوش داشت ، از او سیر شد واو را نزد پدر فرستاد، دختر بارداشت وپسری زائید به نام اسکندر که قیصر اورا پسر خود خواند .

داراب نامه (ك) ازداستانهای عامیانه که دارای روایتهای مختلف است .ازآنجمله روایتی است که به‌قلم مولاناشیخ حاجی محمد شیخ احمد مشهور به بیغمی در سال ۸۸۷ کتابت شده است . داستان داراب‌نامه داستان کهنه‌ای است مربوط به ملک داراب بن بهمن بن اسفندیار بن گشتاسب وپسرش فیروزشاه، داراب‌نامه ازروی نسخه‌ای که در کتابخانهٔ «روان» ترکیه بوده است بوسیله آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه تصحیح ومنتشر گردیده است .

دارالسلام (تن) اشاره به بهشت .

درعیش نقد کوش که چون آبخور نماند
آدم بهشت روضهٔ دارالسلام را
«حافظ»

دامادشعیب (تن) حضرت موسی که دخترشعیب را به زنی گرفت

دانشنامهٔ علائی (ك) یادانشنامهٔ علائیه یا حکمت علائی کتابی به زبان فارسی تألیف فیلسوف بزرگ شیخ الرئیس ابوعلی‌سینا .این کتاب به خواهش علاءالدوله کاکویه نوشته شده وشامل منطق و الهیات و طبیعیات است

دانشنامهٔ علائی مشتمل بربسیاری ازاصطلاحات‌فلسفی و منطقی به‌فارسی است . (چاپ تهران)

داوود (تن) از پیغمبران‌ویازدهم‌پشت یعقوب که آوازی‌خوش داشت وهنگامی که کتاب آسمانی خود یعنی «زبور» را می‌خواند،مرغ از طیران باز می‌ماند .

کوه دانش را چو داوود از نفس
منطق الطیر از خوش آوائی فرست
«خاقانی»

دایرهٔ متفقه (ع) ازدوایراوزان فارسی و عربی.بحرهای متقارب سالم ومتدارك سالم ازآن‌استخراج می‌شود .

دایرهٔ‌مجتلبه . (ع) از دوایر اوزان عربی وفارسی . شامل سه بحر است که درفارسی مثمن ودرعربی غالباً مسدس است :

هزج سالم = مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
رمل سالم = فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
رجز سالم = مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

دایرهٔ مجتلبهٔ‌زایدهٔ مزاحفه (ع) ازدوایراوزان فارسی . شامل چهار مفاعیلُ (بحرهزج مثمن‌مکفوف) یا چهاربار مفتعلن(بحررجزمثمن مطوی) یا چهار بار فعلاتن (بحررمل مثمن مخبون)

دایرهٔ‌مختلفه (ع) از دوایر اوزان عرب . شامل‌سه‌بحراست:

طویل = فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن
مدید = فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن
بسیط = مستفعلن فاعلن مستفعلن فاعلن

دایرهٔمشتبهه (ع) از دوایر اوزان عرب شامل شش بحر:

منسرح = مستفعلن مفعولات مستفعلن

خفیف = فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن

مضارع = مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن

مقتضب = مفعولاتُ مستفعلن مستفعلن

سریع = مستفعلن مستفعلن مفعولات

مجتث = مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن

دایرهٔمشتبههٔزایده (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام برطبق معیارالاشعار خواجه نصیرطوسی است وشمس قیس رازی آن را «دایرهٔ مختلفه» خوانده‌است، شامل بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلات ۲ بار)؛ مضارع مکفوف (مفاعیلُ فاعلات ۲ بار)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن ۲ بار)

دایرهٔمشتبههٔ مزاحفه (ع) ازدوایر اوزان فارسی. این نام را خواجه نصیرطوسی درمعیارالاشعار به‌این دایره داده وشمس قیس رازی آن را «دایرهٔ منتزعه» خوانده است، شامل بحرسریع مطوی (مفتعلن مفتعلن فاعلات)؛ بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن)؛ بحرقریب مکفوف (مفاعیل مفاعیل فاعلات)؛ مضارع مکفوف (مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیل)؛ خفیف مخبون (فعلاتن مفاعلن فعلاتن)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن فعلاتن)

دایرهٔمؤتلفه (ع) از دوایر اوزان عرب، شامل دو بحر است:

وافر = مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن

کامل = متفاعلن متفاعلن متفاعلن

دب‌اصغر (نج) ازصورتهای فلکی، هفت ستاره به شکل خرس

کوچک. جملهٔ ستارگان خرس کوچک‌را «بنات‌النعش خرد» گویند

دب اکبر (نج) از صورتهای فلکی که در شمال منطقةالبروج قرارگرفته وبه شکل خرس بزرگی است برپای ایستاده.

دبران (نج) منزل چهارم از منازل قمر و ستاره‌ای است درشت وروشن وسرخ که به تازی آن را «تابع‌النجم» گویند که در پشت «ثریا» است.

گرثورچوعقرب نشدی ناقص وبی‌چشم

بر قبضهٔ شمشیر نشاندی دبران را

«انوری»

دخیل (ق) از حروف قافیه و آن متحرکی است که میان الف تأسیس وحرف‌روی‌قرار گیردمانندصاد درکلمهٔ قاصر و ه درکلمهٔ‌ماهر. تکرارحرف دخیل لازم‌نیست واگرمراعات شود از محسنات شعرمحسوب می‌شود. مثال از سعدی:

چشم بدت دور ای بدیع شمایل

ماه من و شمع جمع ومیر قبایل

مثال عدم مراعات از حافظ:

دارای جهان نصرت دین خسرکامل

یحیی‌بن مظفر ملک عـالم عـادل

درةالتاج‌لعزةالدباج (ك) کتابی به زبان فارسی. تألیف قطب الدین‌محمودبن مسعودبن المصلح الشیرازی معروف‌به علامهٔ‌شیرازی. مؤلف آن‌را بنابه خواهش امیردباج فرمانروای گیلان وبه نام او درسال ۶۹۳ تألیف کرده است. کتاب درةالتاج دارای چندبخش است درمنطق وریاضی وفلسفه ودرحکمت نظری وعملی شامل دوازده رشته از علوم.

بخش اول درة التاج به کوشش وتصحیح آقای محمد مشکوة در سال ۱۳۲۰ به طبع رسیده وشامل یک فاتحه و ٥ جمله ویک خاتمه است درمنطق وفلسفه اولی وعلم الاسفل (علم طبیعی) وعلم الاوسط (علم ریاضی) وعلم الاعلی (علم الهی) . این کتاب از گنجینه های گرانبهای زبان فارسی ومشتمل بر همهٔ فنون متداول عصر است و از هرجهت به کتاب الشفاء ابن سینا شبیه است .

بخش دوم به کوشش سید حسن مشکان طبسی چاپ شده است .

درفش کاویان (ش — د) علمی که کاوهٔ آهنگر از چرم پاره‌ای برسرچوبی ساخت ومردم را بر ضحاك شورانید. ازآن پس این چرم پاره که به گوهر های گرانبها آراسته شده بود درفش شاهی ایران شد وتا پایان کار ساسانیان همچنان درفش رسمی ایران رادرفش کاویان می‌خواندند

درهٔ نادره (ك) تألیف میرزا مهدی خان بن محمد نصیراسترآبادی منشی دربار نادر است . نثرآن بسیارپیچیده ونامرغوب است.

دستورعشاق (ك) رجوع شود به حسن ودل

دستور الکاتب فی تعیین المراتب (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف شمس نخجوانی معروف به شمس منشی پسر هندوشاه نخجوانی . این کتاب شامل مکتوبهای شاهان وامیران وعالمان وحکیمان همچنین حاوی احکام دیوانی وتفویض اعمال به امیران مغول ووزیران است دستورالکاتب دراوایل سلطنت سلطان شیخ اویس بن حسن ایلکانی تألیف شده است .

دقیقی (ت) ابومنصور محمدبن احمد دقیقی بلخی وفات ۳٦٥ تا ۳۷۰— ازبزرگترین شاعران قرن چهارم ومعاصر سامانیان . بعضی او را بلخی وبعضی طوسی گفته‌اند، ابتدادردربار چغانیان که درماوراءالنهر سکونت داشتند ، می‌زیست ، وامیرابوسعید مظفر وابونصربن علی چغانی

وامیرفخرالدوله از آل محتاج و ابوصالح منصوربن نوح سامانی را مدح گفته است . دقیقی به نظم شاهنامه پرداخت ، ولی نتوانست آن رابه پایان رساند وبه دست غلام خود کشته شد . این قسمت از شاهنامهٔ دقیقی به «گشتاسب‌نامه» معروف است ومربوط به ظهور زرتشت وجنگ بین گشتاسب وارجاسب است وفردوسی عیناً آن‌را درشاهنامهٔ خودآورده است .

ازدقیقی جز گشتاسب‌نامه‌قصاید معدود وغزلهاو ابیات پراکنده درتذکره‌ها وکتابهای تاریخی باقی است .

دلو (نج) ازصورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقةالبروج وبه شکل‌دلوآب‌کشی. برج دلو برابرماه‌بهمن است .

فتاده آبکش را دلو درچاه بمانده‌آبکش خیره‌چو گمراه

«ازویس‌ورامین»

دماوند کوه معروف درشمال‌شرقی تهران، درشاهنامه آمده‌است که فریدون ضحاك را در آن کوه حبس کرد .

دم عیسی (تن) نفس عیسی که مرده را زنده می‌کرد

هرنسیمی‌که به من بوی خراسان آرد

چون دم عیسی درکالبدم جان آرد

«سیدحسن‌غزنوی»

دمیته‌القصر وعصرةاهل‌العصر (ك) کتاب مشهوری در ذکر احوال نویسندگان وشاعران عربی زبان ، تألیف علی‌بن الحسن باخرزی این کتاب درواقع ذیلی است بریتیمةالدهرثعالبی

دنبلی (ت) «عبدالرزاق‌بیک‌دنبلی .وفات ۱۲۴۳ —ازطایفهٔ دنبلی ساکن خوی که درسال۱۱۷۶ درخوی متولد شده است. دنبلی به‌شیراز

رفت ودرمحافل علم وادب رفت‌وآمد کرد وبسبب استعدادفطری‌مردی ادیب ودانشمند گردید. دنبلی‌تافوت کریم‌خان‌زند درشیرازماند وپس از او به اصفهان آمد وبه خدمت فتحعلی‌شاه رسید و درددربار او تقرب حاصل کرد وتاریخ قاجاریه ومأثر خاقانی را نوشت ودره ۱۲۱ به‌عتبات رفت ودرسال ۱۲٤۳ وفات یافت.

از آثاردیگرعبدالرزاق‌بیک «مآثر سلطانی»و«حدایق الجنان»است درشرح حال‌عالمان وفاضلان معاصرخود که یکباردرآن تجدید نظر کرده وناشش را «تجربةالاحراروتسلیةالابرار» گذاشته است. ودنبلی درسبک این کتاب به شیوهٔ تاریخ وصاف و گلستان سعدی نظر داشته ومانندآنها نثرفنی به کار برده است· عبدالرزاق شعرنیز می‌سروده و«مفتون»تخلص می کرده است.

دوانی(ت) وفات ۹۰۸- جلال‌الدین محمدبن اسعدالدوانی‌اهل قریهٔ دوان درحوالی کازرون فارس. وی مرد ادیب و حکیم و عارف بوده وپدرش درکازرون‌شغل قضاداشته‌است. ازآثار اوبه‌فارسی کتاب اخلاق جلالی است که آن را به‌نام امیرحسن بیک ترکمان و پسرش سطان خلیل‌بایندر درنیمهٔ دوم قرن نهم تألیف کرده است. بیشتر آثار مولانا جلال‌الدین به زبان عربی است مانند «رسالهٔ اثبات واجب قدیم» و «رسالهٔ اثبات واجب‌جدید »و« رسالهٔ‌انموذج‌العلوم»و«حواشی‌تهذیب المنطق»و«شرح هیاکل‌النورسهرردی » وچند کتاب دیگر

ملاجلال دوانی شاعر نیز بوده و«فانی» تخلص می کرده است

دوایراوزان عرب : (ع) خلیل‌بن احمد واضع علم عروض اوزان اصلی شعرعربی‌را درپنج دایره قرار داده است ازاین قرار: دایرهٔ مختلفه - دایرهٔ مؤتلفه - دایرهٔ مجتلبه — دایرهٔ‌مشتبهه — دایرهٔ متفقه

(به هریک ازاین دایره‌ها رجوع شود)

دوایراوزان فارسی (ع) دوایراوزان فارسی پنج است ازاین قرار: دایرهٔ متفقه ـ دایرهٔ مجتلبه ـ دایرهٔ مجتلبهٔ زائدهٔ مزاحفه ـ دایرهٔ مزاحفه ـ دایرهٔ مشبههٔ زایده.

(به هریک از این دایره‌ها رجوع شود)

دو بیتی (ب) مانند رباعی است امابه‌وزن معینی اختصاص ندارد. دوبیتی‌های باباطاهر که بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است شهرت بسیار دارد.

نسیمی کزبن آن کاکل آیو — مراخوشتر ز بوی سنبل آیو
چوشب گیرم خیالت رادرآغوش — سحر از بسترم بوی گل آیو

دولتشاه‌سمرقندی (ت) امیر دولتشاه بن علاءالدوله سمرقندی. وفات ۹۰۰- از بزرگان ورجال دورهٔ تیموری. پدرش ازمقربان دربار شاهرخ بوده است وخود دولتشاه درهرات از درباریان ابوالغازی‌سلطان حسین وامیرعلیشیر نوائی ومعاصر جامی است و نام این سه نفر را در تذکرهٔ خود آورده است.

دهلوی خواجه حسن شیخ نجم‌الدین بن‌علی سنجری دهلوی. وفات ۷۷۷ — از شاعران فارسی زبان هندوستان واز عارفان معروف‌قرن هشتم. خواجه حسن دهلوی معاصر ومورد توجه امیر خسرو دهلوی بود وبه‌دلالت او به‌خدمت شیخ نظام‌الدین اولیاء رسید ودرسلک‌مریدان او درآمد. خواجه حسن دهلوی درغزل پیروسعدی است وخود نیزبه این امر اشاره می کند وازینرو اورا «سعدی هندوستان» می‌نامند.

دیوان امیرحسن (چاپ هند)

دهخدا (علی‌اکبر) (ت) وفات ۱۳۳۴ شمسی ـ پسرخانباباخان

از ملاکین متوسط قزوین که در تهران اقامت کرد . دهخدا درحدود سال ۱۲۹۷ قمری درتهران متولد شد . علوم معمول زمان مانند زبان عربی وعلوم دینی ومعانی وبیان وحکمت را نزد یکی از فاضلان به‌نام شیخ غلامحسین بروجردی آموخت وازمحضر حاج شیخ هادی نجم‌آبادی دانشمند معروف استفاده کرد . پس از تمام تحصیلات درمدرسهٔ علوم سیاسی به‌اروپا سفر کرد وزبان فرانسه آموخت . مدتی هم دروین بسربرد . دهخدا درآغاز مشروطیت به تهران بازگشت وروزنامهٔ «صوراسرافیل» راباهمکاری میرزا جهانگیر خان ومیرزا قاسم‌خان شیرازی نشر کرد وقسمت فکاهی آن را تحت عنوان «چرندوپرند» وبا امضاء «دخو» بعهده گرفت . مدتی نمایندهٔ مجلس شوری وچند سال رئیس مدرسه حقوق وعلوم سیاسی بود . ازآن پس تا پایان عمر به مطالعه وتحقیق وتألیف پرداخت .

ازآثاردهخدا کتاب «امثال وحکم» درچهارجلداست که حاوی امثال سایرزبان فارسی‌است . دیگر حواشی بردیوان ناصرخسروودیوان منوچهری وترجمهٔ کتاب «روح القوانین» منتسکیو و«سرعظمت وانحطاط دولت روم» وفرهنگ فرانسه به فارسی وتصحیح دیوان مسعودسعد وفرخی . بزرگترین اثر و مهمترین خدمت فرهنگی دهخدا «لغت نامه» است که تاکنون چندین جلد آن به چاپ رسیده است . دهخدا شعر نیز می گفت و پیرو سبک متقدمان بود . ترجیع بند معروفی در سرثیهٔ میرزاجهانگیرخان شیرازی معروف به صوراسرافیل دارد . (دیوان دهخدا — چاپ تهران ۱۳۳۴ شمسی .)

دینوری (ت) رجوع شود به ابو حنیفهٔ دینوری

دینوری (ت) رجوع شود به‌ابن قتبه‌دینوری

دیوان شمس‌تبریزی (ك) دیوان غزلیات مولانا جلال‌الدین

رومی معروف به مولوی که‌به دیوان شمس‌مشهور است . گرچه تخلص مولوی در این کتاب «خمش» یا «خاموش» بوده وغزلیاتی به‌نام‌صلاح الدین زرکوب یا حسام‌الدین چلپی دارد ، ولی به علت ارادتی که به شمس تبریزی داشت ، اغلب غزلها را به نام وی ختم کرده است . حتی نام «شمس‌تبریز» یا «شمس‌الحق تبریز»درمتن‌غزل نیز آمده‌است. از اینروست که دیوانش به نام شمس تبریزی معروف گردیده است . مولوی هرگز به شعر وشاعری‌تفاخر نمی کرد ولی حالات روحی وجذبه وشوری را که در وجودش پدید آمده بود، به‌صورت شعر بیان می کرد خاصه غزلهای مولوی سراسر حاکی از این شور وجذبه است . مولوی هرگز نخواسته است ازفنون شعر وصنایع لفظی استفاده کند ویا به قافیه سازی بپردازد وهنگام سرودن شعرفقط به حال درونی خود توجه‌داشت نه به محسنات کلام . بهمین‌جهت اشعاری در دیوانش یافت می‌شود که حتی فاقد قافیه است ولی پرازلطایف معنوی است . (چاپ‌تهران)

ذ

ذخیرهٔ‌خوارزمشاهی (ک) کتابی درطب تألیف سید اسمعیل جرجانی پزشک معروف قرن ششم که آن را درسال ٥٠٤ هجری به‌نام قطب‌الدین محمدبن انوشتکین خوارزمشاه به فارسی نوشته است وجزء کتب مهم طبی به شمار می‌رود .

ذخیره در دوازده جلد است وهرجلد دارای چند باب وفصل است و شامل مباحث طب وادویه وتشریح است . مؤلف در مقدمهٔ کتاب شرحی دربارهٔ خوارزم و امارت قطب‌الدین محمد دارد . در این کتاب بسیاری از ترکیبات واصطلاحات طبی به‌فارسی به کار رفته است. ذخیرهٔ خوارزمشاهی بوسیلهٔ خود مولف به عربی ترجمه شده است .

ذم‌شبیه‌به‌مدح (ب) آن است که شاعر در میان اوصاف زشت ، پس از کلمات استثناء مانند اما ولیکن صفتی را ایراد کند که آن نیز ذم است .

نانشان نه گندمین وسخنشان درشت لیک

گاه عطاترش رو و در وعده کاذب‌اند

ذوبحرین (ب) آن‌است که شعر به دوبحر ازبحورعروضی‌خوانده شود. مانند این شعر:

ای بت سنگین‌دل سیمین قفا ای لب تورحمت وغمزه بلا

که باد ووزن خوانده می‌شود : ١ــ مفتعلن مفتعلن فاعلن

٢ــ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

ذوالفقار (تن) شمشیر حضرت علی

صمصام شاه چون زهنر چاشنی دهد
زخمش برابر آید بازخم ذوالفقار

«ابوالفرج رونی»

ذوقافیتن (ب) آن است که شاعر شعری شامل دوقافیه بگوید. مانند کلمه های آسمان و کمان و تخت وسخت در این شعر:

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت
سست است عدوتا تو کمان داری سخت
حمله سبک آری وگران داری رخت
پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت

ذوالقرنین (تن) اسکندر که به روایتی از پیغمبران است و سد یأجوج ومأجوج را ساخت وبا خضر به طلب آب حیوان رفت ولی به آن دست نیافت. اسکندر که صورت دگر گون شدهٔ الکساندر است به روایت تاریخ نام شاه یونان پسر فیلیپوس است که سی و سه سال عمر کرد وسراسر ایران را تا هند تسخیر کرد.

کلمهٔ ذوالقرنین در قرآن مجید آمده است ومفسران او را با اسکندر مقدونی تطبیق کرده اند. مولانا ابوالکلام آزاد در این باب رساله ای دارد که در آن باذکر قرائن وادله ای اظهار نظر می کند که ذوالقرنین مذکور در قرآن کورش هخامنشی بوده است نه اسکندر مقدونی

فرمانبر خدای و نگهبان خلق باش
این هر دوقرن اگر بگرفتی سکندری

«سعدی»

رابعهٔ قزداری (ت) رابعه بنت کعب قزداری بلخی از زنان شاعر قرن چهارم و معاصر سامانیان و رودکی. رابعه دختر کعب قزداری از امیران عرب بوده است. دربارهٔ رابعه گفته شده است که عاشق بکتاش نام غلام پدرش گشت و به همین جهت به‌دست برادر کشته شد. عوفی اورا در نظم فارسی و تازی زبردست دانسته است. اشعار پراکنده‌ای از او باقی است. داستان عشق رابعه با بکتاش در الهی‌نامهٔ عطار آمده است.

راحة‌الصدور و آیة‌السرور (ك) از کتابهای مهم اواخر قرن ششم واوائل قرن هفتم. تألیف نجم‌الدین ابوبکر محمد راوندی که آن‌را در سال ۵۹۹ به‌نام کیخسرو بن قلج ارسلان از سلجوقیان روم تألیف کرد. مؤلف دراین کتاب پس از ذکر مقدمه وسبب تألیف کتاب به تاریخ سلجوقیان می‌پردازد و وقایع زمان آنها را از ابتدا تا آخر سلطنت سنجر شرح می‌دهد. همچنین سلاجقهٔ عراق ووقایع سلطنت ایشان‌را تا استیلای خوارزمشاهیان ذکر می‌کند. درآخر کتاب فصولی درذکر آداب شطرنج و شراب و مسابقه، تیرانداختن وشکار وامثال آن‌دارد. همچنین درضمن کتاب از شاعران قرن ششم قصایدی ذکرمی‌کند. این کتاب شامل اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی است، از سودمندترین کتابهای فارسی پیش ازمغول به شمار می‌آید.

رازی (ت) ابوبکر محمدبن زکریای رازی. وفات ۳۱۳ـ ازحکیمان

و طبیبان عالیقدر ایرانی. رازی درسال ۲۰۱ در ری متولد شد وتحصیلات خود را در همان شهر شروع کرد و به فلسفه و ریاضیات و نجوم وادب پرداخت، پس از آن به علم کیمیا وطب توجه کرد و پس از شهرت درطب به خدمت ابوصالح منصوربن اسحق سامانی حاکم ری رسید و از طرف اوبه ریاست بیمارستانی، که در ری تأسیس شده بود، منصوب گشت. پس از آن به بغداد رفت، درآنجاهم ریاست بیمارستان را بعهده گرفت ولی مدت درازی نماند وبه ری بازگشت. وی دراواخر عمر به کوری مبتلا شد.

رازی آثار فراوانی درفلسفه وطب دارد ودرفلسفه مخالف عقاید ارسطو می‌باشد.

ازآثار فلسفی او: «القوانین الطبیعه فی الحکمةالفلسفیه» و«العلم الالهی» و «مقالة فی‌مابعدالطبیعة» و «القول‌فی‌القدماء الخمسه» و«القول فی‌الهیولی» و «القول فی‌الزمان والمکان».

آثار طبی او نیز متعدد است وابوریحان متجاوز از ۵۶ کتاب طبی به رازی نسبت داده است.

مهمترین تالیفات طبی‌او کتاب «الحاوی» و«طب المنصوری» است ازکتابهای دیگر او کتاب «الشکوك» است که درآن برجالینوس ایراد کرده است. دیگر کتاب «من لایحضره‌الطبیب» که به «طب الفقرا» مشهور است. زیرا که دراین کتاب دستورهای ساده برای علاج است بی‌حاجت به طبیب.

زکریای رازی درعلم کیمیانیزازبزرگترین استادان به شمار می‌رود وآثاری دراین علم دارد ودرنتیجهٔ تحقیقات فراوان موفق به کشف‌الکل «الکحل» وجوهر گوگرد یا «زیت‌الزاج» گشته است. ازجملهٔ کتابهائی

که دراین قسمت به‌رازی نسبت داده‌اند. کتاب «ملل المعادن» و«اثبات الصناعة» و«کتاب الاکسیر» و«کتاب الحجر» و«کتاب شرف الصناعة» وآثاردیگر است.

راوندی (ت) نجم الدین ابوبکرمحمدبن علی بن سلیمان الراوندی. از نویسندگان قرن ششم ومعاصر سلجوقیان که نزد خال خودتاج الدین احمد تربیت یافت وعلوم شرعی وادبی فرا گرفت وسی گویند هفتاد گونه خط آموخت وبه‌استنساخ مصاحف پرداخت ودرسال ۵۷۷ به استادی خط سلطان طغرل بن ارسلان انتخاب شد واز مقربان درگاه او گشت. راوندی پس از قتل طغرل به آسیای صغیررفت ودرخدمت غیاث‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان درآمد و درسال ۵۹۹ کتاب «راحة‌الصدور» را به نام این پادشاه تألیف کرد.

راه کهکشان یاراه کاهکشان. (نج) مجره

از بس که‌دراین راه رز انگور کشانند
این راه رز ایدون‌چوره کاهکشان است

«منوچهری»

رباعی (ب) عبارت است ازچهار مصراع که اول‌ودوم وچهارم دارای قافیهٔ واحدباشد. بروزن لاحول ولاقوة‌الابالله است. معنی رباعی اغلب در مصراع آخر کامل می‌شود.

رباعیات خیام بسیار معروف است.

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من
وین حرف معما نه‌تو خوانی ونه‌من
هست از پس‌پرده گفتگوی من وتو
چون پرده برافتد نه تومانی ونه‌من

ربع (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن است که آن را صلم کنند. می‌ماند فاعل؛ پس آن را مخبون کنند فعل می‌ماند. و آن را مربوع خوانند.

ربنجنی (ت) ابو العباس فضل بن عباس ربنجنی از شاعران عهد سامانی که عوفی قطعه‌ای از او در سرثیهٔ نصربن احمد سامانی نقل کرده و ابوالفضل بیهقی قسمتی از قصایدش را در تاریخ خود آورده است. ابیات پراکنده‌ای نیز از او در فرهنگها به عنوان شاهد ذکر شده است.

ربیعی بوشنجی (ت) صدرالدین خطیب متخلص به ربیعی بوشنجی. مقتول ۷۰۲ - از شاعران معاصر فخرالدین کرت پادشاه هرات که او را در اشعار خود مدح کرده وبعد به‌فرمان همین شاه به زندان افتاده است وی در زندان مثنوی «کارنامه» را ساخته ومثنوی دیگری هم به نام «کرت نامه» به سبک شاهنامه دارد.

رجز (بحر) ع اصل آن درعربی شش بار «مستفعلن» است. درفارسی از این بحر وزنهای زیر بیشتر متداول است.

رجز مثمن سالم (مستفعلن ۸ بار) مثال:

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من
تایک‌زمان‌زاری کنم برربع واطلال ودمن

رجز مثمن مطوی (مفتعلن ۸ بار)

ای که زیک تابش‌تو کوه احد پاره شود
چه عجب‌ارشت کلی عاشق‌وبیچاره شود

رخش (ش - د) نام اسب رستم. گاهی درشعر فارسی به‌معنی مطلق اسب نیزآمده است.

صدر تو به پایه تخت‌جمشید خنگ تو به‌سایه رخش رستم

«انوری»

ردالصدر الی‌العجز (ب) آن است که شاعر کلمهٔ واحدی را درابتدا و انتهای شعر استعمال کند.

عصابر گرفتن نه‌معجز بود همی‌اژدها کرد باید عصا

ردالعجزالی الصدر (ب) آن‌است که شاعر لفظی را که درآخر شعر می‌آورد، دراول شعر بیت بعد مکرر کند.

قوام دولت و دین روزگار فضل وهنر

ز فضل وافر تو یافت زیب و فر نظام

نظام ملت و ملکی عجب نباشد اگر

به‌رونق‌است‌دراین روزگار کلک‌وحسام

ردف (ق) از حروف قافیه. ردف، الف، واو، یایی است که بلافاصله قبل از حرف روی قرار گرفته باشد، در این صورت قافیه را مردف خوانند، بشرط آنکه ما قبل واو مضموم وماقبل یاء مکسوروماقبل الف مفتوح باشد، مانند شجاع، روز، سیر. مثال:

شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار

چه فتاده است که امسال دگرگون شد کار

ردف بردو قسم است: ردف اصلی — ردف زائد.

ردف اصلی آن‌است که بی فاصله قبل‌از روی‌قرار گیرد. مانند کار

ردف زائد آن است که بین آن و حرف روی ساکنی فاصله شود مانند گماشت یا گوشت. حروف ساکنی که بین واو، الف، یاء، و روی واقع می‌شود شش‌است: ش، ر، ف، س، خ، ن (شرفسخن) التزام

ردف واجب است .

ردیف (ق) یک یا چند کلمهٔ مستقل وجدا ازقافیه است که در همهٔ بیتها عیناً تکرار شود و شعر درمعنی و وزن به آن احتیاج داشته باشد . مانند«نتوان کرد» دراین شعر :

دست درحلقهٔ آن زلف دوتانتوان کرد

تکیه برعهد تو وباد صبا نتوان کرد

رس (ق) از حرکات قافیه . حرکت ماقبل الف تأسیس یعنی فتحه . مانند حرکت قاف ومیم درکلمه های قاصر وماهر

رسائل اخوان الصفا رسائلی است دربیان عقاید اخوان الصفا که درقرن‌چهارم هجری‌تدوین شده است .طایفهٔ اخوان‌الصفا برای‌آنکه آزادانه عقاید خود را منتشر سازند وبامخالفت متعصبان دین و فلسفه روبرو نگردند رسالات خود را بی ذکر نام مؤلف منتشر می‌ساختند . این رسائل شامل علوم ریاضی ، الهی ، طبیعی ، حکمت عملی است که در آنها اغلب عقاید فلاسفه با اصول دین تطبیق شده است . وشامل چهارقسمت است :

۱- رسائل ریاضیه تعلیمیه ۲- رسائل جسمانیه طبیعیه

۳- رسائل نفسانیه عقلیه ٤- رسائل ناموسیه الهیه

و مجموع این‌رسالات ٥٤ است. ازاین رساله‌ها خلاصه‌ای به فارسی وتازی وجود دارد .

رستم (ش — د) ازپهلوانان معروف شاهنامه‌وپسرزال ورودابه ونوادهٔ سام وسهراب کابلی . رستم درزمان شاهی منوچهر به دنیا آمد ، هنر و مردی آموخت ، و داستان پهلوانی او از کشتن پیل سفید آغاز شد و پس ازآن دلاوریهای بسیارکرد و پیروزیها بدست آورد . مانند

گشودن دژ کوه سپند که سام ونریمان مدتی آن را حصار کرده و برآن دست نیافته بودند؛ آوردن کیقباد از البرز کوه وبرتخت نشاندن او، داستان هفتخوان، وفتح مازندران ورهانیدن کاووس از دست دیو سپید، جنگ باشاه‌ها ماوران ورهانیدن کاووس از زندان، جنگ با سهراب وکشتن او بی‌آنکه او را بشناسد، جنگ با افراسیاب به خونخواهی سیاوش، جنگ با تورانیان و کشتن اشکبوس و گرفتار کردن خاقان چین، جنگ بااکوان دیو، رهانیدن بیژن از چاه، جنگ با اسفندیار و کور کردن و کشتن او.

رستم پس از آنهمه دلاوری سرانجام به‌خیانت برادرش شغاد به چاه افتاد وپس از کشتن شغاد، جان سپرد.

رشحات‌عین‌الحیاة (ك) تألیف‌فخرالدین علی‌بن حسین کاشفی که آن را درسال ۹۰۹ تألیف کرده است. این کتاب در ذکر اسلاف خواجه عبیدالله معروف به خواجهٔ احرار شیخ اعظم سلسلهٔ نقشبندیه وتعالیم و کرامات شاگردان اوست ومشتمل بریک مقدمه وسه مقصد ویک خاتمه است.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (ت) فضل‌الله‌بن‌عمادالدوله‌ابی الخیر ملقب به رشید طبیب الهمدانی. وفات ۷۱۸-از وزیران و طبیبان ومورخان بزرگ ایران در دورهٔ مغول، که درسال ۶۴۵ در همدان متولد شد. رشیدالدین فضل‌الله دردربار اباقاخان سمت‌طبیب خاص‌ودر دربار غازان خان منصب صدارت داشته است. درسال ۷۰۳ که‌غازان به شام لشکر کشید، رشیدالدین با سمت منشی عربی با او همراه بود و درعهد سلطان محمد خدابنده نیز مورد اعتماد خاص شاه واقع شد وخدمتهای بسیار وآبادانیها کرد.

این وزیر دانشمند درزمان سلطنت ابوسعید به علت خصومت وزیر دیگر یعنی علیشاه متهم به مسموم کردن الجایتو شد ودرسال ۷۱۸ ، درسن هفتاد سالگی باپسر شانزده ساله‌اش به قتل رسید وما یملک اوضبط شد.

رشیدالدین فضل الله علاوه برتنظیم امور دیوان کشور وسیع مغول به تحقیقات تاریخی پرداخت واثرمعروف خودرا به نام «جامع التواریخ» به وجودآورد. ازآثاردیگراو «مجموعهٔ رشیدی» است به زبان عربی شامل کتاب «توضیحات» درمسائل تصوف و کلام و «مفتاح التفاسیر» درمسائل مختلف از قبیل فصاحت قرآن ومفسرین آن و کتاب «لطائف الحقائق» درمسائل کلام و «الرسالة السلطانیه» شامل مباحثه هائی درموضوع کلام درحضور سلطان الجایتو و «بیان الحقایق»

رشیدوطواط (ت) رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمدبن عبدالجلیل عمری کاتب. وفات ۵۷۳- از شاعران و دانشمندان معروف قرن ششم. در بلخ متولد شد وتحصیلات خود را درمدرسهٔ نظامیه آن شهر به پایان رساندودرفارسی وعربی مهارت یافت. پس ازآن به خوارزم رفت ودر خدمت خوارزمشاهیان درآمد وصاحب دیوان رسائل دربار اتسز خوارزمشاه گردید وتاآخر عمر دردستگاه خوارزمشاهیان باقی ماند. تخلص رشید به وطواط به مناسبت کوچکی جثه وشباهت او به وطواط است که پرندهٔ کوچکی می باشد.

وطواط غیر از شاهان خوارزم عده‌ای ازرجال وامیران زمان خود مانند خاقان محمودبن محمد بغراخان، وامام ضیاءالدین از ادیبان بلخ، و شاه غازی نصرةالدین رستم بن علی بن شهریاربن قارن، ازشاهان آل باوند را مدح گفته است. رشید باخاقانی وادیب صابر مشاعره ومراسله داشته وخاقانی به احترام ازاو یاد می کند. از آثار رشید وطواط یکی

دیوان شعر است. دیگر منشآت اوست به زبان فارسی، اعم از رسائل سلطانی واخوانی، دیگر «حدائق السحر فی دقائق الشعر» در بدیع و صنایع شعری. «نثراللئالی من کلام امیرالمؤمنین علی» که کلمات آن حضرت را به نثر فارسی آورده است. دیگر منظومه ای در عروض فارسی شامل شانزده بحر از بحور عروضی و همچنین چند رساله به عربی در مسائل ادبی و کلام.

رشید وطواط ازدانشمندان بزرگ وادیبان معروف در زبان فارسی است و درنثر عربی هم از بلغاء مشهور است.

رشیدی (ت) سیدالشعرااستاد ابومحمدبن محمدرشید سمرقندی. از شاعران معروف ماوراءالنهر درقرن ششم واهل سمرقند که در دربار سلطان خضربن ابراهیم تقرب داشت ولقب سیدالشعرائی یافت. معاصر عمعق بود و میان آنها کدورتی وجود داشت. بامسعود سعد سلمان نیز معاصر بود وبا هم مکاتبه ومشاعره داشتند. ازممدوحان او خضربن ابراهیم وقدرخان ابوالمعالی وسلطان سنجر سلجوقی بوده‌اند. منظومه‌ای به نام «مهرووفا» به‌او نسبت‌داده‌اند. قصیده‌ای درصنعت توشیح دارد که شمس قیس آن را به عنوان نمونهٔ این صنعت نقل کرده است.

رشیدی (ت) عبدالرشید بن عبدالغفورالحسینی المعانی التتوی. از فاضلان ونویسندگان دربارشاه‌جهان وعالمگیر. اصلش از سادات‌مدینه وازینرو حسینی ومدنی لقب یافته است. مولدش شهر تته ازمضافات سند است. رشیدی درزبان فارسی وتازی استاد بوده‌ودربارهٔ لغات فارسی که درزبان عرب‌داخل شده است تحقیق وتتبع کرده ومجموع تحقیقات خودرا دررساله‌ای به‌نام «معربات‌ومنتخب اللغات» آورده وآن‌رابه‌نام شاه جهان تألیف کرده است. دیگر «فرهنگ رشیدی» است درلغات‌فارسی.

رشیدیاسمی (ت) غلامرضا فرزندمحمد ولی‌خان گورانی. وفات ۱۳۳۰ شمسی- رشید یاسمی تحصیلات خود را در کرمانشاه وتهران انجام داد وبه زبان وادبیات فرانسه وانگلیسی وعربی وپهلوی آشنائی یافت واز سال ۱۳۱۲ در دانشگاه تهران به سمت استادی تاریخ انتخاب شد.

رشید علاوه بر مقالات متعدد ترجمه‌ها وتحقیقات بسیار دارد. ازآثاراوترجمهٔ«ایران درزمان ساسانیان»اثرارتور کریستن‌سن و«چنگیزخان» ازهارولد لمب و رسالهٔ اردویرافنامه واندرزمارسپندان است، همچنین دیوان مسعود سعد وابن یمین وسلمان ساوجی را تصحیح وچاپ کرده است. رشید دارای اشعار فراوانی است که درآن تحولات اجتماعی و فرهنگی نمودار است. دیوان رشید - (چاپ تهران)

رضاقلیخان‌هدایت (ت) رجوع شود به هدایت

رضوان (تن) دربان بهشت.

برده رضوان به‌بهشت از پی‌پیوند گری

از تو هرفضله که انداخته‌بستان‌پیرای

«انوری»

رضی‌نیشابوری (ت) رضی‌الدین نیشابوری. وفات ۵۹۸ - از دانشمندان وشاعران قرن‌ششم که‌جلال‌الدین قلج وطمغاج‌خان ابراهیم بن‌حسین وپسرش تلج ارسلان از شاهان آل‌افراسیاب‌را مدح کرده‌است.

رضی‌الدین شعر عربی هم می‌گفته است و غیر از دیوان اشعار کتابی به نام «مکارم الاخلاق» به زبان فارسی به او منسوب است.

رفع (زحاف)(ع) در مستفعلن حذف مس است که می‌ماند تفعلن بجای آن فاعلن می‌گذارند وآن‌را مرفوع خوانند. درمفعولات، حذف مف است که‌می‌ماند عولات بجای آن مفعول می‌گذارند، وآن‌رامرفوع خوانند.

رفیع لنبانی (ت) رفیع‌الدین مسعود لنبانی اصفهانی— ازشاعران مشهور اواخرقرن ششم . مولد وی لنبان ازقراء اصفهان بوده ودرجوانی فوت کرده است . از ممدوحان او رکن‌الدین مسعودبن صاعد قاضی از افرادآل صاعد وعمیدالدین اسعدبن نصر وزیراتابک سعد زنگی می‌باشند

دیوان اوبه قول هدایت دارای ده هزار بیت بوده ولی همهٔ‌آن دردست نیست .

رفیع مروزی (ت) عوفی درلباب‌الالباب رفیع مروزی‌را ازجملهٔ شاعران سلجوقی آورده وابیاتی ازاو نقل کرده است وگویا از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم باشد .

رمل (بحر) ع از بحور شعر فارسی و عربی.اصل آن در عربی شش بار «فاعلاتن» است در زبان فارسی از این بحر وزنهای زیر رواج بسیار دارد:

رمل مثمن سالم (فاعلاتن ۸ بار)مثال :

سهمگین آبی که‌مرغابی دراوایمن نبودی

کمترین‌موج‌آسیا سنگ‌ازکنارش درربودی

رمل‌مثمن‌سالم محذوف(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) مثال:

هر شب از بحر خیالت مردم‌چشمم به اشک

حجره را آبی زده پس بر سر راه آمده

رمل مثمن مخبون (فعلاتن۸بار) مثال :

پیش ما رسم‌شکستن نبود عهد وفا را

الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را

رمل مثمن مخبون محذوف یامقصور (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن یا — فعلات) مثال :

خبرت هست که بی‌روی تو آرامم نیست
طاقت بار فراق این همه ایامم نیست

رمل مسدس سالم محذوف الاخر (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) مثال:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند
وز جدائیها شکایت می‌کند

رمل مسدس مخبون محذوف الاخر (فعلاتن فعلاتن فعلن — یا فعلات)

بتوان رستن ازعذاب خدا نتوان از زبان مردم رست

روحانی (ت) ابوبکربن محمدبن علی روحانی سمرقندی از شاعران قرن ششم که تذکره نویسان اورا سمرقندی می‌دانند، روحانی یمین الدوله بهرامشاه را مدح کرده است. ابیاتی از روحانی درتغزل باقی است.

روح الجنان (ك) یاروض الجنان کتاب معتبری به زبان فارسی در تفسیر قرآن، تألیف ابوالفتوح رازی که آن رادراوایل قرن ششم تألیف کرده است. این تفسیر در بیست مجلداست که مؤلف درآن اطلاعاتی از آیات محکمات ومتشابهات واینکه مکی است یا مدنی وهمچنین نظرهای قراء را دربارهٔ آن آیات به‌دست می‌دهد، سپس به‌نقل وتفسیرآیات می‌پردازد کتاب بانثر بسیارساده و روان نوشته شده و از تفسیرهای بی نظیر زبان فارسی است.

روح القدس (تن) مقصود روحی است که درسریم دمیده شد و موجب پیدایش عیسی گشت.

فیض روح القدس ارباز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

روحی (ت) حکیم روحی و لوالجی از شاعران قرن ششم و از

ولوالج ساوراءالنهر. وی دراشعارخود ازمسعودسعد وفرخی وقطران نام برده وخود را با آنها سنجیده است . اشعارش هزل‌آمیز است وحتی در اشعارعادی نیز جنبهٔشوخی وبذله گوئی‌را ازدست نداده است .دروصف اسب کندرو خود قصیدهٔ مطبوعی دارد که دردست است .

رودابه (ش –د)اززنان داستانی‌شاهنامه ودختر مهراب کابلی که بنا برروایت شاهنامه از نژاد ضحاك بود و به سام باج می‌داد . رودابه عاشق‌زال‌پسرسام شدوزال‌نیزشیفتهٔ او گشت. پنهانی‌دیدارهائی میان آنها دست داد .زال‌ازپدر خواست تا با پیوند آن دوموافقت‌کند· نخست منوچهرشاه ایران ازپیوند زال بارودابه که از نژاد ضحاك بود، هراسناك شد ، ولی پس از شور با اخترشناسان ، چون دانست که این پیوند سرانجام نیک دارد و پهلوانی چون رستم از آن به وجود می‌آید موافقت‌کرد . رودابه بازال پیمان زناشوئی بست وبه سیستان رفت .

رودکی‌سمرقندی (ت) ابوعبدالله جعفربن محمد وفات ۳۲۹– شاعر بزرك‌قرن چهارم ومعاصرسامانیان که درقریهٔ رودك نزدیك‌سمرقند متولدشده است . عده‌ای گویند که کورمادرزاد بوده است‌ولی‌دراشعارش اشاراتی یافت می‌شود که دال بربینائی اوست . عوفی می گوید که رودکی در هشت سالگی قرآن را از حفظ داشت وصدای خوش داشت وبربط خوب می‌نواخت . رودکی در دربار امیر نصر سامانی تقرب یافت وثروت ومکنت فراوان اندوخت . از ممدوحان رودکی‌امیرنصربن احمدبن اسماعیل سامانی و ابوجعفر احمدبن خلف‌بن اللیث از امیران صفاری وماکان کاکی وابوالفضل بلعمی وزیر دانشمند سامانی است.

رودکی نخستین شاعر بزرك‌ایران است‌که استاد شاعران نامیده شده‌است وشاعران پس ازاو بسیاری از اشعاراو را تضمین‌کرده ومقام

اورا درشاعری ستوده‌اند . رودکی در فنون مختلف شعر استاد ماهر بود واشعار او را درحدود صد هزار بیت تخمین زده‌اند که بجز معدودی همه از میان رفته است. در دیوان موجود رودکی نیز قطعه هائی از اشعار قطران به اشتباه وارد شده است. ازآثار مهم رودکی «کلیله ودمنهٔ» منظوم است که جزابیات پراکنده‌ای ازآن دردست نیست .

روزبه نکتی (ت) ابو عبدالله روزبه نکتی لاهوری از شاعران نیمهٔ اول قرن پنجم معاصر سلطان مسعود غزنوی وازجملهٔ مداحان اوست. اشعاری درلباب الالباب از او آمده است .

روشنائی نامه (ك) رسالهٔ منظومی اثرحکیم ناصرخسروقبادیانی دروعظ وحکمت شامل پانصدونودودو بیت. این منظومه درآخر دیوان ناصرخسرو به تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی به چاپ رسیده است .

روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات (ك) کتابی به زبان عربی تألیف محمد باقربن حاجی امیرزین العابدین الموسوی الخوانساری. این کتاب شامل شرح حال ۷٤۲ تن ازعارفان وفاضلان وشاعران قدیم وجدید فقیهان شیعه می‌باشد . تاریخ تألیف آن سال ۱۲۸٦ هجری است . شرح احوال برحسب حروف تهجی است ولی اغلب به‌نام معروف بزرگان نیست وپیدا کردن ذکر اشخاص مورد نظربه آسانی میسر نمی‌شود .

(چاپ تهران)

روضة الانوار (ك) مثنوی درتصوف وعرفان اثرخواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم ، که آن‌را درسال ۷٤۳ به‌نام شمس‌الدین محمودصاین وزیر شیخ ابو اسحاق اینجو ساخته است .

روضهٔ رضوان (تن) کنایه از بهشت .

فردا اگرنه روضهٔ رضوان به ما دهند

غلمان زروضه حور زجنت بدر کشیم

«حافظ»

روضةالشهدا (ك) کتابی تألیف ملاحسین واعظ کاشفی، ملمع به نثر و نظم که اهل ذکر آن را بر منبر ها می‌خواندند وگویا نخستین کتابی است که در ذکر مصایب اهل بیت نوشته شده است و خوانندگان آن‌را برمنبر «روضه خوان» می‌نامند.

روضةالصفا (ك) کتاب معروف وعظیمی درتاریخ عمومی‌عالم تألیف مورخ معروف قرن نهم میرخواند که آن را به نام امیرعلیشیر نوائی، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا، تألیف کرده است.

این کتاب در هفت جلد است که شش جلد اول را میرخواند تألیف کرد وبه علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن‌را به پایان رساند وجلد هفتم محتملاً بوسیلهٔ خواندمیرصاحب کتاب حبیب‌السیر پایان یافته است.

شش جلد اول مشتمل است بر تاریخ انبیا وبزرگان و شاهان ایران قبل از بعثت حضرت‌محمد، تاریخ پیغمبر ص وخلفای‌راشدین، تاریخ ائمه وخلفای اموی‌وعباسی، تاریخ شاهان ایران بعد ازاسلام تا هجوم تاتار، احوال شاهان وامیران‌مغول،تاریخ تیمور وجانشینان او تا سال ۸۷۳ ه.

جلد هفتم که محتمل است به قلم خواندمیر باشد شامل سلطنت وزندگی سلطان حسین میرزا بایقرا و شرح اقالیم سبعه است. بعدها رضاقلی خان هدایت درزمان قاجاریه جلد هشتم ونهم ودهم را تألیف کرده وبه سایر جلدها افزوده است وآن را «روضةالصفای ناصری» نام

نهاده است . این سه جلد درتاریخ صفویه وعالمان و رجال آن دوره ، تاریخ زندیه ، شاهی آغامحمدخان قاجار ، سلطنت فتحعلیشاه ، جلوس محمدمیرزای ولیعهد درتبریز ، سلطنت محمد شاه قاجار ، ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۷٤ هجری است.

میرخواند در روضة‌الصفا از تواریخ عربی اسلامی مانند طبری و الکامل ابن اثیر استفاده کرده است. نثر روضة الصفا مانند آثار سایر نویسندگان دورهٔ مغول‌وتیمور از نوع نثرمسجع ومترسلانه است ودارای صنایع لفظی فراوان می‌باشد . (چاپ تهران)

روضة‌العقول (ك) ترجمه‌ای است از مرزبان‌نامه که به‌وسیلهٔ محمدبن غازی الملطیوی وبه تشویق سلیمانشاه بن‌قلج ارسلان درسال ۵۹۸ صورت گرفته وازلهجهٔ طبری به‌فارسی درآمده است . مترجم دراین کتاب از سبک کلیله و دمنهٔ نصرالله منشی پیروی کرده است . انشاء کتاب مصنوع ودارای شواهد وامثال بسیار به‌زبان عربی وفارسی‌است.

روضة‌المنجمین (ك) تألیف شهمردان بن ابی‌الخیر که آن‌رادرسال ٤٦٦ نگاشته است. مؤلف در مقدمه می گوید که درکتابش سخنهای متداول به کار برده است تا دانستن آن برهمه آسان باشد.

روم (ش—د) سرزمینی که به‌موجب روایت شاهنامه‌جزء کشور فریدون بود وچون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد ، روم به سلم رسید :

نخستین به سلم اندرون بنگرید
همه روم و خاور مراو را گزید

«شاهنامه»

رومیان در ادبیات فارسی به سفیدی چهره موصوف و مثل اند

ودرشعر برآمدن روشنی روزرابه هجوم وغلبهٔ لشکرروم تمثیل می کنند.

خورشید روم پرور وماه حبش نگار
سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست

«خاقانی»

روی (ق) آخرین حرف اصلی کلمهٔ قافیه؛ مانند تاء درکلمه های دست وهست . اگرحرف آخر ازاصل کلمه نباشد ولی به کثرت استعمال مانندحرف اصلی شده باشدمی توان آن راروی ساخت. مانند داناوبینا، واگر مشهورالترکیب باشد مانندالف شاها وخداوندانمی توان آن راروی ساخت.

روی بردوقسم است : روی مطلق — روی مقید (به این کلمات رجوع شود)

روی مطلق (ق) هرگاه روی ساکن به حرف وصل پیوندد و متحرك شود آن را روی مطلق گویند . روی مطلق دوازده نوع است. مطلق مجرد ، مطلق به قید ، مطلق به ردف ، مطلق به خروج ، مطلق به خروج ومزید، مطلق به خروج ومزیدونایره، مطلق به قیدوخروج، مطلق به قیدوخروج ومزید، مطلق به قید وخروج ومزید ونایره ، مطلق به ردف و خروج ، مطلق به ردف وخروج ومزید، مطلق به ردف وخروج ومزید ونایره

۱- مطلق مجرد وآن بردونوع است ، مطلق به حرف اطلاق ، مطلق به حرف وصل. مطلق به حرف اطلاق : مانند کلمهٔ سرمدوفرقد دراین شعرکه به الف اطلاق وصل شده است والف اطلاق در شعر فارسی عیب محسوب می شود. مثال :

ای شب چنین درازنبودی وسرمدا   از توپدیدنیست نه شعری نه فرقدا

مطلق به حرف وصل . مانند کلمهٔ دشمن دراین مصراع که به یاء وصل شده است ٠

دوستا گر دوستی گردشمنی

دراین قافیه دوحرف ودوحرکت لازم است .

۲- مطلق به قید . مثال :

آخردر زهد و توبه در بستم وز بند قبول این و آن رستم

دراین قافیه سه حرف ودوحرکت لازم است .

۳- مطلق به ردف وآن بردونوع است .

مطلق به ردف اصلی ، مطلق به ردف زائد

مطلق به ردف اصلی .

نه گفتی کزین پس کنم دوستداری

دراین قافیه سه حرف ودوحرکت لازم است .

مطلق به ردف زائد .

ای همای همتت سربرفلک افراخته

دراین قافیه‌چهار حرف ودوحرکت لازم است

٤— مطلق به خروج .

صنما تابه کف عشوهٔ عشق تو دریم

دراین‌قافیه سه‌حرف ویک حرکت لازم است

٥— مطلق‌به خروج ومزید .

زانچه ازحق در دلستش هرچه خواهد حاصلستش

دراین قافیه چهار حرف و دوحرکت لازم است

٦— مطلق به خروج ومزید ونایره .

تاکی به خون دیده ودل پروریمشان

تاکی ز ره روند و به ره آوریمشان

دراین قافیه شش حرف و دوحرکت لازم است .

۷- مطلق به قید وخروج .

تاظن نبری که دل زمهرت رستست

یا از طلب تو فارغ و آهستست

دراین‌قافیه چهار حرف ویک حرکت لازم است

۸- مطلق به قید وخروج ومزید:

چهرهٔ دل بند لاله رنگستش غمزهٔ دلدوزچون خدنگستش

دراین قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است .

۹- مطلق به قید وخروج ومزید ونایره.

سودای تو ازسینه فرو رفتنیست

وانگه سخن تو نیز ناگفتنیست

دراین قافیه شش حرف وچهار حرکت لازم است .

۱۰ - مطلق به ردف وخروج وآن بردونوع است :

مطلق به ردف اصلی :

درجهان گرهیچ یاری دارمی

دراین قافیه چهار حرف وسه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

دل داغ تو دارد ارنه بفروختمی

در دیده توئی وگرنه بردوختمی

دراین قافیه پنج حرف وچهارحرکت لازم است .

۱۱- مطلق به ردف وخروج و مزید و آن دونوع است. مطلق به ردف اصلی :

چون سرخ گل‌شکفته رخانستش

برسرخ گل زشک نشانستش

دراین قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

رخ چو ماه آراستستش کیسه‌زان‌پرخواستستش

دراین قافیه شش حزف وسه حرکت لازم است

۱۲- مطلق به ردف وخروج وسزید ونایره و آن دو نوع است .

مطلق به ردف اصلی :

گرلطف حق یا رستمی جز عشق او کارستمی

دراین قافیه شش حرف وچهار حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

گردل ز غم یارنه پرداختمستیش

بااو به همه وجوه درساختمستیش

دراین قافیه نه حرف وسه حرکت لازم است

روی‌مقید (ق) روی‌مقید ساکن‌است وبه‌حرف وصل نمی‌پیوندد وآن برشش قسم است . مقید مجرد ، مقید به قید ، مقید به تأسیس ، مقید به دخیل ، مقید به ردف اصلی ، مقید به ردف زائد .

۱- مقید مجرد که روی ساکن به‌حرفی از حرف قافیه پیونددسانند کلمه های کهن وسخن دراین شعر

سخن همچو جان زان نگردد کهن

که فرزند جان است شیرین سخن

دراین قافیه یک حرف ویک حرکت لازم است

۲- مقید به تأسیس :

سلام علی دارام‌الکواعب بتان سیه چشم عنبرذوائب

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است . باء حرف روی عین دخیل ، الف تأسیس

۳- مقید به دخیل :

چشم بدت دورای بدیع شمایل

ماه من وشمع جمع وسیر قبایل

لام روی است یا[۲] دخیل ، الف حرف تأسیس .

دراین قافیه دو حرف ودوحرکت لازم است .

٤- مقید به ردف اصلی

ای به هستی داده گیتی را کمال

دراین‌شعر لام روی‌است،الف‌ردف اصلی وحرکت‌ماقبل‌الف، حذو

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است .

٤- مقید به ردف زائد .

هر که آمد عمارت نو ساخت رفت‌ومنزل‌به‌دیگری‌پرداخت

دراینجا تاء روی ، خ ردف زائد الف ردف اصلی وحرکت‌ماقبل الف حذو

دراین قافیه سه حرف ویک حرکت لازم است .

٦- مقید به قید .

چنین است رسم سرای سپنج

یکی زوتن آسان و دیگر به‌رنج

جیم حرف روی . نون قید حرکت پ وراء حذو .

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است .

رویین‌تن (ش — د) لقب اسفندیار پسر گشتاسب. رجوع شود به اسفندیار

.. .جمشید کیان که دین جز اورا
روبین تن هفتخوان ندیده است
«خاقانی»

روبین‌دژ (ش ـ د) نام قلعه‌ای درترکستان که در داستانهای شاهنامه جایگاه ارجاسب بود ودختران گشتاسب درآن زندانی بودند. اسفندیار ازراه هفتخوان به آنجا رفت وآن راگشود وارجاسب را کشت وخواهران خود را آزاد کرد.

یا مگر اسفندیارم کان عروسان را همه
از دژ روبین به‌سعی هفتخوان آورده‌ام
«خاقانی»

ریاض‌العارفین (ك) تذکره‌ای تألیف رضاقلیخان هدایت که‌آن را درسال ۱۲۶۰ به پایان رسانده است. این کتاب شامل شش گلبن ودو روضه‌ویك فردوس ویك خلد است، دربیان حقیقت تصوف وصفت سالکان و فضیلت اهل ذکر و تعریف انسان و سلسلهٔ طریقت و ذکر اصطلاحهای عرفانی وشرح حال عارفان و فاضلان و حکیمان و شاعران معاصر مؤلف. درخاتمه مختصری از شرح حال مؤلف ذکرشده است.

ریاض‌همدانی (ت) میرزا جعفر همدانی متخلص به ریاض از شاعران‌ونثرنویسان‌عهدفتحعلی‌شاه ومحمدشاه. ریاض همدانی‌مقالاتی به سبک بدیع‌الزمان همدانی نوشته وکتابی به‌نام «گنج شایگان»دارد که درآن ازگلستان سعدی وپریشان قاآنی تقلیدکرده است. ریاض‌به دوزبان فارسی وعربی شعر می گفته ودرنجوم وهندسه وحساب نیز دست داشته است. (غزلیات ریاضی چاپ تهران)

ز

زابل (ش ـ ت) یا زاول نام ولایت‌سیستان ، درمشرق ایران ، که به روایت شاهنامه سرزمین دودمان رستم بوده است .

زادالمسافرین (ك) از مهمترین تألیفات ناصرخسرو قبادیانی شاعرونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم که‌آن‌را درسال ٤٥٣ تألیف کرده است . این کتاب دربیست‌وهفت قول نوشته شده ونویسنده درآن اصول عقاید حکیمانه وفلسفی را مانند‌اقسام‌علم ونفس‌وهیولی ومکان وزمان واثبات صانع و حدوث عالم ورد مذهب تناسخ و اثبات ثواب و عقاب و معاد شرح داده است ودرضمن عقاید مخالفان‌خاصه عقاید محمدبن زکریای رازی راکه مغضوب متکلمان اسمعیلیه‌است رد کرده . زادالمسافرین از مهمترین کتابهای اسمعیلیه است .

(زادالمسافرین چاپ برلن)

زال (ش ـ د) پسرسام وپدر رستم که چون هنگام زادن مویش سپید بود، به دستور پدر بربالای کوه البرز گذاشته شد. برطبق روایات شاهنامه سیمرغ اورا نزدجوجه‌های خود برد وبزرگ کرد . سام پس ازسالها براثر خوابی که دید ، به جستجوی پسر رفت . سیمرغ زال‌را به‌اوسپرد وپری‌ازخودبه‌زال‌داد که هنگام‌حاجت‌آنراآتش‌زندوازسیمرغ

یاری بخواهد ، زال که از سیمرغ دستان لقب گرفته بود ، نزد بزرگان به دانش آموختن پرداخت و پهلوانی دانشور و نیرومند شد. از حادثه های زندگی او عشقش به رودابه دختر مهراب کابلی است که سرانجام او را به زنی گرفت و رستم از او به وجود آمد .

زبدة التواریخ (ك) تألیف شهاب الدین عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید ملقب به حافظ ابرو ، که آن را درسال ۸۲۶ به امر بایسنقر میرزا و به نام او تألیف کرده است . این کتاب تاریخ مفصل عمومی عالم است درچهار جلد ، حاوی دیباچه و تاریخ عمومی عالم از خلقت آدم تازمان چنگیز و حوادث سالهای میان ۷۳۶ یعنی سال مرگ ابوسعید و ۸۳۰ زمان شاهرخ . چنانکه مؤلف گوید جلد آخر یا ربع آخر کتاب را «زبدة التواریخ بایسنقری» نام نهاده است . و تاریخ عمومی او مجموعاً به نام « مجمع التواریخ السلطانیه» نامیده شده است .

اسلوب انشاء کتاب ساده و بی تکلف است

زحاف (ع) هر تغییری که به اصول افاعیل عروض واردآید، زحاف خوانده می‌شود و اوزان فرعی را که بوسیلهٔ این زحافات از یک بحر به وجود می‌آید ، مزاحفات آن بحر خوانند . زحاف عبارت است از حذف حرفی یا حروفی یا اسکان متحرکی یا افزودن حرف یا حروفی به آخر فعل

ازاحیف اشعار فارسی سی و پنج است که بیست و دو از آن جمله ازاحیف اشعار عرب است که در اشعار فارسی مستعمل است و باقی مخصوص شعر فارسی است . نام های ازاحیف از این قرار است: قبض ،قصر ،حذف، خبن ، کف،شکل خرم ، خرب، شتر ،قطع ،تشعیث، طی، وقف، کشف،صلم ،معاقبت ، صدر، عجز،طرفان ،مراقبت، اسباغ ،اذاله ،جدع ، هتم ،جف، تخنیق ،سلخ ،طمس ،

جب ، زلل ، نحر ، رفع ، ربع ، بتر ، حذذ

زحل (نج) یا کیوان که درفلک هفتم قرار گرفته وسه حلقهٔ نورانی دورآن را گرفته است . قدما آن را نحس می‌دانستند .

هرنماز دگری برافق ازقوس وقرخ
درگهی بینی افراشته تا اوج زحل
بگیرطرهٔ مه چهره‌ای وقصه مخوان
که‌سعدونحس زتأثیرزهره‌وزحل است

زرکوب (ت) ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی ازادیبان ونویسندگان قرن هشتم ومعاصر شیخ ابواسحق اینجو. کتابی درتاریخ وجغرافیای وطن خود تألیف کرده است به نام «شیرازنامه»

زکریای‌رازی (ت) رجوع شود به رازی

زکریای‌قزوینی (ت) عماد الدین زکریای محمد قزوینی وفات ۶۸۲- از بزرگان‌و عالمان ایران که به علوم جغرافیائی آشنائی کامل داشته است . از تألیفات‌او«عجایب المخلوقات وغرایب الموجودات» است . دیگر « آثار البلاد » به زبان عربی که درآن شرح حال عده‌ای ازشاعران معروف ایران ذکر شده و ازقدیمترین منابع اطلاعات است دربارهٔ شاعران وبلادی که درآنجا متولد شده یا توطن داشته‌اند .

زلالی (ت) مولانا حکیم زلالی خوانساری وفات ۱۰۲٤— از شاعران قرن یازدهم ومعاصر شاه‌عباس کبیر که دردربار او سمت ملک الشعرائی‌داشته است. زلالی میرداماد‌را مدح کرده است وهفت منظومه به نام «سبعهٔ سیاره» دارد شامل مثنویهای محمود ایاز، شعلهٔ دیدار، آذر وسمنور، میخانه ، سلیمان‌نامه ، ذره و خورشید ، حسن گلوسوز

زلل(زحاف)(ع)درمفاعیلن‌مجموع هتم‌وخرم‌است که‌باقی‌می‌ماند

فاع ؛ وآن را ازل خوانند .

زلیخا (تن) زن عزیز مصر که عاشق یوسف گشت وچون یوسف تسلیم وی نشد ، براو خشم گرفت وشوهررا واداشت که اورا به زندان افکند . سرانجام یوسف از زندان نجات یافت وعزیزمصر گشت وزلیخا که فقیرو کور وعلیل گشته بود ، پیوسته به درگاه خدامی نالید وبرسر راه یوسف می نشست و چون دین او را پذیرفت ، براثر معجزهٔ یوسف جوان وبینا گشت وبه همسری او درآمد .

من ازآن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم
که عشق از پردهٔ عصمت برون آرد زلیخا را
«حافظ»

زمخشری (ت)ابوالقاسم محمود بن عمربن محمدالخوارزمی وفات ۵۳۸_ازعالمان بزرگ در علم نحووحدیث وتفسیر وبه زمخشرخوارزم منسوب و به جارالله معروف می باشد . وی خود را ابوالقاسم معتزلی می نامیده است . زمخشری دارای تألیفات بسیار درلغت وعلوم بلاغی است . ازآثار او «الکشاف عن الاسرارالتنزیل» است در تفسیر قرآن ، کتاب«مقدمة الادب» که آن را برای اتسز خوارزمشاه نوشت . این کتاب از نظراشتمال برلغات کهنهٔ فارسی پرارزش است . دیگرازآثار او « اساس البلاغة »در تحقیق لغت عرب و کتاب « المفصل » ، در نحو و کتاب «انموذج»است که تلخیص کتاب «المفصل» می باشد . کتاب «المفصل» درسال ۵۱۴ تألیف یافته و جز و کتابهای معروف علم نحوشده وعلماء نحوبرآن شروح بسیار نوشته اند .

زمزم (تن) چاهی نزدیک خانهٔ کعبه

بسان چاه زمزم است چشم من
که کعبهٔ وحوش شد سرای او
«منوچهری»

زند (ك) بمعنی توضیح وتفسیر است . چون زبان کتاب دینی زرتشتیان یعنی اوستا دردورهٔ ساسانیان کهنه ومنسوخ شده بود وعامه معنی آن‌را نمی‌فهمیدند، متن اوستا را به زبان متداول زمان خود یعنی پهلوی‌ساسانی ترجمه کردند . این ترجمه‌ها را که گاهی توضیح وتفصیلی نیز در بردارد، زند می‌خوانند، زندقسمتی از فصول کتاب اوستاا کنون دردست است مانند زند وهومن یسن وغیره

زنگی اهل ولایت زنگ یا زنگبار که به سیاهی چهره معروفند

زلفش بسان زنگیان در هم شده از هر کران
برعارضش یاری کنان افتان وخیران دیده‌ام
«خاقانی»

زوزنی (ت) ابوعبدالله حسین بن احمدالزوزنی. وفات۴۸۶- ازعالمان علم لغت و ادب که در نحو و عربیت استاد زمان خود بود . از آثار معروف او شرح «معلقات سبع» و کتاب «اللغةالفارسیه» و کتاب «المصادر» است .

زهره (نج) یا ناهید (اناهیته) نسبت به زمین بعد از عطاردقرار گرفته‌است ودرخشانترین سیارات‌می‌باشد. قدماء آن‌را سعد می‌دانستند وبه خنیاگری نسبتش می‌دادند .

بگیر طرهٔ مه چهره‌ای وقصه مخوان
که‌سعدونحس زتأثیرزهره‌وزحل است
«حافظ»

ورزهره جزبه بزم تو خنیا گری کند
جاوید دف دریده‌وبربط شکسته باد
«انوری»

زیادالاعجم (ت) ازقدیمترین شاعران ایرانی که اصلش ازاصفهان است ولی درخراسان اقامت داشته‌است. وی به‌زبان‌عربی‌شعر می‌سرودو اورا اعجم‌می گفتند، زیرا که کلمات عربی‌را به‌لهجهٔ ایرانی‌ادا می کرده‌است.

زین‌الاخبار (ك) تاریخی بزرگ تألیف ابوسعید عبدالحی‌بن الضحاك بن‌محمود گردیزی که آن‌را درسال ٤٤ هجری‌ودرزمان‌سلطنت عبدالرشیدبن‌مسعودبن محمود سبکتکین تألیف کرده‌است. زین‌الاخبار تاریخ عمومی‌است‌شامل وقایع ازابتدای خلقت‌تاپایان دورهٔ مودودبن مسعود غزنوی. اخبار تاریخ گردیزی به طریق ایجاز واختصار است نویسنده جدولهائی ترتیب می‌دهد ودرشرح حال یک سلسله یا یک خلافت به ذکر همان جدول اکتفا می کند مثلا دربارهٔ خلافت خلفای اسلام یازده ستون درجدول ترتیب‌داده که‌شامل این نکات‌است: لقبها، کنیتها، نامها، مادران، وزیران، قاضیان، دبیران، حاجبان، مهر انگشتری، ابتداء خلافت، عهد خلافت. گردیزی به‌عادات و رسوم وافسانه های ملل باستانی بسیار توجه کرده و در بارهٔ آنها اطلاعات سودمندی بدست می‌دهد. سبک نوشتهٔ تاریخ گردیزی بسیار ساده و روان است. تکلف و پیچیدگی در آن نیست وبه سبک نثر سامانیان نزدیک است. (چاپ‌تهران)

زینبی علوی محمودی (ت) عبدالجبارزینبی علوی محمودی. ازشاعران دورهٔ غزنوی معاصر سلطان محمود وسلطان مسعود. عده‌ای نام اورا زینتی گفته‌اند. بنا بگفتهٔ ابوالفضل بیهقی زینبی درشمار شاعران

بزرگ دربار غزنوی ومورد لطف سلطان مسعود بوده است .

ابیات معدودی از این‌شاعر در کتابهای لغت وادب‌مانند حدائق السحرولباب‌الالباب ومجمع‌الفصحاء آمده است .

س

سالك یا مرید کسی است که به قصد طی طریق وارد خانقاه می‌شود وبه اطاعت پیر درمی‌آید ودرهمه کار از او پیروی می کند. سالک باید واجد صفات خاصی باشد مانند رازداری وفرمانبرداری

به می‌سجاده رنگین کن گرت‌پیرمغان گوید
که‌سالک بیخبر نبود زراه و رسم منزلها

«حافظ»

سام (ش—د) نیای‌رستم‌وپسر نریمان که‌به‌روایت گرشاسب‌نامه برادرزادهٔ گرشاسب وبه روایتی نبیرهٔ اوبود. هنگام شاهی نوذر، مردم که از ستم او به جان آمده بودند از سام خواستند که برتخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت.

سامری (تن) مردی از پیروان موسی که در غیبت او گوسالهٔ زرینی ساخت وخاك زمینی که اسب جبرئیل درآن‌پای نهاده بود، براو افشاند. گوساله به‌صداآمد وحرکت کردوسامری به‌این وسیله بنی‌اسرائیل راگمراه کرد. چون موسی بازگشت، مردم را ازگمراهی بیرون آورد وگوسالهٔ سامری را کشت.

سحر بامعجزه پهلو نزند دل خوش‌دار
سامری کیست که دست‌ازید بیضا ببرد

«حافظ»

سام‌میرزا (ت) وفات ۹۸۳ — سام‌میرزا پسرشاه اسمعیل اول صفوی

وسؤلف تحفهٔسامی است که به امر شاه اسمعیل ثانی کشته شد .

سبا (تن) شهری که بلقیس برآن حکومت می کرد وسلیمان به قصد جنگ آهنگ آن کرد وبا ملکهٔ سبا روبرو شد واورا به زنی گرفت

ای هدهد صبابه سبامی‌فرستمت

بنگر که‌ازکجابه کجامی‌فرستمت

«حافظ»

سبب (ع) یکی ازارکان اوزان عروض وبردوقسم است: سبب خفیف ، سبب ثقیل

سبب خفیف —ازیک متحرك ویک ساکن ترکیب شده وعلامت آن به‌صورت یک‌صفر ویک‌الف‌است. مانند نمودم که به‌این‌شکل نشان داده‌می‌شود: ه‌ا

سبب ثقیل - ازدوحرف متحرك ویک ساکن ترکیب‌شده؛ مانند همه ، رمه .وعلامت‌آن‌دوصفر است: ه‌ه

سبحةالابرار (ك) منظومه‌ای از هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را در سال ۸۸۷ به نام سلطان حسین بایقرا ساخته است . این منظومه شامل مضامین عرفانی واخلاقی است و دارای چهل عقد است که هرعقد باشرح یکی ازفضایل نفسانی آمیخته به حکایتهای نغز شروع می‌شود وبه مناجات حق‌تعالی ختم می گردد .

(هفت اورنگ — چاپ تهران)

سبزواری (ت) حاج ملاهادی فرزند حاج‌محمد سبزواری. وفات ۱۲۹۵ —از حکیمان‌بزرگ‌ایران. درسال ۱۲۱۲ هجری درسبزوار متولد شدوتحصیلات خود را درآنجا وسپس درمشهدتکمیل کرد. پس ازآن‌به مکه‌سفرکردودربازگشت به‌اصفهان رفت وحکمت وفقه واصول وکلام را نزد ملاعلی‌نوری آموخت و به جرگهٔ دانشمندان درجهٔ اول دورهٔ

قاجار درآمد . از تألیفات او منظومه‌ای است به عربی درمنطق وحکمت باشرح آن در دوقسمت .اول «لآلی المنتظمه» وقسمت دوم «غررالفرائد» نام دارد وهردو باهم به‌نام «شرح منظومه» مشهور است . به‌فارسی نیز کتابی درحکمت الهی نوشته‌است موسوم به «اسرارالحکم» درشرح مثنوی .سبزواری به‌فارسی هم‌شعرمی گفته و«اسرار»تخلص می کرده‌است .

(دیوان‌اسرار — چاپ‌تهران)

سپهر (ت) میرزا محمد تقی خان کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر از مستوفیان دربار محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجاروازدانشمندان‌قرن‌سیزدهم .وی‌ازطرف محمدشاه مأمورنوشتن تاریخ عمومی گشت وناسخ التواریخ را تا جلد یازدهم به فارسی فصیح نوشت وبه این جهت ازطرف محمدشاه به لقب لسان الملک ملقب گردید . ازآثار دیگرش «براهین‌العجم» است درعلم قافیه .

سپهر (ت) عباسقلیخان سپهر پسر میرزاتقی خان ملقب به‌لسان الملک است که مؤلف «ناسخ التواریخ» می باشد . عباسقلی‌خان پس از پدر دردربار ناصرالدین‌شاه می‌زیست و تا کشته شدن آن شاه ازمقربان او بود . چندین جلد درشرح حال ائمه وسلطنت ناصرالدین‌شاه برناسخ التواریخ افزوده است . عباسقلیخان کتاب «وفیات‌الاعیان» ابن‌خلکان رانیزازعربی به‌فارسی ترجمه کرده است .

سجزی (ت) ابوسعید احمد بن‌محمدبن عبدالجلیل السجزی . وفات٤١٤—منجم وریاضی دان قرن‌چهارم ومعاصر عضدالدوله دیلمی . درنجوم وریاضی آثاری دارد . ازجمله رساله‌ای‌است به عنوان «خواص الشکل المجسم الحادث‌من ادارة‌القطع الزاید والمکافی»دیگر«تحصیل القوانین الهندسیةالمحدودة»و«الجامع الشاهی» که‌آن‌را به‌نام‌عضدالدوله

دیلمی نوشته است. دیگر کتاب «المدخل» درنجوم به نام ابوجعفر احمدبن محمد صفاری و «تحصیل القوانین» راجع به استنباطات قضایای نجومی، و «زایجات الکواکب» و «منتخب من کتاب الالوف» که از کتاب الالوف ابومعشر بلخی انتخاب شده است.

سجع (ب) درلغت به معنی آواز کبوتر و دراصطلاح آن است که نویسنده یا شاعر کلماتی به کاربرد که در وزن وحروف خواتیم مشابه باشد. سجع برسه قسم است: متوازی، متوازن، مطرف. سجع درنثر حکم قافیه را درشعردارد.

سجع متوازی آن است که در آخر دو جمله، دو کلمه بیاید که در وزن وحروف روی یکی باشد مانند: انیس، جلیس.

سجع متوازن آن است که دو کلمه درآخردوجمله بیاید که دروزن یکی باشد ودرحرف روی متفاوت باشد مانند: یک‌شب تأمل ایام گذشته می کردم وبرعمر تلف کرده تأسف می‌خوردم.

سجع مطرف آن است که درآخر دوجمله کلماتی بیاید که فقط در حروف روی یکی باشد نه در وزن مانند کلمات: باد واستعداد

سحاب (ت) میرزا سیدمحمد اصفهانی. وفات ۱۲۲۲ — پسر سید احمدهاتف. از قصیده سرایان دورهٔ قاجاریه و معاصر و مداح فتحعلیشاه قاجار. سحاب درقصیده از شاعران قرن ششم ودرغزل از شاعران قرن هفتم مانند سعدی شیرازی پیروی کرده است. ازآثار او «رشحات‌سحاب» به نام فتحعلیشاه قاجار است. دیوان سحاب دارای پنجهزاربیت‌میباشد.

(دیوان سحاب ـ چاپ‌تهران)

سحابی (نج) پنج کوکب است از نوع کهکشان چون پارهٔ ابر

سداسکندر (تن) سدی که اسکندر دربرابر یأجوج وسأجوج بست

یأجوج ظلم بینم جزرای روشن او
از بهر سد انصاف اسکندری ندارم

«خاقانی»

سدره (تن) درختی درجانب راست عرش

کهای بلند نظر شاهباز سدره نشین
نشمین تونه این کنج محنت آبادست

«حافظ»

سدرةالمنتهی (تن) رجوع شود به سدره

مرامنتهای طلب نیست سدره که ازسدرةالمنتهی می گریزم

«خاقانی»

سده ازجشنهای ایرانیان درروزدهم ماه بهمن .ازاین جهت آن‌را سده می گویند که پنجاه‌روز وپنجاه شب به نوروز مانده است.

پارسیان دراین روزآتش برمی‌افروختند . این جشن تا چندقرن پس از اسلام معمول بوده است وهنوز دربعضی‌از شهرستانهای ایران خاصه نزد زردشتیان معمول است :

بر لشکر زمستان نوروز نامدار
کرده‌است رای‌تاختن وقصد کارزار
واینک‌بیامده‌است به‌پنجاه روزپیش
جشن سده طلایهٔ نوروز نامدار

«منوچهری»

سد یأجوج (تن) اشاره به سدی‌است که اسکندر دربرابریأجوج ومأجوج ساخته است .

تو گفتی سد یأجوج است لشکر هم ایشان باز چون یأجوج بی‌مر

«ازویس ورامین»

سدیر (ش ـــ د) قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام گور ساخت ودارای سه گنبد یاسه دیر بود.

سراندیب (تن) یاجزیرهٔ سیلان درجنوب شبه جزیرهٔ هندوستان که برطبق روایات مذهبی آدم پس از رانده شدن ازبهشت به‌آنجا افتاد

سرطان (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة‌البروج وبه شکل خرچنگ. برج سرطان برابر ماه تیر است.

من چوبرجیس زحوت آمده‌ام سرطان مستقری خواهم داشت

«خاقانی»

سروری (ت) محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی ازفرهنگ‌نویسان قرن یازدهم. درسال ۱۰۳۲ هجری به هندوستان رفت وبه دربارشاه‌جهان راه یافت. درهندوستان فرهنگ‌جهانگیری را مطالعه کرده و با استفاده از آن و کتابهای دیگرفرهنگ‌خود را به نام «مجمع الفرس» تألیف کرده است.

سروش (تن) از فرشتگان آئین زردشت ودر شعرفارسی به‌معنی ندا دهندهٔ غیبی.

سروش اصفهانی (ت) میرزا محمدعلی. وفات ۱۲۸۵ ـــ ازشاعران قصیده سرای قرن سیزدهم. مولدش اصفهان است ولی به نقاط مختلف ایران سفر کرده‌است. چندی در تبریز اقامت گزیده و نزد قهرمان میرزا پسر نایب السلطنه تقرب حاصل کرده‌است. چون ناصرالدین میرزای ولیعهد به شاهی رسید، سروش با او به تهران آمد و به‌مناسبت آنکه در اعیاد ومجالس دربار اشعار تهنیت‌آمیز می‌خواند، ناصرالدین‌شاه لقب شمس

الشعرائی به او داد . سروش درقصیده ازسبک فرخی ومنوچهری وامیر معزی پیروی کرده است . ازآثار او غیر ازدیوان قصیده وغزل مثنویاتی مانند «ساقی‌نامه» و«الهی‌نامه»و«زینةالمدایح» و حماسه‌ای‌دینی به نام «اردیبهشت‌نامه» دراحوال پیغامبراست. دراشعار سروش اشاره‌هائی‌به وقایع زمان ناصرالدین‌شاه ازجمله برقرار شدن تلگراف‌دیده‌می‌شود .

سریع (بحر) (ع) از بحور شعرفارسی‌وعربی .اصل آن «مستفعلن مستفعلن مفعولات» است . در فارسی از این بحروزن زیر متداول است بحرسریع مسدس مطوی محذوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

ای همه هستی زتو پیدا شده خاك ضعیف از تو توانا شده
«نظامی»

سطرلاب (نج) رجوع شود به اسطرلاب

چشمهٔ خورشید لطف بلکه سطرلاب روح
گوهر گنج حیات بلکه کلید کرم
«خاقانی»

سعادتنامه (ك) منظومهٔ کوتاهی منسوب به‌ناصرخسرو قبادیانی حکیم وشاعرقرن پنجم ، شامل‌سیصد بیت‌درسی باب درحکمت‌وموعظت ودرنسبت این منظومه به ناصرخسرو تردید است وگویا مردی به‌نام شریف آن را سروده است .

(سعادتنامه .ضمیمهٔ‌دیوان ناصرخسرو. تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی— چاپ تهران) .

سعدالاخبیه (نج) منزل بیست وپنجم ازمنازل قمرکه شامل چهارستاره است که سه‌تای آن مانند مثلث است وچهارم درمیان آن

گردی برآبی بیخته زرازترنج انگیخته
خوشه زتاك‌آویخته مانند سعدالاخبیه
«منوچهری»

سعداصغر یا سعدخرد (نج) ستارهٔ زهره

شعرمن فالی است نامش سعداکبر گیراز آنک
راوی من درثنات از سعد اصغر ساختند
«خاقانی»

سعداکبر (نج) ستارهٔ مشتری

برآسمان مکرمت از روشنان علم
چون مشتری به نورخرد سعداکبرم
«انوری»

سعدالدین تفتازانی (ت) رجوع شود به تفتازانی

سعدذابح (نج) منزل بیست‌ودوم از منازل قمر که دوستاره‌است که بین آنها به اندازهٔ یک گزفاصله‌است وبرشاخ جدی (بزغله) قراردارند.

نه‌سعد کفایت توذابح   نه‌صبح عنایت‌تو کاذب
«جمال‌الدین اصفهانی»

سعدالسعود (نج) منزل بیست‌وچهارم ازمنازل قمر که سه‌ستارهٔ کوچک است که دردم جدی قرار گرفته است.

برسپهرلاجوردی صورت سعدالسعود
چون یکی‌چاه عقیقین دریکی نیلی‌ذقن
(منوچهری)

سعدوراوینی (ت) رجوع شودبه وراوینی

سعدی (ت) مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی‌شیرازی. وفات ۶۹۱ یا ۶۹۴ــ ازبزرگان ونوابغ شعروادب ایران. درحدودسال ۶۰۶ درشیراز متولد شده وتحصیلات خود را درهمان شهر آغاز کرده سپس به بغداد رفته ودرمدرسه نظامیه کسب فضائل کرده است.

سعدی یکی بعلت شوق جهانگردی ودیگر به‌سبب کشمکشهای بین خوارزمشاهیان و اتابکان فارس و هجوم‌مغول به سفری طولانی پرداخت که درحدود سی‌تاچهل سال طول کشید وبغداد وسوریه ومکه را تا شمال افریقا گشت ودرآثار خود از سفر به کاشغر وهند وترکستان نیز سخن می گوید . سعدی پس از این سفرطولانی به شیراز بازگشت وچون آنجا راآرام ومردم رادررفاه دیدماند وبه تألیف وتصنیف‌پرداخت واتابک ابوبکربن سعدبن زنگی (۶۳۲—۶۶۸) وپسرش سعدبن ابوبکر را که تخلص خود را ازاوگرفته است مدح کرد. از ممدوحان‌دیگر سعدی غیر ازاتابکان ، بزرگان ودانشمندانی بوده‌اند مانند صاحبدیوان شمس‌الدین وبرادرش عطا ملک جوینی . سعدی باشاعرانی ماننده‌جد همگر وخواجه همام تبریزی ارتباط داشته و مورد ستایش آنان قرار گرفته است .

سعدی‌را هم‌جزء شاعران درجه اول‌ایران می‌توان محسوب کرد وهم از نویسندگان مبرز واستاد نثر مسجع دانست. سعدی درانواع شعر مانند قصیده ، غزل ، قطعه ، رباعی ، ترجیع بند و ترکیب‌بند دست داشت . اما می‌توان گفت از زمان سعدی است که غزل درردیف‌اول شعرفارسی قرارگرفته است ومخصوصاً سخن‌سعدی درغزل به حداعلای لطافت وزیبائی رسیده‌است که‌دارای روانی‌وصنعت‌سهل‌وممتنع‌می‌باشد.

آثار سعدی عبارت است از دیوان غزلیات شامل طیبات ، بدایع، خواتیم، غزلیات‌قدیمه .دیگربوستان، گلستان، قصایدوملمعات، رباعیات و ترجیعات‌است .مجموع آثارسعدی‌را کلیات‌سعدی گویند .چون‌آثارسعدی نتیجه تجربیات ومطالعات ومشاهدات اوست درسفرهای طولانی ، از اینرو بسیارسودمند وپرمعنی‌و درنهایت‌درجه اهمیت‌است که‌هم‌شامل

نکات اخلاقی وپند وموعظه است وهم دارای مضامین عاشقانه ولطف وزیبائی است .

کلیات سعدی چندین بار درتهران و هندوستان به‌چاپ رسیده‌است

سعید طائی (ت) ازشاعران آل‌سلجوق که درنیمهٔ دوم قرن‌ششم می‌زیسته است . از احوال او اطلاعی دردست نیست واز او تنها یک قصیده باقی مانده است، دریأس وتأثر از ناپایداری دنیا وزوال دولتها که ازقصاید خوب فارسی شمرده می‌شود . مطلع قصیده این است

غم مخور ای دوست کاین جهان بنماند

هر چه تو می‌بینی آنچنان بنماند

سرنامه (ک) ازآثار منثور حکیم ناصرخسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرک قرن پنجم وظاهراً نخستین کتاب منثورنویسنده است . این کتاب‌شامل‌شرح حوادث هفت‌سالهٔ سفرناصرخسرواست به‌آسیای‌صغیر، شام ، حجاز، مصر ، قاهره ، تابازگشت اوبه بلخ . ناصرخسرو درطول این سفربارجال‌وعالمان زمان ملاقاتها کرد ودرقاهره به‌خدمت‌المستنصر بالله رسید وبه‌مذهب‌اسمعیلی گروید،سفرنامه‌دارای اطلاعات‌جغرافیائی و تاریخی دربارهٔ شهرها و کشورهائی است که ناصرخسرو ازآنها دیدن کرده است . سبک انشاء سفرنامه روان وساده است .

(سفرنامه- چاپ‌تهران)

سقراط (ت) فیلسوف‌وحکیم‌یونانی که اورابه گناه حقیقت‌پرستی ومخالفت با آداب متداول زمانه به‌قتل محکوم کردند واوبا دست‌خود جام شوکران را گرفت ونوشید و آنقدر شاگردان خود را موعظه کرد تا از پای درآمد .

سگ‌اصحاب کهف (تن) سگ شبانی که به‌دنبال اصحاب کهف

افتاد وهرچه خواستند اورا برانند ، برنگشت تا آنکه به زبان آمد وخدا پرستی خود را برایشان نمایاند. یاران از اودست بازداشتند واورا باخود به غاربردند .

سگ اصحاب کهف روزی چند — پی نیکان گرفت و مردم شد

«سعدی»

سلامان و ابسال (ك) داستان منظومی از هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن راظاهراً به‌سال ۸۸۵ به‌نام سلطان یعقوب ترکمن آق‌قوینلو ساخته‌است . اشخاص این داستان عبارت‌اند از پادشاه‌یونان ومرد حکیم که معلم اوست وپسراوموسوم به سلامان ودایهٔ خوبروی او به‌نام «ابسال» . ابسال عاشق طفل شیرخوار خود یعنی سلامان می شود وهنگامی که سلامان به‌سن رشد می رسد دایه اورا به‌جادوئی فریفتهٔ خودمی‌سازد . حکیم که ازاین موضوع اطلاع می یابد به‌وسیلهٔ قوهٔ مغناطیس سلامان را مجبورمی کند که در قرارگاه خود با ابسال تودهٔ عظیمی از هیزم فراهم‌سازد وعاشق ومعشوق خودرا به‌آتش افکنند. درنتیجه ابسال بکلی سوخته وخاکسترمی شود و سلامان تندرست بیرون‌می‌آیدوپدرش تاج وتخت خود رابه‌اومی‌بخشد. (چاپ تهران)

سلخ (زحاف) (ع) سلخ درفاع لاتن آن است که دوسبب یعنی لا وتن را بیندازند ، و عین را ساکن کنند ؛ می‌ماند فاع ؛ وآن را مسلوخ گویند .

سلسبیل (تن) چشمه‌ای دربهشت:

ای رخت چون خلد ولعلت سلسبیل

سلسبیلت کرده جان و دل سبیل

«حافظ»

سلسلة الذهب (ك) یکی ازمثنوبهای هفت‌اورنگ مولانا عبدالرحمن

جامی که آن را به نام سلطان حسین بایقرا و به سبک حدیقهٔ سنائی ساخته است .

این کتاب مشتمل بر سه دفتر است : دفتراول شامل شرح احادیث وسقالات صوفیه وائمه وبسیاری از مسائل عرفانی . دفتر دوم مشتمل برتحقیق دراقسام مختلف ووجوه گوناگون عشق مجازی وحقیقی وحکایتهائی برسبیل تمثیل . دفتر سوم مشتمل برحکایات شاهان وآئین ملک‌داری ونصیحت به سلاطین واشاره به فضایل ستوده و همچنین داستانهائی منسوب به اطباء مانند ابن‌سیناو گفتاری در بیان شعر وذکر نام عده‌ای از شاعران .

سلطان حسین بایقرا (ت) سلطان ابوالغازی حسین بن منصور بایقرا. وفات ۹۱۱—ازشاهزادگان گورکانی که‌ابتداتحت حمایت‌میرزا الغ بیک بود وچون وی و پسرش عبدالطیف به قتل رسیدند ، ابوسعید اورا به حبس افکند ، سلطان حسین از حبس گریخته به ابوالقاسم‌بابر پیوست وبا او فرارکرد ودرسال ۸۶۲ استراباد را تسخیر کرد ودرآنجا به شاهی نشست. بعدازمرگ ابوسعیدسلطان حسین هرات را گرفت ودر سال ۸۷۲ به تخت نشست . سلطان حسین بایقرا از شاهان دانشمند وعلم دوست بود ودورهٔ شاهی اوازجنبهٔ ادبی‌بسیار مهم است ، زیرا که دربار او درهرات مرکز علم وادب گشت وشاعران ونویسندگان به آنجا روآوردند و مورد تشویق‌او ووزیر دانش‌پرور او امیر علیشیر نوائی قرار گرفتند . سلطان حسین شخصاً علاقهٔ وافری‌به علم وادب داشت‌وکتاب «مجالس العشاق» به او منسوب است .

سام(ش—د) پسربزرگتر فریدون .چون‌فریدون کشورخودراتقسیم کرد، روم‌وخاور رابه‌سلم‌داد. سلم‌بابرادر خود تورهمدست‌شدو ایرج برادر

کوچک خود را که فرمانروای ایران شده بود ، کشت .

نخستین به‌سلم اندرون بنگرید همه روم وخاور مراورا گزید

« ازشاهنامهٔ فردوسی»

سلمان ساوجی (ت) جمال‌الدین سلمان‌بن علاءالدین ساوجی. وفات ۷۷۸ — از بزرگترین‌شاعران قرن هشتم . دراوایل‌عمر در خدمت خواجه غیاث‌الدین محمد وزیرسلطان ابوسعید بهادر (۷۱۶-۷۳۶) بود . بعد ازمرك آن وزیر به دربار جلایریان یا شاهان ایلکان که در مغرب ایران وعراق عرب حکومت داشتند ، روآورد وشیخ حسن بزرگ مؤسس آن سلسله‌وزوجهٔ او دلشاد خاتون وسلطان اویس وسلطان حسین را مدح گفت .

سلمان شاعری‌است قصیده‌سرا ومی‌توان‌اورا بزرگترین‌شاعرقصیده سرای ایران بعد ازمغول وپیش ازعصر صفویه دانست . وی ازسبک متقدمان خاصه انوری تقلید کرده وبه منوچهری نیز نظر داشته است . در نعت خدا و رسول وائمه قصایدی دارد که پیش از او معمول نبوده است. سلمان درتغزل نیز استادی داشته ومورد توجه حافظ بوده است. درغزلهای‌سلمان‌مضمونهای تازه وتشبیهات نو فراوان است . گذشته از قصاید و غزلیات ترجیع‌بند وترکیب بندوقطعه ومثنوی نیز دارد .

از آثار اوجز دیوان شعر ، مثنوی عشقی به‌نام «جمشیدوخورشید» است که آن را درسال ۷۶۳ به امرسلطان اویس سروده و«فراقنامه» که به سال ۷۷۰ به نام همان سلطان ساخته است .

سلیمان (تن) پسرداوود که‌خدای تعالی هم‌پیغمبری به‌او دادو هم‌پادشاهی وانگشتری‌داشت که‌اسم‌اعظم‌برآن‌نوشته‌بودتابه‌برکت آن آدم وپری ودیووحش وطیر وباد مطیع‌او بشوند . باد هرچه درقلمرو

شاهی اوسی گذشت به گوش اومی رساند وتخت اورا به هرجا که می خواست می برد .

چون سلیمان خبر قدرت بلقیس را درسباشنید ، آهنگ جنگ بااو کرد . بلقیس که دانست اوپیغمبراست، خواست که به درگاهش بشتابد ولی سلیمان فرمود تاباد تخت بلقیس را بردارد وبه درگاه او حاضر کند . بلقیس به سلیمان ایمان آورد وبه همسری او درآمد .

پیش صاحبنظران ملك سلیمان باد است
بلکه آن است سلیمان که زملك آزاداست

«خواجوی کرمانی»

سمائی (ت) محمودبن علی سمائی مروزی از شاعران عهد سلجوقی واهل مرو. ازاحوال او چیزی دردست نیست. عوفی چند غزل از اونقل کرده واورا به هنرشعر ستوده است .

سماك اعزل (نج) منزل چهاردهم از منازل قمر. ستاره‌ای بزرگ وروشن درجنوب سماك رامح که نزدیك آن هیچ ستاره‌نیست واز این رو به‌آن اعزل گویند واعزل یعنی مرد بی‌سلاح . این ستاره درصورت «سنبله» است .

گاه باضربت رمحی زسماك رامح
گاه‌بانکبت عزلی زسماك اعزل

«انوری»

سماك رامح (نج) ستاره‌ای است بزرگ در برابربنات النعش ، و نزدیك آن دوستاره‌است که آنها را «رمح» یانیزهٔ سماك گویند

وزشهاب ناوك انداز وسماك نیزه‌دار
لشکر شروانشه صاحبقران انگیخته

«خاقانی»

سمك‌عیار (ك) ازقدیمترین نمونه های‌داستان پردازی درادبیات فارسی. این کتاب بسیار مفصل ودارای سه‌جلداست. مؤلف‌آن فرامرزبن خدا داد بن‌عبدالله‌الکاتب الارجانی است که درکتاب راوی قصه را به نام «صدقة بن‌ابی‌القاسم شیرازی» معرفی کرده است . زمان تألیف اصل قصه وجمع وتدوین روایت معلوم نیست ولی اشعاری از شاعران قرون پنجم وششم درآن نقل‌شده‌است‌وهمچنین‌از نامهای‌خاص‌ترکی که‌در متن کتاب آمده است می‌توان حدس زدکه تاریخ‌تدوین بیش ازاواخر دورهٔ سلجوقی نیست .

انشاء کتاب به زبان ساده است و برای سخنوری پرداخته شده. داستان‌سمک بسیارمشغول کننده است وپیداست که قرنها مایهٔ‌سرگرمی ونشاط مردم بوده است .

جزء اول کتاب با تصحیح ومقدمهٔ دکتر پرویز خانلری از روی عکس‌نسخهٔ‌یگانه آن که‌درکتابخانهٔ‌بودلیان‌اکسفوردضبط‌است‌درتهران چاپ شده است .

سنائی (ت) حکیم‌ابوالمجدمجدودبن‌آدم. وفات‌۵۴۵ـ ازشاعران بزرگ قرن‌ششم. ابتدا به دربار غزنویان راه‌یافت ومسعودبن‌ابراهیم وبهرامشاه‌بن مسعود را مدح کرد وپس ازسفرخراسان وملاقات بامشایخ صوفیه ازدربار شاهان چشم پوشید وعزلت اختیارکرد و سفری به مکه کرد وبه سیاحت‌اغلب شهرها وبه معاشرت بارؤسای‌صوفیه‌پرداخت‌وبه حلقهٔ‌ایشان درآمد. بعد از سفرمکه چندی‌دربلخ وسرخس ومروونیشابور زیست ودرحدود سال ۵۱۸ به غزنین برگشت وتا پایان حیات درآنجا ماند. ازآثاراودیوان‌شعراست که‌شامل‌قصاید وغزلیات‌ومقطعات‌می‌باشد. دیگر«حدیقة‌الحقیقة»، «سیرالعبادالی‌المعاد»، «طریق‌التحقیق»، «کارنامهٔ

بلخ »ومثنویهائی به‌نام عشقنامه ، عقل‌نامه .

از ممدوحان سنائی ثقةالملک طاهربن علی وزیرسلطان مسعودبن ابراهیم وخواجه قوام‌الدین ابوالقاسم وزیر سنجر وعده‌ای ازرجال دیگر دربار غزنویان درخورذ کرند .

اشعار دورهٔ اول شاعری سنائی تحت‌تأثیر سبک فرخی ومسعود سعداست ودردورهٔ دوم که‌سنائی‌درعالم عرفان وارد شد مضامین‌مستقل واشعار عارفانه دارد. سنائی‌را می‌توان نخستین غزلسرای عارف‌ایران دانست که افکارواصطلاحات عرفانی رابامضامین‌عاشقانه آمیخته‌است. (دیوان سنائی- چاپ تهران)

سناد (ق) ازعیوب قافیه.اختلاف ردف است . مثال :

کنی‌ناخوش به مابرزندگانی اگر از مادمی دوری گزینی

سنبله (نج) ازصورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه شکل خوشهٔ گندم . برج سنبله برابرماه شهریور است .

دست من جوز او کلکم‌حوت وسعنی‌سنبله

سنبله زاید ز حوت از جنبش جوزای من

«خاقانی»

سندبادنامه (ك) از قصص قدیمهٔ هند که به زبان پهلوی نقل شده ومسعودی وابن‌الندیم آن‌را ازاسمار واحادیث هندوان دانسته‌اند. این کتاب از جملهٔ کتابهای پهلوی بوده که به‌عربی ترجمه شده‌است.

ترجمهٔ فارسی‌این کتاب به امرامیر نوح‌بن منصور سامانی(۳۶۶ —۳۸۷) به دست خواجه عمید ابوالفوارس‌فناروزی انجام شده است و دوتهذیب ازسندبادنامه به‌پارسی صورت گرفته‌است.یکی‌ازشمس‌الدین محمدبن علی‌بن محمدالدقایقی‌المروزی شاعر اواخر قرن ششم ودیگری

از ظهیری سمرقندی .

انشاء خواجه عمید ابوالفوارس انشائی ساده بوده است ولی ظهیری آن را به نثری مزین باشواهد واشعار پارسی وتازی آراسته است وسندبادنامهٔ او از نمونه های نثر مصنوع قرن ششم به شمار می آید (چاپ استانبول) ۰

سنی ملوك الارض والانبیاء (تاریخ . . .) (ك) تاریخ معروفی تألیف ابوعبدالله حمزة بن الحسن الاصفهانی که درسال ۳۵۰ به زبان عربی تألیف یافته وشامل ده باب ویک مقدمه است . مؤلف درمقدمه ازتقسیم زمین به هفت کشور وحدود هریک از آنها سخن می گوید . ابواب تاریخ هریک مخصوص یکی ازاقوام قدیم یعنی فارس ، روم ، یونان ، قبط ، اسرائیلین ، آل عجم ملوك عراق عرب ، غسان ، حمیر ، کنده ، قریش می باشد . تاریخ هریک ازاقوام باروایتهای مختلف درفصلهای جداگانه شرح داده شده است . مؤلف درتاریخ وارد جزئیات وقایع نمی‌شود ، ولی در درستی وقایع وسنوات تاریخ بسیار دقت می کند . سبک نوشتهٔ حمزه بسیار ساده وبی شاخ وبرك می باشد ومطالب مختصر است .

این کتاب از حیث اشتمال براطلاعات دربارهٔ ایران اهمیت بسیار دارد ومورد استفادهٔ مورخان بعد از عصر مؤلف قرار گرفته است .

سؤآل و جواب (ب) آن است که شاعر کلامی مشتمل برپرسش وپاسخ بیاورد .

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید

گفتم که ماه من شو ، گفتا اگر برآید

«حافظ»

سودابه (ش-د) اززنان داستانی شاهنامه ودخترشاه هاماوران که کاووس عاشق او گشت و با او به زندان افتاد ، رستم کاووس را

رهائی داد واوباسودابه به ایران آمد، اماسودابه بعدها عاشق سیاوش پسر کاووس شد وچون نجابت وخود داری سیاوش را دید ، پیشدستی کرد واورا نزد کاووس متهم ساخت .

سوزنی (ت) شمس الدین تاج الشعرا محمدبن علی سوزنی . وفات ۵۶۲ — ازشاعران معروف قرن ششم .مولدش سمرقنداست وتحصیلات خود را دربخارا انجام داده و شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است . سوزنی ازشاعران هجا پرداز می باشد که درهجومعانی خاص ومضمونهای تازه بکار برده وبابعضی ازشاعران زمان خود مانند عمعق وسعزی وادیب صابر و رشیدی سمرقندی مهاجات داشته است . سوزنی قصاید فصیح وروان دارد و می گویند در پایان عمر از هزل و هجا دست برداشته واستغفار کرده است . (دیوان سوزنی - چاپ تهران)

سومنات (ت) بتکده‌ای معروف درهند که سلطان محمود غزنوی آن را فتح کرد وبتهایش را شکست .

سها (نج) ستارهٔ کوچکی دردب اصغر ، این ستاره به کم نوری مثل است و گاهی تیز چشمی کسان را بدان می‌آزمایند :

سها در جلوه گاه خود نمائی است

به مهرش دعوی صاحب ضیائی است

«میرزانصیر»

سهراب (ش - د) از پهلوانان شاهنامه وپسر رستم . داستان پهلوانیهای او درجنگ باپدر معروف است . پدر وپسرناشناس برابرهم درآمدند . هیچیک دیگری را نشناخت ، پدر پیر باپسرجوان زورآزمائیها کرد . یک بار رستم پشتش بر زمین آمد ، اما با نیرنگ از چنگ سهراب رهاشد . و باردوم رستم پسر را برزمین زد وباخنجر جگر گاه اورا شکافت

و چون بازوبندش را دید واورا شناخت، کس نزد کاووس به جستجوی نوشدارو فرستاد . کاووس از دادن نوشدارو خود داری کرد و سهراب جان سپرد . مثل « نوشدارو پس ازمرگ سهراب » اشاره به‌این قسمت از سر گذشت اوست.

سهروردی (ت) شیخ شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی بن حبش بن امیرك السهروردی . مقتول ۵۸۷ — معروف‌به شیخ اشراق ازبزرگترین فیلسوفان ایران است. در شهر سهرورد متولد شد ونزد شیخ مجدالدین الجبلی استاد فخررازی حکمت‌وفقه‌آموخت ودرفنون فلسفه استاد گشت چون دربعضی موارد نظر سهروردی با عقاید قدما اختلاف داشت و اصطلاحات دینی زردشت را بکار می‌برد ، او را به الحاد متهم کردند و همین امر باعث شد که علمای حلب صلاح‌الدین ایوبی ، فرمانروای مصر وشام را به قتل او وادارسازند .

شهاب‌الدین‌سهروردی فیلسوفی عارف است که حکمت اشراق درآثارش به کمال رسیده است . مجموع ۴۹ کتاب و رساله به شیخ اشراق نسبت می‌دهند که‌معروفترازهمه کتاب «حکمةالاشراق»و«رساله فی‌اعتقاد الحکما»و«قصةالغربةالغربیه»است(این‌سه کتاب به همت هانری کربن مستشرق فرانسوی با مقدمه به‌زبان فرانسه درسال ۱۳۳۱ چاپ شده است) دیگرکتاب تلویحات ، کتاب‌المشارع والمطاوحات ، رسالهٔ عقل‌سرخ (چاپ‌انجمن دوستداران کتاب) رسالةالعشق به‌نام‌مونس العشاق، باشرح‌فارسی وهمچنین لغت‌موران ، صفیرسیمرغ ، ترجمهٔ رسالةالطیرابن سینا، رسالة فی‌حالةالطفولیه (به همت‌دکتربیانی درتهران چاپ‌شده‌است) رسالهٔ آواز پرجبرئیل‌است .

سهل بن هارون دشت میشانی (ت) ازنویسندگان ایرانی قرن‌سوم

واز شعو بی‌مذهبان متعصب. تصانیف متعدددارد ازجمله کتاب دیوان الرسائل و کتاب تدبیرالملک والسیاسة و چند داستان ادبی .

سهیل (نج) ازستارگان قدر اول

ازاوج حق یقین توتابنده چون سهیل
بردیو شرک تیرتو بارنده چون شهاب

«ابوالفرج رونی»

سیاست نامه (ک) ازمهمترین آثارادبی زبان فارسی دردورۀسلجوقی تألیف ابوعلی حسن بن علی بن اسحق طوسی ملقب به نظام الملک که آن را به دستورملکشاه سلجوقی تألیف کرده است .

موضوع کتاب سیاستنامه تدبیر ملک‌داری است ، دربارۀ عدل و سیرت نیکو واستقصاءازحال‌وزیران ودبیران وقضاة وبرگزیدن‌جاسوسان وشورت باداناپان‌وروش‌لشکرداری‌وحقگزاری‌وغیره. مؤلف درابتدای هرفصل مطالبی مبنی برنصیحت واندرز و راهنمائی شاهان می‌آورد و حکایتهائی به عنوان شاهد ذکر می کند که اغلب جنبۀ تاریخی دارد واگرچه منظور نویسنده جمع‌آوری اطلاعات تاریخی نیست، لیکن‌آنچه در بارۀ تشکیلات سیاسی و کشوری ایران قبل از مغول ذکرمی کند ، بسیارسودمند است . نظام‌الملک چون مرد سیاسی ودرباری بوده واز رموز مملکتداری مطلع بوده است ، بهتراز دیگران توانسته نکته‌های لازم را تذکر دهد وچنانکه خود او می گوید درکتابش هم پنداست وهم مثل وهم‌تفسیر قرآن وهم اخبار رسول وقصص انبیاء و هم سیرت وحکایات شاهان .

نثرسیاستنامه بسیارروان وساده‌است وعبارتهایش ازلغات‌نامأنوس خالی می‌باشد .

سیاقةالاعداد (ب) آن است که گوینده اسمهای متعدد را درپی یکدیگر در شعر قرار دهد.

اسب و گهر وتیغ بدو گیرد قیمت
تخت و سپه و تاج بدو یابد مقدار

*

سال وفال ومال وحال واصل ونسل وتخت وبخت
بادت اندر هر دوگیتی بر قرار و بردوام

سیاوش (ش-د) از پهلوانان شاهنامه. پسر کاووس. سیاوش نزد رستم بزرگ شد وهنر آموخت وچون به‌درگاه پدر بازگشت سودابه زن کاووس عاشق اوشد. سیاوش به علت نجابت طبع از این عشق سرباز زد. ازاین روسودابه به‌او کینه‌ورشد و شوهررا براو بدبین ساخت. سیاوش پس از رنجهائی که ازاین عشق ناپاك کشید، به دستورپدربه جنگ باتورانیان رفت، اما باافراسیاب صلح کرد. وکاووس پس ازشنیدن این خبر براو خشمگین شد وپسررا سرزنش کرد. سیاوش از بیم پدر درسرزمین توران ماند ونزد افراسیاب تقرب یافت وفرنگیس دختر اورا به زنی گرفت. گرسیوز برادر افراسیاب که برسیاوش حسدمی‌بردافراسیاب را براو بدبین ساخت تا سرانجام به فرمان افراسیاب، سیاوش را کشتند.

سیدحسن غزنوی (ت) رجوع شود به حسن غزنوی

سیرةجلال‌الدین‌منکبرنی یا تاریخ جلالی (ك) تاریخی به زبان عربی تألیف محمد بن احمدبن علی بن المنشی النسوی دبیر سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه که آن‌را درسال ۶۳۹ تألیف کرده است. موضوع کتاب تاریخ کاملی از اوضاع ایران درزمان آخرین سلطان خوارزمشاهی جلال‌الدین منکبرنی و هجوم تاتار است. مؤلف پیش ازشروع به ذکر

حوادث مغول از کشور چین و حدود و ثغور آن وقبیلهٔ چنگیز واقامتگاه مغول سخن می گوید و به ذکر حال سلطان محمد خوارزمشاه واتابکان وسعد بن زنگی و کسانی که بادربار خوارزمشاه ارتباط داشته‌اند می‌پردازد ودراین قسمت به اختصار می کوشد ولی سلطنت سلطان جلال‌الدین را بطور مشروح بیان می کند ودرضمن از مأموریتهای خود و مصاحبتهای خود باسلطان و جدائی از او سخن می گوید و احوال سلطان را در هنگام حملهٔ تاتار و سختی کار او پس از هزیمت شرح می‌دهد . مؤلف سوء تدبیر امیران وتأثیرش رادرایجاداین وقایع یادآوری‌می کند . نثر کتاب به صنایع لفظی آراسته است ومؤلف در میان کلام اغلب از آیات قرآن شواهدی ذکرمی کند ونکته های حکیمانه‌ای تذکر می‌دهد .

کتاب سیرهٔ جلال‌الدین تاریخ ذیقیمتی است که مؤلف همهٔ وقایعی راکه خود به چشم دیده وحتی درآنها دخالت داشته ، نقل‌می کند . این کتاب بوسیله محمد علی ناصح به‌فارسی ترجمه شده است .

(چاپ تهران ۱۳۲٤)

سیر العباد الی المعاد (ك) منظومه‌ای ازآثار حکیم سنائی غزنوی شاعر بزرك قرن‌ششم که آن رادرسرخس به‌نام سیف‌الدین محمدبن‌منصور قاضی سرخسی ساخته است . شاعر دراین منظومه از خلقت انسان وعقل ونفس ومباحث اخلاقی سخن گفته است

(چاپ تهران)

سیر الملوك (ك) رجوع شود به «خداینامه»

سیف اسفرنگی (ت) مولانا سیف‌الدین الاعرج . وفات اواخر قرن ششم—ازشاعران قرن ششم ومعاصر خوارزمشاهیان ، اصلش ازاسفرنگ ماوراءالنهر بوده و در عهد ایل ارسلان خوارزمشاه از بخارا به خوارزم

رفته وبه خدمت اورسیده است. وی معاصر مجیر بیلقانی وضیاء الدین خجندی بوده وبا ایشان مشاعره ومعارضه داشته است.

ازممدوحان او سلطان سنجر سلجوقی، وخسرو ملک غزنوی وتاج الدین محمود خان بن محمد ارسلان خوارزمشاهی می باشند.

سیفی (ت) علی بن احمد سیفی نیشابوری از شاعران نیمهٔ آخر قرن ششم، مداح سلطان تکش (۵۶۸ — ۵۹۸) قصیده‌ای نیز درمدح شاه محمود پسر ارسلان خان از شاهان آل افراسیاب دارد. شمس قیس ابیاتی ازاو که درهرمصراع سنگ وسیم را التزام کرده درالمعجم آورده است قصاید وغزلیات مصنوع داردوچند غزل از اودرلباب الالباب آمده است.

سیمرغ (ش — د) پرنده‌ای افسانه‌ای که بنابرداستان شاهنامه زال پسرسام را ازکوه البرز بر گرفت وبا جوجه های خود پرورش داد. پس ازچندی سام براثر خوابی که دیده بود به دنبال پسرآمد. سیمرغ زال را به سام سپرد وپری از خود به او داد تا درهنگام لزوم به‌آتش افکند واو را به کمک بخواهد. سیمرغ به این ترتیب درجنگ رستم واسفندیار به خواهش زال به یاری رستم شتافت وبه تدبیر او اسفندیار به‌دست رستم کشته شد.

درمنظومهٔ «منطق الطیر» عطارسیمرغ به‌عنوان شاه مرغان وتمثیلی از وحدت وجودآمده که مقر او درکوه قاف است ومرغانی که به طلب او می‌روند، پس از رسیدن به مقصود درمی‌یابند که آن مرغ افسانه‌ای وجودی جز خود آنان نیست زیرا که از همهٔ مرغانی که به این سفر رفته بودند، تنهاسی‌مرغ به‌مقصد رسیدند وغرض ازسیمرغ همان‌سی‌مرغ بوده است.

سینا (تن) نام ناحیه‌ای که کوه طوریعنی کوهی که موسی برای

مناجات برسرآن می‌رفت ، درآن واقع است .

آشنای طور سینا موسی عمران بود
تا که‌ازسعجزعصادردست‌او گرددچوسار

«امیرمعزی»

ش

شاپور (ش ـ ت) شاپور اول پسر اردشیر بابکان از دختر اردوان که تا هفت سالگی پدر از وجودش بیخبر بودوآخر وزیری که مادرش را پنهان کرده بود ، اورا نزد پدرآورد . شاپور روزی به شکار رفت ، در باغی دختری دید که برسر چاهی دلو سنگینی را که دیگران از بیرون کشیدنش عاجز بودند، به آسانی بیرون کشید . چون از نژادش پرسید دختر خود را زادهٔ مهرك نوش‌زاد ، از دشمنان اردشیر معرفی کرد که همهٔ خاندانش به دست اردشیر کشته شده بودند . شاپور دختر را به زنی گرفت واز او پسری به نام هرمز یافت . شاپور سی سال شاهی کرد ودر زمان او میان ایران و روم جنگی درگرفت که به شکست رومیان انجامید .

شاکر بخاری (ت) شاکر بخاری از شاعران قرن چهارم که در ماوراء النهر می‌زیسته است . از این شاعر اشعار بسیاری نمانده است ولی خسروانی شاعر قرن چهارم نام اورا درشعرآورده است و بعضی از اشعار او در کتابهای لغت بعنوان شاهد ذکر شده است .

شاه‌ابورجا (ت) حکیم شهاب الدین شاه علی ابورجاء غزنوی . وفات درحدود ۵۹۸-از شاعران قرن ششم .اورا معاصر بهرامشاه غزنوی دانسته‌اند ومدح بهرامشاه درقصایدی که‌ازاو باقی مانده‌دیده‌می‌شود . از احوال او اطلاع صحیحی دردست نیست واشعاری از او درتذکره‌ها

باقی است .

شاهنامه (ك) نام شاهنامه بر کتابهای منثور یا منظومی اطلاق می‌شود که درشرح تاریخ وداستانهای ملی ایران نوشته‌شده‌باشد . شاهنامه نویسی درقرون اولیهٔ اسلام مورد توجه عده‌ای ازدانشمندان وامیران وسرداران ایرانی خاصه رجال‌قسمت شرق ایران قرارگرفت وکتابهائی به تقلید خداینامه وسیرالملوك ابن‌مقفع ومحمدبن جهم برمکی وزادویه پسر شاهویه نگاشته شد . نام شاهنامه هم درست ترجمه « خوتای نامک» پهلوی است. اصل خدای نامه وترجمهٔ آن یعنی سیرالملوك در دست نیست .

از شاهنامه های‌منثور فارسی شاهنامه‌ای است که ابوالمؤیدبلخی شاعرونویسندهٔایرانی درآغازقرن‌چهارم نوشته‌است‌واصل آن دردست‌نیست . امادرکتابهای‌تاریخی‌قرون‌بعد،ازآن کتاب‌وداستانهایش یادشده‌است .

دیگر شاهنامهٔ ابوعلی بلخی است که آن نیز منثور بوده است . چنانکه ازگفتهٔ ابوریحان درکتاب «آثارالباقیه» مستفاد می‌شودشاهنامهٔ ابوعلی کتابی معتبر ومستند به اسناد مهم بوده و بیشتر مبتنی برروایات مکتوب بوده است .

دیگر شاهنامهٔ ابومنصور محمدبن عبدالرزاق است . ابومنصور محمدبن عبدالرزاق سپهسالار خراسان بود که نسب خود را به‌شاهان قدیم ایران‌می‌رساندوبراثر تعصب‌نژادی وعلاقهٔ بسیاربه ایران به‌تألیف شاهنامه قیام کرد و وزیر خود ابومنصور المعمری را مأمور کرد تا دانشمندان و صاحبان کتب را از اطراف خواند ودرطوس گردآورد وبه تدوین شاهنامه برگماشت .

این شاهنامه ازشاهی کیومرث تا یزدگرد شهریارآخرین شاه

ساسانی است وتاریخ تألیف آن ۳٤٦ هجری می‌باشد . مآخذ ومدارک این شاهنامه کتابهاودفترهای قدیم‌وبعضی روایتهای‌شفاهی بوده است. این کتاب مأخذاصلی واساسی فردوسی درنظم شاهنامه قرارگرفته‌است.

دیگر شاهنامهٔ منظوم مسعودی مروزی است . مسعودی مروزی نخستین شاعری است‌که روایتهای حماسی ایران را به نظم آورد . این شاهنامه در حدود سیصد هجری سروده شده و جز چند بیت از آن دردست نیست .

دیگرشاهنامهٔ دقیقی یا گشتاسب‌نامه است.ظاهرا دقیقی‌شاهنامه را به امرنوح‌بن منصور (۳٦۵-۳۸۷) به‌رشتهٔ‌نظم کشید. این شاهنامه مربوط به ظهور زرتشت وداستان جنگ گشتاسب وارجاسب است .

دقیقی با انتخاب بحر متقارب برای‌حماسه ونشان دادن راه نظم روایات ملی توانست پیشقدم‌فردوسی درنظم شاهنامه بشود.

شاهنامهٔ فردوسی بزرگترین منظومهٔ‌حماسی و تاریخی ایران‌بلکه جهان است . فردوسی درجوانی علاقهٔ فراوانی به‌نظم داستانهای کهن داشت وپس از آنکه گشتاسب‌نامهٔ دقیقی را دید بسیار مایل گشت که کار اورا دنبال کند . یکی از دوستان او را یاری کرد و نسخه‌ای از شاهنامهٔ منثورابومنصوری به دستش داد واوباشوق عظیم کار را شروع کرد . تاریخ شروع شاهنامهٔ فردوسی درحدود سالهای ۳۷۰ و ۳۷۱ وتاریخ اتمامش درحدود ٤۰۰ هجری است وفردوسی خود به سی‌سال رنجی‌که درنظم شاهنامه تحمل کرده اشاره می کند . فردوسی پس از اتمام شاهنامه چندین بار درآن تجدیدنظر کرده بعضی ابیات را تصحیح کرده یاچیزی برآن افزوده است . فردوسی درنقل داستانها امانت‌بسیار به‌کاربرده است وهرگز احساس وتعصب شخصی را دخالت نداده‌وبه

جعل داستانی نپرداخته و به حماسهٔ ملی ایران دست نبرده و در اصل مطالب تصرفی نکرده است ، اما در بیان مطالب و توصیف مناظر و وصف میدانهای جنگ و بیان احساسات و عواطف انسانی بسیار زبردستی نشان داده است .

مهمترین مأخذ فردوسی در نظم این کتاب شاهنامهٔ ابومنصوری است ولی دربعضی از داستانهای منفرداز شاهنامهٔ ابومنصوری استفاده نکرده‌است. مانند داستان بیژن ومنیژه ، رزم رستم واکوان دیو، داستان رستم وسهراب. فردوسی داستانهای پراکنده‌ای به دست آورده و آنها را بنظم کشیده و درجای جای شاهنامه گنجانده است .

موضوع شاهنامه تاریخ ایران قدیم است از آغاز تمدن نژادایرانی تا انقراض ساسانیان به دست اعراب . شاهنامه رابرسه قسمت می‌توان تقسیم کرد: ۱— دورهٔ افسانه‌ای. ۲— دورهٔ پهلوانی . ۳— دورهٔ تاریخی .

۱- دورهٔ افسانه‌ای . یعنی عهد کیومرث وهوشنگ وطهمورث و جمشید وضحاك تاظهور فریدون . این دوره عهد پی بردن به خوراك وپوشاك ومسکن وپیدایش آتش وآموختن زراعت وپیشه است. دراین دوره بیشتر اساس داستان شاهنامه نزاع آدمیان و دیوهاست . مطالب در نهایت اختصار است. شاهنامه تا اواخر عهد ضحاك بیشتر ارزش افسانه‌ای دارد .

۲- دورهٔ پهلوانی - این دوره از قیام کاوه آغاز می‌شود و به قتل رستم وسلطنت بهمن پسر اسفندیار پایان می‌پذیرد . این قسمت حماسهٔ واقعی ملی ایران است· دراین دوره پهلوانان داستانهای حماسی ظاهر می‌شوند . کاوهٔ آهنگر، گرشاسب ، سام ، نریمان دیده می‌شوند .

جنگهای بین تورانیان و ایرانیان آغاز می‌شود . پهلوانی‌ترین دوره‌های تاریخ ایران در شاهنامه ، عهد کیان تا پایان سلطنت گشتاسب است . رستم بزرگترین پهلوان ایران در این دوره نمایان می‌شود . پهلوانانی مانند گودرز ، بیژن ، فرامرز ، سهراب ، گیو دراین دوره دیده می شوند .

مهمترین داستانهای پهلوانی هم مربوط‌به‌این‌عهد است . از قبیل داستان رستم وسهراب . رستم وافراسیاب، هفتخوان رستم، رزم هاماوران، داستان سیاوش ، کیخسرو، بیژن ومنیژه، جنگ کیخسرووقتل افراسیاب، دل بر کندن کیخسرو ازجهان‌وناپدیدشدن او، داستان‌رستم و اسفندیار وامثال آن . این دوره راباید دورهٔ جنگهای طولانی دانست که شامل اتفاقات‌وحوادث خارق‌العاده است .

دورهٔ سوم دورهٔ تاریخی است یعنی دوره‌ای که اشخاص‌واعمال تاریخی جای افراد خارق العاده و اعمال پهلوانی را می گیرد . دورهٔ تاریخی‌شاهنامه ازعهد داراب شروع می‌شود . تاریخ اشکانیان درشاهنامه بسیار به‌اختصار ذکرشده است . نخستین داستان این دوره از شاهنامه داستان اسکندر است . بعداردشیربابکان، شاپور ذوالاکتاف، بهرام گور ، هفت بزم نوشیروان ، جنگ خاقان و نوشیروان ، داستان خسروشیرین وغیره . اغلب این داستانها جنبهٔ تاریخی دارند واشخاص این داستانها افراد معمولی هستند نه خارق‌العاده .

در این قسمت غیر از جنگها از حوادث دیگر از قبیل ترجمهٔ کتاب و اختراع وسایل بازی ، جشن ، روابط میان دربارهای شاهان وجشنها یاد می‌شود .

شاهنامه درحفظ غرور ملی واحیای مفاخر گذشتهٔ‌ایران اثر بسیار

سهمی داشته است. بعدازشاهنامه عدهٔ بسیاری تحت تأثیرآن قرار گرفتند و به ساختن داستانهای حماسی به همان وزن پرداختند. درقرون‌اخیر شاهنامهٔفردوسی درهمه‌جای دنیا موردتوجه‌قرار گرفت‌وازآن ترجمه های مختلف به عمل آمد .

فردوسی در وصف نهایت قدرت را نشان داده است . چنانکه در توصیف میدانهای‌جنگ‌ولشکرکشی وجنگهای تن به‌تن ووصف‌شجاعت وسردانگی وجنگجوئی ودلاوری پهلوانان ایران با چنان مهارتی سخن می گوید که‌خواننده‌همهٔ آنها را پیش‌چشم‌می‌بیند. شاهان‌وشاهزادگان همه بافرو شکوه و دارای خصائل پهلوانی‌اند . در شاهنامه علاوه برداستانهای پهلوانی به داستانهای عشقی‌زیبایی برمی‌خوریم که‌به‌رقت احساس و لطف بیان و عفت و پاکدامنی آمیخته است . داستان زال و رودابه و منیژه و بیژن وسودابه و سیاوش از بزرگترین‌و زیباترین داستانهای عاشقانهٔ شاهنامه است . در شاهنامه اشارات اخلاقی ونصایح نیز دیده می شود . پندها اغلب در پایان داستانها وهنگام قتل و مرك اشخاص آمده است .

بیان فردوسی بسیارساده وروان ودرعین حال متین واستواراست واگرچه‌درشاهنامه به‌صنایع‌لفظی‌برمی‌خوریم ولی این صنایع ازروانی شعر نمی کاهد . شاهنامه علاوه برزنده نگهداشتن تاریخ ایران‌به‌زبان فارسی نیز خدمت بزرگی کرده و دربارهٔ سبك شعر و زبان آن کتابها می‌توان تألیف کرد .

شبستری (ت) سعدالدین محمودبن عبدالکریم شبستری. وفات ۷۲۰ – ازعارفان بزرك قرن هفتم واوایل قرن هشتم . وی در قریهٔ شبستر نزدیك تبریز متولد گشته وظاهراً همهٔ عمر راباآرامش درهمان

شهر یا نزدیک آن بسربرده وهمانجا وفات یافته است . شهرتش درعهد الجایتو وابوسعید بود وازجملهٔ فاضلان وبزرگان متصوفه بشمار می‌آمد چنانکه ازهرجا برای پرسیدن مسائل فلسفی وعرفانی به حضورش می رسیدند . ازآثار معروف او مثنوی«گلشن راز» است درتصوف. دیگر رسالهٔ «حق الیقین» و رسالهٔ«شاهد»است. رسالهٔ «سعادتنامه» و «مرآة المحققین» در تصوف نیزبه او منسوب است .

رسالهٔ حق الیقین و مرآت المحققین درمجموعهٔ عوارف المعارف در شیراز چاپ شده است .

شبدیز (ش ـ د) نام اسبی که شیرین به خسرو پرویز بخشیده بود

اگر شبدیز خسرو را تکی هست

ز تیزی نیز گلگون را رگی هست

«نظامی»

شاه نعمة‌اله‌ولی (ت) رجوع شود به نعمةالله کرمانی

شاهی (ت) امیرآق ملک بن ملک جمال‌الدین وفات ۸۵۷ — از غزلسرایان قرن نهم که درخدمت بایسنقرمیرزا پسر شاهرخ می‌زیست، مولدش سبزوار است و در همانجا وفات یافت . غزلهای لطیف از او باقی است .

شبانکاره (ت) محمدبن علی شبانکاره از مورخان وشاعران قرن هشتم ومعاصر ابوسعید. اثر معروف او کتاب « مجمع الانساب » است درتاریخ عمومی عالم .

شبان‌وادی‌ایمن (تن) کنایه از موسای پیغمبر که برای شعیب شبانی کرد ودختر اورا بزنی گرفت .

شبان وادی‌ایمن گهی رسد به مراد
که چندسال به‌جان خدمت‌شعیب کند

«حافظ»

شب قدر یا لیلة‌القدر یکی از شبهای ماه رمضان که در قرآن به آن اشاره شده است و گویا شب بیست‌وهفتم است.

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است
یارب این تأثیر دولت ازکدامین کوکب است

«حافظ»

شبلی نعمانی (ت) وفات ۱۳۳۲—ازنویسندگان نامی هندوستان که درسال ۱۲۷۰ هجری درهند متولد شده و تحصیلات خود را در تاریخ وفلسفه و ادب انجام داده و از استادان‌عصر خود گشته است. شبلی سفری به‌مکه کرد و چندی در مدینه ماند و به مطالعۀ کتابهای نفیس پرداخت و در بازگشت به هندبه‌استادی زبان فارسی وعربی «کالج علیگره» منصوب شد و مدت شانزده سال به تدریس اشتغال داشت، پس از آن به‌حیدرآباد دعوت شد وبه سمت مستشاری معارف حیدرآباد دکن منصوب گشت و پس از مدتی ریاست انجمن علمی درلکنهو به او واگذارشد و درآنجا خدمتهای ذیقیمتی انجام داد.

شبلی آثار فراوانی به زبان اردو وفارسی وعربی دارد که از همه معروفتر کتاب «شعرالعجم» به زبان اردواست. شبلی علاوه برمقام نویسندگی واحاطۀ برزبان‌فارسی‌وعربی‌شعر نیز می‌سرود و به‌فارسی‌صاحب دیوان می‌باشد.

شب یلدا (نج) شب اول دی که درازترین شبهای سال است.

همه شبهای غم آبستن روز طربست
یوسف روز به چاه شب یلدا بینند

«خاقانی»

شَتْر (زحاف) (ع) در مفاعیلن مجموع قبض و خرم است یعنی حذف میم و یاء که می‌ماند فاعلن وان را اَشتَرخوانند

شرح اشارات (ك) کتابی از خواجه نصیر در تفسیر اشارات ابوعلی سینا در منطق وحکمت که، پیش از خواجه نصیر الدین، امام فخر رازی برآن شرح نوشته و درضمن اعتراضاتی برابوعلی سینا وارد ساخته بود. خواجه نصیرطوسی درشرح اشارات آن اعتراضات رارد کرده است.

شرح مشکلات دیوان انوری (ک) عدهٔ بسیاری از نویسندگان دیوان انوری شاعر معروف قرن ششم هجری شرح نوشته‌اند، از آن جمله است که بوسیله ابوالحسن حسینی فراهانی (مقتول ۱۰۴۰) انجام گرفته‌است. مؤلف معاصر وزیر امام‌قلیخان حاکم‌فارس بوده ودرحدود سال ۱۰۱۵ این کتاب را تألیف کرده است. (انتشارات دانشگاه تهران)

شرف (نج) رجوع شود به قدر

شرف‌الدین حسام (ت) حسام‌الائمه محمدبن ابوبکر نسفی از دانشمندان معروف قرن ششم. درانواع علوم دینی استاد بوده و هرروز آدینه مجلس وعظ داشته که درآن اشعار زیبائی می‌خوانده است. قصیده‌ای دارد باردیف «نشکند» درمدح رکن‌الدین ابوالمظفر قلچ طمغاج‌خان از سلاطین خانیهٔ ماوراءالنهر. این قصیده در زمان حیات شاعر معروف شده است.

شرف‌الدین شفروهٔ (ت) ازشاعران نیمهٔ دوم قرن ششم. اهل

شفروهٔ اصفهان می‌باشد و درخدمت اتابک شیر گیربرادر اتابک ارسلان آبه ازسران دولت سلاجقهٔ عراق بوده و او را مدح کرده است. تذکره‌نویسان اورا ملک‌الشعراء اتابک‌شیر گیردانسته‌اند. هدایت دیوان اورا درهشت هزار بیت دانسته است.

شرف‌الدین فضل‌الله (ت) شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی از ادیبان وشاعران قرن هفتم و اوایل قرن هشتم. وی توسط خواجه غیاث الدین محمد به‌خدمت الجایتو رسید و بیشتر نوشته های خودرا به نام خواجه غیاث‌الدین محمد واتابک نصرة الدین احمدشاه لرستان تألیف کرده‌است.

از آثار معروف او «تاریخ معجم فی آثارالملوك العجم» است درذکر مآثر شاهان قدیم ایران. دیگر «الترسل النصرتیه» درفن انشاء وبیان سخن و شناختن ارباب سخن. شرف الدین فضل‌الله درنثراز پیروان «وصاف» است.

شرف‌الدین علی یزدی (ت) وفات ۸۰۸ —از ادیبان وشاعران اوائل دورهٔ تیموری که شرف تخلص می کرده‌ودرفن معما سرائی زبردست‌بوده است. عمدهٔ شهرت شرف‌الدین درزمان‌شاهرخ (۸۰۷—۸۵۰) می‌باشد وی پیوسته مصاحب آن پادشاه و پسرش میرزا ابراهیم بوده است. هنگامی که شاهزاده ابراهیم سلطان درفارس واصفهان حکومت داشت شرف‌الدین علی را نزد خود خواند و به ندیمی و مشاوری برگزید شرف‌الدین به درخواست‌اوبه‌نوشتن «ظفرنامهٔ تیموری» پرداخت. وقتی که شاهرخ به‌اصفهان تاخت، برشرف الدین بدگمان شد و اورا به سمرقند فرستاد و اوپس از مرگ‌شاهرخ به یزد برگشت ودرقریهٔ تفت ساکن شد.

ازآثار معروف او «ظفرنامهٔ تیموری» است درتاریخ تیمور.

شریف جرجانی (ت) رجوع شود به جرجانی

شست کله (ت) امیرالشعرا شمس الدین احمدبن منوچهر شست کله. ازشاعران معروف قرن ششم وازدرباریان سلطان طغرل بن ارسلان. عنوان شست کله را به خطا به منوچهری دامغانی نیزنسبت داده‌اند و این اشتباه به مناسبت اسم احمد و نام پدر شمس الدین که منوچهر بوده پیش آمده است.

ششتری (ت) سید نورالله بن شریف المرعشی شوشتری. مقتول ۱۰۱۹- از سادات مرعشی و اهل شوشتر که مقیم هندوستان گشته و سالها ازطرف اکبرشاه سمت قضاوت لاهوروپنجاب را داشته است. کتابهایش بیشتر دربارهٔ امور دینی است و معروفترین آنها به فارسی «مجالس المؤمنین» است. قاضی نورالله درزمان جهانگیرشاه به جرم ثبات عقیده در مذهب شیعه به قتل رسید.

شطرنجی (ت) دهقان علی شطرنجی از شاعران بزرگ نیمهٔ دوم قرن ششم درماوراءالنهر. نظامی عروضی او را از شاعران آل خاقان شمرده است. اشعارش بیشتر قطعاتی است درپندواندرز.

شعر (ب) سخن موزون ومقفی را می گویند.

شعرای شامی (نج) ازکواکب ثابت که بردهان کلب اصغر یاکلب مقدم است. شعرای شامی وشعرای یمانی را شعریان گویند:

چوپاسی ازشب دیرنده بگذشت

برآمد شعریان ازکوه موصل

«منوچهری»

شعرای یمانی (نج) ازکواکب ثابت که بردهان کلب اکبر یا

کلب الجبار است .

شعرالعجم(ك) کتابی تألیف علامه شبلی نعمانی نویسندهٔ سبرز قرن اخیرهندوستان که آن‌را به زبان اردو درحدود سال ۱۳۲۰ هجری تألیف کرده است . موضوع کتاب شعر وشاعری درایران است ومؤلف آن‌را به سه دوره تقسیم کرده‌است. دورهٔ‌قدما که ازحنظله شروع می‌شود وبه نظامی ختم می گردد. دورهٔ متوسطین که ازکمال‌شروع می‌شود وبه جامی ختم می گردد . دورهٔ متأخرین که از بابافغانی شروع می‌شود وبه ابوطالب کلیم ختم می‌شود . نویسنده دربخش چهارم و پنجم به نقد شعر وتقریظ وانتقاد به‌شعر وشاعران می‌پردازد .

این کتاب بوسیله سیدمحمد تقی فخرداعی گیلانی در ۵جلد به فارسی ترجمه وچاپ شده است .

شعیب (تن)از پیغمبران، که چون رسالت خود را برمردم‌آشکار کرد عدهٔ بسیاری براو ایمان نیاوردند. خدای‌تعالی برایشان عذاب فرستاد و گرما را برایشان مسلط کرد . کافران به صحرا رفتند وبه زیر سایهٔ ابری پناه بردند ، اما از ابرآتش‌بارید و همه راسوخت‌جزمؤمنان‌را. شعیب موسی‌را، که‌ازمصر گریخته بود، پناه داد ودربرابر دوسال‌شبانی او بجای کابین ، دختر خود را به او داد .

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد
که‌چندسال به‌جان خدمت‌شعیب کند

«حافظ»

شغاد (ش-د)پسرزال که از کنیزکی خواننده به وجودآمده‌وبه بدخوئی وستیزه‌جوئی معروف بوده است. زال اورا به درگاه شاه کابل فرستاد تا همانجا پرورش یابد. چون شاه کابل رشادت اورا دید،دختر

خودرا به او داد وخواست تا از باژ دادن به رستم سرباز زند ، به‌این سبب باهمدستی شغاد ، چاهی در نخجیرگاه رستم کند و با نیرنگ رستم ورخش وهمراهان او را درچاه افکند وبه‌این طریق رستم پهلوان ایرانی کشته شد .

شفاء (ك) یکی ازمهمترین آثاردانشمندبزرگ ابوعلی‌سینا به زبان عربی‌شامل چهارقسمت: منطق، طبیعیات، ریاضیات، الهیات . هریک ازاین قسمتها به مقالات وفصول تقسیم می‌شود .

منطق شامل نه فن وطبیعیات شامل هشت فن وریاضیات شامل چهار فن والهیات شامل ده مقاله است .

شفائی (ت) حکیم شرف‌الدین حسن .وفات ۱۰۳۷ ــ طبیب وندیم شاه عباس اول که علاوه برطبابت‌ذوق شعر داشته ودرهزل استاد بوده است وغزلیات ورباعیات ازاو باقی‌است ومثنوئی دارد به نام «نمکدان حقیقت» که آن را به تقلید «حدیقةالحقیقه» سنائی ساخته است. صائب دراشعار خود نام شفائی را با ادب واحترام ذکرمی کند .

شکل (زحاف) (ع) درفاعلاتن مجموع خبن و کف است ؛ یعنی حذف الف‌ونون .می‌ماندفعلات؛ وآن را مشکول گویند . درمس تفع‌لن حذف نون وسین است که می‌ماند متفعل بجای آن مفاعل می گذارند؛ وآن را مشکول خوانند .

شمس خاله (ت)عمدةالملک‌شمس‌الدین محمدبن‌مؤیدالحدادی البغدادی· ازشاعران نیمهٔ‌دوم قرن ششم ومداح سلاطین آل‌افراسیاب. اورا شاگرد سوزنی دانسته‌اند وضیاءخجندی سخنان فصیح وخط‌زیبای اورا ستوده است .

شمس طبسی (ت) امام شمس‌الدین محمدبن عبدالکریم طبسی

وفات درحدود ۶۲۰ —از شاعران ایران دراواخر قرن ششم واوائل قرن هفتم. وی مداح نظام‌الملک تاج‌الدین محمدبن محمدوزیر سمرقند است وجزاو امیران و بزرگان دیگرماوراءالنهر را نیزمدح کرده‌است. شمس طبسی معاصر خاقانی بوده و درقصیده از او پیروی کرده است. دیوان شمس طبسی درحدود دو هزار بیت دارد و شامل قصاید، غزلیات رباعیات، مقطعات‌است. شمس به آوردن ترکیبات خاص ومضمونهای دقیق توجه داشته است ولی چون درجوانی درگذشته اشعار فراوانی ازخود باقی نگذاشته است.

شمس‌فخری (ت) شمس‌الدین محمدبن سعید فخر اصفهانی از نویسندگان قرن هشتم ومعاصر شیخ ابواسحق اینجو. شمس فخری درسال ۷۴۰ کتابی در لغت فارسی به نام «معیارجمالی» نوشته که به شیخ ابواسحق‌اینجو تقدیم کرده‌است. این کتاب دارای چهارجزءاست: درعروض، قافیه، بدایع‌الصنایع، لغات زبان‌فارسی.

شمس قیس رازی (ت) شمس‌الدین محمدبن‌قیس‌الرازی. وفات اواسط قرن هفتم—ازدانشمندان‌قرن هفتم هجری. وی‌اهل ری‌بودولی‌مدتی دراز درماوراءالنهر وخراسان وخوارزم اقامت کرد وبعد درفتنهٔ مغول وآشوب وانقلاب ایران مدت هفت هشت سال درشهرهای مختلف‌عراق بسربرد ویکی دوبار اسیر شحنگان مغول شد و درالتزام رکاب سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه شهربه شهر می‌گشت تا در سال ۶۲۳ از عراق به فارس مهاجرت کرد وبه خدمت اتابک سعدبن زنگی‌رسید. اتابک وی را با اکرام پذیرفت وپس ازمدتی ازجملهٔ ندیمان خاص خود گردانید وپس ازاواتابک ابوبکربن‌سعدزنگی همان مقام‌را دردربار خود به‌او داد. ازآثار شمس‌قیس کتاب«المعجم‌فی‌معائیرالاشعارالعجم»

و«المعرب فی معائیر الاشعارالعرب» و کتاب « الکافی فی العروضتین والقوافی» که گویا اصل دو کتاب فوق می‌باشد . «المعجم» به تصحیح مرحوم محمد قزوینی وسپس به تجدید تصحیح و تحشیهٔ مدرس رضوان چندبار چاپ شده است. امااز دو کتاب دیگرنشانی نیست.

شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی (ت) وفات ۴۰۳-

از امیران خاندان زیاری واز ادیبان معروف که درنظم ونثر تازی دست داشته‌است. شمس المعالی درعصرعضدالدوله حکومت گرگان راداشت ولی با فخرالدوله که از ملک پدر بی بهره شده ، برضد عضدالدوله برخاست درسال ۳۷۰ از او شکست خورد و به خراسان پناه برد وتا سال ۳۸۸ یعنی هیجده‌سال درنیشابور درپناه غزنویان‌ماند ودرسال ۳۸۸ به گرگان بازگشت . سرانجام درسال ۴۰۳ بوسیلهٔ مخالفان که باپسرش منوچهر همدست شدند محبوس و کشته شد .

از آثار معروف او « کمال البلاغه» است که شامل مجموعه‌ای ازرسائل اوسی باشدوقطعاتی ازاشعارفارسی وعربی نیزازاوباقی مانده است . گنبدقابوس که قبر شمس المعالی‌است وبوسیلهٔ خود اوساخته شده‌است از مهمترین ساختمانهای ایران درقرن چهارم هجری محسوب می‌شود .

شواهدالنبوة (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۸۵ به خواهش امیر علیشیرنوائی تألیف کرده است. این کتاب مشتمل بریک مقدمه وهفت رکن ویک خاتمه است . دربیان شواهد ودلایل قبل از ولادت پیغمبر ، وقایع بعد از تولد تا بعثت ،وقایع از بعثت تا هجرت ، وقایع از هجرت تا وفات ، تفصیل وقایع بعد از وفات . دربیان شواهد ودلایلی که بواسطهٔ اصحاب وائمه به‌ظهورپیوست، شواهدی که درزمان تابعین یااتباع ایشان به ظهور رسیده است.

انشاء کتاب ساده وخالی از تکلف وعبارت پردازی است .

شهاب (نج) سنگها و اجرام فلکی که به سطح زمین می‌افتند وبراثر تماس باجو مشتعل می‌شوند وشبها درآسمان مانند تیرشعله وربه چشم می‌آیند . قدما می‌پنداشتند که شهاب تازیانهٔ آتشینی است که فرشتگان شیطان ودیوهارا باآن ازآسمان می‌رانند .

دیو از شهاب گشته گریزان برآن مثال

چون خصم منهزم ز سنان خدایگان

«انوری»

شهاب ترشیزی (ت) عبدالله . وفات ۱۲۱۵ — ازشاعران قرن دوازدهم ومعاصر فتحعلی شاه قاجار که باآذر وصباحی دوستی داشته است . شهاب مدتها ملازمت دربار فتحعلی‌شاه را داشته وپس ازآن گوشه گیری اختیار کرده وبه تصوف پرداخته است . ازآثار او جز دیوان شعر مثنویهائی است به نام خسرو و شیرین ، یوسف وزلیخا ، بهرام‌نامه ، عقد گهر .

شهاب ثاقب (نج) رجوع شود به شهاب

دست تو سپهرنوربخش است کلک تو در او شهاب ثاقب

«جمال‌الدین اصفهانی»

شهاب‌الدین سهروردی (ت) رجوع شود به سهروردی

شهاب مؤید (ت) شهاب الدین احمدبن مؤید نسفی سمرقندی از شاعران اواخر قرن ششم ومداح ابوالمظفر رکن‌الدین قلج طمغاج‌خان مسعود ازشاهان خانیه . ازاحوال او اطلاع کافی دردست نیست . وی معاصر سوزنی شاعر بوده واورا هجو کرده‌است . ابیاتی ازاو درتذکره‌ها نقل شده است .

شهرستانی (ت) امام ابوالفتح تاج‌الدین محمدبن عبدالکریم

شهرستانی . وفات ۵۴۸ — ازفاضلان ومتکلمان معروف ایران که درفقه وعلم الادیان صاحب تحقیق می باشد . اهل شارستان (شهرستان) خراسان نزدیک نسااست . شهرستانی نزد امام ابوالمظفر خوافی ، قاضی طوس، وابونصرقشیری وابوالحسن علی بن احمدمدینی محدث بزرگ، علم آموخت وازمشاهیر عصرخود گشت . مدتی درخوارزم زیست . سپس به بغداد رفت وپس از بازگشت همهٔ عمر را درخراسان گذراند . مدتی درخدمت سلطان سنجر بود وسرانجام درمولد خود شارستان درگذشت .

از آثار معروف شهرستانی کتاب «الملل والنحل» کتاب «المناهج والایات» و«المصارعة» است که در رد برمسائل الهی ابن سینا نوشته شده است . دیگر کتاب «نهایة الاقدام» درعلم کلام است . علاوه براینها شهرستانی دارای مجالسی بوده است که درسفرها ترتیب می داد . ازجمله مجلس وعظی است که درنظامیهٔ بغداد داشت . این مجالس اغلب ضبط شده و یکی ازآنها به زبان فارسی به خط علامه قطب الدین شیرازی موجود است وموضوع آن «خلق» و «امر» است .

شهریارنامه (ك) مثنوی اثرمختاری غزنوی که آن را به خواهش سلطان مسعودبن ابراهیم غزنوی واز روی داستان منثوری ساخته که شهرتی داشته است . داستان مربوط است به شهریار پسر برزو پسرسهراب پسر رستم که مانند پدروجد بیخبر ازنسب خود باخویشاوندانش به جنگ پرداخت وباعم خود فرامرز به نزاع برخاست . مختاری چنانکه خود گفته است سه سال درکارسرودن آن رنج برده است .

شهریارنامه شامل سه قسمت است . قسمت اول دربارهٔ جنگهای فرامرز پسر رستم است بادیوسیاه وباسپاهسالارهند . قسمت دوم دربارهٔ رفتن زال به دربار سلیمان وجنگ بادبوی است به نام «اهریمن» قسمت

سوم پایان داستان است .

این مثنوی در شمار منظومه های متوسط حماسی است که بعد از فردوسی به وجود آمده است .

شهمردان‌بن‌ابی‌الخیر (ت) ازعالمان ومنجمان معروف‌قرن‌پنجم . دو کتاب به فارسی ازاودردست‌است به‌نام «روضةالمنجمین» و«نزهت‌ـ نامهٔ علائی»

شهنشاه‌نامه (ك) حماسه‌ای تاریخی که فتحعلی‌خان صبا ملک الشعرای دربار فتحعلیشاه آن را بروزن وتقلید شاهنامهٔ فردوسی درذکر محامد فتحعلیشاه سروده است .

شهید بلخی (ت) ابوالحسن شهیدبن‌حسین بلخی. وفات‌درحدود ۳۲۵ــ از شاعران دورهٔ سامانی وازحکیمان وفاضلان آن عصر .درزبان فارسی وعربی مهارت داشته ودرفلسفه نیز استاد بوده است و با ابوبکر محمدبن زکریای رازی در مسائل فلسفی مناظراتی داشته‌است.

از ممدوحان شیخ بلخی نصربن احمد سامانی وابوعبدالله‌محمدبن احمد جیهانی‌است. شهید درانواع فنون‌شعردست داشته واورا درردیف رودکی می‌شمارند .

شیبانی (ت) ابوالنصر فتح‌الله‌بن محمد کاظم شیبانی ازشاعران قرن سیزدهم هجری . درجوانی به خدمت محمدشاه قاجار درآمد و او وپسرش ناصرالدین میرزا را مدح گفت . شیبانی‌درنظم ونثردست‌داشته ودرقصیده پیرو سبک شاعران‌قدیم است . ازآثار او مجموعه هائی است بـه نام‌درج درر، گنج گهر ، مسعود نامه ، شرف الملک ، کامرانیه ، زبدة الاثار

شیخ بهائی‌عاملی (ت) شیخ محمدبن حسین عاملی ملقب به

بهاءالدین . وفات ۱۰۳۱ — ازعالمان بنام دورهٔ صفوی و از رجال دربارشاه عباس . پدرش عزالدین حسین درسال ۹۶۶ از دمشق به ایران مهاجرت کردوشیخ بهائی که درآن هنگام سیزده ساله بود به تحصیل فقه وحکمت وریاضیات پرداخت .

شیخ بهائی به فارسی وعربی تألیفات بسیار دارد که مجموع آن به ۸۸ کتاب ورساله می رسد . ازجملهٔ مثنویهای او نان وحلوا، شیروشکر، خلاصة الحساب ، تشریح الافلاك وازهمه معروفتر کتاب «کشکول» است که دارای نوادرحکایات وعلوم واخبار واشعار عربی وفارسی است .

شیخ صنعان(د) ازاشخاص کتاب منطق الطیرشیخ عطار که باهمهٔ زهدوتقوی دل به دخترترسائی بست ودین وایمان خودرادرراه اوبه باد داد خمر خورد وقرآن سوزاند وزنار بست وخوکبانی کرد وسرانجام پس از دعای دوستان، هشیار شد وبه راه آمد وازمعشوق بر گشت، دختربه دنبال او به راه افتاد ودین اورا پذیرفت .

گرمرید راه عشقی فکربدنامی مکن

شیخ صنعان خرقه رهن خانهٔ خمار داشت

«حافظ»

شیخ طوسی (ت) رجوع شود به طوسی

شیراز نامه (ك) کتابی درتاریخ شهر شیراز تألیف شیخ فخرالدین ابوالعباس احمد زرکوب شیرازی که آن را در حدود سال ۷۳۴ به نام حاج قوام الدوله وزیر تألیف کرده است . این کتاب دارای یک مقدمه وچند اصل است درجغرافیای شیراز و تاریخ پادشاهان وامیران فارس ومشایخ وفاضلان وصوفیان شیراز .

مؤلف درضمن تاریخ از کتابهایی که مورد استفاده اش بوده است

نام می‌برد، مانندفارس نامهٔ ابن بلخی، تاریخ حمزهٔ اصفهانی. نثرشیرازنامه خالی از تصنع نیست. درشرح وقایع تاریخی یا ذکر جنگها اغلب ساده وروان است وهنگام مدح یاوصف طبیعت به‌تشبیه واستعاره‌آمیخته می‌شود. مؤلف خاصه به ذکر اشعار علاقه نشان می‌دهد، چنانکه گاهی سنوات وقایع را به شعر ذکر می‌کند.

شیرین (د) ازاشخاص معروف‌داستان‌عشقی‌ایرانی. شیرین دختری ارمنی‌وبرادرزادهٔ‌مهین بانوملکهٔ‌ارمنستان‌است که خسروپرویزشاه ساسانی براو عاشق گشت.

شیرین درداستان نظامی باوجودشیفتگی بسیار برخسرو، هرگز قدم از راه عفاف‌بیرون‌نگذاشت تاسرانجام‌به همسری وی درآمد. شیرین پس ازآنکه خسرو به دست پسرش شیرویه کشته شد، خود را آراست ودرکنار تابوت خسرو باخنجر سینهٔ خود را درید.

شیرین‌وخسرو (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که آن‌را درسال ۶۹۸ به‌نام علاءالدین محمددرتقلید خسرو وشیرین‌نظامی سروده است.

ص

صائب تبریزی (ت) محمدعلی بن میرزا عبدالرحیم صائب تبریزی. وفات ۱۰۸۰ — ازشاعران بزرگ قرن دوازدهم. پدرش از بازرگانان معروف تبریز بود. صائب اگرچه درتبریز متولد شده، اما دراصفهان تربیت یافته است. دراوایل جوانی سفری به‌مکه کرد وبعد به‌هندوستان عزیمت نمود. چندی درکابل اقامت کرد ومورد توجه ظفرخان والی آنجا گشت و به همراهی او به دربارشاه جهان رفت و نزد آن پادشاه تقرب یافت. پس از مدتی بنا به دعوت پدر به‌اصفهان بازگشت وبه دربار شاه‌عباس راه یافت و سمت ملک‌الشعرائی درباراو را یافت‌واورا مدح گفت.

صائب شعر فراوان ساخته ودربدیهه گوئی دست داشته است. از میان انواع شعر درغزل استادی نشان داده‌است. به سعدی‌وحافظ ارادت ورزیده وتحت تأثیر سخنان ایشان‌قرار گرفته‌است. سبک‌صائب را می‌توان سبک هندی شناخت که دارای‌رقت خیال وباریک‌اندیشی است و بعضی ابیات او حکم مثل سائر را دارد. دیوان صائب مکرر به چاپ رسیده است.

صاحب بن عباد (ت) صاحب کافی اسمعیل بن عباد وفات ۳۸۵ — ازرجال ونویسندگان معروف درباردیلمی، اهل طالقان و ازشاگردان ابن‌فارس. صاحب بن عباد درجوانی به‌خدمت‌ابن‌عمید رسید وپس ازفوت

او وبر کناری پسرش به وزارت مؤیدالدوله نائل آمد وتاآخرعمر درآن مقام باقی بود .

صاحب علاوه برمقام سیاسی وملکتداری اهل علم وادب بوده وبه شاعران ونویسندگان توجه خاصی داشته‌است . پیوسته به تشویق آنها می‌پرداخت وجوایز بسیار به ایشان می‌بخشید . خود نیزدرعلوم ادب وکلام استاد بود وکتابخانهٔ بزرگی داشت که ده مجلد فهرست آن بود . ازآثار او کتاب «المحیط» درلغت عربی‌است . مجموعهٔ رسائل او نیز درمصر به چاپ رسیده است .

صالح (تن) پیغمبری که بردو قوم عاد و ثمود مبعوث شد ، آن دوقوم بت پرست بودند و به او نگرویدند و معجزه خواستند که ناقه یعنی شترماده‌ای بابچه‌اش ازسنگ بیرون بیاید . صالح دعاکرد ، سنگ به فرمان خداشکافته شد وناقه‌بابچه ازآن بیرون‌آمد ، ایشان منکرشدند وگفتند سحراست وسرانجام ناقه راکشتند .

صبا (ت) ملک‌الشعرا محمودبن محمدحسین عندلیب کاشانی وفات ۱۳۱۱ــ درکاشان‌متولد شد ولی خانواده‌اش به‌آذربایجان‌منسوب است . پدرش محمدحسین خان متخلص به « عندلیب » وجدش «فتحعلی‌خان‌صبا»ست . محمودخان‌صبا دردربار محمدشاه وپس ازآن دردربار ناصرالدین شاه مشاغل مختلف داشته ولقب ملک‌الشعرائی را ازناصرالدین شاه دریافت کرده است . محمودخان گذشته ازشعر درحکمت و حدیث وتفسیر و علوم‌ادبی وحسن‌خط ونقاشی ومنبت کاری دست داشت و مظهر ذوق و دارای مهارت درصنایع‌ظریفه بود . درقصیده پیرو عنصری وفرخی و امیرمعزی ومنوچهری بوده است وقصایدش بیشتر مدایحی است دربارهٔ ناصرالدین‌شاه ووصف‌جلوس

اووسفرها وجشنها . دیوانش قریب دوهزاروپانصدبیت دارد .

صبا (ت) ملک‌الشعرا فتحعلی‌خان صبای کاشانی . وفات ۱۲۳۸ — ازشاعران قصیده‌سرای زمان فتحعلی‌شاه . درجوانی شاگرد صباحی کاشانی بوده‌است . صبا درخدمت دیوانی درآمد وازطرف شاه حکومت قم و کاشان یافت ، سپس ازطرف فتحعلی‌شاه به لقب ملک‌الشعرائی مفتخرشدوقصایدی درمدح آن‌شاه وشاهزادگان و امیران دربار اوساخت. صباجز قصیده ، مثنوی‌وغزل‌ورباعی هم‌سروده‌است . ازآثاراومثنوی شاهنشاه‌نامه ، خداوند نامه ، عبرت‌نامه . گلشن صباست . دیوانش شامل ده الی پانزده هزار بیت است . صبا از زنده کنندگان سبک قدیم و پیرو قصیده سرایان بزرگ است .

صباحی (ت) حاج‌سلیمان صباحی‌بیدگلی کاشانی . وفات ۱۲۱۸ از شاعران قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم که آقا محمدخان قاجار را مدح گفته است . صباحی در سرودن مرثیه استادی داشته وترکیب بندی به تقلید کلیم ساخته‌است . دیوانش شامل قصاید وترکیب‌بند وغزل ومرثیه است . (دیوان صباحی — چاپ تهران)

صدر (زحاف) (ع) اگر درفاعلاتن الف به معاقبت نون بیفتد، آن را صدرگویند .

صدرالدین شیرازی (ت) صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی معروف به‌ملاصدرا . وفات ۱۰۵۰ — از فیلسوفان وحکیمان عالیمقام ایران درقرن یازدهم . وی درشیرازمتولد شد وپس ازمرگ پدر به اصفهان سفر کرد ونزد میرداماد وشیخ بهائی به‌تحصیل پرداخت ، پس ازآن چندین بار به زیارت مکه رفت . ملاصدرا افکارفلسفی دقیق داشت وتألیفاتش در حکمت مرجع ومأخذاهل علم بوده‌است ، مهمترین آثاراوبه زبان عربی است .

ازآثار ملاصدرا به زبان عربی «اسفار اربعه و شواهدالربوبیه»، شرح اصول کافی، حاشیه برالهیات شفای ابوعلی سینا، شرحی برحکمة الاشراق (سهروردی)، کتاب واردات‌القلبیه وچند تفسیر دربارهٔ بعضی سوره‌های قرآن است. ملاصدرا را می‌توان از افتخارهای عصر صفویه به شمار آورد.

صرصر (تن) باد تند و پرصدا ودر اشعار فارسی اشاره به باد سختی است که قوم عاد را به سبب نافرمانی از هود پیغمبر هلاک کرد

لشکر عادند و کلک من چو صرصر ازصریر
نسل یأجوجند ونطق من چوصور اندرصدا

«خاقانی»

صرفه (نج) منزل دوازدهم ازمنازل قمر. دراین شعر کلمهٔ صرفه به ایهام آمده است.

خصم سگدل زحسد نالد چون جبهت ماه
نور بی صرفه دهد و عوع عوا شنوند

«خاقانی»

صفوة الصفا (ك) کتاب بزرگی در شرح حال شیخ صفی‌الدین اردبیلی ومرشد او شیخ زاهد گیلانی. این کتاب کمی بعد از وفات شیخ صفی‌الدین بوسیلهٔ یکی از درویشان به نام توکل بن اسمعیل معروف به‌ابن البزاز وبه تشویق وراهنمائی شیخ صدرالدین پسر شیخ صفی‌الدین که پس از او به مقام ارشاد رسیده، تألیف یافته است. صفوة الصفا دارای یک مقدمه ودوازده باب است که هر بابی شامل چند فصل است در ذکر نسب ونژاد و کرامات شیخ واحوال اووتأویلاتی که ازآیات قرآن کرده

وجذبه وسماع واصابت نظر شیخ و کرامات او بعد از مرگ‌وعظمت او. این کتاب قدیمترین ماخذی است که مورد استفادهٔ نویسندگان تاریخ صفویه قرار گرفته است .

صفورا (تن) دختر شعیب وزوجهٔ موسی (رجوع شود به‌موسی)

موسی از بهر صفورا کند آتش خواهی

وان شبانیش هم از بهر صفورا بینند

«خاقانی»

صلم (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف سبب وقطع وتد است که می‌ماند فاعل . بجای آن فع‌لن می گذارند . و آن را اصلم خوانند . درمفعولات حذف لات است که می‌ماند مفعو بجای آن فع‌لن می گذارند وآن را اصلم می‌خوانند .

صور فلکی (نج) صورتهائی است که منجمان برای شناختن ستاره‌ها فرض کرده‌اند . صورفلکی چهل وهشت است . دوازده صورت برمنطقةالبروج است وبیست‌ویک‌برشمال منطقةالبروج وپانزده برجنوب آن .صورفلکی منطقةالبروج ازاین قرار است :

حمل، ثور ، جوزا ، سرطان ، اسد ، سنبله، میزان ، عقرب، قوس جدی ، دلو ، حوت .

صورتهای شمالی عبارت است از :

دب اصغر ، دب اکبر ، تنین ، قیفاوس ، عوا ، فکه یا اکلیل ، جاثی علی رکبته ، لورا یا کَشَف، دجاجه، ذات‌الکرسی ، برساوس ، ممسک العنان ، حوا ، حیةالحوا ، سهم ، عقاب ، دلفین ، فرس‌اول ، فرس‌ثانی ، اندرومیدا یامسلسله ، مثلث .

صورتهای جنوبی منطقةالبروج :

قیطس، جبار ، نهر ، ارنب ، کلب اکبر ، کلب مقدم ، شجاع ، سفینه ، کاس، غراب ، قنطورس ، سبع ،مجمره ، اکلیل جنوبی،حوت.

صوفی به قولی از کلمهٔ صوف است وبه‌معنی پشمینه پوش است که اشاره به فقروقناعت است وبه کسی می گویند که پیرو ومعتقد مسلك تصوف وعرفان است .

صوفی الرازی ابوالحسین عبدالرحمن بن عمرالصوفی الرازی . وفات ۳۷۶ — از دانشمندان و منجمان معروف قرن چهارم هجری که عضدالدولهٔ دیلمی نزد وی به تحصیل نجوم پرداخت،عبدالرحمن دربارهٔ صورتهای فلك البروج کتابی تألیف کرده است به‌نام «صورالکواکب» یا « الصورالسمائیه » که آن را به عضدالدوله تقدیم کرده است . ترجمهٔ فارسی این کتاب موجود است .

ض

ضحاك (ش — د) ضحاك یابیور اسب . از نژاد عرب که برطبق داستان‌شاهنامه به‌اغوای ابلیس پدررا کشت و ابلیس دو کتف اورا بوسید وناپدید شد. پس ازآن از جای بوسه‌ها دومار بیرون‌آمدند که ضحاك را بسیار رنج می‌دادند وهرچه آنها را قطع می کردند ، باز می‌روئیدند . پزشکان چارهٔ آن‌را نمی‌دانستند تاآنکه ابلیس به‌صورت پزشکی برضحاك ظاهر شد و داروی دردش را که مغز آدمی بود ، به او نشان داد. ازآن پس هرروز دوجوان را می کشتند تاغذای مارهای کتف ضحاك شود . ضحاك برایران چیره‌شد وجمشید را کشت وبرتخت نشست وبسیارستم کرد چنانکه مردم ازستم اوبه‌جان آمدند . سرانجام آهنگری به‌نام کاوه که ضحاك پسرانش‌را کشته‌بود، مردم را به شورش دعوت کرد وفریدون را که ازنژاد تهمورث بود ، به سلطنت خواند . فریدون ضحاك را اسیر ودر کوه دماوند زندانی کرد.

دست آهنگرمرا درمار ضحاکی کشید

گنج افریدون‌چه سوداندر دل‌دانای‌من

«خاقانی»

ضیاء خجندی (ت) خواجه ضیاءالدین‌بن جلال الدین مسعود خجندی. وفات ۶۲۲—از شاعران‌معروف قرن ششم واز شاگردان امام فخررازی . اصلش از شیراز است ولی در جوانی به خراسان رفت

و در شهر خجند اقامت کرد . ضیاء خجندی حسام الدین بن علی بیغو معروف به بیغو ملک از شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است . از اشعار او چند قطعه و قصیده در دست است که حاکی از استواری کلام او است .

ط

طارم‌فیروزه (نج) کنایه از آسمان

بجزآن نرگس مستانه که چشمش مرساد
زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست
«حافظ»

طالب آملی (ت) ملک‌الشعرامحمد طالب‌آملی .وفات ۱۰۳۶— از شاعران قرن یازدهم . ابتدا درآمل مازندران می‌زیست ، سپس به کاشان ومرو وازآنجا به هندوستان رفت ، مدتی در شهرهای مختلف هند بسر برد وسرانجام به دربار جهانگیر راه یافت ودرسال ۱۰۲۸ به لقب ملک الشعرائی دربار او مفتخر گشت . چنانکه از گفتهٔ طالب برمی‌آیددرعلوم مختلف مانند هندسه ، منطق ، حکمت ، هیئت ، دست داشته است،دیوانش شامل قصاید و غزلیات است . اشعاری دربارهٔ خواهر خود ستی‌النساء که زن‌لایق وعاقلی بوده است دارد . همچنین منظومه‌ای به نام «جهانگیرنامه» ساخته است .

طالب درآوردن استعاره‌های لطیف ونو مهارت داشته است .

طالع (نج) دراصطلاح نجوم‌برج ودرجه‌ای است که هنگام‌ولادت یاهنگام وقوع امری از افق نمودار باشد وازروی آن منجمان سرنوشت نوزاد راتحقیق و تعیین می کنند یا حکمی دربارهٔ نتیجهٔ کاری استخراج می‌نمایند .

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یارب از مادرگیتی به چه طالع زادم
«حافظ»

در فارسی از کلمهٔ «طالع» گاهی مطلق معنی «بخت» در یافته می‌شود :

چشم بد دور کزاین تفرقه بازت آورد
طالع نامور و دولت مادر زادت

طاووس (تن) اشاره به طاووس بهشتی‌است که بوتهٔ گندم رابه ابلیس نشان داد، تا آدم‌وحوا به‌اغوای‌او گندم راخوردندوازبهشت رانده شدند . طاووس نیز به کیفر گناه خویش از بهشت بیرون افکنده‌شد .

بادیه باغ بهشت و برسر خوانهای حاج
پرطاووس بهشتی را مگس ران دیده‌اند
«خاقانی»

طاهر بن فضل چغانی (ت) امیرابویحیی طاهربن فضل بن محمدبن محتاج چغانی . مقتول ۳۸۱ ه — ازامیران‌چغانی درماوراءالنهر وشاعروفضل دوست وازممدوحان‌منجیک ترمذی شاعرمعروف . طاهربن فضل درسال ۳۸۱ ه درجنگ‌باپسرعم خود ابوالمظفر چغانی‌ممدوح دقیقی‌فراری گشت وکشته شد . عوفی ابیاتی از او نقل کرده است .

طبرسی (ت) شیخ ابوعلی‌فضل بن حسن‌طبرسی .وفات۵۴۸ ه — از فقیهان معروف شیعه که‌درحدیث‌وفقه وتفسیرسمت اجتهاد دارد . طبرسی درسال ۵۲۳ ه ازمشهد به‌سبزوار رفت‌ودرسال ۵۴۸ ه همانجا وفات‌یافت .

ازتألیفات اوسه تفسیر«مجمع‌البیان» و«الکافی‌الشافی» و«جوامع الجامع» است .

مجمع‌البیان از تفسیر های‌مهم ادبی وظاهری شیعه می‌باشد وبه فارسی ترجمه شده است .

طبری (ت) ابوجعفر محمد بن جریر. وفات ۳۱۰ — ازفقیهان ومورخان بزرك اسلامی درقرن سوم وچهارم . اهل طبرستان بود ومقدمات علوم رادر آمل فرا گرفت. سپس درری نزد محمد بن عبید رازی ومثنی بن ابراهیم الاملی به تحصیل پرداخت وبرای کسب علوم عربی وادبی به بصره وکوفه ومصروشام سفر کرد ودرتمام شهرها با علماء ومحدثان ملاقات کرد وبغداد را برای اقامت برگزید وبه تدوین وتألیف پرداخت. طبری درعلوم تفسیر ، قرائت قرآن ، حدیث ، فقه ، لغت ، نحو ، منطق ، علوم ادب ، شعر، استادی داشته ودراکثر این علوم تألیفاتی دارد . مورخان ونویسندگان وی را صاحب مذهب واجتهاد دانسته و طریقهٔ وی را «طبریه» خوانده‌اند . ازآثار طبری کتاب «جامع البیان فی تفسیرالقرآن» معروف به «تفسیر کبیر» است. دیگر کتاب «اختلاف الفقها ومهمتر از همه «تاریخ الرسل والملوك» است .

طبقات‌صوفیه (ك) ازآثار معروف خواجه عبدالله انصاری. اصل این کتاب به‌عربی تألیف ابوعبدالرحمن محمد بن حسن السلمی نیشابوری (متوفی ۴۱۲) می‌باشد که درشرح حال پنج طبقه ازمشایخ صوفیه است. خواجه عبدالله انصاری این کتاب را به‌زبان هروی که یکی ازلهجه های نزدیك فارسی است ترجمه کرده است . آنچه خواجه عبدالله انصاری درمجالس ، برطبقات‌الصوفیه سلمی شرح می گفته ومطالبی راکه به آن می‌افزوده ، بوسیلهٔ شاگردانش ضبط وجمع‌آوری می‌شده‌است. بنابراین به اصل «طبقات الصوفیه» اطلاعات و مطالب بسیاری افزوده که کتاب را بسیار قابل استفاده کرده است .

طبقات ناصری (ك) تاریخی تألیف ابوعمر منهاج الدین عثمان بن محمد سراج الدین جوزجانی که آن را به‌نام ناصرالدین محمودشاه پسر التتمش تألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ عمومی عالم خاصه تاریخ غزنویان وشاهان غوریه وجانشینان آنهاست درغزنه وهند. در پایان فصل کامل وسودمندی دربارهٔ حمله مغول به ایران وخانان مغول تا عهد هلاگو دارد. اگرچه دربارهٔ حملهٔ مغول به تفصیل نمی‌پردازد ولی چون خود معاصر این طایفه بوده وحوادث را به چشم دیده است، اخبارش مقرون به صحت می‌باشد ودربارهٔ مغول همه‌جا کلمهٔ «ملعون» بکار برده است. مؤلف دراین کتاب از تاریخ بیهقی استفادهٔ بسیار کرده وآن را مأخذ تاریخ محمود غزنوی قرار داده وحتی درسبک نوشتن هم ازآن تقلید کرده است. اشعار وقصایدی نیز از خود مؤلف نقل شده است. درطبقات ناصری لغات مغولی بار اول درزبان فارسی وارد شده است.

الطب المنصوری (ك) تألیف دانشمند وطبیب بزرگ ایرانی ابوبکر محمدبن زکریای الرازی که آن‌را به نام منصوربن اسحق سامانی حاکم ری نوشته است.

این کتاب درده جزواست وبعدها به زبان لاتین ترجمه شده است.

طرفان (زحاف) (ع) ازاقسام معاقبت. اگر ازفاعلاتن الف ونون به معاقبت ماقبل وما بعد بیفتد آن‌را طرفان خوانند.

طریق التحقیق (ك) ازآثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم که آن‌را به روش حدیقة الحقیقه درسال ۵۲۸ ساخته است.

(چاپ تهران)

طغرائی اصفهانی (ت) فخرالکتاب ابواسمعیل حسین بن علی بن

محمد اصفهانی. وفات ٥١٤ — از بزرگان شعر وادب عربی. وزارت مسعود بن‌محمدبن ملکشاه از سلجوقیان عراق را داشت . وی از شاعران نامی و ادیبان عصر خود بشمار می‌رفته است . قصیدهٔ عربی او موسوم به «لامیةالعجم» معروف است . طغرائی درسال ٥١٤ به تهمت الحاد کشته شد .

طمس (زحاف) (ع) درفاع لاتن آن‌است که‌دوسبب یعنی لاوتن را بیندازند وعین را هم حذف کنند می‌ماند فابجای آن فع می گذازند ؛ وآن را مطموس گویند .

طوبی (تن) درختی دربهشت

باغ بهشت وسایهٔ طوبی وقصر حور
با خاك کوی دوست برابر نمی کنم
«حافظ»

طور (تن) کوهی که‌موسای پیغمبر برروی آن به‌مناجات‌می‌رفت. گویند موسی وقتی ازخداخواست که‌اورا ببیند . خطاب آمد «لن ترانی» یعنی «مرا نمی‌بینی» پس‌خدابرکوه تجلی کرد و کوه پاره‌پاره شدوموسی مدهوش افتاد. گویند کوه احد از پاره‌های آن است .

شب تاراست وره وادی ایمن درپیش
آتش طور کجا موعد دیدار کجاست
«حافظ»

طورسینا (تن) رجوع شود به طور

آشنای طور سینا موسی عمران بود
تاکه‌ازمعجزعصادردست‌او گردد چومار
«حافظ»

طوس (ش—د) پسر نوذر وازشاهزادگان ایران که درجنگهای ایران با توران سپهدار لشکریان ایران بوده است .

طوسی (شیخ)(ت) شیخ ابوجعفر محمدبن‌حسن .وفات ٤٦٠—از بزرگترین فقیهان شیعه که درفقه وتفسیروکلام وحدیث مرجع علمای شیعه می‌باشد . وی درسال ٤٠٨ از وطن خود طوس به بغداد رفته ودرنجف اقامت کرده است . ازآثار معروف او «کتاب‌التبیان» درتفسیر قرآن‌است. دیگر«مصباح کبیر»و«استبصار»و«تهذیب الاحکام»و«کتاب الرجال» است .

طوفان (تن) اشاره به طوفانی که در زمان نوح پیغمبر واقع شد ونوح به فرمان خدا باکسانش درکشتی نشست ونجات یافت .

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح
ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

«حافظ»

طویل (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست . مثال آن این است : فعولن مفاعیلن ۲بار

طی (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف‌فاءاست که‌می‌ماندمستعلن، بجای آن مفتعلن می گذارند و آن را مطوی خوانند . در مفعولات حذف واو است که می‌ماند مفعلات بجای آن فاعلات‌می گذارندوآن‌را مطوی خوانند .

ظ

ظفرنامه (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف نظام‌الدین شامی که آن را درسال ۸۰٤ برحسب امر تیمورتألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ سلطنت وداستان فتوحات تیموراست که شخص امیر تیموراوراق واسناد رسمی دربارخود را دراختیار مؤلف گذارده است. ظاهراً تاریخ نظام شامی بعد ازسال ۸۰٦ ادامه نیافته وجزئیات وقایع سال آخرحیات امیر تیمور دراین تاریخ دیده نمی‌شود. حافظ ابرو درسال ۸۱٤ در زمان سلطنت میرزا شاهرخ وبه فرمان وی ذیلی برظفرنامهٔ شامی نوشته وتاریخ امیرتیمور را تاسال آخر حیات اوبه قلم آورده است. این تاریخ اساس وپایهٔ تاریخ ظفرنامهٔ شرف‌الدین علی یزدی قرارگرفته است.

(چاپ تهران)

ظفرنامهٔ تیموری (ك) کتابی بزرك به شیوهٔ جهانگشای جوینی تألیف مولاناشرف‌الدین علی یزدی که آن رابه سال ۸۲۸ وبه درخواست ابراهیم سلطان بن شاهرخ تالیف کرده ومطالب آن‌را بیشتر از ظفرنامهٔ نظام شامی اقتباس کرده، حتی اغلب اشعار وآیات قرآن را عیناً ازآن کتاب نقل کرده است. نثرظفرنامه نثرفنی است ومورد توجه نویسندگان معاصر مؤلف قرارگرفته‌است. ظفرنامه مرجع تواریخی است که بعدازآن نوشته شده است. مانندحبیب‌السیروروضة‌الصفا.

ظلمات (تن) یاظلمت. تاریکی که خضرپیغمبر برای بدست‌آوردن

آب حیات به درون آن رفت

قطع این مرحله بی‌همرهی خضرمکن
ظلمات است بترس از خطر گمراهی

«حافظ»

ظهوری (ت) نورالدین محمدظهوری ترشیزی. وفات ۱۰۲۰ـ از شاعرانی که درهندوستان بیش از ایران شهرت داشته است. مولدش ترشیزاست وچندی درخراسان وعراق وفارس بسربرد و پس ازآن به هند رفت بعد ازمدتی اقامت دردکن به مکه سفر کرد وبه هندباز گشت وتا آخرعمر آنجا ماند. ظهوری درنثر نیز شهرت فراوان داشت. ازآثاراو جز قصیده وغزل ومثنوی، سه دیباچه به نام «سه نثرظهوری» معروف است.

ظهیر فاریابی (ت) ظهیرالدین ابوالفضل طاهربن محمدفاریابی. وفات ۵۹۸ـ از شاعران قصیده سرای معروف قرن ششم. جوانی را در فاریاب گذراند، سپس به نیشابور ومازندران وآذربایجان سفر کرد ودر زبان عربی وحکمت ونجوم کسب معرفت کرد. حسام‌الدوله ابوالحسن اردشیر از ملوك باوندی مازندران و طغانشاه حاکم نیشابور و محمدبن ایلدگز وقزل‌ارسلان بن ایلدگزونصرة‌الدین ابوبکر ازاتابکان آذربایجان وطغرل‌بن ارسلان آخرین شاه سلاجقهٔ عراق را مدح کرده است. ظهیر باشاعرانی مانند جمال‌الدین اصفهانی ومجیر بیلقانی و خاقانی شیروانی معاصر بوده است. وی علاوه برعلم وادب درعلوم عقلی و نجوم دست داشته است. قصایدش به سبک انوری است ودرغزل استادی نشان داده است.

ظهیری سمرقندی (ت) بهاءالدین محمدبن علی بن محمدبن الحسن الظهیری الکاتب السمرقندی ازنویسندگان ومترسلان اواخر قرن ششم

واوائل قرن هفتم صاحب دیوان رسالت قلج طمغاج خان از شاهان آل افراسیاب .ظهیری صاحب تألیفات متعدد است ازجمله :

«اغراض السیاسة فی اعراض الریاسة» به نام قلج طمغاج خان. این کتاب شامل لطایف کلام ملوك است از عهد جمشید تا زمان طمغاج خان .نثر این کتاب مصنوع است و دارای شواهد نظم و نثر فارسی و عربی است . دیگر « سندباد نامه » است .

ع

عاد (تن) نام قبیله‌ای از نسل عاد بن نوح که هود پیغمبر ایشان بود و به سبب نافرمانی او به طوفان باد هلاك شدند .

لشکر عادند و کلك من چو صرصر از صریر

نسل یأجوجند ونطق من چو صور اندر صدا

«خاقانی»

عارض (ط) چیزی است که انفکاکش از شیئی جایز باشد . مثل کتابت از انسان .

عارف پیرو و معتقد مسلك عرفان . رجوع شود به عرفان

عارف قزوینی (ت) میرزا ابوالقاسم . وفات در سال ۱۳۱۲ شمسی ـ شاعر غزلسرا وتصنیف ساز معاصر که مخصوصاً به مناسبت فکر آزادیخواهی شهرت یافته است . وی از ابتدای مشروطیت از پیشروان آزادی بود واشعارش نمودار احساسات شدید وطن پرستانه است . عارف باموسیقی آشنائی داشته واغلب ازتصنیفاتش را خود در مجالس موسیقی می‌خوانده است . دیوان عارف درسال ۱۳۳۲ قمری دربرلن وپس ازآن در تهران به طبع رسیده است .

عارفی هراتی (ت) محمود . وفات ۸۵۳ ـ از شاعران دورهٔ تیموری که نزد دوستان به «سلمان دوم» مشهور بوده است . زیرا که ازطرفی به روش خواجه سلمان ساوجی شعر می گفته وازطرفی چنانکه درمجالس

النفایس آمده مانند او به‌چشم‌درد سختی‌مبتلا بوده است . ازآثارعارفی مثنوی « گوی وچوگان» یا«حالنامه»است که آن را درسال ۸۴۲ به‌نام سلطان محمد ظاهراً سلطان محمد بن بایسنقر شروع کرده و دردوهفته به پایان رسانده است .

عازر (تن)نام‌مرده‌ای که به‌دعای‌حضرت‌عیسی زنده شد

عیسی عهدی که از توقالب ملکت
چون تن عازر به یک قیام برآمد
«خاقانی»

عاشق‌اصفهانی (ت) آقا محمد. وفات ۱۱۸۱- از شاعران‌معروف قرن سیزدهم. وی از نخستین کسانی است که پس از سبک هندی به پیروی از شیوهٔ قدیم برخاست و در غزل از شاعران قرن هفتم وهشتم مانند سعدی و حافظ پیروی کرد .

عالم‌آرای‌عباسی (ك) کتابی درشرح حال وسلطنت شاه‌عباس اول و اجداد او تاجلوس شاه صفی . مؤلف این کتاب اسکندر بیک منشی است که آن را درسال ۱۰۳۸ تألیف کرده است .

عاملی (ت) رجوع شود به شیخ بهائی

عباس‌مروزی (ت) از نخستین سخن سرایان ایران درقرن دوم وسوم . معروفترین شعری که به اونسبت داده‌اند قصیده‌ای است که در ورود مأمون به مرو یعنی درسال ۱۹۳ هجری درمدح اوسروده است.

عبدالرزاق سمرقندی (ت) کمال الدین عبد الرزاق بن اسحق سمرقندی. وفات ۸۸۷- از مورخان مشهور قرن نهم و معاصر شاهرخ . مولدش هرات‌است ولی چون‌سمرقند موطن پدرش بوده‌به‌سمرقندی‌معروف شده است . عبدالرزاق‌رساله‌ای درصرف ونحو به‌نام شاهرخ تألیف کرد

که مورد توجه وی قرار گرفت سپس از طرف آن شاه به سفارت به هندوستان رفت و سه سال درآنجا ماند وشرحی دربارهٔ این سفرنگاشت.

عبدالرزاق بعد ازوفات شاهرخ درخدمت میرزا عبداللطیف ومیرزا ابوالقاسم بابر وسلطان ابوسعید می‌زیست وپس ازآن عزلت اختیار کرد ودرخانقاه شاهرخیه در هرات به منصب شیخی خانقاه منصوب گردید و به سال ۸۸۷ همانجا وفات یافت. از آثار معروف او «مطلع السعدین» می‌باشد.

عبدالقاهر جرجانی (ت) رجوع شود به جرجانی

عبدالله انصاری (ت) ابواسمعیل عبد الله بن محمد الانصاری الهروی. وفات ۴۸۱-از صوفیان مشهور قرن پنجم ومعاصر الب ارسلان سلجوقی وخواجه نظام الملک که نسبش به ابوایوب انصاری می‌رسد. تولد خواجه عبدالله درهرات بوده است ودرجوانی درعلوم ادبی ودینی وحفظ اشعار عرب شهرت یافت ودرعلم حدیث وفقه توانا گشت وعرفان وتصوف را نزدشیخ ابوالحسن خرقانی آموخت وازشیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بسیار استفاده کرد. خواجه عبدالله انصاری به زبان فارسی وعربی شعر سروده وصاحب تألیفات بسیاری است، ازجمله ترجمه واملاء طبقات الصوفیهٔ سلمی است به لهجهٔ هروی. دیگر تفسیری ازقرآن که اساس کارمیبدی درتألیف «کشف الاسرار ووعدة الابرار» قرار گرفته است.

رساله های متعددی به فارسی دارد مانند مناجات نامه، زادالعارفین، الهی نامه، کنزالسالکین، رسالهٔ دل و جان، قلندرنامه. خواجه عبدالله انصاری را می‌توان از پیشقدمان نثر موزون وسجع دانست.

عبدالنبی (ت) فخرالزمانی قزوینی. وفات ۱۰۰۱-ملا عبدالنبی درقزوین متولد شد و چون بسن رشد رسید به شعر و ادب تمایل بسیار

یافت ، در ۱۹ سالگی به مشهد وازآنجا به هندوستان رفت وبه‌شهرهای مختلف آن مانند لاهور و کشمیر سفر کرد و درسال ۱۰۲۸ در پتنه به دربار سردارخان خواجه یادگار تقرب یافت و«تذکرهٔ میخانه» رابه‌نام او ساخت . ملاعبدالنبی درقصه‌دانی ماهربود وحافظه‌ای قوی داشت .شعر می گفت‌ودرشعر «نبی» تخلص می کرد .ازآثار دیگر او«نوادرالحکایات» یا «بحرالنوادر»است که شامل حکایتها وداستانهای‌شیرین است وظاهراً آن را در۱۰۴۱ تکمیل کرده است .

عبدالواسع جبلی (ت) رجوع شود به جبلی

عبیدزاکانی (ت) نظام‌الدین عبیدالله زاکانی .وفات در حدود ۷۷۲– از شاعران هجو سرا و نویسندگان قرن ششم . از قریهٔ زاکان قزوین بود ولی مدت زیادی درآنجا بسرنبرد وبه شیراز رفت وبه‌آن‌شهر علاقمند گردید . عبید درشیرازبه‌تحصیل علوم‌وفنون پرداخت‌وازفاضلان و ادیبان عصر خود گردید سپس به بغداد سفرکرد و باسلمان ساوجی ملاقات کرد . وی معاصر حافظ است وابواسحق اینجو ووزیرش خواجه رکن‌الدین عمید را مدح گفته است . دیگر از ممدوحان اوشاه شجاع مظفری‌وسلطان‌اویس جلایراست .مجموعهٔ آثارعبید کلیات‌اوست که‌شامل قصاید، غزلیات، رباعیات ، قطعات، اشعار هزلیه ، عشاقنامه ، اخلاق الاشراف، ریش‌نامه، صدپند، تضمینات، رسالهٔ دلگشا ، رسالهٔ تعریفات موش وگربه ، سنگتراش ، فالنامه است . اشعارجدی عبید درحدود سه هزار بیت است .

عبید از بزرگان ادب است . شاعری است منتقد و بذله گو که فساد زمانه را بازبان طنزآمیز ولحن شیرین انتقاد کرده است ونبایداورا به‌هرزه درایی نسبت داد . (کلیات عبید – چاپ‌تهران)

عتبی (ت) ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی . وفات ۴۲۷ — از ادیبان وتاریخ نویسان قرن چهارم وپنجم هجری ومعاصر غزنویان . در آغاز جوانی از شهر ری رهسپار خراسان گشته وچندی در دستگاه ناصرالدین سبکتکین وابوعلی سیمجور بسر برده است وکتاب مشهور خود رادرتاریخ سلطان محمود یمین الدوله وپدرش سبکتکین به نام «تاریخ یمینی» تألیف کرده است .

عجائب البلدان (ك) کتابی منسوب به ابوالمؤید بلخی که مؤلف درآن از عجایب بلاد وبرو بحر سخن گفته است وصاحب تاریخ سیستان بسیاری از مطالب خود را درباب سیستان ازاین کتاب نقل کرده است مرحوم ملک الشعراء بهار نسخه‌ای ازاین کتاب دراختیار داشته ولی این نسخهٔ اصلی نبوده بلکه از روی کتاب ابو المؤید تحریر شده است .

عجز (زحاف) (ع) اگر در فاعلاتن نون بیفتد به معاقبت الف آن را عجز خوانند .

عدول (ب) آن است که شاعر خطای لفظی یامعنوی را جایز دارد خطای لفظی برچند قسم است .

زیادات :

مانند واو «سخون» درشعررودکی:

بودنی بود می بیار اکنون		رطل برکن مگوی وبیش سخون

حذوف :

آدمی چون بداشت دست از صیت

هرچه خواهی بکن که فاصنع شیت

که کلمهٔ گوییش از هرچه خواهی کن حذف شده است .

تغییرالفاظ : مثل :

آب انگور وآب نیلوفل سرسراازعبیروشک بدل

دراین شعر نیلوفل بجای نیلوفر استعمال شده است .

خطای معنوی .

ای اختر سخا که زسیرنوال خویش

هرروز در سپهر تفاخر کنی قران

شاعر اگر می گفت که بانجوم تفاخر کنی درست بود ، زیرا که قران ستاره با ستاره است .

گاهی شاعر ترکیبات ناخوش وتقدیم وتأخیرهای زشت ومعانی واهی به کارمی برد .

خرمن ز مرغ گرسنه خالی کجا بود

ما مرغکان گرسنه‌ایم و تو خرمنی

لفظ تو خرمنی استفادهٔ زشت است .

دیگرازعیوب شعر، غلودراوصاف مدح وهجاست که بحدمحال برسد

کفرست وگرنه دست جود تو لا از سر لااله برگیرد

عراقی (ت) فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی .وفات ۶۸۰- از عارفان وغزلسرایان قرن هفتم که درهمدان متولد شده و در جوانی به هندوستان سفر کرده است. عراقی درمولتان به شاگردی شیخ بهاءالدین زکریا ازبزرگان صوفیه درآمد وپس از وفات او به جانشینی اش برگزیده شد ولی براثر حسادت درویشان از هندوستان مهاجرت کرد وبه مکه رفت . در بغداد باشیخ شهاب‌الدین سهروردی ملاقات کرد و از آنجا به‌آسیای صغیر عزیمت کرد ودر قونیه به مجلس درس شیخ صدرالدین قونیوی حاضر شد وکتاب «لمعات» را نوشت و به‌شیخ صدرالدین تقدیم

کرد . عراقی دربلاد روم مرید بسیار یافت وپس ازچندی از قونیه به مصر وازمصر به دمشق رفت وهمانجا درسال ۶۸۰ وفات یافت .

عراقی از غزلسرایان وعارفان پرشور بوده‌است ومجموع اشعارش به ۵۸۰۰ بیت می‌رسد که‌شامل غزلهای عاشقانه وعارفانه و ترجیع‌بند ومثنوی است. مثنوی «عشاقنامه»را به شیوهٔ حدیقهٔ سنائی‌ساخته‌است.

عرض (ط) از کلیات خمس . امری که به خودی خود وجود نداشته بلکه به تبع دیگری موجود باشد . مانند سفیدی،سیاهی

عرض بردوقسم است : عرض‌عام ، عرض‌خاص

عرض عام آن است که برچندین نوع صادق‌باشد، مانندجنبنده که شامل همهٔ انواع مختلف انسان وجانوران است.

عرض‌خاص آن است که تنها به‌یک نوع تعلق داشته‌باشد.مانند خندان که تنها به نوع انسان اختصاص دارد.

عرضی (ط) صفتی است که در ذات موجودات نیست و خارج‌از ماهیت‌موضوع است وبرآن عارض می‌شود مانند خندان؛ که باآنکه این صفت دروجود مردم هست ، امادرمرتبهٔ نخستین ذات نیست .

عرفان یا تصوف مسلکی است که از قرون اولیه اسلام در ایران ظاهر گشت. پیروان این طریق خدا را اصل عالم وجودمی‌دانند که تنها هستی واقعی است ودرهمهٔ موجودات تجلی می کند و هر که بخواهد به مقام او پی ببرد و ذات او را بشناسد باید به ریاضت نفس ووارستگی وترك علایق وشهوات واعتقاد به‌ذات احدیت وعشق شدید برای پیوستن به مبدأ خو گیرد ودست ازطلب برندارد تابه مقام کشف وشهود برسد وچون آئینهٔ دل را از ناپاکیها بزداید خدا درآن تجلی می کند . آنچه‌حکیمان می‌خواهند ازراه تعقل واستدلال به آن برسند،

عارفان ازراه عشق وریاضت نفس به آن نائل می‌آیند.

عارف نسبت به همهٔ مذاهب به دیدهٔ احترام ومحبت می‌نگرد ومعتقد است که همه درراه وصول به یک مقصود پیش می‌روند. حافظ گفته است:

همه کس طالب یاراست چه هشیار وچه مست
همه جا خانهٔ عشق است چه مسجد چه کنشت

عرفی شیرازی (ت) جمال الدین محمد عرفی. وفات ۹۹۹- ازشاعران معروف قرن دهم که بیشتر شهرتش درهند وعثمانی بوده است. مولدش شیراز بوده وپدرش دردارالایاله شغل شریفی داشته است. عرفی پس ازتحصیلات مقدماتی سفری به هند کردومدتی درمصاحبت فیضی وابوالفتح گیلانی بود وپس ازآن به دربار خانخانان واکبرشاه راه یافت وآنان را مدح گفت. دیوان عرفی دارای قصاید وغزلیات وترجیع بند و قطعات است، خاصه غزلهای او درهند و ترکیه مورد توجه وتقلید قرار گرفته است. قصیدهٔ معروفی درمنقبت حضرت علی در۱۸۱ بیت سروده است. عرفی به تقلید نظامی به تألیف خمسه پرداخته و مثنویهائی به سبک مخزن‌الاسرار وخسرووشیرین ساخته است. رسالهٔ منثوری به‌نام «نفسیه» درتصوف دارد.

عروض (ع) علم شناختن وسنجیدن اوزان شعر درعربی وفارسی. این علم را خلیل بن احمدنحوی متوفی بین سالهای ۱۷۰—۱۷۶ ه وضع کرده است.

عزیزمصر (تن) وزیر اول مصر وشوهر زلیخا که یوسف راخرید ودرکاخ خود جاداد ولی براثر تهمتی که براو واردآمد، اورا به‌زندان افکند ویوسف پس ازرهائی اززندان به عزیزی مصر رسید. درادبیات فارسی گاهی مراد ازعزیز مصر یوسف است.

عزیزمصر به رغم برادران غیور

زقعر چاه برآمد به‌اوج ماه رسید

«حافظ»

عسجدی (ت) ابونظرعبدالعزیزبن منصورالمروزی. وفات درحدود ۴۳۲- ازشاعران دربار محمود غزنوی ومداح او . دیوانی به عسجدی نسبت داده‌اند که دردست نیست،فقط اشعاری از قصاید وقطعه‌ومثنوی درتذکره‌ها به نام او ثبت است . قصیدهٔ او درفتح سومنات که به‌سال ۴۱۶ صورت گرفته است ، معروف می‌باشد.

عشاقنامه (ك) ازآثارفخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به‌عراقی. این مثنوی دربیان مراتب عشق وحالهای عاشق می‌باشد وشامل یک مقدمه وده فصل است درصفت عاشقان ، عاشق ومعشوق ، بیان عشق وامثال آن. مثنوی عشاقنامه‌شامل نزدیک‌یکهزاروشصت بیت است وبه‌نام خواجه سعدالدین صاحبدیوان می‌باشد. پروفسور ارتور . ج . آربری آن را به نظم انگلیسی ترجمه و چاپ کرده است .

عشقی (ت) میرمحمد رضا معروف به میرزاده.مقتول ۱۳۴۲ هـ- میرزاده عشقی پسرحاج سیدابوالقاسم کردستانی از شاعران‌معاصر. وی‌در همدان متولد شد و هنگام جنگ بین‌الملل اول به اسلامبول مهاجرت کرد ودر ۱۳۳۹ قمری روزنامهٔ «قرن‌بیستم» را منتشر ساخت .

عشقی درسن سی‌سالگی کشته شد.

(دیوان عشقی- چاپ‌تهران)

عصای‌موسی (تن) عصائی که چون موسای پیغمبر در محضر فرعون بر زمین انداخت اژدها شد و این از معجزات بزرگ موسی به شمارمی‌آمد .

صوفیان رکوه پرآب زندگانی چون خضر
همچو موسی درعصاشان جان ثعبان آمده

«خاقانی»

همچنین وقتی که موسی در بیابان عصای خود را برسنگ زد ، چشمه های آب از آن جاری شد .

خارا چومار برکشم وپس به یک عصا
ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم

«خاقانی»

عضد الدین ایجی (ت) رجوع شود به ایجی

عطاء بن یعقوب (ت) ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب معروف به ناکوك . وفات ٤۹١- از شاعران وفاضلان دورهٔ دوم غزنوی که به دو زبان عربی وپارسی شعر می گفته است . وی در دربار سلطان ابراهیم غزنوی تقرب داشته است ولی پس از مدتی مورد رنجش سلطان واقع شده وبه هندوستان تبعید گشته است. مسعود سعد درمدح ومرثیهٔ اواشعاری سروده است . منظومهٔ «برزونامه» «وبیژن نامه» را به اونسبت داده اند وابیاتی به پارسی وعربی درتذکرهٔ لباب الالباب ازاین شاعر نقل شده است.

عطار (ت) شیخ فرید الدین ابوحامد محمدبن ابوبکر ابراهیم بن مصطفی.وفات ٦۲۷—از عارفان بزرگ ایران و از پیشوایان شاعران متصوف که درعالم تصوف به مقام ارشادرسیده است . پدرش درشادیاخ دکان عطاری داشت وی نیز پیشهٔ پدر رادنبال کرد و به همین مناسبت لقب عطار یافت . به گفتهٔ خود او در داروخانه طبابت هم می کرده است . عطار پس از چندی ازکسب وشغلهٔ دنیوی دست کشید و به عالم عرفان رو آورد و افکار لطیف خود را در اشعار دل انگیز بیان کرد

عطارقسمتی از عمر را به سفر پرداخت وبه مکه رفت وبسیاری ازمشایخ صوفیه را ملاقات کرد و از مریدان شیخ مجدالدین بغدادی معروف به خوارزمی گردید . عطار آثار فراوانی دارد که اغلب آنها دردست است ومشهور است که به عدد سور قرآن کتاب ورساله تألیف کرده است . از آثار او دیوان شعر شامل قصاید و غزلیات و مثنویهای اسرارنامه ، الهی‌نامه،مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر،مختارنامه ، وصیت‌نامه ، بلبل‌نامه حیدرنامه ، خسرونامه، شرفنامه‌است .ازآثار مهم‌منثوراو«تذکرة‌الاولیاء» می‌باشد .

عطارمعانی عالی عرفانی را دربیانی ساده و روان آورده و الحق دراین کار استادی‌نشان‌داده‌است. وی‌همه‌جا حقایق عرفان را با تمثیل های گوناگون وحکایتهای مختلف شیرین ساخته است .

عطارد (نج) یا تیر از همهٔ سیارات به آفتاب نزدیکتر است‌وبعد از کرهٔ ماه نزدیکترین سیارات است به زمین ، به موجب افسانهٔ یونانی قاصد خدایان بوده است . عطارد ستارهٔ دبیران وسخنوران است و«دبیرفلک» خوانده می‌شود .

دردانشی که آن خردم رازیان شدست

بر آسمان جان چو عطارد سخنورم

«انوری»

عطاردی (ت) امام ابو عبدالله عبدالرحمن بن‌محمد العطاردی ازشاعران عصر محمود که ابیاتی از اوباقی است .

عطاملک‌جوینی (ت) رجوع شود به جوینی

عقدالعلی للموقف‌الاعلی (ك) رجوع شود به تاریخ کرمان

عقرب (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة البروج وبه

شکل کژدم . برج عقرب برابر ماه آبان است .

دم عقرب بتابید از سر کوه چنان‌چون چشم‌شاهین ازنشیمن

«منوچهری»

عقل (ط) جوهری است مجرد ازماده ؛ هم از حیث ذات وهم‌از حیث فعل . مجرد از ماده ازحیث ذات ، آن‌است که نمی‌شود به‌آن‌اشارهٔ حسی کرد . مجرد از ماده‌ازحیث فعل، آن است که درصدور فعل محتاج به‌آلت نباشد .

عمرخیام (ت) رجوع شود به خیام

علاءالدوله‌سمنانی (ت) ابوالمکارم رکن‌الدین احمدبن محمد بیابانکی‌سمنانی. وفات ۷۳۶- ازعارفان بزرک نیمهٔ دوم قرن هفتم‌ونیمه اول قرن هشتم که درسال ۶۵۹ هجری درقریهٔ بیابانک از قراء سمنان متولد شده است . پدرش محمد ملقب به ملک شرف‌الدین در دستگاه غازان‌خان سمت وزارت داشت. علاءالدوله‌دردوران جوانی به‌آموختن علوم عقلی و نقلی پرداخت ودرپانزده سالگی به ملازمت عم خود در دستگاه ارغون به‌خدمت دیوانی مشغول گشت وموردتوجه ارغون‌خان شد ولی پس از ده سال ازکاردیوانی دست کشید وبه عبادت وتکمیل علوم دینی پرداخت وصرف ونحو وحدیث وتفسیر و فقه را نزد استادان فن آموخت واجازهٔ روایت‌حدیث گرفت ودر۶۸۷ به بغداد سفر کردوبه خدمت شیخ عبدالرحمن اسفراینی رسید وجزء مریدان اوگشت وازآنجا سفری به‌مکه کرد و باز به بغداد برگشت و از شیخ عبدالرحمن مرتبهٔ ارشاد یافت وبه سمنان بازگشت وبه عبادت وارشاد پرداخت .

علاءالدوله‌دارای آثار بسیار به‌زبان فارسی‌وعربی‌است. درحدود سیصدکتاب و رساله به او نسبت می‌دهند . از آن‌جمله «مطلع‌النقط

و مجمع اللقط» در تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن به‌زبان‌عربی «سرالبال فی‌اطوارسلوك اهل الحال» به‌فارسی «وسلوة العاشقین» به‌فارسی‌و«العروة الاهل الخلوة والجلوة» درحکمت الهی.

علاءالدوله شعر نیزمی‌سروده وچند غزل ورباعی از اوباقی‌است.

علیشیر نوائی (ت) امیرنظام‌الدین علیشیر نوائی. وفات۹۰۶ – وزیردانشمندسلطان‌حسین‌بایقرا که‌اجدادش درخدمت تیموریان مقامات عالی داشتند واو طفولیت را به مصاحبت‌حسین میرزا بایقرا گذراندوبااو به‌مرو رفت ودرآنجا به کسب کمالات پرداخت ودرزمان سلطنت‌سلطان حسین به‌شغل مهرداری وامارت دیوان خاص او مشغول گشت . پس ازآن به حکومت استراباد رفت ، اما پس از چندی ازحکومت استراباد استعفاداد وعزلت اختیار کرد .امیرعلیشیرمردی متدین بود وبه‌راهنمائی مولانا عبدالرحمن جامی به طریق درویشان نقشبندیه گروید . معروف است که امیر علیشیر ۳۷۰ باب مسجد و مدرسه واماکن خیربنا کرد وبراثرتشویق اوصنایع‌ظریفه‌وموسیقی‌پیشرفت کرد . وی‌ادیبان وشاعران را تشویق می کرد وصله می‌بخشید ، چنانکه دربارسلطان حسین‌بایقرا از وجود ادیبان وهنرسندانی که تحت توجه آن وزیر دانشمندقرارگرفته بودرونق بسیاری‌یافت· امیر علیشیربه‌زبان جغتائی (ترکی شرقی) وزبان فارسی تسلط‌کامل داشت وبه‌هردو زبان شعر می‌سرود ودرشعر «فانی» تخلص می‌کرد . درزبان ترکی‌پنج‌مثنوی به‌تقلید خمسه ومثنوی‌دیگر بنام «لسان‌الطیر» به سبک منطق‌الطیر عطار ساخت . ازآثاراو تذکرۀ «مجالس‌النفایس» به زبان‌ترکی و«خمسة‌المتحیرین»و «رسالۀ محاکمة اللغتین» و «رسالۀ میزان الاوزان» است .

عماد فقیه کرمانی (ت) وفات ۷۷۳- ازفقیهان و شاعران قرن

هشتم و معاصر شاه شجاع . حافظ در اشعار خود او را به ریاکاری وصف کرده است . چنانکه منقول است عماد گربه‌ای را آموخته بود که هنگام اداء نماز و انجام رکوع و سجود به او اقتدا کند . شاه شجاع این عمل گربه را دلیل بر کرامت عماد می‌دانست ، ولی حافظ آن‌را به حیله و مکر نسبت داده است . عماد فقیه اهل کرمان بوده ودرآنجا مدرسه‌ای بنا کرده است . از آثار منظوم او یکی دیوان غزلیات اوست . دیگر مثنوی «محبت‌نامهٔ صاحبدلان» ومثنوی «مونس‌الابرار» .

عمادی (ت) امیرعماالدین عمادی شهریاری . وفات ۵۸۳ — از شاعران اواخرقرن ششم . معاصر ومداح سیف‌الدین عمادالدوله فرامرز شهریار مازندران و از امیران خاندان باوندی . عمادی پیش از آنکه به عماالدوله به پیوندد ، شهرتی نداشته است ، لیکن شاعر نوازی این امیر موجب تقویت فکر و قریحهٔ او شده است . وی پس از وفات عمادالدوله به‌عراق آمدوبه‌دربارطغرل بن محمدپیوسته‌واوراسدح گفته‌است . دیگر از ممدوحان او اتابک‌جهان پهلوان می‌باشد . اشعار عمادی‌روان است ولی گاه به‌سبب تشبیهات وتعبیرات دشوار مشکل می‌شود .

عمارهٔ مروزی (ت) وفات‌اوائل قرن پنجم —ازشاعران معروف اواخر عصر سامانی واوائل غزنوی که‌اقامتش درمرو بوده است . عماره درقتل ابوابراهیم آخرین شاهزادهٔ سامانی مرثیه‌ای ساخته وپس ازآن سلطان محمود سبکتکین را نیز مدح کرده است .

قطعاتی از اشعاراودرلغت‌فرس‌اسدی ولباب‌الالباب نقل‌شداست .

عمعق بخارائی (ت) امیرالشعرا ابوالنجیب شهاب‌الدین عمعق بخارائی .وفات۵۴۳ — از شاعران‌معروف ماوراءالنهردراوایل‌قرن‌ششم .

مولدش بخاراست و پس از کسب فضائل به سمرقند رفت وبه دربار آل خاقان راه یافت ودر دربارخضرخان ابراهیم به لقب ملک‌الشعرائی مفتخر گشت . از ممدوحان و معاصران عمعق ابوالحسن شمس‌الملک نصربن طمغاج خان ابراهیم بن نصرواحمد خان بن خضرخان ومحمود خان بن شمس‌الملک نصرورکن‌الدین ابوالمظفر طمغاج خان مسعود و چند تن دیگر از ملوك خانیه است . عمعق باسلطان سنجر رابطه داشت ومرثیه‌ای درمرگ دخترش سروده‌است وازشاعران ماوراءالنهر بارشیدی سمرقندی وانوری معاصر بوده است .

عمعق برعلوم زمان خوداحاطهٔ کامل داشت واین امر دراشعارش نمودار است . وی در صنایع بدیع خاصه درآوردن تشبیهات لطیف وکلمات موزون استادی داشته است . دیوانش شامل قصیده و رباعی است .

یوسف وزلیخائی را که بر دو بحر خوانده می‌شود به او نسبت داده‌اند که اکنون دردست نیست .

عنصرالمعالی (ت) امیرعنصر المعالی کیکاوس بن اسکندربن قابوس‌وشمگیر. وفات درحدود ۴۹۲ــاز امیران دانشمند خاندان زیاری که درقرن چهارم وپنجم در گرگان و گیلان وطبرستان ورویان وری‌وجبال امارت داشتند . عنصرالمعالی مدتی طولانی از سرزمین امارت خاندان خود دور بوده است وبنابر گفتهٔ او هشت سال در غزنین ندیم مودودبن مسعودغزنوی بوده‌وچندی در هندوستان بسر برده ومدتی‌نیز درسفرحج گذرانیده است .

عنصرالمعالی مردی دانشمند بود که علاوه‌برنویسندگی به زبان فارسی دری وطبری شعر می‌سروده است . در انشاء و عروض و موسیقی ونجوم دست داشته وازآثار معروف او «قابوسنامه» است .

عنصری (ت) ابوالقاسم حسن بن احمد. وفات ۴۳۱ — از شاعران بزرگ قصیده سرای دورهٔ غزنوی. عنصری بوسیلهٔ امیرنصربن ناصرالدین به خدمت سلطان محمود معرفی شد ونزد او تقرب یافت وملک‌الشعرای دربارگشت ومال وثروت فراوان بدست‌آورد. اشعارش بیشتر درمدح سلطان‌محمودوامیرنصروسلطان‌مسعودوفتوحات ولشکرکشی‌هاوجنگهای ایشان است. دیوان‌قصایدعنصری اکنون متجاوز از دوهزار بیت دارد وگویا دراصل سی‌هزار بیت بوده است. عنصری جز دیوان شعر، منظومه‌های دیگر نیز داشته‌است مانند مثنوی «وامق وعذرا» و «سرخ بت‌وخنگ بت» «شادبهروعین‌الحیات» که‌بعضی ازابیات‌آنها درفرهنگها موجود است. عنصری به‌زبان وادب عرب نیز احاطهٔ کامل داشته ودر اشعارش فکر منطقی واحاطهٔ او برعلوم عقلی آشکاراست. سبک‌قصیده سرائی عنصری بعدها مورد تقلید بیشترشاعران قصیده سرا قرارگرفته است.

عوا (نج) منزلی ازمنازل‌قمر، که‌شامل چهارستاره است به‌صورت سگ فریاد کننده

خصم سگدل زحسدنالد چون‌جبهت‌ماه
نور بی صرفه دهد وعوع عوا شنوند
«خاقانی»

عوفی (ت) سدیدالدین یانورالدین محمدبن محمدعوفی بخاری. وفات ۶۳۵ از نویسندگان ودانشمندان بزرگ‌ایران دراواخرقرن‌ششم واوایل قرن هفتم. وی ازفرزندان‌عبدالرحمن بن عوف ازمشاهیرصحابهٔ رسول اکرم می‌باشدوبه همین‌جهت‌به‌عوفی‌شهرت یافته است. ولادتش دربخارا درنیمهٔ دوم قرن ششم اتفاق افتاد و تحصیلات خود را همانجا

انجام داد. پس ازآن به بلاد ماوراءالنهر وخراسان وسیستان سفر کرد وبا بزرگان ودانشمندان ملاقات کرد. عوفی دراوائل حملهٔ مغول به بلاد سندرفت وبه خدمت ناصرالدین قباجه رسید وتاسال ۶۲۵ درخدمت او بود و هنگامی که ناصرالدین قباجه مغلوب سلطان شمس الدین التتمش شد وخود را درسند غرق کرد، عوفی به خدمت التتمش درآمد ودردهلی اقامت کرد.

عوفی علاوه برنویسندگی شعرنیز می گفته وقصاید وقطعات مختلف از او باقی است ودرجوامع الحکایات قطعه‌ای از اشعاری که درستایش نظام الملک جنیدی سروده است ذکر کرده است.

از آثار مشهور عوفی «لباب الالباب» و «جوامع الحکایات» است.

عیسی (تن) عیسی بن مریم ازپیغمبران اولوالعزم و کتاب آسمانیش انجیل است. عیسی قوم اسرائیل را به دین خود دعوت کرد، ایشان نپذیرفتند وازاو معجزه خواستند او مرده ای را به التماس ایشان زنده کرد تا به پیغمبری او گواهی داد. سرانجام جهودان قصد کشتن اورا کردند عیسی گریخت ولی یکی از حواریون، یهودانام، دربرابر سی درم رشوه عیسی را به ایشان نشان داد. جهودان خواستند عیسی را بگیرند، حق تعالی اورا ازچشم ایشان پنهان داشت وایشوع، بزرگ یهود را به صورت عیسی درآورد. اورا گرفتند، هرچه فریاد کرد «من ایشوعم» فایده نکرد ایشوع را به دارزدند وعیسی به آسمان رفت. ایشوع هفت شبانه روز بردرخت ماند. مریم هرشب پای درخت می رفت ومی گریست. شب هفتم عیسی ازآسمان به زمین آمد تا مریم را آرامش بخشد، هفت نفر از حواریون آن شب عیسی را دیدند وتاصبح با او بودند، سحرگاه عیسی به آسمان رفت.

به غیرت از نفسش روح عیسی مریم
به خجلت از قلمش چوب موسی‌عمران
«انوری»

عین القضاة (ت) ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی. وفات ۵۲۰ــ از مشایخ صوفیه وازشاگردان عمرخیام وامام‌احمد غزالی که درآثار خود ازاستادش غزالی گفته های بسیارنقل کرده‌است. عین‌القضاة درجوانی به کسب کمالات پرداخت وازراه‌مطالعه درمعارف‌عصر خود تبحر یافت . وی بارجال مشهور زمان خود مکاتبه داشته‌است وبه علت بی‌پروایی در افشای اسرار صوفیان و حملهٔ به متعصبان مورد کینهٔ علمای متعصب قرار گرفت وسرانجام هم درسال ۵۲۰ به تهمت الحاد وزندقه درهمدان بردار کشیده شد . وی به‌علت حسن بیان‌ونفوذ کلام مریدان بسیار داشت که به او عشق و ارادت می‌ورزیدند . عین‌القضاة درمدت عمرکوتاه خود یعنی درسی‌وسه سال ، آثار بسیاری به‌فارسی وعربی از خود باقی گذاشت از جمله «یزدان شناخت» ، «تمهیدات یازبدة‌الحقایق» و«مکاتیب» .

عیوب‌قافیه (ق) عیوب قافیه هشت است . اقواء ، اکفاء سناد ، ایطا ، مناقصه ، تضمین ، تخلیع ، عدول . (به هریک از این کلمات رجوع شود)

عیوق (نج) ازستارگان ثابت که بربازوی ممسک‌العنان(گیرندهٔ عنان) است

بسوده دست جلال تو دامن عیوق
سپرده پای کمال تو ذروهٔ اعلی

عیوقی (ت) ازشاعران قرن ششم‌ودورهٔ سلجوقیان .مثنوی«ورقه

و گلشاه » از او باقی است .

عیون‌الاخبار (ك) تألیف ابوعبدالله محمدالدینوری معروف به ابن قتیبه . این کتاب به‌زبان‌عربی‌ودارای مقدمه وده باب است وعلاوه برحکایتهای تاریخی ، شامل مطالبی اجتماعی است مانند شرح صفات وسیرتهای طبقات مختلف کشورهاوخطبه های‌تاریخی‌وحدیثهای‌معروف. ابن‌قتیبه آداب لشکر کشی‌وسلاح پوشی اعراب وایرانیها را نشان‌می‌دهد آداب تیراندازی ، اسب سواری رااز کتاب‌آئین‌نامک که‌از بین‌رفته‌است نقل می‌کند . ازاین کتاب بخوبی می‌توان به عادات و روحیات ملل وسیاستها وطرز حکومتها و رفتاراسراو پادشاهان پی برد . علاوه براین نکات جغرافیائی هم دارد که قابل استفاده است .

غ

غالب (ت) میرزا اسداله‌خان غالب. وفات ۱۲۸۵- از شاعران پارسی زبان هند است که درشهرآگرا متولد شده ودردهلی اقامت کرده وهمانجا وفات یافته است. غالب به زبان اردو وفارسی شعر می گفت اشعاری درمدح بهادرشاه ثانی آخرین پادشاه بابریان دارد. ازغالب قصاید وغزلهای بسیار باقی مانده است.

(دیوان غالب — چاپ هند)

غرراخبارملوك الفرس‌وسیرهم (ك) تاریخ مهمی به زبان عربی تألیف ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری که آن‌را به امر ابوالمظفر نصربن ناصرالدین سبکتکین تدوین کرده است.

موضوع کتاب‌تاریخ شاهان‌ایران است ازابتدای شاهی کیومرث تا یزدجردبن‌شهریار، آخرین شاه ساسانی.

ثعالبی داستانهای‌ملی ایران را مانندداستان زال ورودابه ورستم واسفندیار دراین تاریخ ذکرکرده است. منابع ثعالبی کتب مختلف فارسی‌وعربی‌مانندتاریخ حمزه‌اصفهانی،تاریخ‌طبری، شاهنامهٔ‌ابومنصوری است. ازمسعودی‌مروزی ومزدوج‌اونیزنام می‌برد. بسیاری‌ازداستانهای کتاب‌ثعالبی‌عیناً داستان‌شاهنامهٔ فردوسی است وحتی‌طرز بیان حکایتها شبیه به هم است.

غریب(ع) ازبحورمخصوص‌شعرفارسی. «فاعلاتن فاعلاتن مستفعلن

۲ بار» . اما این بحر درفارسی نیز رواج بسیار ندارد .

بحر غریب مسدس مخبون (فعلاتن مفاعلن مفاعلن)

ملکا تیغ توسر بدسگال را بخورد همچو غضنفر شکال را

غزالی (ت) حجةالاسلام امام زین العابدین ابوحامد محمد بن محمد غزالی طوسی. وفات ٥٠٥ — ازمشهورترین متکلمان وعالمان دین اسلام درقرن پنجم . علوم دینی وادبی را در مدارس طوس ونزدیکی از دوستان پدرش موسوم به ابوحامد احمد رادکانی آموخت ، سپس به نیشابور رفت ودرآنجا نزد امام الحرمین ابوالمعالی جوینی ، فقیه بزرگ شافعی ، به تحصیل علم پرداخت ودربیست وهشت سالگی درعلوم متداول دینی زمان خود استاد گردید وپس از وفات امام الحرمین به خدمت خواجه نظام الملک رسیدودر سال ٤٨٤ بنابه دعوت او برای تدریس در مدرسه نظامیه ، به بغداد رفت وچهارسال درآنجا به تدریس مشغول بود .

شهرت غزالی در همان اوایل جوانی به حدی رسید که چند بار ازطرف ملکشاه به رسالت نزد خلیفه رفت . امام غزالی باوجود شهرت ومقام عالی که بدست آورده بود ، درسی ونه سالگی میل به اعتزال کرد وامام احمد غزالی برادر خود را درنظامیه جانشین کرد وخود به حج رفت و مدت ده سال درشهرهای بیت المقدس و شام و مصر وحجاز گذراند وبعضی ازکتابهای خود را درآن مدت تألیف کرد . پس ازاین سفر طولانی به طوس بازگشت ومدتی درنظامیهٔ نیشابور تدریس کردو بعد ازآن عزلت گزید تا درسال ٥٠٥ درطوس درگذشت .

غزالی درحدود هفتاد کتاب ورساله درعلوم دین واصول و کلام وحدیث واخلاق وفلسفه ومنطق وتصوف تألیف کرده است. ازآثارمعروف او به زبان عربی «احیاء العلوم» ، «مقاصد الفلاسفه» «تهافت الفلاسفه»، درفلسفه

وحکمت،«معیارالعلم» درمنطق ، از رساله های مهم‌او رسالهٔ «المنقذ من الضلال» است که درحقیقت سرگذشت روحانی اوست. «الوسیط» درفقه و «البسیط» درفروع مذهب شافعی .

ازآثار مهم او به فارسی مجموعهٔ مکاتیب فارسی، کیمیای سعادت، نصیحة الملوك است .

غزالی از دانشمندان بزرگی است که مدتها دچار حملهٔ سخت متعصبان واقع شده و به تهمت زندقه و الحاد گرفتار گشته است . وی گذشته از مقام بزرگش درعلوم مختلف ، در نثر فارسی هم مقام خاصی دارد ودرآوردن لغات واصطلاحات تازه بطریق ساده ودرخور فهم عوام قدم تازه‌ای درنثر فارسی برداشته است .

غزالی (ت) شیخ المشایخ مجدالدین ابوالفتوح احمدبن محمد غزالی‌طوسی. وفات . ۵۲-برادرحجةالاسلام‌ابوحامدمحمدبن‌محمدغزالی وازجملهٔ فقیهان مذهب شافعی. وی مدتی‌بجای برادر درمدرسهٔ‌نظامیه بغداد تدریس کرد . غزالی به وعظ علاقهٔ بسیاری داشته ومربی چند تن از مشایخ بزرگ صوفیه بوده است.

ازآثار او کتاب «بحرالحقیقة» است وموضوع آن مراحل وصول به حق است یعنی برای رسیدن به حق باید از بحرهای ، معرفت ، جلال ، وحدانیت، ربوبیت، الوهیت، عزت، گذشت. دیگر کتاب «الذخیره فی‌علم‌البصیرة» . دیگر «سوانح العشاق» که غزالی‌آن را در اسرار عشق نوشته است ودرضمن فصول، حکایتهاومثلها واشعاری ذکر کرده‌است. نوشتهٔ این کتاب‌بسیارساده وپرازلطف است . دیگر از آثار او مکاتیبی است به فارسی که همهٔ‌آنهابه اشاراتی ازآیات واحادیث‌آمیخته‌وبسیاری از عقاید درآنها مورد بحث قرار گرفته است .

غزل (ب) ابیاتی است در وزن وقافیهٔ واحد، ومصراع اول بیت نخستین یعنی مطلع شعر نیزدارای قافیه است . غزل از حیث ظاهر مانند قصیده است جز آنکه عدد ابیات غزل از هفت تا چهارده است و بیشتر مضمون عاشقانه داردو دربیان احساسات یا گفتگوی با معشوق وخطاب به اوست. غزل یاعرفانی است یعنی مضمون آن مربوط به عالم فوق الطبیعه وحقیقت مطلق ومطالب اخلاقی می باشد یا غزل عادی که خطاب به معشوق ودوست است .غزلهای حافظ وسعدی ومولوی نمونهٔ عالی غزل فارسی است .

غضائری رازی (ت) ابوزید محمد الغضایری الرازی. وفات ۴۲۶—از شاعران دورهٔ غزنوی وشیعی مذهب . غضائری اهل ری بوده وامیران دیلمی آل بویه را درری مدح گفته است . اشعاری نیز درمدح سلطان محمود غزنوی دارد .خاصه درقصیدهٔ لامیه از عطایای این شاه سخن گفته است . دیوان غضاتری دردست نیست .

غضائری باعنصری بحث ادبی داشته است و قصایدی انتقادی برای یکدیگر می‌فرستادند .

ازاشعارش قصائدوقطعه هائی در کتابهای لغت‌وتذکره باقی است .

غلمان (تن) جمع غلام . پسران بهشتی .این کلمه در قرآن کریم آمده است .

فردا اگرنه روضهٔ رضوان به ما دهند   غلمان زروضه حورزجنت بدر کشیم

«حافظ»

غنی (ت) ملامحمدطاهرغنی کشمیری. وفات ۱۰۷۷—ازشاعران معروف هندوستان ومعاصر صائب . دیوانش شامل غزلهائی است که نمونه‌ای از رقت‌خیال است .   (دیوان غنی — چاپ هند)

غیاث اللغات(ك) فرهنگی تألیف محمد غیاث الدین بن جلال الدین

بن‌شرف‌الدین رامپوری از فارسی شناسان هند که آن را در سال ۱۲۴۲ پس از چهارده‌سال‌صرف وقت تألیف کرده است . این کتاب جامع‌لغات کثیرالاستعمال فارسی‌وعربی وترکی است که‌مؤلف آن ازکتابهای لغت وادب و شعر ونجوم وطب استفاده‌کرده وبرای هرلغت مأخذ ومنبعی ذکر می کند کتاب از این‌حیث دارای ارزش است ولی فاقد شواهد شعری و نثری می‌باشد .

(غیاث‌اللغات — چاپ‌هندو تهران)

ف

فارابی (ت) ابونصر محمدبن محمد الفارابی . وفات ۳۳۹-از بزرگترین فیلسوفان ایرانی . درشهرفاراب ماوراءالنهر متولد شده است. بعضی نژاداو را از ترکان وبیشتر از ایران می‌دانند. فارابی ازماوراءالنهر به بغداد رفت ودرآنجا به تحصیل زبان عربی پرداخت وعلوم فلسفی را نیز همانجا فراگرفت و کتابهای ارسطو را مطالعه کرد . پس از آن به حلب ودمشق رفت وبه خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان رسید وهمچنان دردمشق ماند و به تألیف پرداخت . فارابی به سبب شرحهائی که بر آثار ارسطو نوشته است به «المعلم الثانی» مشهور شده است و مقام او را بعد از ارسطور قرار داده‌اند . فارابی در همهٔ علوم عهد خود استاد وصاحب تألیف است . درریاضیات وموسیقی وطب اطلاعات بسیارداشته است وازآثاراوشرحهائی است که برانالوطیقای اول وثانی وسوفسطیقا وبوطیقای ارسطونوشته است. درعلم‌النفس کتاب النفس اسکندرالافرودیسی ودرعلوم، السماع الطبیعی والاثارالعلویه والسماء والعالم و کتاب‌الحروف ارسطو والمجسطی بطلمیوس راتفسیر کرده‌است. از کتابهای دیگراو «رسالة فی مبادی آراء اهل المدینة الفاضله» و«فصوص الحکم» و«الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس». فارابی کوشیده‌است که دراین کتاب بین عقاید افلاطون وارسطوالتیام دهد. عقاید فارابی درفیلسوفان بعد از او اثر فراوان داشته است .

فارسنامه (ك) تألیف ابن البلخی که دراوائل قرن ششم وبنا به دستور سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی تألیف یافته است واز کتابهای معتبر فارسی واز منابع تاریخ پیش از اسلام وجغرافیای فارس است. مؤلف دراین کتاب‌ازتاریخ حمزة بن‌الحسن وتاریخ محمدبن جریرطبری وکتابهای دیگرعربی وفارسی‌استفاده کرده‌است. دراین کتاب‌پادشاهان ایران پیش از حملهٔ عرب برچهار دسته تقسیم شده‌اند : پیشدادیان— کیانیان — اشکانیان ـ ساسانیان . مؤلف ازاسکندرجانشینانی نیز ذکر کرده است . نثرکتاب بسیار روان ومحکم است .

(چاپ تهران — ۱۳۱۲ شمسی)

فاصله (ع) از ارکان اوزان عروض .

فاصله بردوقسم است : فاصلهٔ صغری . فاصلهٔ کبری .

فاصلهٔ صغری عبارت است ازسه‌متحرك و یك ساکن . مثال : بدهم و علامت آن سه صفر است و یك الف ۱۰۰۰

فاصلهٔ کبری چهار متحرك است و یك ساکن مثال : بدهمش . ومثال آن چهار صفر و یك الف است براین‌صورت : ۱۰۰۰۰

فتحعلی‌خان‌صبا (ت) رجوع شود به صبا

فتوحی (ت) اثیرالدین شرف الحکماء فتوحی مروزی‌ازشاعران بزرك مرو درنیمهٔ آخرقرن ششم . فتوحی معاصر انوری است وبنابرقول رضاقلیخان هدایت قطعهٔ‌مربوط‌به« هجوبلخ » که به‌انوری نسبت‌داده‌انداز فتوحی‌است .وی‌باادیب‌صابردوستی‌ومکاتبه‌داشته‌است وعوفی‌اورادرنظم ونثر استاد دانسته است . اشعاری از فتوحی در تذکره‌ها باقی است .

فخرالدین عراقی (ت) رجوع شود به عراقی

فخررازی (ت) ابوعبدالله فخرالدین محمدبن عمربن الحسین

طبری رازی . وفات ۶۰۶ — معروف به ابن الخطیب ازفیلسوفان ومتکلمان وفقیهان شافعی واز عالمان بزرگ ایران درقرن ششم که درعلوم اسلامی از نوادر زمان خود به شمار می‌رفت . امام فخر رازی در فنون مختلف تألیفات مهم دارد وبه مناسبت آنکه در جدل وایراد برفلاسفه و شک درمسائل فلسفی استادی داشت اورا «امام المشککین» خوانده‌اند. فخررازی از مخالفان ابن‌سینا بود و ازراه استدلال عقلی و فلسفی به رد عقاید او پرداخت .

از آثار مشهور او به زبان‌عربی در کلام «نهایةالعقول» و «کتاب «الاربعین» و«محصل افکارالمتقدمین والمتأخرین من الحکماءوالمتکلمین .» و رساله ای درمعراج است .

درفلسفه وحکمت : الملخص،شرح الاشارات ،شرح عیون‌الحکمة، مباحث المشرقیه،النهایة است. در تفسیر :مفاتیح الغیب ، که‌معروف به تفسیر کبیر است‌ودرحقیقت‌دائرةالمعارفی‌است‌ازعلوم دینی که‌ناتمام گذارده‌است . دیگر «نهایةالاعجاز» دربیان‌مواردفصاحت‌وبلاغت‌قرآن .

مهمترین آثار او به زبان فارسی «جامع‌العلوم» یا حدائق الانوار فی حقایق الاسرار است که آن را به نام علاءالدین تکش خوارزمشاه درسال ۵۷۴ تألیف کرد . دیگررسالهٔ روحیه است درحقیقت روح‌وفنای جسم وحکمت مرگ وپندونصیحت .دیگر«اصول‌عقاید» درهشت باب. دیگر رسالهٔ «الاختیارات العلائیه» درنجوم که آن‌را به نام علاءالدین خوارزمشاه دردومقاله نوشته‌است واین کتاب به عربی ترجمه‌شده است.

فخرگرگانی (ت) فخرالدین اسعدالجرجانی . وفات در حدود ۴۶۶ — ازشاعران داستانسرای ایران درقرن پنجم .وی معاصر ابوطالب

طغرل بیک محمدبن میکائیل بوده ونزد اوتقرب داشته است . از احوال فخرالدین اسعد اطلاع بسیاری دردست نیست ولی از اشعار اوپیداست که با اکثر علوم متداول زمان خود آشنا بوده و کتب فلسفه وحکمت خوانده واز ادبیات فارسی وعربی اطلاع کامل داشته وبه زبان پهلوی نیز آشنا بوده است . فخرالدین اسعد هنگامی که طغرل سلجوقی درسال ۴۴۳ هجری اصفهان را فتح کرد، با او بود وبعد ازاو درآنجا نزدحاکم اصفهان ابوالفتح المظفربن محمد ماند وبه درخواست او داستان ویس ورامین را به نظم آورد . فخر گرگانی سلطان ابوطالب طغرل بیک وخواجه عمیدالملک کندری وزیر معروف طغرل وخواجه عمیدابوالفتح را مدح گفته است .

فرالاوی (ت) ابوعبدالله محمدبن موسی الفرالاوی ازشاعران معروف سامانیان ومعاصر شهید بلخی که رودکی اورا باشهید در یک ردیف آورده‌است . ابیات کمی ازاین شاعر درمجمع الفصحاء ولباب الالباب عوفی ذکرشده است .

فرخی (ت) ابوالحسن علی بن جولوغ . وفات ۴۲۹-ازشاعران بزرگ دربار سلطان محمود غزنوی . پدرش غلام امیر خلف بانو یعنی خلف بن احمدبن محمد خلف بن اللیث صفاری بوده است . فرخی ابتدا به دربار چغانیان رفت و ابوالمظفر احمدبن محمد امیر چغانی را مدح کرد و مورد نوازش او قرار گرفت . پس ازآن به دربار غزنوی روی نهاد ومورد اکرام محمودغزنوی واقع شد. قسمت عمدهٔ قصاید فرخی درمدح سلطان محمود وپسران وبرادرش ووزیران وندیمان آنان می‌باشد .

دیوان فرخی بیش از نه هزاربیت دارد وشامل قصاید وغزلیات وقطعات و ترجیع بند و رباعیات می باشد . اشعار فرخی بسیار ساده

وطبیعی است واز پیچیدگی وتکلف خالی‌است. درتغزل با دنیای واقعی بیشتر سروکار دارد ودرقصایدنیز جنبهٔ واقعیت تاریخی را بیشتر درنظر گرفته‌است، خاصه جنگهائی راکه خود ناظر آن بوده است‌بسیار زنده و حقیقی وصف می‌کند. فرخی با موسیقی نیز آشنائی داشته و چنگ می‌نواخته است. همچنین در عروض و نقدالشعر دست داشته کتاب «ترجمان‌البلاغه» را به او نسبت داده‌اند، ولی این نسبت درست‌نیست زیراکه تألیف این کتاب دراواخر قرن پنجم واوائل قرن ششم بوسیلهٔ یکی از ادیبان به‌نام محمدبن عمرالرادویانی صورت‌گرفته است.

فرخی را می‌توان ازقصیده سرایان درجهٔ اول ایران دانست.

(دیوان فرخی- چاپ تهران)

فرد (ب) عبارت است ازبیتی مستقل که دارای معنی خاص ومستقل باشد، خواه دومصراع آن یک قافیه داشته باشد یانه. مثال:

ران ملخی نزد سلیمان بردن

عیب‌است‌ولیکن هنراست‌ازموری

فردوسی (ت) ابوالقاسم‌حسن. وفات ۴۱۱ یا ۴۱۶—شاعربزرگ حماسه سرای ایران درقرن چهارم وپنجم. وی ازخانوادهٔ دهقانان‌بود وثروت وضیاع موروث‌داشت. فردوسی‌درحدود سال ۳۷۰ درسن‌چهل سالگی به نظم‌شاهنامه شروع کرد وآن را درحدود سال ۴۰۰ به‌پایان رساند و در حدود سال ۳۹۳ بادربارسلطان محمود رابطه یافت، یعنی هنگامی که ثروت‌خود را صرف شاهنامه کرد واز تهیدستی به جان‌آمد، به فکر تقدیم شاهنامه به محمودبن ناصرالدین سبکتکین افتاد وبوسیلهٔ ابوالعباس فضل بن‌احمد اسفراینی، نخستین وزیر سلطان محمود، به دربار او معرفی شد. اما پس از عزل و مصادره ابوالعباس یا بعلل

دیگر که از آن جمله تشیع فردوسی و تعصب محمود در مذهب سنت بود و به علت مدح فراوان از شاهان ایران مورد بیمهری سلطان قرار گرفت، چنانکه محمود برخلاف عهد خود به جای یک دینار در برابر هربیت یک درم به او داد و این امر موجب رنجش فراوان فردوسی گشت و از غزنین به خراسان عزیمت کرد و شش ماه در خانهٔ اسمعیل وراق ، پدر ازرقی شاعر ، ماند و از آنجا به طبرستان رفت و به خدمت سپهبد شهریار از آل باوند رسید و محمود را هجا کرد . ولی شهریار آن هجا را خرید و دستور داد تا به‌آب شستند. فردوسی از مازندران به خراسان بازگشت و در مولد خود بسر برد تا به سال ٤١١ یا ٤١٦ بدرود زندگی گفت. گویند وقتی سلطان محمود انعام وصلهٔ شاعر را فرستاد که جنازهٔ او را به گورستان می‌بردند . اثر معروف او شاهنامه است که گرانبهاترین و بزرگترین اثر ادبی ایران است . قصهٔ یوسف وزلیخای منظوم را به او نسبت می دادند ولی اکنون مسلم شده است که از او نیست.

فرقدان یا فرقدین (نج) از کواکب ثابت ودوستارهٔ روشن است برسینهٔ دب اصغر

ای رسانیده به دولت فرق خود برفرقدین

گسترانیده به جود و فضل درعالم بدین

«ابوالعباس مروزی»

فرقدی (ت) محمدبن عمر فرقدی ازشاعران خراسان در اواخرقرن ششم. معاصرومداح محمدبن سام پادشاه غوری است . اشعار کمی از او باقی است که قدرت او را درشعر می‌رساند .

فرنگیس (ش — د) از زنان داستانی شاهنامه ودخترافراسیاب که سیاوش اورا به زنی گرفت وهنگامی که سیاوش نزد افراسیاب متهم

شد ، فرنگیس به زاری نزد پدر رفت واورا ازکشتن سیاوش منع کرد ، اما افراسیاب گذشته ازکشتن سیاوش فرمان داد که فرنگیس را آنقدر بزنند تا طفلی که‌ازسیاوش درشکم اوست، بیفتد . سرانجام پیران‌ویسه خود را به درگاه رساند وفرنگیس را از افراسیاب گرفت و به خانه برد وجانش را نجات داد .فرنگیس کیخسرو را به جهان‌آورد وچندسال پس ازآن به یاری گیو باپسرخود به ایران گریخت .

فرنود سار (ك) رجوع شود به فرهنگ نفیسی

فروغی(ت) محمد علی‌ملقب به ذکاءالملك. وفات ۱۳۲۱ — از رجال و دانشمندان معاصر . فروغی در سال ۱۲۹۵ قمری متولد شد و تحصیلات خود را درمدرسهٔ دارالفنون به‌پایان رسانید وبه‌مطالعهٔ درفلسفه‌پرداخت . مدتی به تدریس درمدرسهٔ علوم‌سیاسی اشتغال‌داشت وپس ازآن به‌ریاست‌مدرسه منصوب گشت. فروغی به‌زبان وادب‌فرانسه تسلط کامل‌داشت . وی علاوه بر کسب‌دانش به‌امورسیاسی واجتماعی نیز می‌پرداخت و سالها نمایندگی مجلس شوری ، وزارت ، سفارت ، نخست وزیری ، نمایندگی ایران درجامعهٔ ملل ، ریاست جامعهٔ ملل ، ریاست دیوان عالی تمیز را به عهده داشت .

از آثار فروغی کتابهائی است‌درتاریخ ، فیزیك ، علوم،وتصحیح آثار بزرگان ادب مانند ،کلیات سعدی،دیوان حافظ ، رباعیات خیام واز آثار معروف او کتاب «سیر حکمت دراروپا»ست‌درسه جلد. «حکمت سقراط به‌قلم افلاطون»در دو جلد. «آئین‌سخنوری»

اغلب‌آثار فروغی به چاپ رسیده‌است.

فروغی بسطامی (ت) میرزا عباس بسطامی. وفات ۱۲۷٤—از بزرگزادگان بسطام. دوران کودکی را در بسطام بسربرده و دراوایل

سلطنت فتحعلیشاه قاجار به تهران عزیمت کرد وبه تحصیل علوم ادبی پرداخت . فروغی درابتدا «مسکین» تخلص می کرد وبعدها به‌مناسبت انتساب به دربارفروغ الدوله، فرزند حسنعلی میرزا شجاع السلطنه‌والی خراسان و کرمان ، به فروغی تخلص یافت . ابتدا به مدح شاهان وشاهزادگان قاجار پرداخت وپس ازآن به تصوف متمایل شد و عزلت برگزید و به سرودن غزلهای عرفانی پرداخت . فروغی را می‌توان از بزرگترین غزلسرایان متصوف عهد اخیر به‌شمارآورد . دیوان‌فروغی چند باربه چاپ رسیده است .

فرهاد (ش — د) از اشخاص داستان عاشقانهٔ خسرووشیرین . داستان خسرو وشیرین وفرهاد وشیرین را چند تن ازشاعران ایرانی به نظم درآورده‌اند ولی مهمترین و معروفترین آنها داستان خسرووشیرین نظامی داستانسرای بزرك ایران درقرن ششم هجری است .

فرهاد درعشق رقیب خسرو است و در راه معشوق به کارهای دشوار تن درمی‌دهد . فداکاری وپایداری او درعشق شیرین ، خسرو را برمی‌انگیزد که اورا به کندن کوه‌بیستون بگمارد. فرهاد از دل‌وجان این‌شغل را می‌پذیردومدتهادرآرزوی‌وصل‌شیرین به کوه کندن‌می‌پردازد، سرانجام به‌تدبیرخسرو خبر مرگ شیرین را به دروغ به او می‌رسانند واو باتیشه فرق خود را می‌شکافد ودرمی گذرد .

دل به امید صدائی که مگر درتو رسد
نالـه‌ها کرد درین کوه که فرهاد نکرد

«حافظ»

فرهاد وشیرین (ك) منظومه‌ای ازوحشی‌بافقی که آن رابه‌تقلید خسرووشیرین نظامی ساخته ولی نتوانسته است به پایان برساند . این

مثنوی ناتمام دارای هزار و هفتاد بیت است و وصال شیرازی در سال ۱۲۶۰ آن را به پایان رسانده است. این منظومه از بهترین آثار وحشی است و گویا در زمان حیات خود شاعر نیز معروف بوده و دهان به دهان می گشته است. (چاپ تهران)

فرهنگ آنندراج (ك) لغت‌نامه‌ای به‌زبان فارسی تألیف محمد پادشاه متخلص به شاد که آن‌را در سال ۱۳۰۵ هجری قمری به کمک دو برادرش در سرزمین هندوستان تدوین کرده‌است. این کتاب جامع لغات فارسی و تازی است و بر حسب حروف الفباء تنظیم شده. مؤلف در این کتاب از فرهنگهائی مانند منتهی‌الارب، برهان قاطع، فرهنگ جهانگیری، انجمن‌آراء، غیاث اللغات و امثال آن استفاده کرده است. وی بیشتر لغات فارسی‌را باشواهد شعری‌آورده و گاهی به‌اصطلاحات متداول عامه اشاره کرده‌است. فرهنگ‌آنندراج فرهنگ جامعی است که به‌سبب‌اشتمال بر لغات فارسی وعربی ممتاز است. (چاپ تهران)

فرهنگ انجمن آراء (ك) فرهنگ انجمن آرای ناصری تازه‌ترین کتاب لغت فارسی وآخرین تألیف معروف رضاقلیخان هدایت، که آن را در سال ۱۲۸۶ و به نام ناصرالدین شاه تألیف کرده‌است. این فرهنگ منحصر به‌لغات فارسی‌است ومشتمل برمقدمه‌ای‌است حاوی چندین آرایش، درتوضیح لغات وبیان‌بعضی از اشتباهات درلغات فرهنگها وتحقیق زبان فارسی وبیان حروف تهجی وآئین‌شناختن مصدر واصطلاحات علم صرف ونحو وبیان وامثال آنها

متن کتاب‌شامل بیست‌وچهار انجمن‌است‌ودرخاتمهٔ کتاب‌بعضی‌از استعارات وکنایات فارسی و عربی باشواهد شعر از فصحا وبلغا ذکر شده است. (فرهنگ انجمن آراء — چاپ تهران)

فرهنگ جهانگیری (ك) کتاب لغتی تألیف میرجمال الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجوی شیرازی از رجال معروف هندوستان. مؤلف کتاب را درزمان شاهی اکبرشاه یعنی سال ۱۰۰۵ شروع کرد ودرزمان سلطنت پسرش جهانگیرشاه یعنی درسال ۱۰۱۷ به‌نام او به‌پایان رساند. این کتاب شامل لغتهای فارسی الاصل است ومؤلف برای هرلغت شعری برسبیل شاهد آورده است وچنانکه خود درمقدمهٔ کتاب می گوید چهل وچهار کتاب لغت دراختیار داشته وازآنهااستفاده کرده است. فرهنگ جهانگیری بسیار جامع وسودمند است و مورد تقلید و پیروی فرهنگ نویسان بعد مانند صاحب برهان قاطع قرارگرفته است.

فرهنگ رشیدی (ك) از لغت نامه های نفیس فارسی تألیف عبدالرشیدبن عبدالغفور الحسینی المدنی التتوی که‌آن را درسال ۱۰٦٤ درهندوستان تألیف کرده است. فرهنگ رشیدی از لحاظ صحت و دقت در مندرجات، از معتبرترین لغت نامه های فارسی است و همیشه مورد توجه خاص لغویون بوده است. مؤلف فرهنگ رشیدی درمقدمهٔ کتاب از فرهنگ جهانگیری وسروری انتقاداتی کرده واجتناب ازسهل انگاری واشتباهات ایشان‌را درکتاب خود لازم دانسته است. فرهنگ رشیدی چنانکه مؤلف خود گوید مشتمل بریک مقدمه وچند باب وخاتمه‌است.

(فرهنگ رشیدی - چاپ تهران)

فرهنگ سروری (ك) یا مجمع الفرس، فرهنگی به زبان فارسی تألیف محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی متخلص به سروری. مؤلف این فرهنگ را درچند نوبت نوشته است به‌این معنی که هربار منابع ومآخذ تازه‌ای به دست آورده‌وبرشرح لغتهای سابق افزوده است. نسخهٔ کامل

آن تاریخ ۱۰۵٤ هجری رادارد. مؤلف مجمع الفرس فرهنگهای مختلفی مانند فرهنگ جهانگیری وتحفة السعادة وامثال آن را در دست داشته است. مجمع الفرس دارای شواهد بسیار از اشعار استادان فارسی زبان است باذکر مأخذ نقل هرلغت ونقد بعضی ازلغات. (چاپ تهران)

فرهنگ لغات فرس (ك) قدیمترین کتاب لغت فارسی، تألیف ابونصرعلی بن احمداسدی طوسی. این کتاب شامل لغاتی است که اسدی همهٔ آنها را باشواهدی از اشعار شاعران توضیح داده وبرحسب حروف آخر کلمات وحروف الفبا تنظیم کرده است وچنانکه خود اسدی گفته‌است این کتاب را به تشویق اردشیر دیلمسپار النجمی ساخته است. فرهنگ اسدی اساس کار فرهنگ نویسان بعدقرار گرفته و گنجینه‌ای از اشعار باارزش فارسی به شمار میرود (چاپ تهران)

فرهنگ نفیسی یافرنود سار (ك) کتاب لغتی تألیف علی اکبرنفیسی ناظم الاطبا (متوفی ۱۳۰۳ شمسی). مؤلف دراین کتاب مقید به‌آوردن لغات فارسی خالص نشده، بلکه لغات تازی را نیزدرآن وارد کرده‌است. همچنین به مفردات اکتفانکرده بلکه مرکبات واصطلاحات واستعمالات مختلف الفاظرا نیزذکر کرده‌است ودرذیل بسیاری ازکلمات، خلاصه‌ای ازعلوم را به شکل دائرةالمعارف آورده. این فرهنگ شامل بسیاری از نامهای تاریخی و جغرافیائی ایران و کشورهای اسلامی است.

فریدون (ش — د) ازنژاد تهمورث وپسر آبتین که درخردسالی ضحاك پدرش راکشته بود ومادرش «فرانك» او را به مرغزاری برده و با شیرگاو بزرگ کرده بود. چون کاوهٔ آهنگر برضحاك شوریدفریدون را به شاهی خواند. فریدون برضحاك چیره شد واورا درکوه دماوند به زندان کرد وخود به شاهی نشست.

فصا (ط) (از کلیات خمس) کلی ذاتی است که درجواب ای شیء (کدامیک) واقع می‌شود یعنی آنچه جزء حقیقت مختصه باشد مانند ناطق که جزء یک حقیقت از حیوان است؛ یا جزء حقیقت مشترک که باشد مثل حساس که شامل همهٔ نوع حیوان است .

فصیحی خوافی (ت) ازنویسندگان دورهٔ تیموری ومعاصرشاهرخ . درسال ۸۱۸ که شاهرخ برای سرکوبی برادرزاده‌اش بایقرا به شیراز می‌رفت ، فصیحی همراه او بوده و پس ازآن مأمور کرمان شده و به بادغیس بازگشته است . وی درسال ۸٤۳ به امر گوهرشاد به حبس می‌افتد وپس از رهائی از زندان درسال ۸٤۹ کتاب مجمل فصیحی را نوشته به شاهرخ تقدیم می کند .

فضایل الانام من رسائل حجة الاسلام (ك) شامل مکاتبات و مراسلات ومحاورات ونصایح فارسی امام غزالی که بعد از وفاتش بوسیلهٔ یکی ازنزدیکانش گرد آمده است .این مکاتبات عبارت است ازنامه هائی که به امام غزالی نوشته‌شده وغزالی به‌آنها جواب داده است . دراین مجموعه نمونه‌هائی ازرسائل دوستانه ودیوانی فارسی درنیمهٔ قرن پنجم نشان داده شده است . خطبه‌ای درآن ذکر شده که ازطرف امام غزالی درمجلس سنجر ایراد شده است . این مجموعه دارای پنج باب است. باب اول درنامه هائی که به‌شاهان نوشته‌شده است . باب دوم نامه هائی که به وزیران نوشته شده . باب سوم درآنچه به امراء وارکان دولت نوشته شده است. باب چهارم درآنچه به علماء وفقها نوشته شده . باب پنجم درفصول ومواعظ .

کتاب فضایل الانام علاوه برآنکه شامل مطالب عرفانی وحکمی است از حیث فصاحت وروانی نیز ازشاهکارهای نثر فارسی است ودرضمن

آن می‌توان به بسیاری از خصوصیات و تاریخ زندگی امام غزالی پی برد.
(چاپ تهران)

فضولی بغدادی (ت) وفات ۹۷۰- فضولی در بغداد متولد شده وبیشتر عمر را در آنجا گذرانده است . بعد به عثمانی رفت و تبعهٔ آن دولت گشت . وی به زبان ترکی وفارسی وعربی شعر می گفت و کتابی به تقلید «روضة‌الشهداء» حسین واعظ ساخته است به نام «حدیقةالسعداء»

فعل (ط) (از مقولات عشر) مفهوم فعل تأثیر جسم است درجسم دیگر مثل گرم کردن آتش آب را .

فلك (نج) برحسب اعتقاد منجمان قدیم جسمی است گرد چون گوی که پیوسته در گردش است وغیرنورانی است وزمین درمرکز آن قرار گرفته وافلاك دیگر مانند پیازبه دور او پیچیده است، طبقات فلك هشت است :

قمر ، عطارد، زهره، آفتاب ، مریخ ، مشتری ، زحل ، نجوم متحیره (ستارگان بیابانی) که به ثوابت معروف اند زیرا که بیحرکت اند .

فلکی شیروانی (ت) نجم‌الدین ابوالنظام محمد فلکی شیروانی. وفات ۵۸۷-از گویندگان آذربایجان درقرن‌ششم هجری که چون درعلم نجوم مهارت داشته به «فلکی» تخلص یافته است. فلکی از درباریان شروانشاهان است ، بخصوص خاقان اکبرمنوچهربن فریدون وپسرش اخستان را مدح گفته است . فلکی نزد ابوالعلاء گنجوی به تحصیل شعر وادب پرداخت. دیوانش شامل قصاید وغزلیات و مسمطاست .وی مدتی درزندان شروانشاه بسر برده واشعاری درزندان سروده است که از لطیفترین اشعار اوست .

(دیوان فلکی - چاپ عکسی .)

فم‌الحوت (نج) ازستارگان قدراول که درآخر برج دلوو بردهن

حوت (ماهی) قرار گرفته است .

وزفم‌الحوت نهادی دندان بر سر ترکش ترکان اسد

«خاقانی»

فندرسکی (ت) ابوالقاسم فندرسکی. وفات ۱۰۵۰- منسوب به فندرسک از اعمال استرآباد . فندرسکی در ریاضی وحکمت استاد بوده ودراین علوم تألیفاتی دارد . فندرسکی در دربارشاه عباس اول تقرب داشت و مورد احترام وی بود . سفری به هند کرد ودرآنجا تحت‌نفوذ افکار بودائی واقع شد و حالت درویشی پیش گرفت . فندرسکی درشعر فارسی نیز دست داشت . قصیده‌ای به استقبال شعر ناصر خسرو ساخته است که درتذکره‌ها ضبط است .

الفهرست(ك) کتابی به زبان‌عربی ، تألیف ابوالفرج محمد بن اسحق الندیم که آن را به سال ۳۷۷ به اتمام رسانده است. کتاب«الفهرست» چنانکه از نامش پیداست،فهرست کتابهای عرب وعجم است که به‌زبان عربی موجود بوده است وشامل انواع علوم و اخبار مؤلفان آن باذکر نسب وتاریخ تولد ومدت عمر وتاریخ وفات آنهاست ازابتدای پیدایش هر علم تا عصر مؤلف . این کتاب شامل ده مقاله وهرمقاله شامل چند فن می‌باشد که همه برحسب علوم و فنون مختلف تقسیم شده است . اسامی کتابها گاهی درضمن‌شرح‌حال مؤلف‌می‌آید، وگاهی ازنظرموضوع طبقه‌بندی‌میشود .الفهرست کتابی‌است که‌ازنقطهٔ نظرتاریخی بسیارسودمند است زیرا، باآنکه درکمال‌ایجاز واختصارنوشته‌شده است، مرجع‌ومأخذ مورخان قرار گرفته است‌وسرچشمهٔ بزرگی‌از علوم‌و فنون‌مختلف‌است‌مانند شعر ، حدیث،نحو ، کلام ،علم قرائت خطوط ، کتابت ، فلسفه ، طب ، مذاهب مختلف ، اعتقادات ملل . همچنین بسیاری از کتابها و مؤلفان

ناشناس در این کتاب معرفی می‌شوند.

کتاب الفهرست یکی از جامعترین و بهترین کتابهای دورهٔ تمدن اسلامی است. سبک کتاب بسیار ساده است و کمتر کسی توانسته از آن تقلید کند.

فیروزآبادی (ت) ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب الشیرازی فیروزآبادی. وفات ۸۱۷- از بزرگان ادب و لغت عرب در قرن هشتم. مولدش فیروزآباد فارس است. ابتدا در شیراز و پس از آن در عراق عرب و بغداد به تحصیل علوم دینی مانند فقه و تفسیر و حدیث پرداخت. بعد به دمشق و اورشلیم رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت پس از دو سال تدریس به آسیای صغیر و قاهره و بعد به مکه معظمه رفت و پانزده سال در آنجا اقامت کرد. پس از آن به هندوستان عزیمت کرد و پنج سال در دهلی بسر برد و دوباره به مکهٔ معظمه بازگشت و در سال ۷۹٤ به دربار سلطان احمد بن اویس جلایری به بغداد رفت. مدتی نیز قاضی القضاة یمن بود و در سال ۸۱۷ در یمن وفات کرد. از آثار او تألیف بسیار بزرگی است در علم لغت عرب موسوم به «قاموس المحیط»

فیروز مشرقی (ت) وفات ۲۸۳- از شاعران معروف صفاریان و معاصر عمرو بن لیث. ابیاتی از او در تذکره‌ها باقی است.

فیضی دکنی (ت) ابوالفیض فیضی فیاضی. وفات ۱۰۰٤ - پسر شیخ مبارك هندی و برادر ابوالفضل دکنی صاحب تاریخ اکبری. فیضی در سال ۹۵٤ هجری در شهر اگره هندوستان متولد شد وعلوم مقدماتی را از پدر فرا گرفت و در جوانی به علوم متداول زمان آشنائی یافت و در فقه و تاریخ وفنون شعری دست یافت. فیضی اگر چه در هندوستان زندگی کرده است ولی از حیث استحکام شعر فارسی مانند شاعران خوب فارسی زبان است و او را از رواج دهندگان زبان فارسی

درهند می‌شمارند. شعر فیضی درعثمانی وهند بسیار نفوذ یافت. وی ازاغلب قصه های هندی اطلاع داشته وبعضی ازآنها را به فارسی ترجمه کرده است. فیضی درسال ۹۹۶ دردربار اکبرشاه به رتبهٔ ملک الشعرائی رسید.

فیضی اشعار بسیاردارد وابوالفضل برادر اودریکی ازنوشته هایش اشعار اورادرحدود پنجاه هزاربیت دانسته است. غزلیاتش به‌نام «تباشیر الصبح» است وتفسیری به‌نام «سواطع الالهام» دارد که درسراسرآن یک حرف نقطه‌دار بکارنبرده است.

فیضی مثنویهائی به تقلید نظامی ساخته است که بعضی ازآنها نیمه تمام مانده‌است. خمسهٔ اوعبارت‌است از: مرکز ادوار، سلیمان وبلقیس، نل‌ودمن، هفت کشور، اکبرنامه.

فیض کاشانی (ت) محمدبن مرتضی‌الکاشانی. وفات ۱۰۹۱ - ملا محسن متخلص به‌فیض ازفقیهان وحکیمان معروف عصرصفوی. اهل کاشان بود و درهمان شهر به تحصیلات ابتدائی وعلوم شرع پرداخت. پس ازآن تحصیلات خودرادرشیرازنزد ملاصدرا تکمیل کرد. تألیفات فراوانی به ملامحسن نسبت می‌دهند.

ازجملهٔ آثار او اصول المعارف، کلمات مکنونه، در حکمت وتفسیر والصافی والوافی درحدیث وتفسیرقرآن.

ازآثارفارسی او «ابواب الجنان» است که درسال ۱۰۵۵ تألیف یافته وموضوعش نمازجمعه وآداب آن‌است. ملامحسن شعر نیزمی‌سرودودیوانش درحدود شش هفت هزاربیت دارد. (دیوان فیض کاشانی-چاپ تهران)

فیه‌مافیه (ك) کتابی به نثر مشتمل برشمه‌ای ازمقالات ومجالس مولانا جلال‌الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی.

این کتاب متضمن بحثهای عرفانی ودینی واخلاقی است. (چاپ تهران)

ق

قاآنی (ت) میرزا حبیب. وفات ۱۲۷۰- ازشاعران بزرگ‌ایران در دورهٔ قاجار ومعاصر فتحعلیشاه، پدرش نیز شاعربود «و گلشن»تخلص داشت. قاآنی به سال ۱۲۲۲ درشیراز متولد شد وبه خراسان سفر کرد و درآنجا به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت. وی نزد حسنعلی میرزا شجاع السلطنه تقرب یافت وبه فرمان و به مناسبت‌اسم پسرشجاع السطنه یعنی او گتای قاآن، قاآنی تخلص کرد و بوسیلهٔ همین شاهزاده به‌خدمت فتحعلیشاه رسید وپس ازآن در دربار محمدشاه و ناصرالدین نیز تقرب یافت و آنان را مدح گفت. قاآنی از معروفترین شاعران قصیده سرای‌دورهٔقاجاراست. درقصیده‌از شاعران خراسان خاصه عنصری‌وفرخی ومنوچهری‌پیروی کرده‌ودر ترجیع‌بندومسمط نیزدست داشته‌است. قاآنی گذشته از دیوان اشعار، کتابی به‌نام «پریشان» به نثردارد که آن‌را به سبک گلستان سعدی نگاشته است. وی اولین شاعر ایرانی است که زبان فرانسه را آموخته است. اما آشنائی‌بازبانهای اروپائی در شعرش تأثیری نکرده است. (دیوان‌قاآنی — چاپ‌تهران)

قائم‌مقام (ت)میرزا ابوالقاسم‌فراهانی .وفات ۱۲۵۱ - پسر میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ قائم‌مقام وزیر عباس‌میرزا نایب السلطنه که درسال ۱۱۹۳ متولد شد وبه وسیلهٔ پدر به دربار عباس میرزا راه یافت ودرسفرها باشاهزاده همراه بود و کم کم پیشکاری او را برعهده

گرفت ودر امورصلح ومعاهدات باروس کوشش بسیار کرد واساس سلطنت عباس میرزا را محکم ساخت و بعد از او محمد میرزا را به‌تخت نشاند وخود به صدارت او منصوب گشت وپس‌ازآنکه تخت و تاج رابی منازع کرد ، درسال ۱۲۵۱ به دست دژخیمان به قتل رسید .

قائم مقام درعلوم حکمت‌وادب ونظم ونثرفارسی وعربی استاد بود . منشآت ومکتوبهای اونمونهٔ نثر فصیح آن عصر وبه سبک گلستان است . قائم‌مقام درشعر از سبک خراسانی پیروی می کند و خود نیز صاحب ابتکار وتجدد است . ازآثار معروف او مثنوی «جلایرنامه» است که از زبان جلایر یکی ازنوکران‌اوست که‌بعدها مورد تقلید ایرج درعارفنامه واقع گشته است. درمثنوی جلایر نامه اوضاع ونقائص‌لشکری‌وکشوری را بازبانی هزل‌آمیز نشان می‌دهد . قائم مقام اشعار شکوائی و حزن آوری دارد که اثری از وقایع خونین زمان او یعنی اواسط قرن‌سیزدهم درآن نمایان است .

قابوسنامه (ك) تألیف امیرعنصر المعالی کیکاووس بن اسکندربن قابوس‌بن و شمگیر از امیران زیاری که آن را در سال ٤٧٥ در نصیحت به‌فرزندخود گیلانشاه نوشته‌است. این کتاب‌شامل چهل‌وچهار باب است درمباحث‌مختلف‌وفنون ورسوم‌اعم ازکشورداری ولشکر کشی وبازرگانی وعلوم متداول زمان. مؤلف همهٔ ابواب کتاب را باحکایتها و تمثیل ها آمیخته و از اشعار خود نیز نمونه‌هائی ذکر کرده است . قابوسنامه را می‌توان از مهمترین کتابهای نثر فارسی شمرد که شامل اطلاعات‌گرانبها از تمدن قدیم و اوضاع اجتماعی است که با مطالب سودمند اخلاقی وحکمتهای‌عملی‌آمیخته است. انشای قابوسنامه نثرساده است واز بهترین وروانترین نثرهای فارسی است .

قارون (تن) پسرعم موسی که ازموسی کیمیا گری آموخت وبسیاری از فلزات را به زرتبدیل کرد و خواستهٔ بیشمارجمع کرد. آنگاه غرورمال اورا برموسی نافرمان کرد، موسی زمین را فرمود تادهان باز کندوقارون را باخواسته‌اش در خود فرو برد.

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت
نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

«سعدی»

قاضی ابو بکر حمیدالدین عمر بن محمود البلخی (ت) وفات ۵۵۹- از عالمان وفاضلان خراسان که چندی در بلخ مسند قاضی‌القضاتی داشته است، وی معاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و باشاعران و دانشمندان زمان خودارتباط علمی وادبی داشته است، خاصه ازانوری شاعر معروف پشتیبانی فراوان کرده است، ودرهنگامی که حکم نجومی انوری برحسب پیش بینی او درمورد انقلاب جوی صحت نیافت ومردم بلخ براوشوریدند قاضی حمیدالدین اورا از مهلکه نجات بخشید. انوری دربارهٔ او ومقام فضل او مدایح فراوان گفته است. قاضی حمیدالدین علاوه براحاطهٔ برعلوم شرعی وقضا درعلوم ادبی خاصه نثرنویسی معروف است. تسلط او در نثرمسجع است و کتاب «مقامات» را به این شیوه نوشته است.

ازآثار دیگر او رساله هائی است به نام «وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة» و «حنین المستجیر الی حضرة المجیر» و «روضة الرضا فی مدح ابی الرضا» و «سنیته الراجی فی جوهر التاجی».

ازآثار منظوم اومثنوی «سفرنامهٔ مرو» است که یک قطعه ازآن در مجمع الفصحاء وتذکرهٔ هفت اقلیم مندرج است.

قاضی بیضاوی (ت) ابوالخیرناصرالدین عبدالله ابوسعید بیضاوی

وفات ۶۸۵ — اهل بیضای فارس که درشیراز شغل قاضی القضاتی داشت. پدرش نیز درعهد اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همین مقام را داشت. قاضی بیضاوی از فقیهان ومفسران بزرگ اسلام است. از تألیفات معروف او یکی کتاب تفسیر است موسوم به «اسرارالتنزیل» به زبان عربی. دیگر طوالع الانوار است در توحیدو«منهاج الوصول» در علم اصول. دیگر کتابی است به زبان فارسی به نام «نظام التواریخ».

قاف (د) نام کوه افسانه‌ای که گرداگرد جهان را گرفته است وبه روایت «منطق الطیر» عطار جایگاه سیمرغ بوده است.

ملک جهان بگیری از قاف تا به قاف

مال جهان ببخشی از عود تا به قار

«منوچهری»

قافیه (ق) قافیه یکسان بودن آخرین جزء کلمات آخربیت است بشرط آنکه کلمات عیناً وبه یک معنی درآخر ابیات تکرار نشده باشد. این جزء شامل یک حرف ساکن اصلی است که آن را روی می‌خوانند وحرکت ماقبل آن مانندقمر وشکر، که حروف آخر وحرکت میم وشین یکسان است؛ یاحرف ساکن ماقبل وحرکت پیش ازآن مانندبدروقدر، کاشت وداشت.

قاموس المحیط (ك) کتاب بزرگی در علم لغت عرب تألیف ابوطاهر مجدالدین محمد معروف به فیروزآبادی که آن را درقرن هشتم هجری تألیف کرده است.

قانعی (ت) امیر بهاءالدین احمدقانعی. شاعری ازاهل طوس که درحملهٔ مغول به هندوستان گریخت وازآنجا به مکه ومدینه وبغداد سفر کرد وسرانجام به آسیای صغیر رفت ودردربار شاهان سلجوقی روم درقونیه

اقامت کرد ومثنوی به‌سبک شاهنامه درتاریخ آن سلسله به نظم‌آورد ودرسال ۶۰۵ کتاب کلیله‌ودمنه‌را به فارسی‌منظوم کرد وبه‌نام‌عزالدین کیکاووس از شاهان سلجوقی آسیای‌صغیر ساخت .

قانون (ك) یکی ازمهمترین کتابهای‌طبی اسلامی‌تألیف‌دانشمند وپزشک بزرگ ایرانی ابوعلی سینابه‌زبان‌عربی. این کتاب شامل پنج قسمت است.

۱— درامور کلی طب
۲— درادویهٔ مفرده
۳— امراض جزئیه اعضاء انسان
٤— امراض جزئیه ای که اختصاص به اعضاء معین ندارد ،
٥— درادویهٔ مرکبه

کتاب قانون چند بار به طبع رسیده است و ترجمه‌های متعددی ازآن شده وشروح متعددی برآن‌نوشته‌اند .

القباوی (ت) ابونصراحمدبن‌محمد بن نصر القباوی اهل بخارا ودیه قبا که درسال ۵۲۲ تاریخ بخارای نرشخی را ازعربی به فارسی ترجمه‌کرده وسطالبی نیز برآن افزوده است .

قبس (تن) به معنی پارهٔ آتش و درشعر فارسی اشاره به پارهٔ آتشی‌که در وادی ایمن از درختی برموسی‌ظاهر شد .

زآتش وادی ایمن نه منم خرم وبس
موسی اینجا به امید قبسی می‌آید
«حافظ»

قبض (زحاف) (ع) درمفاعیلن اسقاط حرف‌پنجم یعنی یاءاست که در این صورت مفاعیلن می‌شود مفاعلن ؛ و آن را مقبوض گویند .

درفعولن حذف نون است که می‌ماند فعول ؛ وآن را مقبوض خوانند .

قدر (نج) جایگاه‌ستارگان‌ونسبت آنها به‌منطقة‌البروج که «شرف» نیز خوانده می‌شود . آنچه را که ازهمه بزرگتر است ، قدراول یاشرف اول می‌خوانند . قدر اول پانزده است .

۱- سماك اعزل ۲- سماك رامح ۳- نسرواقع ٤- نسرطایر
٥- شعرای‌یمانی ٦- شعرای شامی ۷- عیوق ۸- دبران
۹-قلب‌الاسد ۱۰-فم‌الحوت ۱۱-منکب‌الجبار ۱۲-قدم‌الجبار
۱۳- سهیل ۱٤-آخرالنهر ۱٥- رجل‌قنطورس

قدم الجبار (نج) ازستارگان قدر اول که درشکل «جبار»است وآن را جوزا خوانند .

قران (نج) به‌معنی گرد آمدن ونزدیك شدن است ، دراصطلاح نجوم وقتی است که دوستاره به یکجا گرد شوند . قران مطلق گردآمدن زحل ومشتری است وآن به هربیست سال یك بار باشد .

قران بعضی از ستارگان نحس است وبعضی سعد . ازآن جمله قران ماه ومشتری که هرماه یکبار واقع می‌شود سعداست :

گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود
گفت آن زمان که مشتری ومه‌قران کنند

«حافظ»

قریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی،اصل آن « مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن» ۲ باراست . این وزن ازآن بحردرفارسی گاهی به‌کار رفته است: بحرقریب مکفوف مقصور (مفاعیل مفاعیل فاع‌لان ۲بار)

می‌آرد شرف مرد می‌پدید وازاده نژاد از درم خرید

قزوینی (ت) محمدبن عبدالوهاب‌بن عبدالعلی قزوینی . وفات

۱۳۲۸ شمسی — از محققان ودانشمندان معاصر که درسال ۱۲۹۴ قمری درتهران متولد شد. تحصیلات متداول را مانندصرف ونحووفقه وکلام وحکمت درنزد علماء زمان مانند حاج شیخ فضل الله نوری وحاج شیخ علی نوری وملامحمدآملی وادیب پیشاوری آموخت وبخصوص درادبیات عرب شوق فراوان یافت . قزوینی درسال ۱۳۲۲ قمری سفری به‌لندن کرد ودرآنجا باجمعی از مستشرقان ازجمله ادوارد برون مؤلف تاریخ ادبیات ایران آشنا گشت . درسال ۱۳۲۴ برای مطالعهٔ نسخه‌های فارسی وخاصه نسخه‌های کتاب « جهانگشای جوینی » که به تصحیح آن مصمم گشته‌بود به‌پاریس رفت. درپاریس باعلی‌اکبر دهخدا ملاقات کرد ودرمدت اقامت اغلب در مصاحبت یکدیگر بودند . درسال ۱۳۳۳ هجری هنگام جنگ جهانگیر اول باحسینقلی خان نواب به برلن رفت وتاپایان جنگ آنجا ماند ودوباره به‌پاریس بازگشت. قزوینی کتابهائی مانند لباب‌الالباب عوفی ، المعجم فی معائیر اشعارالعجم ، چهارمقالهٔ عروضی ، جلد اول و دوم تاریخ جهانگشای جوینی را تصحیح کرده و دیوان حافظ را باهمکاری دکتر غنی تصحیح وچاپ کرده است .

دیگر از آثار قزوینی بیست مقاله است که شامل مقالات ادبی وتاریخی اوست که درجراید مختلف فارسی درایران واروپا منتشر شده وباکوشش ومقدمه پورداوود درسال ۱۳۰۷ به‌چاپ‌رسیده است . دیگر یادداشتهای قزوینی است که شامل نکته‌هائی دربارهٔ مطالب مختلف می‌باشد .

قصر (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف نون واسکان لام است که می‌شود مفاعیل وآن را مقصور خوانند. درفاعلاتن حذف‌نون و اسکان تاء است که‌می‌شودفاعلات بجای آن‌فاعلان‌می گذارندوآن رامقصورخوانند

درفاع لاتن مانند قصراست درفاعلاتن

درسس تفع‌لن حذف نون واسکان لام است که‌می‌ماند مستفعل وبجای آن سفعولن می گذارند ، و آن‌را مقصور خوانند .

درفعولن حذف نون واسکان لام است که می‌ماند فعول ؛ وآن‌را مقصور خوانند .

قصص‌الانبیاء (ك) تألیف‌ابواسحق ابراهیم بن منصوربن خلف نیشابوری که‌درآن‌ازروایات کلبی‌درذکر«قصص‌قرآن»نقل کرده‌است‌مؤلف سیان‌روایت‌خود و کلبی‌هفت‌واسطه ذکر کرده‌است‌این کتاب‌درقرن‌پنجم هجری‌تألیف یافته‌وعبارات وترکیباتش کهنه است . (چاپ‌تهران)

قصیده (ب) اشعاری است‌که مصراع اول و تمام بیتهای آن دارای قافیهٔ واحد باشد ، عددبیتهای قصیده تاسیصد می‌رسد . ابتدای هرقصیده تغزل است یا وصف طبیعت ، پس‌ازآن شاعر تغزل را به‌مدح یا ذم می کشاند مانند قصاید فرخی ، عنصری ، خاقانی ، انوری .

قطان‌مروزی (ت) عین‌الزمان امام‌ابوعلی‌حسن بن‌علی. مقتول ٥٤٨—از حکیمان وپزشکان‌وادیبان اواخر قرن‌پنجم واوایل‌قرن‌ششم . وی به سال ٤٦٥ درمرو متولد شد ودرجوانی به تحصیل فقه وحدیث پرداخت ودرطب وهندسه وحکمت مهارت یافت واز انواع علوم ادبی اطلاع کافی تحصیل کرد . امام‌حسن‌قطان‌معاصر رشید و طواط بوده وبااومکاتبه‌داشته‌است‌ودرسال ٥٤٨ درحادثهٔ‌غزاسیر شد وبه‌قتل رسید .

ازآثار او ،بحثی درعروض‌است به فارسی که صاحب المعجم‌بدان اشاره کرده است‌ودوشجرهٔ‌اخرب‌واخرم برای‌استخراج‌اوزان مختلف‌رباعی ازابداعات اوست . دیگر کتاب«الدوحة»درانساب‌و رسایلی‌درطب‌است . ازهمه‌مهمتر‌کتاب « کیهان‌شناخت» است به‌زبان‌فارسی که‌آن رادرحدود

سال ۵۰۰ هجری برای نوآموزان علم هیئت تنظیم کرده است .

قطب‌الدین رازی (ت) قطب الدین محمدبن محمد رازی. وفات ۷۶۶—از شاگردان عضدالدین ایجی . اهل ری بوده ولی قسمت آخر عمر خودرا درشام گذرانده است . در حکمت و منطق تألیفاتی دارد ، ازآنجمله‌است «شرح الرسالة الشمسیه» معروف به «شرح شمسیه» درمنطق که آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد نوشته ودرشرح کتاب کاتبی قزوینی است. دیگر کتاب «لوامع الاسرارفی شرح مطالع الانوار» و کتاب «محاکمات» که درآن امام فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی را ، به‌مناسبت اختلاف آن دو استاد در شرح اشارات ابوعلی سینا،محاکمه کرده است .

قطب‌الدین شیرازی (ت)قطب‌الدین محمود بن ضیاء‌الدین مسعود شیرازی‌معروف به‌علامهٔ‌شیرازی .وفات ۷۱۰—پدرقطب‌الدین اهل کازرون بود ولی او درشیراز متولد شد و نزد پدرش که ازاطباء معروف‌ومشایخ صوفیه بود به آموختن علم طب پرداخت و درده سالگی خرقهٔ تصوف پوشید وپس از پدر بجای او به پزشکی بیمارستان منصوب شد . اما هرگز از تحصیل بازننشست وقانون ابن‌سینا را نزدعموی خودآموخت. پس از چندی‌عزم سفر کرد وراه مراغه راپیش گرفت وبه خدمت‌خواجه نصیرالدین‌طوسی‌رسیدوعلم هیئت و کتاب‌اشارات ابن‌سینارا نزداوخواند.

پس‌ازچندی به‌خراسان وعراق‌عجم وازآنجا به بغداد و روم‌رفت وبامولانا جلال‌الدین روسی‌ملاقات کرد. پس‌قطب‌الدین درقونیه‌اقامت کرد وازصدرالدین قونوی طریقهٔ ارشاد را فرا گرفت و باحاکم روم «معین‌الدین سلیمان پروانه»آشنا شد . و به فرمان او به قضاء سیواس وملاطیه منصوب گردید ودرسال ۶۸۱ ازطرف احمد تکودار به سفارت

مصر رهسپار شد. از مصربه‌شام رفت ودرآنجا کتاب قانون وشفاءابن‌سینا را تدریس کرد وبه تبریز رفت و قریب چهارده سال عزلت اختیار کرد وبه تصنیف‌پرداخت. قطب‌الدین دردربار اباقاخان وغازان‌خان مقام بلندی داشت ومورد احترام شاگردان خود بود. وی رباب می‌نواخت وشطرنج می‌باخت و در انواع علوم‌خاصه درریاضی استاد بود.

ازآثاراوبه‌عربی «نهایةالادراك فی درایةالافلاك» و«التحفةالشاهیه» و«شرح حکمةالاشراق» سهروردی «فتح المنان فی تفسیرالقرآن» وحاشیه بر کتاب «الکشاف‌عن‌حقایق‌التنزیل» زمخشری وغیره است. کتاب‌معروف اوبه زبان فارسی کتاب «درةالتاج» است.

قطران (ت) حکیم ابومنصور قطران‌عضدی‌تبریزی. وفات ۴۶۵- ازشاعران‌قرن‌پنجم‌ودورهٔسلجوقی‌وازنخستین کسانی‌است که درآذربایجان به فارسی شعر سروده است. قطران از طبقهٔ دهقانان بود که به‌شاعری پرداخت. از ممدوحان وی‌امیر ابوالحسن علی لشکری فرمانروای گنجه وامیرابومنصوروهسودان بن محمد فرمانروای تبریز وابونصر محمدبن وهسودان‌معروف به مملان است.

ازآثار قطران دیوان شعر اوست شامل قصاید وغزلیات ورباعیات وترجیعات. سبک‌قطران‌بیشتربه سبک فرخی وعنصری‌متمایل بوده‌است. ازقصاید معروف او قصیده‌ای‌است دروصف زلزلهٔ تبریز که به سال ۴۳۴ رخ داده است. اغلب اشعار قطران با رودکی آمیخته است و علت آن شباهت‌نام‌ممدوح رودکی ابونصرسامانی با کنیهٔ‌ممدوح قطران‌ابونصر مملان‌می‌باشد. جز دیوان کتاب لغتی به نام «تفاسیر فی‌لغةالفرس» به اومنسوب است.

(دیوان قطران — چاپ تهران)

قطع (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف نون واسکان لام است که می‌شود مستفعل بجای آن مفعولن می گذارند وآن را مقطوع گویند.

قطعه(ب) شعری است که ازچند بیت درست شده وازحیث ظاهر مانندقصیده‌است جزآنکه دومصراع اول آن مستلزم داشتن قافیهٔ واحد نیست. ازحیث معنی، مجموع چندشعر است دربیان یک‌معنی ومقصود که معمولا پند وحکمت و یا تقاضائی است. قطعه غالباً ازسه بیت تا دوازده بیت است.

قلب (ب) آن است که مطلب یا مضمون بطور مطبوعی واژگون شود وبرچند قسم است.

قلب کل:

درپای کوی تو سرما می‌توان برید

نتوان بریدن از سرکوی تو پای ما

قلب مستوی: آن است که اگر هر یک از دو مصراع وارونه شود، خواندنش فرق نمی کند.

شوهمره‌بلبل به‌لب هرمهوش شکر به‌ترازوی‌وزارت‌بر کش

قلب مجنح: آن است که کلمه‌های قلب شده درابتدا وانتهای مصراع قرارگیرد.

گنج‌دولت‌دهد گزارش جنگ رای نصرت کند حمایت یار

قلب‌الاسد (نج) ازستارگان قدر اول که در برج «اسد» قرار گرفته است.

گرمگاهی کافتاب استاده درقلب اسد

سنگ‌وریگ‌ثعلبیه بیدوریحان دیده‌اند

«خاقانی»

قمر (نج) ماه است که درفلک اول قرار دارد ونزدیکترین سیارات به زمین می‌باشد.

قمربسان چشم دردگین شود سپیده دم شود چوتوتیای او

«منوچهری»

قمری جرجانی (ت) ابوالقاسم زیادبن محمدالقمری الجرجانی از شاعران نیمهٔ دوم قرن چهارم ومعاصر قابوس وشمگیر که اشعاری درمدح آن پادشاه سروده است. اشعاری از او درلباب الالباب ضبط است.

قمی (ت) ابونصرحسن بن علی منجم القمی وفات نیمه آخر قرن چهارم—ازمنجمان قرن چهارم ومعاصرفخرالدولهٔ دیلمی. ازآثاراو «کتاب البارع» درمدخل احکام نجوم است که آن را درحدود سال ۳٦۷ تألیف کرده است.

قمی (ت) حسن بن محمدبن حسن قمی از عالمان و مورخان قرن چهارم هجری که درسال ۳۷۸ به‌تشویق صاحب بن عباد و فخرالدوله دیلمی کتاب تاریخ قم را به‌زبان عربی تألیف کرد.

قمی (ت) حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی ازنویسندگان قرن نهم که کتاب تاریخ قم را درسال ۸۰۵ از عربی به‌فارسی ترجمه کرده است.

قوامی رازی (ت) شرف الشعرا امیربدرالدین قوامی خباز رازی از شاعران نیمهٔ اول قرن ششم ومداح قوام الدین طغرائی که تخلص خود را از نام او گرفته است. قوامی شیعی مذهب بودواشعار فراوانی درمدح خاندان پیغمبر ومرثیهٔ آنان وهمچنین اشعار پندآمیز مبتنی برافکاردینی دارد. غزلهای عاشقانهٔ قوامی بسیار لطیف است.

(دیوان قوامی—چاپ تهران ۱۳۳٤ شمسی)

قوس (نج، ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة البروج و به شکل کمان . برج قوس برابرماه آذر است .

کمان‌ور را کمان در چنگ مانده

دوپای آزرده دست از جنگ مانده

«ازویس اورمین»

قید (ق) ازحروف قافیه. حرف ساکنی‌است که پیش ازروی‌قرار می گیردوحروف قید درفارسی ده‌است.س ، ش ، ه ،ب، ف ، ر،خ ، ن ، غ ، ز ، مانند:دست ، دشت ، سپهر ،ابر، صفر، سرو، بخت، رنج، مغز، رزم .

مراعات حرف قید درقوافی واجب است .

ك

کاتبی نیشابوری(ت) محمدبن عبدالله ترشیزی. وفات ۸۳۸— کاتبی در دهی میان ترشیز و نیشابور متولد شده است، از اینرو گاهی او را ترشیزی و گاهی نیشابوری می‌خوانند. کاتبی از نیشابور به هرات و از آنجا به استرآباد و شیروان سفر کرد و مدتی در خدمت شیخ ابراهیم سلطان شیروان ماند و از آنجا به آذربایجان رفت و قصیده‌ای در مدح سلطان اسکندربن قرا یوسف ترکمان ساخت. سپس به اصفهان عزیمت کرد و در آنجا به مولانا خواجه صائن‌الدین علی ترکه از بزرگان عرفا برخورد و پیرو طریقهٔ او شد و بقیهٔ عمر را به عزلت وقناعت گذراند ودوباره به استرآباد برگشت و همانجا وفات یافت.

دیوان کاتبی مشتمل است برسه هزاربیت ازقصیده وغزل وقطعه ورباعی. سه مثنوی بنام تجنیسات، ذوبحرین، ذوقافیتن ومنظومه هائی به‌نام «حسن وعشق»، «ناظر ومنظور»، «بهرام و گل‌اندام» دارد.

کارنامهٔ بلخ (ك) منظومه‌ای ازآثارحکیم سنائی شاعر بزرك قرن ششم در پانصد بیت که آن را در شهربلخ و در عهد سلطنت مسعودبن ابراهیم ساخته است. موضوع آن مدح شاه و بزرگان غزنین و دارای هجو ومطایبه است وبه این جهت آن را «مطایبه‌نامه» نیز گویند.

این منظومه باتصحیح مدرس رضوی درجلد سوم از دفتر چهارم فرهنگ ایران زمین چاپ شده است.

کاشفی (ت) مولانا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی وفات ۹۱۰- از فاضلان نامی دورهٔ آخر تیموری و معاصر سلطان حسین بایقرا. کاشفی اهل سبزوار است که در هرات به وعظ می‌پرداخته و در علم کلام و حدیث و تفسیر و سایر فنون ادب استادی داشته و در نثر فارسی هنرمند بوده است. از آثار معروف او کتاب «انوار سهیلی» و «صحیفهٔ شاهی» یا «مخزن‌الانشاء» و «لب لباب مثنوی مولوی» و «روضة‌الشهداء» و «تفسیر مواهب علیه» و «اخلاق محسنی» و «اسرار قاسمی» در سحر و طلسم است.

کاشفی (ت) فخرالدین علی بن حسین کاشفی. پسر حسین واعظ کاشفی که کتاب «رشحات عین‌الحیاة» را در سال ۹۰۹ تألیف کرده است. دیگر از آثار او کتاب «لطائف الطوائف» است.

الکافی (ك) تألیف فقیه و محدث معروف اسلامی محمدبن یعقوب کلینی. کتاب کافی یکی از چهار کتاب شیعه است که کلینی بیست سال در تألیف آن وقت صرف کرده است و شامل شانزده هزار حدیث است که مرجع علمای شیعه و فقیهان و محدثان می‌باشد.

(الکافی با ترجمه فارسی —چاپ تهران)

کافی ظفر همدانی (ك) از شاعران اواخر قرن پنجم و معاصر ملکشاه بن الب ارسلان سلجوقی (۴۶۵—۴۸۵). در لباب‌الالباب چند قصیده و غزل از او نقل شده است.

کامل (ع) از بحور شعر عربی و در آن زبان مسدس است و در فارسی به ندرت بکار می‌رود. وزنی که گاهی از آن به کار رفته این است:

بحر کامل مثمن (هر مصراع متفاعلن ۴ بار):

به حریم خلوت خود شبی چه شود نهفته بخوانیم

به کنار من بنشینی و به کنار خود بنشانیم

کامل‌التواریخ (ك) تاریخی به زبان عربی تألیف ابوالحسن عزالدین علی‌بن محمد معروف به ابن‌اثیر. این کتاب شامل ده جزءاست مشتمل برتاریخ عالم از ابتدای خلقت تا سال ۶۲۸ هجری. ابن‌اثیر در کتاب «الکامل» تاریخ پیغمبران وشاهان را به هم آمیخته است. ودرنقل، ازکتاب تاریخ طبری تقلید کرده‌وحذف واضافاتی درآن‌بکار برده که خود نیز به آنها اشاره کرده است. الکامل اولین تاریخی است که حاوی وقایع استیلای مغول است و از منابع گرانبهای آن دوره به شمار می رود.

کاووس (ش — د) ازشاهان سلسلهٔ کیان وپسر کیقباد که به یاری رستم مازندران را فتح کرد و برای سرکوبی شاه‌ها ماوران رفت وبه زندان افتادوبه دست رستم نجات‌یافت وسودابه دخترشاه‌هاماوران راگرفت وبه‌ایران بازگشت. کاووس یک باربه فریب اهریمن به‌آسمان پروازکرد وعقابهائی که تخت او را می کشیدند، اورا درسرزمین‌آمل فرود آوردند. کاووس به خودکامکی وتندی معروف بود وبارستم که بارها اورا ازرنجها رهانیده بود، به تندی رفتاری کرد، چنانکه‌ازدادن نوشدارو درمرگ‌سهراب خودداری کرد. همچنین باسیاووش پسر خود رفتاری‌ناجوانمردانه پیش گرفت، براوخشمگین‌شد واورا به‌سرزمین‌توران فرستاد ودیگر روی او را ندید. سرانجام کاووس از شاهی کناره گیری کرد وتخت وتاج را به کیخسرو پسر سیاووش واگذاشت.

کاوهٔ آهنگر (ش — د) آهنگری که مطابق داستان شاهنامه برضحاك که پسرانش راکشته بود، شورید وچرم پاره‌ای‌برسر چوب کرد ومردم را به پیکار باضحاك برانگیخت. ضحاك‌را درکوه‌دماوند بزندان کرد وفریدون را برتخت نشاند.

کسائی مروزی (ت) ابوالحسن مجدالدین اسحق کسائی مروزی. وفات ۳۹۱ـ ازشاعران اواخر قرن چهارم که ناصرخسرو شاعر معروف دراشعار خود بسیار از او نام برده وبه پیری وفرسودگی او اشاره کرده است. کسائی قصایدی درمدح وزیر سامانیان وهمچنین سلطان محمود غزنوی دارد وگذشته ازتوصیفات ومدایح، قصایدی هم درپند واندرز وحکمت دارد که اغلب دارای معانی فلسفی است وناصرخسرو بعضی از آنها را استقبال کرده است. کسائی در توصیف و ایراد تشبیهات استادی داشته است. قطعاتی از اشعار او درتذکره‌ها و فرهنگها نقل شده است.

کسوف (نج) گرفتن خورشید است. ماه اگر میان زمین وآفتاب واقع شود، آفتاب را ازچشم می‌پوشاند وسیاهی که برآفتاب دیده می‌شود سایهٔ ماه است. کسوف یا تمام وکلی است یا ناقص وجزئی

تا حشر منکسف نشود آفتاب اگر
آید به زیر سایهٔ عدلت به زینهار
«انوری»

الکشاف (ك) از مهمترین تفسیرهای معتزله تألیف ابوالقاسم محمودبن عمر زمخشری خوارزمی (متوفی ۵۳۸). زمخشری دراین تفسیر دربارهٔ خصوصیات صرف ونحو ومعانی وبیان وشأن نزول آیات ومسائل اعتقادی معتزله بحث کرده‌است. کشاف ازتفسیرهای پرارزش است و شروح بسیار برآن نوشته اند.

کشف (زحاف) (ع) درمفعولات حذف تاء است که می‌ماند مفعولا بجای آن مفعولن می‌گذارند وآن‌را مکشوف خوانند.

کشف الاسرار وعدة الابرار (ك) ازمهمترین تفسیرهای پارسی

قرآن، تألیف ابوالفضل رشیدالدین المیبدی. این تفسیر در سال ۵۲۰ هجری انجام گرفته است و همچنانکه مؤلف خود می گوید در حقیقت شرحی است بر کتاب خواجه عبدالله انصاری در تفسیر قرآن، و بعقیدهٔ مؤلف خواجه عبدالله انصاری در کلام ایجاز بسیار به کار برده ولی او به شرح وبسط بیشتری پرداخته است ودربسیاری از موارد نام خواجه عبدالله انصاری را به «پیرطریقت» یا «عالم‌طریقت» یاد کرده است.

(چاپ‌دانشگاه تهران)

کشف‌المحجوب (ك) تألیف ابوالحسن علی‌بن عثمان‌بن ابی علی الجلابی الغزنوی الهجویری که‌آن را به در خواست شیخ ابوسعید هجویری دراواسط‌قرن‌پنجم درلاهورتألیف کرده است. این کتاب ازجملهٔ قدیمترین کتابهای صوفیه می‌باشد که عطار درتذکرة الاولیاء وجامی‌در نفحات الانس ازآن‌استفاده کرده‌اند. کشف‌المحجوب‌تذکره‌ای است از احوال اصفیاء واولیاءوتاریخ مشایخ صوفیه‌واقوال‌آنان. سبک نثر کتاب ساده وروان است ولی هجویری گاه نیز نثر موزون به کار می‌برد.

(چاپ تهران)

کشف‌المحجوب (ك) تألیف ابویعقوب اسحق‌بن احمد سکزی که دراوائل قرن پنجم تألیف یافته واز مهمترین آثاراسمعیلیه محسوب می‌شود وشامل هفت مقاله است درتوحید، خلق اول (خرد)، خلق ثانی (نفس)، خلق ثالث (طبیعت)، خلق رابع(موجودات روی‌زمین)، خلق خامس (نبوت)، خلق سادس (برانگیختن یعنی‌بعث وشورمعاد). سبک نگارش کتاب بسیارکهنه است.

کشکول (ك) کتابی تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان‌وفقیهان‌مشهور دورهٔ صفویه. این کتاب‌شامل

مطالب گوناگون اخلاقی وادبی به‌نظم ونثر عربی وفارسی است وبارها درایران به چاپ رسیده است.

کف (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف حرف هفتم یعنی نون‌است که می‌ماند مفاعیل؛ و آن را مکفوف خوانند

درفاعلاتن حذف نون‌است که‌می‌ماندفاعلات، وآن رامکفوف گویند.

درفاع لاتن مانند کف درفاعلاتن است.

درمس تفع‌لن حذف نون است که می‌ماند مستفعل؛ و آن را مکفوف خوانند.

الکفایة(فی فروع الشافعیة) (ك) منسوب‌به‌امام‌البغوی‌الشافعی (متوفی ۵۱۶) محدث‌ومفسر معروف که‌آن‌را در اوایل‌قرن ششم دربارهٔ فقه شافعی‌تألیف کرده است. ازمشخصات این کتاب‌آنکه مؤلف کوشیده است تمام اصطلاحات فقه به فارسی‌ذکر شود. ازاین کتاب یک نسخه به‌نام «کفایة فی‌الفقه‌الفارسیه» جزو نسخه‌های‌خطی کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.

کلب‌اکبر (نج) یا کلب الجبار ازصورتهای فلکی درجنوب منطقةالبروج به شکل سگ بزرگ.

کلب‌مقدم (نج) ازصورتهای فلکی در جنوب منطقة البروج به شکل سگ.

کلبهٔ‌احزان (تن)خانه‌ای که یعقوب‌درآن مقیم‌شده بودوبرفراق یوسف می گریست.

یوسف گمگشته بازآیدبه کنعان غم‌مخور

کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

«حافظ»

کلی (ط) لفظی که شامل افراد و جزئیات متعدد گردد. مانند مردم، که بر عمر وزید وبکر دلالت کند؛ وحیوان ، که شامل اسب و سگ وشیرو گربه وموش وانسان و انواع دیگر جانداران است .

کلیات خمس (ط) عبارت است از: نوع، جنس، فصل، عرض عام، عرض خاص.

از اینها سه ذاتی است : نوع ، جنس ، فصل
ودوعرضی است : عرض عام ، عرض خاص.

کلیله ودمنه (ك) کتابی هندی که در زمان انوشیروان ساسانی به وسیلهٔ برزویهٔ طبیب از هندوستان به ایران آورده شد واززبان سانسکریت به پهلوی نقل گردیدوسپس از پهلوی به وسیلهٔ عبدالله بن المقفع به عربی در آمده است . رودکی کلیله ودمنه را به فارسی منظوم ساخت که از آن جز ابیات پراکنده چیزی دردست نیست . پس ازآن دراوایل قرن ششم ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی ترجمه‌ای ازعربی به عبارت منشیانهٔ فارسی ترتیب دادوآن را به نام ابوالمظفر بهرامشاه بن مسعود بن ابراهیم ساخت . این ترجمه معروفترین ترجمهٔ کلیه ودمنه است وازآثار نثر مصنوع زبان فارسی است که نویسنده در آن به آوردن مترادفات واستشهاد به اشعار وآیات وامثال عربی و فارسی مقید بوده است . این کتاب برای مترسلان نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت شمرده شده وقوت ترکیب وحسن اسلوب آن مورد توجه قرار گرفته ، چنانکه پس از آن چندین کتاب به تقلید آن تألیف یافته است. مانند انوارسهیلی حسین واعظ کاشفی وعیار دانش .

کتاب کلیله ودمنه درچندین باب است که یکی ازآنهادرذکرحال برزویهٔ طبیب می‌باشدوبقیه درحکمت وموعظت وپندوامثال که باداستانها

وقصه‌ها برزبان وحوش وحیوانات آمیخته است .

کتاب کلیله‌ودمنه مطابق گفتهٔ نصرالله منشی شامل شانزده‌باب بوده که ده باب آن متعلق به هندیان‌بوده است وشش باب راایرانیان برآن افزوده‌اند .

کلیم یا کلیم‌الله (تن) رجوع شود به موسی

خارا چوسار برکشم و پس به یک عصا
ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم
«خاقانی»

کلیم همدانی (ت) ابوطالب کلیم کاشانی. وفات ۱۰۶۱ — کلیم درهمدان تولد یافت ومدتی درشیراز بسر برد وپس ازآن به هندوستان سفرکرد وپس ازچندی به وطن برگشت ولی باز به هندوستان رفت وبه دربارشاهجهان‌راه یافت ونزد او تقرب‌پیدا کرد و به‌لقب‌ملک‌الشعرائی ملقب گشت. کلیم با شاه‌جهان به کشمیر رفت وچون شیفتهٔ هواومناظر طبیعی آنجا شد ، بااجازهٔ شاه‌جهان همانجا ماند تا درگذشت .

کلیم در تمام فنون شعر وارد است ، قصایدش دارای مضامین تازه است ولی استادی کلیم در غزل سرائی است. غزلهای وی دارای نیروی تخیلی می‌باشد که حتی درمضامین معمولی نیز درشعرش دیده می‌شود . کلیم علاوه برنازک خیالی لفظ را نیز فراموش نکرده و کلامش یکدست و متجانس است .

(دیوان کلیم - چاپ تهران)

کلینی (ت) ابوجعفر محمدبن یعقوب‌بن‌اسحق کلینی رازی. وفات ۳۲۹- از محدثان وفقیهان‌معروف‌شیعه‌وازفتوی‌دهندگان‌معروف‌اسلامی. اولین محدث امامی است که به جمع ونقل اخبار دینیه پرداخته است

ودرقرن چهارم اغلب مشایخ محدثان از او روایت کرده‌اند .

ازآثاراو رد قرامطه، تعبیرالرویا، رسائل الائمه، کتاب الرجال است وازهمه معروفتر کتاب «الکافی» درعلم دین است .

کم (ط) (ازمقولات‌عشر) از جملهٔ عرضهاست که در مفهوم آن تقسیم کردن معتبراست وعبارت از قدرواندازهٔ اشیاء است .

کمال‌خجندی (ت) کمال‌الدین خجندی .وفات ۸۰۳—ازشاعران عارف قرن هشتم . درخجنداز بلاد ماوراءالنهر متولد شد وپس‌ازچندی به‌تبریز مهاجرت کردودرخدمت‌سلطان حسین جلایر تقرب یافت چنانکه سلطان برایش خانقاهی ساخت . درسال ۷۸۷ که امیر قبچاق به‌تبریز تاخت ، بسیاری از دانشمندان‌را به پایتخت خود برد ، ازآنجمله کمال بود . وی چهارسال درآن شهر ماند، دوباره به‌تبریز برگشت وهمانجا ماند تا درخانقاه خود وفات یافت .

کمال درغزل عارفانه استادی داشته و اشعارش مورد نظرحافظ بوده است . دیوانش شامل غزلیات وقطعات وچندین رباعی است .

(دیوان کمال خجندی — چاپ تبریز)

کمال‌خوارزمی (ت) کمال‌الدین حسین بن خوارزمی. وفات درحدود ۸٤۰—ازنویسندگان قرن نهم که بین سالهای ۸۳۰ و ۸٤۰ به دست اوزبکان ماوراءالنهر کشته شد .کمال صاحب تألیفات بسیار است ، ازجمله دوشرحی است که بر کتاب مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی نوشته . یکی به‌نام «کنزالحقایق» است که مختصر می‌باشد و دیگری که مفصل تراست «جواهرالاسرار وظواهرالانوار»نامیده‌شده‌است

کمال‌الدین اسمعیل (ت) خلاق‌المعانی کمال‌الدین اسماعیل بن جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی . وفات ۶۳۵—ازشاعران وقصیده

سرایان معروف عراق درقرن هفتم . وی نیز مانند پدر (جمال‌الدین عبدالرزاق) مداح خاندان آل صاعد وآل خجند بوده است . کمال‌الدین خوارزمشاهیان واتابکان فارس وسپهبدان طبرستان رانیزمدح کرده‌است، دورهٔ وحشتناك مغول را به‌چشم دیده‌ودرواقعهٔ قتل‌عام اصفهان به‌دست مغول،متواری گشته وسرانجام درسال ۶۳۵ به دست آنان کشته شده است . کمال‌الدین درقصیده استاد است ومعمولا قصایدش بدون تغزل شروع می‌شود واغلب دارای ردیفهای دشوار است . کمال‌الدین در توصیف اصفهان و روزگار آبادی وخرابی آن قصاید بسیار دارد .

(دیوان کمال‌الدین - چاپ تهران)

کمال‌نامه (ك) مثنوی عرفانی اثر خواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم که آن‌را درسال ۷۴۴ بروزن هفت پیکر نظامی و به‌نام شیخ ابواسحق اینجو ساخته است .

کمان رستم (نج) کنایه از قوس‌قزح

چون تیغ زندآفتاب رایت　　　برابر بگرید کمان رستم

«ابوالفرج‌رونی»

کنایه (ب) هر گاه بجای آنکه کسی یاچیزی را نام‌ببرندیاعملی را صریحاً بیان کنند ، یکی از لوازم آن شخص یا حیوان یاامری که‌از صفتی حاصل می‌شود یا نتیجهٔ عملی را بیان کنند ، معنی مقصود به کنایه‌ادا شده است . فی‌المثل اگربجای خراورا «درازگوش» بخوانند، شنونده معنی‌خررادرمی‌یابد زیرا که داشتن گوش درازازلوازم ومختصات خراست . پس‌نام خر به کنایه بیان شده‌است .

کنعان (تن) شهری که یعقوب پیغمبر به آنجا نزد خال خود پناهنده شد ودختر اورا گرفت وهمانجا ماند .

یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور
«حافظ»

کوثر (تن) چشمه‌ای دربهشت که همهٔ چشمه های بهشت ازآن جاری می گردد .

زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواستهٔ کردگار چیست
« حافظ »

کوشیار (ت) رجوع شود به گیلی :

یکی درنجوم اندکی دست داشت ولی ازتکبر سری مست داشت
برکوشیار آمد از راه دور دلی پرارادت سری پرغرور
(سعدی)

کوکب (نج) از اجسام فلکی که نورانی است ، برعکس فلک که غیر نورانی است .

شنیدستم که هرکوکب جهانی است
جداگانه زمین و آسمانی است

کوهکن (د) رجوع شود به فرهاد .

چوشه بشنید قول انجمن را طلب فرمود کردن کوهکن را
«نظامی»

کهکشان (نج) رجوع شود به مجره

چشم بزغاله برآن خوشه که خرمن کرده شب
داس کژ دندان ز راه کهکشان انگیخته
«خاقانی»

کیخسرو (ش — د) ازشاهان سلسلهٔ کیان، پسرسیاوش وفرنگیس، که پس ازمرگ سیاوش در سرزمین توران به دنیا آمد . پیران ویسه او را به شبانان سپرد تا بزرگ شد . گیو پهلوان ایران مأمور آوردن کیخسرو به ایران شد وپس از هفت‌سال جستجو اورا درسرغزاری یافت وازخالی که بر بازو داشت ونشان کیانیان بود ، اورا شناخت وباخودبه ایران‌آورد . سران ایران‌درپادشاهی کیخسرو همداستان‌نبودندو گروهی فریبرز پسر کاووس را سزاوارتر می‌دانستند . کاووس برای آزمایش ، هردورا به گشودن دژ بهمن فرستاد . کیخسرو پیروز شد و به شاهی رسید . کیخسروبه کین پدر با افراسیاب جنگ کرد و سرانجام افراسیاب کشته‌شد . کیخسرو شصت‌سال شاهی کردوپس‌ازآن به عبادت‌پرداخت وسران کشور را جمع کرد و گناره گیری خودرا اعلام کرد ولهراسب‌را به تخت نشاندوبه بزرگان گنج‌بخشید وایشان‌را بدرود گفت وخودروی به کوهی نهاد وناپدید گشت .

کیف (ط) (ازمقولات‌عشر) عرضی‌است که‌نه‌می‌توان‌آن‌را قسمت کرد ونه نسبت داد . مثل سبکی، سنگینی. کیف اگرمختص به نفس حیوان و انسان باشد نفسانیه است . مثل : قدرت ، اراده واگر باحواس پنجگانه بتوان‌ادراك کرد محسوسه‌است مثل : طعم ، رنگ .

کیقباد (ش — د) نخستین شاه‌کیانی و از نژاد فریدون . چون تخت ایران پس از مرگ گرشاسب بی‌شاه ماند زال ، به اشارهٔ‌مؤبد ، رستم را به جستجوی کیقباد به کوه البرز فرستاد . رستم کیقباد را ازکوه البرز آورد وبرتخت نشاند .

کیمیای سعادت (ك) تألیف حجة‌الاسلام امام‌محمد غزالی که آن را پس ازسفردهسالهٔ خودمیان سالهای ۴۹۰ و ۵۰۰ به زبان‌فارسی

نگاشته است. کیمیای سعادت خلاصه‌ای‌است‌از احیاءالعلوم که به‌زبان عربی نوشته شده بود ودرچهار موضوع یا چهار عنوان است. شناختن نفس، شناختن‌حق‌تعالی، شناختن‌دنیا، شناختن‌آخرت. این کتاب‌هم جنبۀ اخلاقی ودینی‌داردوهم‌حکمتی وعلمی.

نثر کیمیای سعادت روان ودرعین حال بسیار پخته وپرمغز است ونثری‌است‌عارفانه‌وادبی. (چاپ تهران)

کیومرث (ش ــ د) نخستین شاه پیشدادی که آئین تخت‌وتاج را آورد وشاه شد وسی‌سال سلطنت کرد. به روایت شاهنامه غذاپختن وجامه دوختن از پوست جانوران را او به‌مردمان آموخت.

گ

گردآفرید (ش — د) دختر نیرومند و پهلوانی که روی بسته به جنگ‌سهراب رفت و رشادتها کرد وباحیله اورا تادژسپید کشیدوخود را به داخل دژ افکند ودررا به روی سهراب بست وخود وهمه‌ایرانیان دژنشین را نجات داد .

گردیزی (ت)ابوسعید عبدالحی‌بن ضحاک‌بن محمود گرد یزی غزنوی .ازنویسندگان‌دورهٔغزنوی‌ومعاصرسلطان عبدالرشیدبن‌مسعودبن محمود سبکتکین .وی‌درزمان این پادشاه تاریخ بزرگی تألیف کرده‌است که به «زین‌الاخبار» معروف است .

گرشاسب (ش — د) نام یکی از نیاکان زال که از زابلستان بود وحکیم اسدی طوسی درقرن پنجم داستان دلاوریهای او را به نظم آورده وبه «گرشاسب‌نامه» موسوم ساخته است .

گرشاسب‌نامه (ك) داستان منظومی تألیف ابونصر علی‌بن احمد اسدی طوسی که درسال ٤٥٨ نظم آن‌را به پایان رسانده است . این منظومه درحدود ده هزار بیت دارد و درشرح حال گرشاسب پهلوان سیستان وجد رستم است. شاعر سفرهای گرشاسب را به کشورهای‌هند و افریقیه وهنرنمائیها وپهلوانیهای او وجنگهائی راکه با اژدها و دیو و ببر کرده است ، به‌تفصیل وصف می‌کند و داستان را با بحث هائی

مانند نکوهش جهان وستایش خداوند و انسان و وصف شب و روز وامثال آن می‌آمیزد .

اسدی گرشاسب‌نامه راازمتن‌منثوری گرفته که‌شایدهمان گرشاسب نامهٔ‌منثور ابوالمؤیدبلخی‌بوده‌و جزو شاهنامهٔ‌او محسوب می‌شده است . اسدی درنقل داستان‌ووصف میدانهای‌جنگ ومناظر طبیعی استادی‌نشان داده است .

داستان گرشاسب‌نامه نخستین داستان حماسی است که پس از شاهنامهٔ فردوسی وبه تقلید آن به نظم آمده است . (چاپ‌تهران)

گرگ (تن) درشعرفارسی اشاره به گرگی‌است که برحسب گفتار دروغ برادران یوسف ، یوسف را دریده است .

در کوی تو معروفم واز روی‌تومحروم
گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده
«سعدی»

گشایش‌ورهایش (ك) از رساله های فارسی تألیف ناصرخسرو قبادیانی‌شاعرونویسندهٔ بزرگ قرن‌پنجم .این کتاب‌شامل‌جوابهائی‌است که‌ناصرخسرو به سؤالهای‌یکی‌از برادران‌دینی داده‌است .کتاب‌حاوی سی‌سؤال وجواب است که ناصرخسرو با زبانی ساده وروشن دربارهٔ امور دین وحل مشکلها آورده است .

گشتاسب (ش ـ د) پسر لهراسب که چون از پدر تاج و تخت خواست و پدر روی موافقت نشان نداد ، به روم رفت و کتایون دختر قیصر را گرفت .سپس گشتاسب برادرخود زریر را که از جانب‌پدر به روم آمده‌بود ، شناخت‌وبااوبه ایران بازگشت وبه تخت نشست . گشتاسب از کتایون دخترقیصر دوپسر داشت : اسفندیار و پشوتن . از وقایع

زمان گشتاسب ، ظهور زرتشت است که گشتاسب وپسرانش و بزرگان ایران به دین او گرویدند . دیگر جنگ با ارجاسب است که برای ترویج دین زردشت بادلیریهای اسفندیار به پیروزی انجامید .

گلستان (ك) از معروفترین کتابهای نثر فارسی که سعدی شاعرو ادیب بزرگ ایران آن رادرسال ٦٥٦ به نام شاهزاده سعدبن ابوبکربن سعد زنگی تألیف کرده است . گلستان کتابی است تربیتی و اخلاقی ، شامل یک مقدمه درسبب تألیف کتاب و هشت باب. درسیرت پادشاهان، دراخلاق درویشان ، درفضیلت قناعت ، در فواید خاموشی ، درعشق وجوانی ، درضعف وپیری ، درتأثیر تربیت ، درآداب صحبت .

سعدی در کتاب گلستان انواع مواعظ وحکم را درنثر آمیخته بانظم گنجانده است . نثر گلستان نثر مسجع ومزین است ودرواقع بایدسعدی رادراین شیوه استاد مسلم دانست . سبک نثر گلستان مورد تقلید نویسندگان قرون بعد قرارگرفته است . گلستان چندین بار به چاپ رسیده وازقرنها پیش کتاب درسی ایرانیان شده است .

گلشن راز (ك) مثنوی تألیف سعدالدین محمود شبستری که آن را در سال ٧١٠ به رشتهٔ نظم کشیده است . این مثنوی از جامعترین مثنویهائی است دراصول تصوف؛ وموضوع آن پاسخ پانزده سؤال است در بارهٔ تصوف که شخصی به نام « امیر حسینی حسین بن عالم ابی‌الحسین هروی» از عارفان بزرگ خراسان آنها را مطرح کرده است. سؤالها دربارهٔ تفکر وسر وحدت، خودشناسی ، اناالحق ، ممکن وواجب، قدیم ومحدث ، جزء و کل واز این قبیل مسائل است .

شبستری در ضمن جواب به این سؤالها امثال وشواهدی هم آورده است .

مثنوی گلشن راز بوسیلهٔ شیخ شمس الدین محمد لاهیجی در سال ۸۷۷ شرح شده و به نام «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» خوانده‌شده‌است.

گلشن صبا (ك) کتاب منظومی که فتحعلی‌خان صبا ملک‌الشعرای دربار فتحعلیشاه آن‌را به‌تقلید بوستان ساخته است.

گلگون (ش ـ د) نام اسب شیرین

نبود آن‌روز گلگون در وثاقش　　　بر اسبی دیگر افتاد اتفاقش

«نظامی»

گل و نوروز (ك) گل‌ونوروز مثنوی‌عشقی اثر شاعر بزرگ ایران خواجوی کرمانی که آن را به سال ۷۴۲ بروزن خسرو وشیرین نظامی وبه‌نام تاج‌الدین احمد عراقی ساخته است. عدد ابیات آن در حدود ۲۶۰۰ می‌باشد.

گنج دانش (ك) کتاب سودمندی به زبان فارسی تألیف محمد تقی‌خان حکیم که آن را درسال ۱۳۰۵ هجری تألیف کرده است. این کتاب فرهنگ کاملی است ازاسامی اماکن وبلاد ایران ورجال‌مشهور ویادداشتهای مفید شامل ۵۷۴ صفحه. امتیاز این فرهنگ برفرهنگهای دیگر آن‌است که‌مؤلف درابتدای کتاب بطور تفصیل مآخذ و منابعی‌را که مورد استفاده‌اش قرار گرفته ذکر کرده است.

گنج قارون (تن) گنجی که قارون پسر عم موسی به وسیلهٔ کیمیاگری اندوخته کرد وبه غرور آن‌برموسی عصیان کرد، موسی دعا کرد تاقارون و گنجش درخاك فرو رفتند.

قارون هلاك شد که چهل خانه گنج داشت
نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

«سعدی»

گندم (تن) دانه‌ای که خوردنش دربهشت برای آدم‌وحوانهی شد، بود ، ولی ایشان به اغوای ابلیس ازآن خوردند واز بهشت رانده شدند .

پدرم روضهٔ رضوان به دوگندم بفروخت
ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم
«حافظ»

گودرز (ش- د) ازپهلوانان‌شاهنامه‌پسر کشواد . گودرزهفتاد پسرداشت همه از پهلوانان نامی که ازآن میان گیو وبهرام درشاهنامه نامدارترند. خانوادهٔاو درشاهنامه گودرزیان خوانده‌شده‌اند. گودرز در دربار کاووس‌بسیار آبرو واحترام‌داشت وهمیشه‌موردشورقرارمی گرفت.

گوسالهٔ سامری (تن) گوساله‌ای ازطلا که مردی به نام سامری درزمان موسی ساخت وسطابق روایات خاك زمینی را که اسب جبرئیل درآن‌پانهاده بود ، برآن‌افشاند . گوساله به صداآمدوحرکت کرد .

چون سامری مباش که زر داد و ازخری
موسی بهشت و از پی‌گوساله می‌رود
«حافظ»

گوهرمراد (ك) کتابی درحکمت‌والهیات به زبان‌فارسی تألیف عبدالرزاق لاهیجی که آن را درزمان شاه‌عباس ثانی وبه نام او تألیف کرده است. این کتاب شامل مقدمه وسه‌مقاله است که هرمقاله‌دارای چندین فصل درمنطق وخودشناسی وخداشناسی ورسالت وامامت‌است. گوهر مراد ازکتابهای سودمندی است که در منطق والهیات به زبان فارسی نوشته شده است .

گوهرنامه (ك) مثنوی‌بروزن‌خسرووشیرین‌نظامی که‌خواجوی

کرمانی آن را به‌نام امیرمبارزالدین محمد مظفر و وزیر او بهاءالدین محمود ساخته است .موضوع آن تصوف واخلاق است .

گوی‌وچوگان (ك) یاحالنامه منظومهٔعارفانهٔ کوچکی درپانصد بیت تألیف محمود عارفی هراتی که آن را درسال ۸٤۲ ساخته است . شاعر دراین منظومه بازی گوی وچوگان را وصف کرده ومناظره‌ای بین آنها ترتیب داده وآن را «حالنامه» خوانده است .

موضوع اصلی این مثنوی داستان عشق درویشی است نسبت به شاهزاده‌ای . درویش پیوسته ازعشق خون دل می‌خورد تا سرانجام دراین راه جان را به باد می‌دهد .

عارفی این منظومه را به تقلید نظامی ساخته ودرسراسر آن شور وسستی عشق را آشکارکرده است و درضمن نقل حکایت قطعه های زیبا وبدیعی‌مانند «مناظرهٔ زمین‌وآسمان»و«رازگفتن درویش با گوی وچوگان» آورده است . (چاپ لندن)

گیتی‌گشا (ك) کتابی درتاریخ زندیه، تألیف‌میرزا محمدصادق موسوی. این کتاب دردورهٔ انحطاط ادبی یعنی‌اواخرقرن دوازدهم نوشته شده و نثر آن بسیارسست و متکلفانه است .

(چاپ تهران)

گیلی (ت) ابوالحسن کوشیارازمنجمان وریاضی‌دانان قرن چهارم وآغازقرن پنجم . ازآثار اوکتاب الاصطرلاب و عیون الحقایق است درعلم نجوم .

گیو (ش — د) از پهلوانان شاهنامه وپسر گودرز که دلاوریها کرده‌است واز کارهای‌معروف‌اوآوردن کیخسروبه‌ایران‌است. دیگر یافتن

دختری در شکارگاه و آوردن او نزد کاووس است که کاووس او را به همسری برمی گزیند و سیاوش از او به وجود می‌آید . گیو پدر بیژن پهلوان نامی است که داستان او با منیژه دختر افراسیاب از قسمتهای دلکش شاهنامهٔ فردوسی است .

ل

لازم (ط) چیزی که از شیء منفک نشود . مثل قدرت کتابت از انسان

لامعی گرگانی (ت) ابوالحسن محمدبن اسمعیل لامعی از شاعران قرن پنجم ومعاصر طغرل سلجوقی و الب ارسلان است . اشعاری درمدح عمیدالملک کندری وزیرطغرل ونظام الملک وزیر الب ارسلان سروده است. لامعی دروصف وتنوع مضامین بسیار مهارت داشته است وچون به زبان عربی آشنائی داشته ، کلمات وحتی عبارتهای عربی در کلام خود بسیار استعمال کرده است .

(مجموعه اشعارلامعی – چاپ تهران)

لاهیجی (ت) ملاعبدالرزاق لاهیجی. وفات ۱۰۵۱ –ازمعروفترین حکیمان وعالمان عصرصفوی ومعاصر شاه عباس ثانی . لاهیجی شاگرد ملاصدراست وتألیفات مهمی درحکمت ومنطق دارد .معروفترین کتابهای فارسی او «گوهر مراد» و «سرمایهٔ ایمان» است . از جملهٔ تألیفاتش به زبان عربی «شوارق الالهام» درشرح تجرید خواجه نصیر طوسی است. لاهیجی شعر نیز می گفته و«فیاض» تخلص می کرده است .

لباب الالباب (ك) تذکرهٔ مهمی به زبان فارسی ، تألیف محمد عوفی از نویسندگان اوایل قرن هفتم که آن را درسال ۶۱۷ به نام عین الملک فخرالدین وزیر ناصرالدین قباچه تألیف کرده است. این کتاب

درشرح حال شاعران ایران است ، از ابتدا تازمان مؤلف و مشتمل بردوجلد است. جلداول حاوی‌شرح حال ونقل‌اقوال سخنگویان‌ازشاهان وامیران ووزیران ودانشمندان . جلد دوم خاص شاعران وادیبان‌است شامل شرح حال ۱۶۹ تن ازشاعران ایران .

لباب‌الالباب قدیمترین تذکره‌ای است از احوال شاعران فارسی زبان و درآن ازشاعرانی یاد شده است که احوال و آثارشان براثرحملهٔ مغول یا وقایع دیگر از بین رفته است و اگرچه مؤلف در ذکر حال شاعران و بزرگان اطلاعات سودمندی به‌دست نمی دهد و اغلب به استعمال استعاره و تشبیه و جناس می پردازد و عبارت پردازی را به‌آوردن معانی مفیدترجیح می‌دهد ، باز از نظر تاریخی و ادبی بسیار مهم‌است.

لبیبی (ت) ازشاعران اواخر قرن چهارم و اوایل‌قرن پنجم .وی معاصر فرخی بود ومانند او ابتدا به دربار چغانیان وپس ازآن به دربار غزنوی رفت . قصیده‌ای از او درمدح ابوالمظفر چغانی باقی است . لبیبی پس از خود شهرت یافته و مسعودسعد قصیده‌ای دراستقبال یکی از شعرهای او ساخته است .

ابیاتی ازاو درفرهنگها وتذکره‌ها ضبط است .

لطف‌الله نیشابوری سالکی (ت) وفات ۸۱۶ — ازقاضیان‌دانشمند وشاعران‌نیشابورکه‌معاصرامیرتیموربوده‌وازمریدان‌شاه نعمة‌الله‌ولی‌است. مولانالطف‌الله‌درشعر به‌ایرادصنایع لفظی‌توجه‌خاص داشته‌است وقصایدی درمدح ائمهٔ اطهار دارد . کلیات لطف‌الله به خط سیمی نیشابوری در کتابخانهٔ ملی ایران موجود است .

لغز (ب) ازصنایع بدیع که گوینده‌بادادن نشانیهای مختلف‌چیزی

را وصف کند مانند قصیدهٔ منوچهری در وصف شمع که مطلع آن این است:

ای نهاده در میان فرق جان خویشتن
جسم ما زنده به جان و جان تو زنده به تن

هنگامی که لغز به صورت سؤال باشد آن را «چیستان» گویند

لقمان (تن) بعضی از مورخان اورا عم زادهٔ ابراهیم پیغمبر می دانند ونام او صریحاً درقرآن آمده است و به حکمت منسوب است . قوله تعالی آتیتنا لقمن الحکمة .

لمعات (ك) رساله‌ای در تصوف ، شامل تعلیمات استاد بزرگ محی الدین بن العربی . این کتاب را فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی درقونیه پس ازآن که به خدمت شیخ صدرالدین قونیوی رسید ودرمجلس او به بحث در بارهٔ فصوص پرداخت ، تألیف کرد و برشیخ عرضه داشت .

لمعات مشتمل بر ۲۸ لمعه است حاوی نظم و نثر عربی وفارسی که جامی درزمان سلطان حسین بایقرا به دستور امیر علیشیر نوائی شرحی برآن نوشته وآن را «اشعة اللمعات» نامیده است .

لن ترانی (تن) اشاره است به قصهٔ موسی که گفت (ای پروردگار خودرا به من نما) جواب آمد (لن ترانی) یعنی که هرگز مرا نخواهی دید .

چوقلم زدست بنهی بدهیش بی قلم تو
صفتی که نورگیرد ز خطات لن ترانی
(ازدیوان شمس تبریزی)

لوامع فی شرح الخمریه (ك) شرحی به قصیدهٔ خمریهٔ ابن فارض المصری (۵۷۶ — ۶۳۲) تألیف مولانا عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۷۵ تألیف کرده است . هریک از فصول کتاب به نام «لامعه» است که مجموع

آن لوامع خوانده می‌شود .

لوایح (ک) رساله‌ای به‌زبان فارسی درتصوف ، از آثار معروف مولانا جامی که آن را درحدود سال ۸۷۰ به‌نام جهانشاه قره‌قوینلوتألیف کرده است. این کتاب مشتمل برسی لایحه است بامقدمه‌ای درخطبه ومناجات، ونثر آن مسجع‌آمیخته به شعر است واز نظر تحقیق درعرفان بسیار سودمند می‌باشد (چاپ لندن)

لوط (تن) ازپیغمبران که هرچه قوم خودرا به راه خدا دعوت می کرد نمی‌پذیرفتند . عاقبت به‌فرمان خدا لوطو کسانی که به‌اوایمان آورده‌بودند ازشهربیرون رفتند. وشهرسنگسار شدوزن لوط که‌ازنافرمانان بود بادیگران سنگسارشد .

لوکری (ت) ابوالحسن‌علی‌بن‌محمدغزوانی لوکری اهل‌لوکر ازشهرهای نزدیک مرو وازشاعران‌نیمهٔ دوم قرن‌چهارم . لوکری‌نوح‌بن منصورسامانی وابوالحسن‌عبیداله‌بن‌احمد عتبی‌را مدح گفته‌است.اشعار پراکنده‌ای از غزل وقصیده از او باقی است .

لهراسب (ش-د) ازشاهان کیان که به‌دستور کیخسرووبرخلاف میل بزرگان‌شاه گشت وآتشکدهٔ آذربرزین‌را بنا کرد . سرانجام سلطنت را به پسرش گشتاسب سپرد وخود در آتشکدهٔ نوبهارکه در شهر بلخ بود به عبادت پرداخت .

لیلةالقدر(تن) رجوع شود به شب قدر

لیلی (د) ازاشخاص‌داستانهای عرب، لیلی دختری است ازقبیلهٔ بنی‌عامر که ازکودکی مورد علاقه‌وعشق مجنون (قیس) ازقبیلهٔ‌خود، واقع می‌شود وخود نیز به اودل می‌بندد، اما به فرمان پدرقیس‌ازاوجدا می‌شود وپس ازمدتی به‌ازدواج «ابن‌السلام» درمی‌آید . لیلی هیچگاه

تن خود را به شوهر نمی‌سپارد وسرانجام به ناکامی جان می‌دهد .

داستان عشق لیلی ومجنون بوسیلهٔ بسیاری از شاعران ایرانی به نظم آمده است که نخستین و معروفترین آنها مثنوی «لیلی ومجنون» نظامی گنجوی است.

شبی مجنون به‌لیلی گفت کای محبوب بیهمتا

ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

لیلی ومجنون (ک) یکی ازمثنویهای نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم که آن را درسال ۵۸۰ به‌نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر ساخته است . این مثنوی دارای چهارهزار وهفتصد بیت است. اصل داستان لیلی ومجنون عربی است وموضوع آن عشق مجنون (قیس) از قبیلهٔ بنی‌عامر ولیلی بنت سعد از همان قبیله می‌باشد .

داستان لیلی و مجنون پس از نظامی بوسیلهٔ شاعران دیگر مانند جامی ومکتبی نیزبه نظم آمده است .

لیلی ومجنون (ک) یکی ازمثنویهای هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن را به تقلید لیلی ومجنون نظامی درسال ۸۸۹ ساخته‌است. جامی درنظم این داستان به منابع عرب نیز توجه داشته وغالباً اشعار منسوب به قیس عامری را ترجمه کرده است .

(هفت اورنگ — چاپ تهران)

م

ماچین کشوری درجنوب چین ومشرق هندوستان

دو چشم شوخ تو برهم زده ختاوختن
به چین زلف توماچین وهند داده خراج
«حافظ»

ماده (ط) مایه واصل چیزی را گویند . مانند فولاد که مادهٔ شمشیر است .

ماده تاریخ آن است که درتاریخ واقعه‌ای کلمه یاعبارتی بجویند که از جمع اعداد حروف آن به حساب ابجد سال تاریخ آن واقعه به دست بیاید. این کلمه یا عبارت را «ماده تاریخ » می‌نامندومعمولا آن را در ضمن قطعه‌ای درج می‌کنند تا آسان به خاطر سپرده شود . گاهی ماده تاریخ تنها حروف ابجد است واز آنها کلمه یاعبارت‌بامعنی حاصل نمی‌شود. مانند ماده تاریخ حیات‌ابوعلی سینا که‌این‌است:

حجة الحق ابو علی سینا
در «شجع» آمد ازعدم به وجود
در«شها» کرد کسب کل علوم
در«تکز» کرد این جهان بدرود

که ازحروف «شجع» ۳۷۳ واز حروف «شها» ۳۹۱ و از حروف «تکز» ۴۲۷ حاصل می‌شود . اما ماده تاریخ فصیح و شیوا آن است که عبارت بامعنی ومتناسب‌باواقعه باشد مانند ماده‌تاریخ وفات‌حافظ:

چراغ اهل معنی خواجه حافظ
که شمعی بود از نور تجلی
چو در خاک مصلی یافت منزل
بجوتاریخش از «خاک مصلی»

که «خاک مصلی» می‌شود ۷۹۱ .

مار (تن) جانوری که ابلیس را دردهان‌خود جای دادوپنهانی اورا به بهشت برد ، تا آدم وحوا را فریفت .

گاهی نیز درشعر فارسی به‌ماری که بردوکتف ضحاك بوده‌اشاره شده است.

دست آهنگر مرا درمارضحاکی کشید
گنج افریدون‌چه‌سوداندردل دانای‌من
«خاقانی»

مانی (ش — ت) نام‌نقاش‌ایرانی که مادرش منسوب به‌خاندان شاهی اشکانی بود وادعای پیغمبری داشت. مانی به فرمان بهرام‌اول کشته شد . کتاب معروف مانی «شاپورگان»نام داشت وکتاب‌ارژنگ (یا ارتنگ) که مشتمل بر نقشهاوتصویرهای‌دلکش بود به اومنسوب است .

آئین‌مانی‌تاچندین قرن‌در‌آسیاواروپارواج‌داشت.امامانی‌درادبیات فارسی‌بیشتربه‌هنر نقاشی شهرت دارد و دراین‌هنربه اومثل زده می‌شود

سپهر گفتی نقاش نقش مانی گشت
که هرزمان بنگارد هزارگونه صور
«انوری»

ماهِ کنعان (تن) اشاره به‌یوسف ، رجوع شود به‌یوسف.

ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد
جای آن‌است که بدرود کنی زندان را
«حافظ»

ماه‌مصر (تن) اشاره به یوسف. رجوع شود به یوسف.
ز صدهزار پسر همچو ماه مصریکی
چنان شود که چراغ پدر کند روشن
«صائب»

ماه‌مقنع (د) ماهی که مقنع به سحروجادو درشهرنخشب ساخته بود و هرشب از چاهی برمی‌آمد وتاچهار فرسنگ را روشن‌می کرد
کی بود ماه مقنع همچو ماه آسمان
گرچه کوته‌دیدگان‌را درخیال‌افتدمنیر
«انوری»

ماه‌نخشب (د) رجوع شود به‌ماه مقنع.
صبح برآمد زکوه چون مه نخشب زچاه
ماه برآمد به صبح چون دم ماهی ز آب
«خاقانی»

متدارك (ع) از بحور شعرعربی وفارسی که‌اخفش اوسط نحوی آن را یافته است واصل آن «هشت بارفاعلن» است. درفارسی مشتقات این بحررواج بسیار ندارد. وزن زیردرزمانهای اخیر متداول‌شده‌است. (فاعلن فاعلن فاعلن فع) مثال:

ای فسانه فسانه فسانه   ای خدنگ ترا من نشانه

متقارب (ع) از بحور شعر فارسی وعربی. درفارسی از این بحر وزنهای زیر رایج‌است: متقارب مثمن (فعولن ٤ بار) مثال:

جهانا چه بدمهر و بدخوجهانی چو آشفته بازار بازارگانی

متقارب مثمن مقصور یا محذوف (فعولن فعولن فعولن فعول - یا فعل) مثال:

به‌نام خداوند جان‌وخرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

المتوکلی (ت) ابواسحق ابراهیم بن ممشاد اصفهانی. اهل اصفهان که ابتدا سمت کتابت متوکل را داشته پس ازآن به خدمت یعقوب لیث رسیده است. المتوکلی در فصاحت و کتابت عربی بی‌نظیر بوده وبعضی گویند قطعهٔ معروف «انا ابن الاکارم من نسل جم...» را او از قول یعقوب ساخته وبرای خلیفه فرستاده است.

متی (ط) ازمقولات عشر. مفهوم متی نسبت جسم است به زمان یعنی «کی بودن»

مثنوی (ب) یکی از قالبهای خاص شعرفارسی که درزبان عربی نیز به‌تقلید فارسی ساخته‌شده است. وآن را «مزدوجه» خوانده‌اند. مثنوی شعری است که هردو مصراع آن دارای قافیهٔ واحد و مستقلی باشد. در زبان فارسی برای سرودن منظومه های مفصل رزمی وبزمی وعرفانی قالب مثنوی به کار می‌رود. مانند مثنوی معروف مولوی و شاهنامهٔ فردوسی و خمسهٔ نظامی. مثال:

درختی که تلخ است وی راسرشت
گرش بر نشانی به باغ بهشت
ور ازجوی خلدش به هنگام آب
به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سر انجام گوهر به کار آورد
همان میوهٔ تلخ بار آورد

«فردوسی»

مثنوی (ك) نام منظومهٔ مفصل ومعروف جلال الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی . این منظومه که به بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور سروده شده شامل شش دفتراست ومجموع ابیات آن به بیست وشش هزار می‌رسد .

مثنوی مهمترین ومعروفترین اثر منظوم عرفانی است که از زمان سروده شدن تا کنون همواره مورد مطالعه و توجه خاص علاقمندان به تصوف وعرفان واندیشه های لطیف عرفانی وحکمی بوده است و برآن شرحهای متعدد مبسوط نگاشته‌اند .

کتاب مثنوی شامل حکایتهای مسلسل منظومی است که عارف بزرگ از نقل آنها نتایج عرفانی واخلاقی ودینی منظور داشته است . غالباً، چنانکه یکی ازشیوه های متداول درادبیات فارسی است ، داستانهای کوتاه‌وبلند درضمن داستان دیگربه‌مناسبت می‌آید و درهرمورد احادیث واخبار، وآیات قرآن مجید برای تأیید واثبات مطلب ذکر می‌شود .

کتاب مثنوی مکرر به چاپ رسیده است .

مجاز (ب) آن‌است که‌چیزی را ذکر کنندوازآن غیر معنی‌اصلی خواهند . یانسبت دهند به چیزی آنچه راکه ازوی نیست .

اول را مجاز لغوی‌وثانی را مجاز عقلی خوانند . مثال :

تاسلسلهٔ ایوان بگسست مداین را

درسلسله‌شد دجله‌چون‌سلسله‌شد پیچان

سلسله به معنی زنجیر است واز عبارت «دجله درسلسله‌شد» مراد شاعر آن است که‌رود دجله موج زن‌شد . پس از کلمهٔ «سلسله» چیزی غیر از معنی اصلی آن اراده شده است . در این مورد کلمهٔ «سلسله» به معنی مجازی به کار رفته است .

مجالس العشاق (ك) تألیف سلطان ابوالغازی حسین بایقرا که آن رادرسال ۹۰۸ تألیف کرده است. این کتاب دارای یک مقدمه دربیان عشق حقیقی و هفتادوشش مقاله استموسوم به مجالس که سر گذشت عارفان یا شاهان به‌طرز داستانی درآن نقل‌شده است. آخرین مجلس این کتاب درشرح حال مؤلف یعنی سلطان حسین بایقرا است. ولی انتساب این کتاب به سلطان حسین بایقرا قطعی‌نیست بلکه بابردر کتاب «بابرنامه» مؤلف آن را کمال‌الدین حسین گازرگاهی می‌داند.

این کتاب ازحیث‌ترجمهٔ حال بزرگان قابل اعتمادنیست ونویسنده درشرح مطالب ازسادگی‌خارج شده وبه‌عبارت‌پردازی پرداخته است.

مجالس المؤمنین (ك) کتابی درشرح‌حال وآثار واحوال‌عالمان وفقیهان وشاهان ومتصوفان. تألیف قاضی‌نورالله ششتری که‌آن‌رادرسال ۹۹۳ شروع کرده ودر ۱۰۱۰ به‌پایان رسانیده‌است. این کتاب دردوازده مجلس است درشرح حال بزرگان و فقیهان و مبنایش برنشر دعوت شیعه است. نوشتهٔ کتاب ساده است. (چاپ تهران)

مجالس النفایس (ك) اصل این کتاب به زبان ترکی شرقی (جغتائی) است تألیف میرنظام‌الدین امیر علیشیرنوائی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا و درسال ۸۹۶ تألیف یافته است.

مجالس‌النفایس شامل یک مقدمه وهشت مجلس است درذکر حال شاعران ونویسندگان معاصر نویسنده، وشرح حال فاضلان‌خراسان وشاهان وشاهزادگانی که یا خود شعرمی گفته‌اند یابه شعر وشاعری علاقهٔ‌خاص داشته‌اند. همچنین درذکراوصاف‌ابوالغازی سلطان‌حسین‌بن بایقرا و حوادث سیاسی‌سلطنت او. مؤلف رویهمرفته در حدود سیصدو هشتادوپنج تن ازشاعران‌قرن نهم را نام برده‌است. این کتاب با آنکه

بسیار مختصر است و مؤلف درشرح حال شاعران و فاضلان بسیار به‌ایجاز پرداخته است، باز نمودار وضع ادبیات‌فارسی درقرن نهم است ودرضمن ازفواید تاریخی و اجتماعی خالی‌نیست .

ازمجالس‌النفایس سه‌ترجمه به فارسی صورت گرفته است . یکی به‌نام «لطائف نامه» است که مترجم آن فخری هراتی است وکتاب خود را به نام شاه اسمعیل اول پرداخته است . ترجمهٔ دوم از حکیم شاه محمدبن‌مبارک القزوینی که‌آن‌را به نام‌سلطان سلیم‌خان‌بن‌سلطان بایزید ساخته است . ترجمهٔ سوم به دست شاه علی‌بن عبدالعلی انجام گرفته وبه‌نام‌دین‌محمد ازشاهان‌اوزبک ماوراءالنهر پرداخته‌شده‌است.

مجتث (ع) ازبحور شعرفارسی‌وعربی. اصل‌آن«مستفعلن‌فاعلاتن مستفعلن» است . درفارسی ازاین بحر وزنهای زیر متداول است :

بحرمجتث مثمن مخبون (مفاعلن فعلاتن ٤بار)مثال :

درآن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم
بدان‌امیدد هم‌جان که‌خاک کوی توباشم

مجتث مثمن‌مخبون محذوف(مفاعلن فعلاتن مفاعلن‌فعلن) مثال:

سحرزهاتف غیبم رسید مژده به گوش
که دورشاه شجاع است می‌دلیربنوش

مجدهمگر (ت) وفات٦٨٦—ازشاعران قصیده سرای قرن هفتم هجری . اهل یزد بود ولی درشیراز اقامت داشته و در تحت حمایت بهاءالدین جوینی حکمران فارس می‌زیسته است و اشعاری در مدح شمس‌الدین صاحبدیوان واتابک سعدبن ابوبکر بن‌سعد زنگی دارد . علاوه برمدح‌قطعات هجویه‌ای نیزدرحق‌اشخاص سروده است. غزلهای عاشقانه نیز دارد و گاه مضمونهای اجتماعی و حکمی در اشعارش دیده

می‌شود .

مجره (نج) یا راه کهکشان . مجموع ستارگانی است از جنس ستارگان ابری،مانند دایره‌ای بزرگ که بردوبرج جوزا وقوس می گذرد .

یکی پله است این منبر مجره زده گردش نقط از آب روین

«منوچهری»

مجری (ق) ازحرکات قافیه . حرکت روی پیش ازحرف وصل . مانند حرکت نون درکلمهٔ دشمنی

دوستا گردوستی گردشمنی

مجلسی (ت) محمدباقر .وفات ۱۱۱۱—ازبزرگان وعلماء شیعه درزمان صفویه . وی پسر ملامحمد تقی مجلسی واز متعصبان مذهب بوده که تشیع را درمیان عامه ترویج کرده وباصوفیه درکمال خشونت رفتار می کرده‌است . مجلسی به‌فارسی‌ساده وقابل فهم‌عوام چیزمی‌نوشت وعقاید شیعه وتاریخ واحادیث را به این طریق ترویج می کرد . ازآثار معروف او به عربی «بحارالانوار» است درحدیث وازآثار فارسی او «عین الحیاة» شامل پند واندرز، مشکوةالانوار ، حلیةالمتقین، حیوةالقلوب، جلاءالعیون، حق‌الیقین است .

مجمر اصفهانی (ت) سیدحسین طباطبائی . وفات ۱۲۲۵ هجری- از سادات‌اصفهان بوده که‌درجوانی به‌تهران‌آمده‌بوسیلهٔ میرزاعبدالوهاب نشاط به دربارفتحعلیشاه راه یافته است . پس از مدتی ازطرف شاه به لقب مجتهد الشعرائی مفتخرگشت . مجمر سالها ندیم حسینعلی میرزا پسرفتحعلی شاه بوده و از شاعران غزلسرای‌دورهٔ بازگشت ادبی‌است . غزلیات لطیف دارد ودرقصیده پیروانوری و خاقانی و امیرمعزی است . اشعار هزل وهجو دارد ومثنوی به سبک تحفة العراقین خاقانی سروده

و قطعات منثوری هم به سبک گلستان سعدی ساخته است .

مجمع الانساب (ك) تاریخی به‌زبان‌فارسی تألیف‌محمدبن علی بن محمد شبانکاره که مؤلف آن را دوبار نوشته است . یکبار به سال ۷۳۳ وباردیگر به سال ۷۴۳ زیرا در هنگامی که خانهٔ غیاث‌الدین محمد وزیر پسر خواجه رشیدالدین فضل‌الله درتبریز غارت شد ، نسخهٔ اولی کتاب از بین رفت ومؤلف باردیگر آن را ازحافظهٔ خود نوشت.

مجمع الانساب‌شامل تاریخ عمومی عالم‌است از بدوخلقت‌تازمان تحریر . مؤلف درشرح حال طبقات شاهان و طوایف، تقسیمات مختلفی بکاربرده است . شاهان‌را به چند طبقه وهرطبقه را به‌چند گروه وهر گروه را به چند طایفه تقسیم کرده است . وقایع را گاهی به اختصار ذکر می کند و گاهی به تفصیل .

سبک کتاب درقسمت اول ساده‌تر است ولی در اواخر متکلفانه می‌شود وبا اشعاری درمدح شاهان آمیخته می گردد .

مجمع الفرس (ك) رجوع شود به فرهنگ سروری.

مجمع الفصحاء (ك) کتابی درشرح حال شاعران، تألیف رضاقلیخان هدایت که آن‌را بقول خود پس از سی‌سال کار به‌پایان رسانده است. این کتاب شامل‌شرح‌حال شاعران پارسی‌است از آغاز ظهور شعرتازمان مؤلف یعنی ۱۲۸۴ وچنانکه هدایت خود درمقدمهٔ کتاب گوید کتاب‌را برچهار رکن یا باب تقسیم کرده است. باب اول درذکر اشعار وحال شاهان قدیم و جدید . باب دوم شعرای متقدمین . باب سوم شعرای متوسطین . باب چهارم شعرای متأخرین ومعاصرین . درپایان کتاب چندین صفحه به شرح حال واشعار خود اختصاص داده است .

هدایت درمقدمهٔ‌مجمع الفصحاء ازکتابها وتذکره‌هائی که‌استفاده

کرده نام برده است . مجمع الفصحاء اگرچه به‌علت وسعت کاردارای لغزشها وخطاهای بسیار است ، باوجود این آخرین وجامعترین تذکرهٔ شاعران فارسی است وهمواره مورد استفادهٔ محققان ونویسندگان تاریخ قرار گرفته است.

(مجمع الفصحاء — چاپ تهران)

مجمل التواریخ والقصص (ك) کتابی که مؤلف آن معلوم نیست ولی چنانکه از گفتهٔ اوبرمی‌آید جدش مهلب بن محمدبن‌شادی نام داشته است . مؤلف مجمل التواریخ اهل همدان و قریهٔ اسدآباد بوده است وچون ازاصفهان بسیار بحث کرده، معلوم می‌شود که مدتی دراصفهان اقامت داشته است . تاریخ تألیف کتاب سال ۵۲۰ و زمان سلطنت سلطان سنجر سلجوقی است .

موضوع کتاب ، تاریخ اجمالی عالم است عموماً و تاریخ کشور ایران خصوصاً از مبدأ خلقت تاسال ۵۲۰ هجری. این کتاب دربیست وپنج باب است وشیوهٔ تنظیم مطالب آن تقلیدی‌است ازتاریخ سنی ملوك الارض تألیف حمزهٔ اصفهانی ، به این معنی که هرفصلی به موضوع معینی وبه روایت مورخ معینی‌اختصاص داده شده است . مثلا سنوات سلطنت دریکجا، نام‌ونسب درجای دیگر ، همچنین آثار وبنا ، معاصران سلاطین ، القاب ، قبور ، سیرو صفات، هرکدام درفصل جداگانه‌ذکر شده است .

صاحب‌مجمع التواریخ منابع وکتابهای معتبری‌راکه ازآنهااستفاده کرده است، درکتاب خود نام می‌برد. مانند تاریخ طبری، سیرالملوك ابن‌مقفع ، حمزهٔ اصفهانی .

صاحب مجمل‌التواریخ کتاب خود را باقصه آمیخته ولی درعین

حال اسنادومدارکی درتاریخ ذکر می کند که بسیار مورد استفاده است انشاء کتاب بسیارساده ودور از تکلف و کمی کهنه‌تر ازسبک زمان مؤلف است ولغات عربی بسیارکم دارد .

(مجمل التواریخ — چاپ تهران)

مجمل فصیحی (ك) از تواریخ مهم دورهٔ تیموری به‌زبان‌فارسی تألیف فصیحی خوافی که آن‌را در سال ۸۴۹ به‌نام شاهرخ تألیف کرده است . این کتاب تاریخ عمومی مختصری است از ابتدای خلقت تا اواسط قرن نهم ومشتمل بریک مقدمه ودومقاله ویک خاتمه است . درمقدمه تاریخ عالم ازبدو خلقت تا ولادت پیغمبر اسلام نوشته شده است . مقالهٔ اول ازولادت پیغمبر تا هجرت اوبه‌مدینه است . مقالهٔ دوم مفصل‌ترین قسمتهای کتاب است یعنی شامل وقایع ازسال اول هجرت تا ۸۴۵ می‌باشد .

مجمل فصیحی به طرز سالنامه نگاری نوشته شده و وقایع سنوات به ترتیب پی‌درپی آمده است . این کتاب به‌نثری بسیار ساده‌نوشته‌شده وشامل مطالب بسیار پرارزش وسودمند می‌باشد . (چاپ تهران)

مجنون (د) از اشخاص داستانهای عاشقانهٔ عرب . نام اصلی او «قیس» واز قبیلهٔ «بنی‌عامر» است . قیس از کودکی به لیلی‌بنت‌سعد ازقبیلهٔ خود، دل می‌بندد وبه مناسبت مخالفت پدر لیلی ازاوجدامی گردد. کارقیس ازعشق به‌جنون می‌کشدچنانکه اوراه بیابان پیش می گیرد وباوحش وطیر مأنوس می گردد وسرانجام در ناکامی جان می‌سپرد .

شبی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بیهمتا
ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

مجنون‌ولیلی (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که شاعرآن را درسال ۶۹۸ به تقلید لیلی ومجنون نظامی ساخته است.

مجیر بیلقانی (ت) ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی. وفات ۵۸۶- از قصیده سرایان آذربایجان واهل بیلقان. وی شاگرد خاقانی می‌باشد وارسلان‌بن طغرل‌بن محمدبن ملکشاه از سلجوقیان واتابک شمس‌الدین ایلدگزو پسرانش جهان پهلوان وقزل‌ارسلان را مدح کرده است. مجیر ازطرف ایلدگز مأموریتی به اصفهان یافت ولی اهالی اصفهان چنانکه باید اورا ننواختند وبه‌این سبب مجیراشعاری درهجواصفهانیان سرود. دیوان مجیرشامل قصاید و غزلیات وقطعات ورباعیات است ودر اشعار اوسبک خاقانی نمودار است. وی با اغلب شاعران زمان خود مانند خاقانی و نظامی وجمال‌الدین عبدالرزاق مناظره ومعارضه داشته‌است. مجیر به روایتی به تعصب اهل اصفهان به قتل رسیده است.

محاق (نج) حالتی ازماه که نیمی از آن که به جانب خورشید است ازنظر ناپیداست ونیمی که کاملا تاریک است به سوی زمین‌است این حال درآخرماه است وآن‌را «اجتماع» و«اتصال» نیزگویند. زیرا که آفتاب وماه باهم گرد می‌آیند.

ماه ارنخواهد آنکه بود نعل مرکبت

از ناخن محاق ابد چهره خسته باد

«انوری»

محبوب‌القلوب (ك) یا شمسه و قهقهه کتابی شامل قصص وحکایات تألیف میرزا برخورداربن‌محمود ترکمان فراهی از منشیان ومترسلان عهد صفویه. این کتاب دارای مقدمه وپنج‌باب ویک خاتمه است درآداب معاشرت و نیکوکاری ومساعدت اقبال و صعوبت ادبار

وفوائد قناعت

مؤلف درضمن حکایتها وقصه‌های شیرین همه‌جا پندواندرزهای سودمند داده است . نثرآن نثرمسجع ودارای عبارت پردازی وتعبیرات مشکل است .

(محبوب‌القلوب — چاپ تهران)

محتشم کاشانی (ت) شمس‌الشعرا محتشم کاشانی‌وفات ۹۹۶- ازشاعران معروف دورهٔ‌صفویه وشاعردربارشاه طهماسب .محتشم کاشانی ابتدا غزلسرائی ومدیحه گوئی کرده اما بعد به سرودن اشعار مذهبی پرداخته است وبی‌توان گفت معروفترین شاعر مرثیه گوی ایران است . محتشم ترکیب بند معروفی‌دررثاء شهیدان کربلا دارد، علاوه برمراثی معروف غزلیاتی نیز ازاوباقی است به‌نام «نقل‌عشاق» . شاعران زمان به‌تقلید اوترکیب‌بندهای مختلف ساختند. (دیوان‌محتشم‌چاپ‌تهران)

محتمل‌الضدین (ب) یا ذو وجهین آن است که گوینده عبارت را طوری به کاربرد که درآن مدح وذم باشد .مانند

ای خواجه ضیا شود زروی‌توظلم
با طلعت تو سور نماید ماتم

محمدبن غاز الملطوی (ت) منسوب به شهر ملطیه از بلاد آسیای‌صغیر . ازفاضلان دربارسلاجقهٔ روم و دبیر ابوالفتح رکن‌الدین سلیمانشاه‌بن قلج ارسلان که بعد دردرباراوسمت‌وزارت‌یافت وبه‌تشویق اوکتاب مرزبان‌نامه را اززبان طبری به پارسی درآورد وآن را «روضة العقول» نامید .

محمدبن‌مخلد (ت) ازنخستین شاعران ایران و معاصر یعقوب لیث صفاری . به روایت تاریخ‌سیستان‌مردی سکزی وفاضل وشاعربود .

شعری درمدح یعقوب از اونقل شده است .

محمدبن‌منور (ت) نورالدین محمد بن منوربن ابی‌سعد . ازنویسندگان قرن ششم هجری ونوادۀ شیخ ابوسعیدابی‌الخیر . وی مؤلف کتاب «اسرار التوحید» است که آن را برحسب اطلاعات خود و روایات درشرح حال وسخنان جد خویش تألیف کرده است .

محمدبن ناصرعلوی (ت) شرف‌الدین‌محمدبن ناصر علوی . از شاعران وسادات غزنین . سنائی درکارنامۀ بلخ او را به‌مرتبت بلند وشاعری ستوده‌است. عوفی اورابرادر سیدحسن غزنوی‌می‌داندومی گوید سید محمدبن‌ناصر در خدمت بهرامشاه غزنوی بود ومقام عالی داشت وعلاءالدوله‌را مدح کرده است . ابیات معدودی از محمدبن‌ناصرعلوی درلباب‌الالباب آمده که بیشتر درمدح است و شاعر در آنها به آوردن ردیفهای دشوار مقید شده است .

محمدطاهر (ت) صاحب تذکرۀ نصرآبادی. ازنویسندگان قرن یازدهم . اجداد او مشاغل دیوانی‌داشته‌اند ولی شخص‌اوپس‌ازکسب ادب وهنرگوشۀ انزوا اختیارکرده و به خدمت ادبی پرداخته است . محمد طاهر شعر نیز می‌سروده و از پیروان صائب وکلیم بوده است . بعضی از اشعار او درتذکره‌ها ضبط است .

محمدعبده (ت) محمدبن‌عبده الکاتب . ازنویسندگان وشاعران مشهور قرن چهارم ودبیر بغراخان ازشاهان خانیۀ ماوراءالنهر. نظامی اورا درنظم ونثر وبلاغت متبحر دانسته است . ابیاتی از اودر حدائق السحر وترجمان البلاغة آمده است .

محمدعوفی (ت) رجوع شود به عوفی.

محمدقزوینی (ت)رجوع شود به قزوینی .

محمدوصیف (ت) دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری که زمان عمروبن‌لیث وطاهر را هم درك کرده است. صاحب تاریخ سیستان اورا اولین شاعر زبان فارسی می‌داند وچند قطعه از اونقل می کند که یکی درمدح یعقوب ومربوط به فتح هری و کشتن عمار خارجی درسال ۲۰۱ است ودیگر به مناسبت شکست رافع بن هرثمه وقتل او درسال ۲۸۳ می‌باشد. قطعهٔ دیگری نیز از اوباقی است مربوط به گرفتاری عمرولیث به دست اسمعیل سامانی درسال ۲۸۷.

محمود (ت) مقصود سلطان محمود غزنوی است که درادبیات فارسی هم به عنوان حامی ومشوق شعر وادبیات وهم به سمت دلدادهٔ غلام ترك خود ایاز ذکر می‌شود. مثنوی «محمودوایاز» زلالی خوانساری دربارهٔ عشق اوست.

غرض کرشمهٔ حسن است ورنه حاجت نیست
جمال دولت محمود را به زلف ایاز
«حافظ»

مختاری غزنوی (ت) ابوالمفاخرخواجهٔ حکیم سراج الدین ابوعمر عثمان بن عمر. وفات ۵۴۹ — ازشاعران معروف دربارغزنوی درقرن ششم. مختاری با مسعود سعد وسنائی وابوالفرج رونی معاصر بوده و سلطان ابراهیم مسعودومسعودبن ابراهیم وابوالملوك ارسلان مسعودبن ابراهیم را مدح گفته است. همچنین اشعاری در مدح قاوردیان دارد.

مختاری دراقسام شعرمانند قصیده وترجیع بنددست داشته ومثنوی معروفی به‌نام «شهریارنامه» دارد درذکر داستان شهریار پسر بزروپسر سهراب پسر رستم که آن را به خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم ساخته است.

دیوان اورا شامل هشت هزار بیت دانسته‌اند .

مختصرفی اخبارالبشر(کتاب ال...) (ك) رجوع شودبه‌تاریخ ابی‌الفداء

مخزن‌الاسرار (ک) یکی از مثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم ایران ، که‌آن را درسال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهرامشاه بنی داوود پادشاه ارزنگان‌ساخته است. این‌مثنوی شامل دوهزارودویست‌وشصت بیت‌است،وموضوع آن ، حکمت وموعظه وپنداست دربیست‌مقاله که، همه‌جابا داستان‌وتمثیل وحکایات‌آمیخته‌است. نظامی‌درساختن مخزن‌الاسرارازسنائی‌پیروی کرده‌است. (چاپ تهران)

مخلدی گرگانی (ت)ابوشریف احمدبن علی مخلدی گرگانی. ازشاعران اواخرقرن چهارم واوایل قرن‌پنجم،اشعاری‌ازاو درتذکره‌ها موجود است .

مدح شبیه به‌ذم (ب) آن است که شاعر مدح کسی را بکند اما به صورت ذم ، یعنی پس ازذکر چند صفت نیک ممدوح با کلمات استثنا مانند لکن واما خواننده را به گمان ذم می‌اندازد ، در حالی‌که یکی دیگر از اوصاف ممدوح را ذکر می کند.

به زلف‌کژ ولیکن به قد وقامت راست
به تن‌درست ولیکن به چشمکان بیمار

مدح موجه (ب) آن است که گوینده ممدوح‌را طوری‌بستاید که دومدح درآن‌باشد

قارون کند اندر دو نفس تیغ جهادت
یک‌طایفه‌میراث خور ومرثیه‌خوان را

مدید (ع) ازبحور شعر عربی که‌درفارسی معمول نیست . مثال

آن این است .

بحرمدید مسدس سالم (فاعلاتن فاعلن فاعلاتن)

غالیه زلفی سمن عارضینی سرو بالائی و زنجیر موئی

مرآت‌البلدان (ك) تألیف میرزا محمد حسنخان اعتمادالسلطنه که شامل فرهنگ جغرافیائی است به سبك معجم‌البلدان یاقوت‌حموی. این کتاب درچهارجلداست .

جلد اول آن شامل فرهنگ جغرافیائی ایران است از حرف الف‌تا تاً که‌مؤلف‌پس ازمباحث‌جغرافیائی‌به‌مباحث‌تاریخی زمان ناصرالدین‌شاه پرداخته است . جلد دوم شامل وقایع پانزده سال ابتدای سلطت ناصرالدین‌شاه است . جله سوم ، اوضاع سلطنت ناصرالدین‌شاه ازسال شانزدهم‌تاسی‌ودوم‌است . جلدچهارم‌بازفرهنگ جغرافیائی‌ادامه می‌یابد وبه حرف جیم می‌رسد . (چاپ تهران)

مراعات‌نظیر (ب) آن است‌که نویسنده درآن چیزهائی را که با هم متناسب‌اند جمع کند ، مانند کلمه‌های کمان وتیر دراین‌شعر :

ازآن به خاك نشستم که‌آن کمان ابرو
مراچوتیرسوی خود کشیدودورانداخت

و کلمات شبگرد و عیاروتاج و کمر درشعرذیل:

قکیه براختر شبگرد مکن کاین عیار
تاج کاووس ربود و کمر کیخسرو

مراقبت (زحاف) (ع) آن است که اسقاطیکی ازدوحرف بااثبات حرف دیگر سلازم باشد یعنی دوحرف نه باهم ساقط می‌شود ونه باهم ثابت می‌ماند . مراقبت در مفاعیلن بین یاء و نون است که اگر یکی حذف‌شد دیگری می‌ماند.

مربع (ب) آن است که چهار مصراع طوری گفته شود که هم بتوان آن‌را از درازا خواند وهم ازپهنا

به جانت	نگارا	که‌داری	وفا
نگسارا	وفا کن	به دل	بی‌جفا
که‌داری	به دل	دوستی	سرمرا
وفا	بی‌جفا	سرسرا	خوشترا

مرزبان‌بن‌رستم‌بن‌شروین (ت) اصفهبد مرزبان رستم‌بن شروین. ازشاهان طبرستان وازخاندان آل باوند. وی مردی دانشمند و ادب دوست بود وشعرنیزمی‌سرود. از آثاراو کتاب «مرزبان‌نامه» است به‌لغت قدیم طبرستانی. ابن‌اسفندیار دیوانی به نظم طبری به‌نام «نیکی نامه» به او نسبت داده است.

مرزبان‌نامه (ك) کتابی شامل داستانها و حکایتهائی به زبان وحوش‌وطیور وحاوی‌حکمت وپند بسیار تألیف‌مرزبان‌بن رستم‌بن شروین از شاهان طبرستان که آن را در اواخر قرن چهارم هجری به‌زبان‌قدیم طبرستان تألیف کرده‌است. این کتاب دوبار به زبان فارسی دری‌ترجمه شده است. نخست درقرن ششم به وسیلهٔ محمدبن غازی ملطوی که آن‌را «روضة‌العقول» نامیده است؛ وباردیگردر اوایل‌قرن هفتم به‌وسیلهٔ سعدالدین وراوینی که آن را به نام ربیب‌الدین هرون وزیر اتابک ازبک‌بن محمد از اتابکان‌آذربایجان ترجمه کرده است. «روضة‌العقول» باشواهد و اشعار عربی آمیخته و مرزبان نامهٔ سعد وراوینی نیزدارای انشاء مصنوع وتشبیهات واستعارات فراوان است.

(مرزبان‌نامه — چاپ تهران)

مرصادالعبادمن‌المبدأ الی‌المعاد (ك) کتابی به زبان فارسی

تألیف نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه که آن را در سال ۶۲۵ به‌نام علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی آسیای صغیر تألیف کرد . این کتاب ازآثار ذیقیمت ادبی‌است درعلم تصوف واخلاق وآداب معاش ومعاد . نثر کتاب گاهی نثرساده ومرسل است و گاه دارای سجع‌وموازنه است . مؤلف در خلال موضوع ، احادیث و آیات و همچنین اشعاری به‌فارسی وعربی از خود وشاعران دیگر نقل می کند. (چاپ‌تهران)

مرغ‌سلیمان (تن) رجوع شود به‌هدهد.

قافلهٔ شب‌چه‌شنیدی‌زصبح　　مرغ سلیمان چه‌خبر ازسبا

(حافظ)

مروج‌الذهب (ك) ازمعتبرترین کتابهای‌تاریخ‌قرن‌چهارم هجری به‌زبان‌عربی‌تألیف‌ابوالحسن بن حسین‌المسعودی. این کتاب دارای ۱۳۲ باب است که از تاریخ‌آدم ابوالبشرشروع می‌شود وبه وقایع سال ۳۳۲ هجری پایان می‌پذیرد و به گفتهٔ خود مسعودی خلاصه‌ای از کتاب «اخبارالزمان» و «کتاب‌الاوسط» اوست .

مسعودی پیش ازذکر تاریخ پیغمبران وشاهان ازاوضاع طبیعی و جغرافیایی کشورها گفتگو می کند . پس از آن از مذاهب وادیان وتاریخ شاهان مختلف از قبیل فراعنه واکاسره وملوك یونان وعربان سخن می گوید. درتاریخ شاهان به اختصار می کوشدو گاهی به ذکر نام ومدت سلطنت اکتفا می کند ولی دربارهٔ اوضاع اجتماعی و نژاد ومشخصات ومذاهب گوناگون حتی‌عقایدخرافی بیشترواردبحث‌می‌شود . مسعودی مآخذ کتاب‌خود را ذکر می کندودرحدود سی‌تن ازمورخان‌را نام می‌برد که پیش‌ازاو به‌تدوین تاریخ پرداخته‌اند. ازقرآن هم‌روایاتی دارد. جزاینها مسعودی‌مدارکی‌را که درسفرهای طولانی بدست آورده

ویاعاداتی را که به چشم دیده در کتاب نقل می کند. بنابراین مطالب کتاب مروج الذهب بسیار متنوع وجالب است ومسعودی درفصل جداگانه‌ای اشعاری از شاعران عرب عهد جاهلیت وبعد از اسلام نیزذکرمی کند.

مریخ (نج) یا بهرام، بعد از آفتاب قرار گرفته وپنجمین کره است نسبت به زمین ودرآسمان با نورسرخ می درخشد. مریخ ستارهٔ جنگجویان است

خنجرمریخ سست گردد وهرشب
از شفقش خون برآسمان بنماند

مریم (تن) دختر عمران و مادر عیسای پیغمبر. عمران مقیم مسجد بیت‌المقدس بود و پسران بسیار داشت وبه شکرانهٔ آن نذر کرد که فرزند دیگرش را مقیم مسجد کند. مریم متولد شد. چون دختر نمی‌توانست درمسجد مقیم شود، عمران متحیر شد. وحی رسید واجازه داده شد که مریم در مسجد مجاور شود. زکریا پسرعم عمران از مریم درمسجدمحافظت می کرد. چون مریم هیجده‌ساله‌شد،جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار درصومعه به مریم نمود و او را به تولد عیسی مژده داد، به فرمان خدای تعالی روح‌القدس در او دمیده شده، به قولی پس از نه ساعت وبه قولی پس از نه ماه عیسی متولد شد.

آبستنی مریم عمران به پسر بود
آبستنی دختر انگور به جان است

«منوچهری»

مزید (ق) ازحروف قافیه. آن است که خروج به آن پیوندد مثال:

این دل که به زلف دلبری بستیمش
هر چند گسست باز پیوستیمش

شین درکلمه های بستیمش وپیوستیمش مزید است.

مساوات (ب) آن است که لفظ ومعنی باهم برابر باشد.

سؤال رفتی پیش عطا همیشه کنون
همی عطای‌توآید پذیره پیش‌سئوال

مستزاد (ب) آن است که‌شاعر بعد از نظم هرمصراع قسمتی از کلام موزون بیاورد که شعر بی آن دارای وزن درست باشد ولی از حیث معنی به آن بستگی داشته باشد. مثال:

دوشینه پی گلاب می گردیدم — درصحن چمن
پژمرده گلی میان گلها دیدم — افسرده‌چوسن
گفتم‌توچه کردی که‌چنین‌می‌سوزی — ای یار عزیز
گفتا که دمی درین چمن خندیدم — پس‌وای‌به‌من

مسرورطالقانی (ت) ابوالفضل‌مسروربن محمدطالقانی‌ازشاعران عصر محمود غزنوی که قطعه‌ای از اودرمدح ابوالقاسم احمدبن حسن میمندی درلباب الالباب ضبط است.

مسعودسعد (ت) مسعودبن سعدبن‌سلمان لاهوری. وفات ۵۱۵- از قصیده‌سرایان بزرگ‌قرن پنجم ومعاصر دورۀ‌غزنوی وسلجوقی. اصلش ازهمدان وتولدش درلاهور است. مسعودسعد به ملازمت سیف‌الدوله مسعودبن ابراهیم غزنوی به هندوستان‌عزیمت کرد ودرجنگهادرالتزام رکاب‌بود ولی‌سیف‌الدوله که موردسوءظن پدرواقع گشته‌بود باندیمانش زندانی گشت و ازآنجمله مسعود نیز هفت‌سال درقلعه های سو و دهک وسه سال‌درقلعۀ نای‌محبوس شد وبه‌وساطت عمیدالملک‌ابوالقاسم‌خاص آزادشد وبه حکومت یکی از نواحی لاهور رسید ولی باردیگر گرفتارشد و هشت سال درقلعۀ مرنج درحبس ماند تا در سال ۵۰۰ به شفاعت ثقة‌الملک‌طاهربن‌علی‌مشکان‌آزادشدو تاپایان‌عمر کتابداری‌شاهان‌غزنوی

را داشت. مسعود سعد امیران غزنوی ووزیران را مانند ثقةالملک طاهر وابونصر پارسی وابوالقاسم خاص مدح کرده است. مسعودسعد درزبان تازی وهندی نیزدست داشته واشعاری به‌عربی سروده است. مهمترین موضوع اشعار مسعود سعد شرح رنجهای بی‌پایان وسختیهائی است که دردوران زندان تحمل کرده‌است. این اشعار به حبسیات معروف‌است وبسیار موثر می‌باشد.

(دیوان مسعودسعد — چاپ تهران)

مسعودی (ت) ابوالحسن علی‌بن‌حسین‌المسعودی. وفات ۳۴۶- مورخ بزرگ قرن چهارم. از فرزندان عبدالله‌بن‌مسعود بود که درعصر حضرت محمد می‌زیست و به همین مناسبت به مسعودی اشتهار یافته است. مسعودی دراواخر قرن سوم دربغداد متولد شد و درسال ۳۰۰ هجری ازآنجا خارج‌شدوبه‌مولتان وفارس‌وکرمان وهندوستان تانزدیک چین سفرکرد ومدتی درشهرهای مختلف اقامت کرد وپس از این سفر طولانی دوباره به بغداد برگشت و نتیجهٔ مطالعات چندین ساله‌اش را به صورت کتاب درآورد.

از آثار معروف او کتاب «اخبارالزمان» و«کتاب الاوسط» است دیگر کتاب«التنبیه‌والاشراف»درعلم هیئت‌ومهمترازهمه «مروج الذهب» می‌باشد.

مسعودی غزنوی (ت) یارازی شاعر قرن پنجم و معاصرسلطان مسعودغزنوی که‌درسال ۴۳۰ مغضوب‌واقع‌شدوبه هندوستان‌تبعید گشت. ابیاتی ازاودرتذکره‌ها باقی است.

مسعودی مروزی (ت) ازشاعران اواخرقرن سوم واوایل قرن چهارم. وی نخستین کسی‌است که شاهنامهٔ منظوم ساخته است. از

شاهنامهٔ او اطلاع فراوانی در دست نیست. ثعالبی در «غرر اخبار ملوک الفرس» والمقدسی در کتاب «البدء والتاریخ» از این منظومه یاد کرده‌اند.

مسمط (ب) شعری است که شاعر بنای آن را بر چند مصراع متفق القوافی یا بیشتر و کمتر نهد و مصراع آخر را بر قافیه‌ای گذارد که قافیهٔ اصلی شعر باشد مانند مسمط‌های منوچهری. مسمط را برحسب شمارهٔ مصراعهای هربندی مربع، مخمس، مسدس می‌خوانند

خیزید و خزآرید که هنگام خزان است
باد خنک از جانب خوارزم وزان است
آن برگ رزان است که برشاخ رزان است
گوئی به مثل پیرهن رنگرزان است
دهقان به تعجب سرانگشت گزان است
کاندرچمن و باغ نه گل ماند و نه گلنار

مسیحا (تن) لقب عیسای پیغمبر

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

«حافظ»

مشاکل (ع) از بحور مخصوص شعرفارسی. به این وزن شعرهای فهلوی (یعنی اشعار محلی به لهجه‌های مرکزی وغربی ایران) بیش از شعرفارسی دری است. اصل آن «فاع لاتن مفاعیلن مفاعیلن» است وازاین اصل گاهی ابیاتی به وزن زیر دیده می‌شود.

مشاکل مکفوف مقصور (فاع لات مفاعیل مفاعیل):

ای نگارسیه چشم سیه موی　　سرو قد نکو روی نکو گوی

مشتاق (ت) میرسیدعلی مشتاق اصفهانی. وفات ۱۱۷۱ - از سادات

حسینی اصفهانی وازشاعران قرن دوازدهم. مشتاق درعلوم معقول ومنقول مهارت داشت و ازعلوم متداول زمان خود بهره‌مند بود. انجمن ادبی دراصفهان تأسیس کرد به نام «انجمن ادبی مشتاق» که سخن سرایانی مانند هاتف وعاشق وآذر بیکدلی دراین انجمن حاضر شده کسب ادب می کردند. مشتاق ازاحیا کنندگان سبک عراقی است ودیوانش شامل قصیده وغزل ورباعی است. قصاید مشتاق بیشتر درمناقب حضرت رسول اکرم است.

(دیوان مشتاق — چاپ تهران)

مشتری (نج) یا برجیس درفلک ششم نسبت به زمین قرار گرفته است ودرنظر منجمان ستارهٔ سعد است.

بر آسمان مکرمت از روشنان علم

چون مشتری به نور خرد سعد اکبرم

«انوری»

المصادر (ك) از قدیمترین کتابهای لغت تألیف قاضی ابوعبدالله حسین بن احمد زوزنی. این کتاب درزمان مؤلف نیز معروف ومورد اعتماد بوده است. مؤلف دراین کتاب مصادر عربی را به فارسی شرح کرده و دربرابر هریك معادلی به فارسی آورده است. مصادر عربی دراین کتاب برحسب افعال صحیح ومعتل ومهموز ومانند آن وبه ترتیب حروف تهجی اواخر آنها تنظیم شده است. مؤلف ابتدا از ثلاثی مجرد شروع کرده وپس ازآن ثلاثی مزید ورباعی مجرد ومزید را آورده است.

(چاپ تهران)

مصحف (ب) آن است که چون نقطهٔ کلمه‌ای را تغییر دهند معنایش تغییر کند. مانند دو کلمهٔ بوسه وتوشه دراین شعر:

مرا بوسه جانا به تصحیف ده که درویش را توشه ازبوسه به

مصراع (ب) درزبان عرب مصراع لنگهٔ دراست ودرشعرنیمه‌ای از بیت باشد . پس هربیت شامل دومصراع است .

مضارع (ع) از بحور شعر عربی وفارسی . مرکب است ازدوبار «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن» ودرفارسی ازاین بحر وزنهای زیرمتداول است .

بحرمضارع مثمن اخرب مکفوف مقصور یامحذوف «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان — فاعلن»

گیتی که اولش عدم و آخرش فناست
در حق او گمان ثبات و بقا خطاست

بحر مضارع مثمن اخرب صدر وعروض : «مفعول فاعلاتن ۲ بار»
بگذار تابگریم چون ابر دربهاران
کز کوه ناله خیزد روز وداع یاران
«سعدی»

بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف : «مفعول فاعلات مفاعیلن»
ای مطرب خوش آوا آواده ای ساقی آن قدح را باما ده
«اورمزدی»

المضاف الی بدایع الازمان (ك) تألیف افضل الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی درتاریخ کرمان . تاریخ تألیف کتاب اوایل سال ۶۱۳ است که تسلط ملوك شبانکاره واتابکان فارس وامرای غزاز کرمان قطع شده‌است . انشاء این کتاب مانند «عقدالعلی» مصنوع ومتکلف است .

مطلع الانوار (ك) یکی از مثنویهای امیر خسرودهلوی که آن را درسال ۶۹۸ به‌نام علاءالدین محمدشاه درتقلید مخزن‌الاسرار نظامی ساخته است .

مطلع السعدین (ک) تاریخی به زبان فارسی تألیف کمال‌الدین عبدالرزاق بن اسحاق السمرقندی از مورخان قرن نهم هجری. این تاریخ دردوجلد است وشامل تاریخ صدوهفتاد سال، از زمان سلطان ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانان تا پایان پادشاهی سلطان ابو سعید تیموری است وبهمین مناسبت مؤلف نام آن را «مطلع السعدین» گذاشته است. نویسنده در این کتاب از مطالب زبدة‌التواریخ تألیف حافظ ابرو استفاده کرده ووقایعی را نیزشرح داده است که خودشخصاً ناظر وشاهد آن بوده‌است.

مطلع السعدین تاریخ نفیسی است که دارای اطلاعات بسیار سودمند می‌باشد و مورد استفادهٔ تاریخ نویسان بعد قرار گرفته است. سبک آن ساده وروان است.

مطلع الشمس (ك) تألیف اعتمادالسلطنه. دربارهٔ اوضاع ایالت خراسان، درجلد اول که درسال ۱۳۰۱ ه ق تألیف یافته وضع جادهٔ تهران را به مشهد ازدماوند وفیروزکوه وبسطام وبجنورد وقوچان‌وصف می‌کند واوضاع هریک ازاین بلاد را شرح می‌دهد. جلد دوم وصف شهر مشهد وابنیهٔ تاریخی وبزرگان واعاظم آن است وشامل شرح حال امام علی‌بن‌موسی‌الرضااست، همچنین فهرستی از کتابهای کتابخانهٔ آستانه قدس دارد. جلدسوم - درشرح مراجعت ناصرالدین‌شاه‌از نیشابوروسبزوار ودامغان وسمنان است باشرح احوال رجال وبزرگان هریک ازشهرها.

(چاپ تهران)

المعارف (ك) ازمهمترین آثار صوفیان به زبان فارسی. تألیف بهاءالدین محمدبن‌حسین خطیبی معروف به بهاءالدین‌ولد. این کتاب مجموعه‌ای است ازمجالس ومواعظ بهاءالدین که درآن ازحقایق عرفان وتفسیرآیات قرآن سخن گفته است وشامل ترکیبات ولغات پارسی است

وبسیار دلپذیر می‌باشد .
(چاپ تهران)

معاقبت (زحاف) (ع) آن است که حذف حرفی از یکی‌ازافاعیل عروضی بالزوم ابقاء حرف دیگر آن ملازمه‌داشته باشد. درمفاعیلن آن است که یاء ونون باهم ساقط نمی‌شود، اگر نون بیفتد یاء می‌ماندواگر یاء بیفتد نون می‌ماند. معاقبت در فاعلاتن بین نون والف است یعنی یا نون می‌افتد یاالف .

المعجم‌فی آثارملوك‌العجم (ک) رجوع شود به‌تاریخ معجم.

المعجم‌فی‌معائیر اشعارالعجم (ك) تألیف شمس‌الدین محمدبن قیس رازی که‌آن‌رادرحدودسال ۶۳۰ به‌زبان‌فارسی‌تألیف کرده‌است. ظاهراً اصل کتاب به‌عربی نوشته شده ودربارهٔ عروض‌وقوافی‌فارسی وعربی‌بوده است. امابعدبنابه‌سفارش‌دوستان‌آن‌را دوقسمت کرده است. آنچه‌را مربوط به زبان فارسی‌بوده است در کتابی تلخیص کرده ونام«المعجم‌فی‌معائیر اشعارالعجم» برآن گذاشته است‌وآنچه متعلق‌به زبان عربی بوده به نام «المعرب فی‌معائیر اشعارالعرب»موسوم کرده است . کتاب‌المعجم‌درفن عروض وعلم قوافی و نقدالشعراست و یکی از مهمترین و سودمندترین کتابها است دربارهٔ علوم ادبی به زبان فارسی ؛ وعلاوه برآنکه ازحیث مطالب مربوط به عروض وقافیه ونقدالشعر جامعترین کتاب فارسی‌است از لحاظ آوردن شواهد شعری وذکرنام بسیاری از شاعران قبل‌ازمغول بسیار پرارزش ومورد استفاده است .

(المعجم — چاپ تهران)

معراج (تن) درلغت به معنی جای بالا رفتن و در اشعار فارسی اشاره به عروج حضرت محمد ص بسوی خداست تا آنجا که فراتر رفتن ازآن برای کسی میسر نبوده است :

براق همتش معراج پیمای عقاب دولتش نهمت‌شکار است

«ابوالفرج‌رونی»

معراج السعادة (ك) کتابی در اخلاق، تألیف احمدبن مهدی نراقی ازعالمان و فقیهان و شاعران معاصر فتحعلیشاه قاجار. این کتاب درواقع ترجمه‌ای است ازکتاب جامع السعادات تألیف میرزا مهدی، نراقی پدر مؤلف .

معروفی بلخی (ت) ابوعبدالله محمدبن حسن معروفی بلخی از شاعران عهد سامانی ونیمهٔ اول قرن چهارم که امیر رشید عبدالملک‌بن نوح (۳۴۳ — ۳۵۰) را مدح گفته است . اشعار پراکنده‌ای از او باقی است .

معزی (ت) امیرالشعرا ابوعبدالله محمدبن عبدالملک . وفات در حدود ۵۲۰ ـ ازشاعران بزرگ دورهٔ سلجوقی ، پدرش عبدالملک‌برهانی شاعر دربارالب‌ارسلان بود که در ابتدای دولت ملکشاه وفات یافت ومعزی جای او را گرفت . تخلص او به معزی به مناسبت انتساب به دربار معزالدین والدنیا ملکشاه‌بن الب‌ارسلان می‌باشد، لقب امیررا هم ملکشاه به او اعطا کرد . معزی تافوت ملکشاه در دربار او می‌زیست وپس ازآن مدتی درهرات ونیشابور واصفهان گذراند و بعد به خدمت سنجربن‌ملکشاه رسید وتا آخر عمر در دربار او ماند . سبب فوت او را تیری می‌دانند که ازکمان شاه جدا شد وبی‌قصد به معزی اصابت کرد وچنانکه خود اشاره کرده است از زخم آن تیر مدتی بیمار بود و گویا سرانجام براثر همان زخم فوت کرد . ممدوحان معزی علاوه برسلطان ملکشاه وسلطان سنجر شاهان دیگر سلجوقی و وزیران ایشان می‌باشند مانند برکیارق و محمدبن ملکشاه ، ارسلان ارغو پسر الب‌ارسلان ،

بهرامشاه‌بن‌مسعود غزنوی ، اتسزبن محمد خوارزمشاه .

اشعار امیر معزی‌شامل‌قصاید وغزلیات‌است که درنهایت‌سادگی است وخالی ازتکلف‌می‌باشد . غزلهای نغزی‌دارد ودرقصایدش‌اشارات تاریخی وجود دارد و به‌بسیاری از وقایع عصرسلجوقی مانند جنگها وصلح های‌سلطان ملکشاه وسنجر اشاره کرده است .

معما (ب) : آن است که‌شاعر اسم یامعنی را نوعی به‌رمز گوید که خواننده جز به اندیشه وفکر نتواند به حقیقت آن پی ببرد .

درمعنی قپان .

چیست نه شلوار و نه پیراهنش
هرچه می‌خواهی نهی در دامنش
راست گوید هرچه گوید بی زبان
اژدهائی عقربی در گردنش

معمری (ت) ابوزراعه معمری جرجانی از شاعران دورهٔ سامانی که‌خودرا درشاعری‌بارودکی مقایسه کرده‌است . ابیاتی‌ازاودرتذکره‌ها باقی است .

معیارالاشعار (ك) کتابی به‌زبان فارسی درعلم عروض وقوافی تألیف‌خواجه نصیرالدین‌طوسی دانشمند بزرگ ایرانی . این کتاب‌شامل یک مقدمه ودوفن است . مقدمه در بیان ماهیت شعر و ذکر صناعات آن‌درسه فصل . فن اول‌درعلم عروض که شامل‌ده فصل‌است . فن دوم درعلم قافیه که شامل ده فصل می‌باشد . نویسنده دراین کتاب اشعار فراوانی به فارسی وعربی به عنوان شاهد ذکر کرده است .

(چاپ تهران)

معین‌الدین‌اسفزاری (ت) رجوع شود به اسفزاری

معین‌الدین‌یزدی (ت) وفات ۷۸۹-از دانشمندان‌وتاریخ نویسان قرن هشتم ومعاصر ومداح شاه شجاع .معین‌الدین برحسب تشویق‌شاه شجاع وپدرش امیر مبارزالدین محمد ، کتابی درتاریخ خاندان مظفری تألیف کرده که آن را درسال۷۶۸ شروع کرده ودرسال ۷۶۷ پایان‌داده است . عنوان‌این کتاب «مواهب‌الهی» است .

مغربی (ت) وفات ۸۰۹ — ازشاعران متصوف‌ایران درقرن‌نهم . در نائین نزدیک اصفهان تولدیافته و دراصطهبانات فارس مدفون است ولی به مغربی تبریزی معروف است . مغربی‌از پیروان شیخ محی‌الدین العربی است . دیوان مغربی مشتمل‌است برغزلیات وترجیعات‌ورباعیات، اشعارش بیشتر صوفیانه وعارفانه است . دیوان مغربی چندباردرایران به چاپ رسیده است .

مقابله (نج) آن است که میان دوبرج یک‌دوم دورهٔ فلک یعنی شش برج فاصله باشد ودراصطلاح نجوم برجی به‌برج هفتمش‌نظ کند واین حال سعد است .

زاخترم نظرسعد دررهست که‌دوش
میان ساه و رخ یار من مقابله بود
«حافظ»

مقابله‌یامتضاد (ب) آن است که شاعر اشیاءٔ متضاد را در برابر هم قرار دهد .

چه جای‌شکروشکایت زنقش‌نیک‌وبداست
که برصحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند
«حافظ»

مقامات‌حمیدی (ك) ازکتابهای‌معروف نثر فارسی درقرن‌ششم،

تألیف قاضی حمیدالدین عمربن محمود البلخی که آن را به‌تقلیدمقامات حریری نگاشته‌است. کتاب دارای یک مقدمه وبیست‌وچهارمقاله‌ویک خاتمه‌است وشامل نکته های‌اخلاقی واجتماعی وافکار عارفانه ومطالب تاریخی وفلسفی‌است. مقامات‌حمیدی به نثرمسجع وموزون‌است‌ونویسنده همه‌جا به‌آوردن صنایع‌لفظی‌وایراد مترادفات وذکر اشعار فارسی وعربی پرداخته است. باوجود این نثرش سلیس وروان است ودرزمان‌حیات مؤلف شهرت فراوان یافته است، چنانکه نظامی عروضی صاحب چهار مقاله که معاصر مؤلف بوده است، خواندن این کتاب را برای کسانی که بخواهنددرترسل وفن‌انشأ مهارت‌یابند، لازم‌وضروری دانسته‌است.

(چاپ تهران)

مقتضب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. اصل آن «مفعولات مستفعلن‌مستفعلن» ۲ باراست. وزنهای این بحر درفارسی رواجی‌ندارد، متداول‌ترین آنها این است:

بحرمقتضب مثمن مطوی مقطوع «فاعلاتُ مفعولن ۲ بار» در هر مصراع:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

حاصل ازحیات‌ای‌جان یک‌دم است‌تادانی

المقدسی (ت) شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمد المقدسی معروف به بشاری از دانشمندان و جغرافی نویسان معروف قرن چهارم ومعاصر سامانیان. المقدسی ممالک‌اسلامی وهمهٔ ایران را سیاحت کرده ودربارهٔ آداب و عادات و مذاهب و السنهٔ ملل مطالعه کرده و نتیجهٔ مطالعات را درکتاب‌معروف خود به‌نام احسن‌التقاسیم فی‌معرفة‌الاقالیم آورده است.

مقطع (ب) شعری را گویند که چنان ساخته شده باشد که همهٔ کلمات آن ازحروف منفصل باشد و هیچ حرفی را به حرف دیگر نتوان چسباند :

زارو زردم زدرد دوری او　　درد دلدار زرد دارد و زار

مقلوب (ب) ازصنایع بدیع که شاعر کلمه را وارونه کندومعنی تازه‌ای یابد .

مقلوب برچهارقسم است :

مقلوب کل ، مقلوب بعض ، مقلوب مجنح ، مقلوب مستوی .

مقلوب کل آن است که تقدیم وتأخیر در همهٔ حروف کلمه باشد مثل تاریخ وخیرات ، شیروریش ؛ یا گنج وجنگ‌دراین‌شعر :

به گنج اندرون‌ساخته‌خواسته　　به‌جنگ اندرون لشکرآراسته

مقلوب بعض آن است که تقدیم وتأخیر دربعضی از حروف کلمه باشد . مانند رقیب وقریب ؛ یاجادوانه وجاودانه دراین‌شعر :

از آن جادوانه دو چشم سیاه　　دلم جاودانه عدیل عناست

مقلوب مجنح همان مقلوب کل است‌ولی کلمه های مقلوب‌درابتدا وانتهای کلام واقع شود . مانند کلمهٔ زان وناز دراین‌شعر

زان دوجادونرگس مخموربا کشی‌وناز

زارو گریان و غریوانم همه روز دراز

مقلوب مستوی آن است که اگر یک عبارت یا یک مصرع را وارونه بخوانند تفاوت نکند .

شکر به ترازوی وزارت بر کش

شو همره بلبل به‌لب هر مهوش

مقنع کندی (ت) لقب حکیم بن‌عطا که دعوی‌پیغمبری‌می کرد

و گویند به‌عنوان معجزه ، ماهی ساخته بود که شبانگاه از چاه بیرون می‌آمد ونورش تا چهار فرسنگ را روشن می کرد . ماه مقنع در شعر فارسی از اوصاف معشوق است به‌معنی «ماه‌پوشیده‌روی» وایهامی دارد به ماهی که مقنع کندی ساخته بود .

مقولات عشر (ط) عبارت است از نه مقوله عرض ویک مقوله جوهر وجمیع موجودات عالم به حسب ذات منتهی به این اجناس می‌شود .

مقولات عشر عبارت است از: جوهر ، این ، متی ، ملک ، وضع ، کم ، اضافه ، فعل ، کیف ، انفعال . مثال :

گل به بستان دوش درخوشترلباسی خفته بود
یک نسیم از کوی جانان خاست خرم در گذشت

گل	جوهر
بستان	این
دوش	متی
درخوشترلباس	ملک
خفته بود	وضع
یک نسیم	کم
از کوی جانان	اضافه
خاست	فعل
خرم	کیف
در گذشت	انفعال

مکاتیب (ك) مجموعه‌ای از مکتوبهای فارسی عین‌القضاة از بزرگان ومشایخ صوفیه به دوستان وبزرگان زمان خود . این مکتوبها شامل حقایقی است درحکمت وعرفان که با نثر روان وساده نوشته شده

است و کمتر جنبهٔ نامه دوستانه دارد. عین‌القضاة در این مکتوبها بسیاری از اشعار شاعران را به عنوان شاهد نقل کرده ودرضمن رباعیهائی نیز از خود ذکر کرده است که همه اندیشهٔ عرفانی دارد .

مکتبی شیرازی (ت) از شاعران قرن نهم هجری که به مناسبت شغل مکتب داری «مکتبی» تخلص کرده است. وی از شاعرانی است که به تقلید نظامی شعر گفته ومثنوی لیلی ومجنون را به پیروی از او به سال ۸۹۵ دردوهزارویکصدوشصت بیت سروده است. مکتبی درعلم موسیقی استادی داشته وسازی شبیه به قانون ساخته است .

ملاصدرا (ت) رجوع شود به صدرالدین شیرازی

ملاعبدالرزاق لاهیجی (ت) رجوع شود به لاهیجی

ملك (ط) از مقولات عشر. مفهوم ملك شکلی است که به‌سبب احاطهٔ چیز دیگر برجسم عارض شودمثل شکل لباس پوشیدن ودسته‌ای احاطه‌راشرط ندانندبلکه‌مالك بودن‌وصاحب بودن‌را معتبر دانند.

ملك سلیمان (تن) کشور سلیمان که قلمروش بسیار وسیع بود زیرا که حق تعالی علاوه برپیغمبری‌به سلیمان پادشاهی داد تابرآدمی وپری ودیو حکومت کند . باد مأمور بود که هرچه در ملك سلیمان می گذشت ، به گوش او برساند .

پیش صاحبنظران ملك سلیمان باد است
بلکه آن است‌سلیمان که ز ملك‌آزاداست

«خواجو»

ملك قمی (ت) وفات ۱۰۲۵ از شاعران قرن‌دهم ویازدهم هجری که به‌هندوستان مهاجرت کرده و دردکن به دربار نظام‌الدین‌شاه راه یافته ونزد او وابراهیم عادلشاه با تقرب تمام می‌زیسته است . ملك

قمی درهندوستان درعرفان مقام ارشاد یافته است وفیضی دکنی اوراستوده وسی گوید که وی کمتر معاشرت سی کرده است .

دیوان ملک قمی شامل غزلیات ومثنوی است .

ملکه سبا (تن) رجوع شود به بلقیس .

الملل والنحل (ك) ازمهمترین کتابها دربارهٔ مذاهب وادیان وعقاید فیلسوفان وحکیمان . تألیف ابوالفتح محمدبن ابی القاسم عبدالکریم شهرستانی که آن را به نام مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات به زبان عربی تألیف کرده است . شهرستانی دراین کتاب عقاید فیلسوفان و حکیمان واهل مذاهب را مورد بحث قرار داده است . کتاب «الملل والنحل» یکبار بوسیله صدرالدین ترکهٔ اصفهانی به‌نام «تنقیح الادلة والعلل فی ترجمة کتاب الملل والنحل» وبار دیگر بوسیله مصطفی بن خالقداد درسال ۱۰۲۰ به فارسی ترجمه شده است .

ملمع (ب) آن است که شاعر در شعر دو زبان به کار برد مانند این شعرسعدی که به‌دوزبان عربی وفارسی است :

سل المصانع رکبا تهیم فی الفلوات   توقدر آب چه‌دانی که در کنارفراتی

ممسك العنان (نج) از صورتهای فلکی ، درشمال منطقة البروج که شامل چهارده ستاره است به‌شکل مردی ایستاده که به دستی تازیانه وبه دست دیگر عنان دارد .

منازل قمر (نج) بیست وهشت منزل است ازمنطقة البروج که ماه هرروزی یکی ازآن منازل را طی می کند وعبارت است از :

شرطین ، بطین ، ثریا (پروین) ، دبران ، هقعه ، هنعه ، ذراع ، نثره، طرف ، جبهه، خراتین ، صرفه ، عوا ، سماك اعزل ، غفر، زبانی ،

اکلیل، قلب، شوله، نعایم، بلده، سعدذابح، سعدبلع، سعدالسعود، سعدالاخبیه، فرغ نخستین، فرغ دوم، بطن الحوت.

مناقضه (ب) آن است که معنی مصراع دوم مناقض ومنافی بمعنی مصراع اول باشد

درستش بخشم بوسه ندهد جور کند
بدرم جامه که بوسه نفروشد به درم

منتجب الدین بدیع (ت) منشی سلطان سنجر سلجوقی و صاحب دیوان رسالت او بود. دراوایل جوانی به مرو رفت وبعد ازاتمام تحصیل به دستگاه دیوانی وارد شد. منتجب الدین مجموعهٔ منشآت خود را به نام «عتبه الکتبه» نامید که پس از او سرمشق مترسلان قرار گرفت. عوفی دو کتاب به منتجب الدین نسبت داده است، یکی «رقیة القلم» در فن دبیری ودیگر «عبرات الکتبه». انشاء منتجب الدین نمونهٔ نثر مصنوع ودارای سجع واطناب است. اشعاری نیز از او نقل شده است.

منتظم ناصری (ك) تألیف اعتمادالسلطنه. شامل سه جلد است

جلد اول شامل خلاصهٔ تاریخ اسلام از سال اول هجرت تا سال ٦٥٦ ه شامل تاریخ خلفابه ضمیمهٔ وقایع مهم ایران، باسالنامه وتقویم

جلد دوم شامل وقایع وحوادث عالم ازانقراض خلافت بنی عباس ٦٥٦ تا ابتدای سلطنت قاجاریه

جلد سوم حاوی تاریخ قاجاریه از سال ١١٩٤ به بعد باسالنامه (چاپ تهران)

منجیك ترمذی (ت) ابوالحسن علی بن محمد منجیک ترمذی از شاعران قرن چهارم هجری که مداح امیران چغانی بوده است. دیوان منجیک در قرن پنجم مشهور بوده و ناصرخسرو درسفرنامهٔ خود از

آن اسم برده‌است. منجیک شاعری‌است قصیده سرا وعلاوه برقصیده های بزرگ درمدح شاهان ، اشعاری نیز درهجو وهزل دارد .

اشعار منجیک درتذکره‌ها و کتابهای لغت موجود است .

منسرح (ع) از بحور شعرفارسی‌وعربی. اصل آن ۲ بار «مستفعلن مفعولات مستفعلن» است . در فارسی ازاین بحر وزنهای زیر به کار می‌رود . بحر منسرح مثمن مطوی موقوف (مفتعلن‌فاعلن ۲ بار) مثال :

تاجر عشقم به کف مایه و سودم وفا

تا که خرد دوستی تا چه دهد دربها

منسرح مثمن مطوی مجدوع (مفتعلن فاعلات مفتعلن‌فع) مثال :

بخت جوان دارد آنکه باتوقرین است

پیر نگردد که در بهشت برین است

منشوری (ت) ابوسعیداحمدبن محمدمنشوری سمرقندی، ازشاعران عصر غزنوی. از اشعار او قطعه هائی درترجمان‌البلاغةو سایر فرهنگها موجود است .

منصورحلاج (ت) حسین بن منصور . مقتول ۳۰۹ - ازبزرگان عرفا ومتصوفه .عده‌ای پاره‌ای‌ازخوارق عادات‌اوراحمل بر کرامت‌اوسی کردند واورااز‌اولیاءسی دانستندودسته‌ای آن‌رااثرسحر وجادوسی‌شمردندوسرانجام هم به استناد این گفتهٔ او «اناالحق ولیس فی‌جیبی الاالله ...» او را به زندان‌افکندند وبه‌فرمان‌حامدبن عباس‌وزیر مقتدرعباسی به‌دارآویختند

منصوربرسردار این‌نکته خوش سراید

از شافعی میپرسید امثال این مسائل

« حافظ »

کلمهٔ‌یاردراین شعر نیز اشاره به اوست :

گفت آن یار کز و گشت سردار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد

«حافظ»

منطقةالبروج (نج) دایرهٔ بزرگی که محل عبور زمین در گردش به دور خورشید است وآن را فلك البروج و نطاق البروج نیز خوانده‌اند و به دوازده بخش می‌شود که هریک را برج می‌خوانند و این برجها به نام صورتهائی است که زمین از برابر آنها می گذرد .

منطق الطیر (ك) منظومه‌ای عرفانی ازآثارمعروف شیخ فریدالدین عطارنیشابوری؛ شامل ۴۶۰۰ بیت. دراین منظومه افکار عرفانی وشیوهٔ سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده‌شده است. مرغان درطلب سیمرغ که کنایه از حضرت‌حق است به‌راه‌می‌افتند وهدهد را به‌عنوان راهنما انتخاب می کنند . عده‌ای از مرغان از دشواری راه می گریزند ودسته‌ای تسلیم می‌شوند. پس از طی هفت منزل دشوار بازعده‌ای از پا درمی‌آیند و سرانجام سی‌تن رنجوروخسته باقی می‌مانند که به کوه‌قاف می‌رسند ومی‌بینندسیمرغی که درطلب او هستند خودایشان (سی‌مرغ) هستند. مقصود از این‌منظومهٔ رمزی نمودن‌راه عرفان و رسیدن به‌حق است که بعضی‌ازسالکان طریقت به سبب علایق دنیوی یا کوتاهی همت از دشواری راه می گریزند و کسانی که با کوشش موفق می‌شوند هفت مرحلهٔ سلوك را بپیمایند سرانجام حقیقت را در می‌یابند و فانی می‌شوند تاجامهٔ بقا بپوشند . کتاب منطق‌الطیر از منظومه های عالی زبان فارسی است که عطار درآن قدرت تخیل وبیان خود راآشکار کرده ودرضمن گفتگوی پرندگان حکایتها وتمثیل های‌شیرین‌آورده است .

منطقی (ت) ابوسلیمان محمدبن طاهربن بهرام سجستانی .وفات ۳۹۱-

فیلسوف بزرگ قرن چهارم و معاصر عضدالدولهٔ دیلمی. منطقی بسیار مورد توجه عضدالدوله بوده و رسائلی به‌نام او در شرح فنون حکمت و تفسیر کتابهای ارسطو نوشته است. ازآثار او «رسالة فی المحرك الاول» و مقاله «طبیعت اجرام علوی» و «مقالة فی الکمال الخاص بنوع الانسان».

منطقی رازی (ت) ابومحمد منصوربن علی منطقی رازی. وفات نیمه دوم قرن چهارم - ازشاعران معاصر صاحب بن عباد که بقول عوفی صاحب بن عباد پیوسته اشعار او را مطالعه می کرد. اشعاری از منطقی درتذکره‌ها ضبط است.

منکب الجبار یا منکب الجوزا (نج) ازستارگان قدر اول که درشکل «جبار» است وآن را جوزا خوانند

من لایحضره الفقیه (ك) کتابی در فقه تألیف ابن بابویه فقیه مشهور قرن چهارم هجری درآئین تشیع که مرجع علمای شیعه است. مجموع آن درچهارجزو تنظیم شده که دارای ۶۶۶ باب و ۵۹۶۳ خبراست. این کتاب ازاصول چهارگانه درفقه‌است وروایات آن مورد اعتماد علماست وچندین بار برآن شرح نوشته شده است. (چاپ تهران)

منوچهر (ش — د) نوادهٔ ایرج است که به سرپرستی فریدون، جد خود، پرورش یافت وهنرآموخت، در زمان او سلم وتور لشکراز جیحون گذراندند و منوچهر با لشکر برایشان تاخت وسلم وتور را کشت ودژالانان را گشود وبافیروزی بازگشت. فریدون تاج شاهی را برسروی نهاد وخود گوشه گیری کرد. منوچهر به راهنمائی وتدبیر سام، شاهی کرد.

منوچهری (ت) ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی. وفات ۴۳۲- ازشاعران بزرگ قرن پنجم وعصرمسعود غزنوی، تولدش در دامغان است وپیش ازآنکه به خدمت مسعود برسد، در ری اقامت

داشته‌است وهنگامی که مسعود به‌قصد لشکر کشی به گرگان ازنیشابور حرکت کرد ، منوچهری را نزد خود خواند . پس از آن منوچهری در دربار مسعود تقرب حاصل کرد وصاحب شکوه وجلال گردید .

منوچهری تخلص خود را ازنام فلک‌المعالی منوچهربن قابوس وشمگیر حکمران زیاری گرفت که درابتدای کاردردربار او بسرمی‌برده است . از ممدوحان منوچهری سلطان مسعودبن محمود غزنوی ، علی دایه سپهسالار مسعود ، خواجه احمد عبدالصمد وزیر سلطان مسعود ، ابوسهل زوزنی وعدهٔ دیگر از رجال زمان مسعود بوده‌اند . منوچهری باوجود جوانی ، صاحب اطلاع وسیع درشعر و ادب فارسی و تازی بوده است ، چنانکه دراشعارش ازمضمونها واسلوب شاعران‌تازی بسیار استفاده کرده و اغلب لغتهای نادر و غریب عربی درشعر خود به کار برده است . منوچهری‌علاوه برزبان‌وادب عرب درعلم طب‌ونجوم نیزدست‌داشته واصطلاحات نجوم دراشعارش دیده می‌شود . منوچهری در تشبیه واستعاره خاصه وصف طبیعت ورز وشراب استاد بوده و او را مبتکر مسمط می شمارند که ظاهراً این نوع شعر پیش از او در اشعار دیگران دیده نشده است .

دیوان منوچهری چندین بار به‌چاپ رسیده است .

من وسلوی (تن) من به معنی انگبین وسلوی به معنی‌بلدرچین است . من وسلوی غذائی بوده است که خداوند دربیابان برای موسی وقوم بنی‌اسرائیل‌فرستاد .

گربه‌عهد موسی است‌را گه قحط از هوا
بازمن وسلوی سلوت رسان افشانده‌اند . . .

«خاقانی»

منهاج سراج (ت) منهاج الدین عثمان بن محمد سراج الدین جوزجانی. وفات ۶۹۸- از عالمان خراسان بود که هنگام حملهٔ مغول به هندوستان مهاجرت کرد و در دربار ناصرالدین قباجه اقامت کرد و به فرمان او به ریاست مدرسهٔ فیروزی منصوب گشت. وقتی که ناصرالدین قباجه خود را در سند غرق کرد و کشورش به دست التتمش افتاد، منهاج سراج به خدمت او در آمد و در دربار او به مناصب عالی ارتقاء یافت و کتاب «طبقات ناصری» را به نام ناصرالدین محمود شاه پسر التتمش نوشت.

منیژه (ش — د) از زنان داستانی شاهنامه ودختر افراسیاب که عاشق بیژن پهلوان ایران گشت واورا به کاخ خود برد وچون افراسیاب به عشق دختر پی برد، اورا ازقصر خود راند وبیژن را درچاهی زندانی کرد. منیژه سروپابرهنه به گدائی پرداخت ونانی را که از این راه به دست می‌آورد، در چاه برای بیژن می‌انداخت. منیژه در عشق خود فداکاریها کرد تارستم به یاری ایشان رسیدوبیژن را از چاه بیرون‌آورد ومنیژه بااو به ایران گریخت.

المواقف (ك) «کتاب المواقف فی علم الکلام و تحقیق المقاصد وتبیین المرام» از متون علم کلام که قاضی عبدالرحمن بن احمد معروف به عضدالدین ایجی آن‌را به‌نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین تألیف کرده ومیرسید شریف جرجانی برآن شرح نوشته است.

(چاپ مصر — ۱۸۴۸ م)

مواهب الهی (ک‌ك) کتابی در تاریخ خاندان مظفری ازآغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع وشاه محمود که معین‌الدین یزدی آن را براثر تشویق شاه شجاع وپدرش امیر مبارزالدین درسال ۷۶۷ به‌پایان‌رسانده است.

این کتاب مانند تاریخ وصاف دارای انشاء متکلفانه و مصنوع است و استعارات غریب فراوان دارد ولی از جنبهٔ تاریخی سودمند است.
(چاپ تهران)

مواهب‌علیه (کت) تفسیری از قرآن به زبان فارسی، تالیف ملاحسین واعظ کاشفی که آن را در سال ۸۹۹ به نام امیرعلیشیر نوائی تألیف کرده‌است.

موسی (تن) موسی کلیم‌الله از پیغمبران اولوالعزم. وی در زمان شاهی ولیدبن مصعب فرعون مصر متولد شد. چون منجمان به فرعون گفته بودند که پسری از بنی‌اسرائیل مبطل احکام او خواهد بود، از اینرو دستورداد تاهرپسری که از بنی‌اسرائیل به‌وجود آید بکشند. وقتی که موسی متولد شد مادرش ازترس فرعون اورادرصندوقی گذاشت وبه رودنیل انداخت. آب صندوق را زیرقصرفرعون برد، کنیزآسیه زن فرعون آن را گرفت ونزدبانوی خود برد. آسیه اورا به‌فرزندی پذیرفت. کودک از پستان هیچکس شیر ننوشید جز مادرش. مادر را به دایگی انتخاب کردند و موسی درخانهٔ فرعون بزرگ شد. روزی یکی از قبطیان را کشت وبه این سبب گریخت ونزد شعیب رفت ودرازای ده‌سال شبانی دختر اورا گرفت وبه مصر عزیمت کرد. شعیب عصائی به اوبخشید. درراه درشبی‌تاریک زنش درد زاییدن گرفت، درآن بیابان که وادی‌ایمن نام دارد، موسی به جستجوی آب رفت، برسردرخت روشنی دیدوخطاب آمد «انی‌اناالله» ومعجزه براو کرامت شد. موسی معجزات را برفرعون عرضه داشت. فرعون اورابه سحروجادومتهم کرد وایمان نیاوردوچون قبطیان بابنی‌اسرائیل جورسی کردند، موسی وبنی‌اسرائیل ازمصرهجرت کردند واز آب نیل گذشتند وقبطیان که به دنبال ایشان رفتند، درآب غرق شدند. موسی برای مناجات به کوه طورسی رفت وخدای تعالی توراة

را که برالواح نبشته بود، براونازل کرد . وقتی موسی باخداسخن گفت ودیدارخواست . جواب آمد «لن ترانی» .

موش و گربه (ك) منظومهٔ انتقادی شامل ۱۷٤ بیت ازآثارعبید زاکانی که درآن تزویر وریا کاری گربه‌ای از گربه های کرمان را شرح می‌دهد که موجب‌فریب موشان گشت وپس از آن کار به شکستن عهد گربه وبروزجنگ بین موشان و گربه‌ها و غلبهٔ لشکر موشان و گرفتاری گربه وفرار او منجر شده است .

این منظومهٔ شیرین بسیار معروف‌است وبعضی از بیتهای آن‌مثل سایر شده است . منظور عبید از ساختن این منظومه نظر انتقاد بوده است از بعضی ازآداب و رسوم واوضاع زمان .

موَصّل (ب) شعری‌را گویند که همهٔ حروف کلمات آن به یکدیگر قابل اتصال باشد وبتوان همه را سرهم نوشت :

تن به عشقم نحیف گشت به غم

گل به چشمم نهفته گشت به خار

که می‌توان چنین نوشت :

تنبعشقمنحیفگشتبغـم گلبچشمنهفتهگشتبخار

مولوی (ت) مولانا جلال‌الدین محمدبن بهاءالدین محمدبن حسین الخطیبی .وفات ۶۷۲-جلال‌الدین محمد معروف به مولوی یاملای روم از بزرگترین‌شاعران عارف ایران درقرن هفتم .جلال‌الدین دربلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش درقونیه به رومی یامولانای‌روم مشهور شد . جلال‌الدین فرزند محمدبن حسین ملقب به‌بهاءالدین‌ولد می‌باشد که ازطرف مادر از خاندان خوارزمشاه است . بهاءالدین‌ولد از مقربان دربار محمدخوارزمشاه بود ولی به علت رنجش خاطری که‌ازشاه

یافت ، درسال ۶۱۰ از راه بغداد قصد سفرحج کرد و درنیشابور باشیخ عطار ملاقات کرد و شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به جلال‌الدین که کودکی بیش نبودا هداء کرد ، بهاءالدین‌ولد پس از زیارت حج به‌شام وازآنجا به‌لارنده از مراکز حکومت سلجوقیان آسیای صغیر رفت ومدت هفت‌سال درآن شهر اقامت کرد وپس‌ازآن به دعوت سلطان علاءالدین کیقباد که از شاهان بزرگ دانش پرور بود به قونیه رفت وتا آخرعمر درآنجا به ارشاد خلق پرداخت ودرسال ۶۲۸ فوت کرد . جلال‌الدین محمد که هنگام فوت پدر بیست و چهار سال داشت بنا به وصیت او وخواهش علاءالدین بجای پدرنشست وبه ارشاد مردم‌وتربیت مریدان پرداخت و در مجالس درس سید برهان‌الدین محقق ترمذی که از تربیت یافتگان‌بهاء ولدبود، کسب‌فیض کردوبه رموزمعرفت‌حق‌آشنایی یافت واز اواجازهٔ ارشاد گرفت وپس از فوت برهان محقق‌مجالس وعظ برپا کرد وبه تربیت شاگردان پرداخت تا برحسب اتفاق درسال ۶۴۲ باعارف بزرگ شمس‌الدین محمدتبریزی برخورد کرد .

پس از این ملاقات مولانا چنان شیفتهٔ شمس شد که ترك منبر ومحراب کرد واز همه گریزان شد وپیوند خودرا با گذشته قطع کرد ودر سلك مریدان شمس درآمد . شمس تبریز درسال ۶۴۵ ازقونیه‌خارج شد ودیگر به‌آنجا بازنگشت . مولانا براثر هجران‌شمس تبریزی آشفته خاطرشد و یکباره ازمردمان کناره گرفت و مدتی به حسام‌الدین‌چلبی و همچنان به سرودن غزل و مثنوی مشغول بود تا در سال ۶۷۲ فوت کرد . ازآثار مولانا جلال‌الدین مثنوی بزرگ او در شش جلد ومجموعهٔ رباعیات ودیوان غزلیات اوست‌که به دیوان شمس مشهور

است . ازآثار منثور او کتاب «فیه مافیه» و «مجالس سبعه» و «مکاتیب» است .

مولوی شعرعرفانی را به حد اعلی رسانده ونفوذ معنوی وادبیش نه تنها درایران وهند وآسیای صغیر به حد کمال رسیده بلکه به مغرب زمین نیز سرایت گرده وآثارش به زبانهای مختلف ترجمه شده است .

مؤید بغدادی (ت) بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی . منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه و ازمنشیان معروف که آثارش سرمشق مترسلان زمان محسوب می‌شد . تاریخ تولد ووفاتش معلوم نیست ولی مسلم است که درتاریخ ۵۸۸ زنده بوده است .

بهاءالدین محمد مجموع منشآت خود را به‌نام بهاءالدین وزیر تنظیم کرده است . وی‌علاوه برنثر استادانه اشعاری نیزداشته که عوفی بعضی ازآنها را نقل کرده است .

مهرگان (نج) مهر روز یعنی‌روز شانزدهم ازماه مهر است که فریدون برضحاك پیروز شد و اورا درکوه دماوند حبس کرد ، پارسیان هرسال دراین روز جشن می گرفتند .

مهرگان آمد گرفته فالش از نیکی مثال

نیك‌روزونیک جشن ونیك‌وقت‌ونیك‌حال

(عنصری)

مهستی (ت)اززنان شاعر ایرانی درقرن ششم ومعاصر باسلطان سنجرسلجوقی . مهستی‌اهل گنجه است وابتدا دردستگاه سلطان محمود برادر زادهٔ سلطان سنجرکه حکومت آذربایجان را داشت رفت و آمد پیدا کرد وپس ازآن به دربارسلطان سنجر راه یافت . مهستی دردربار سلطان سنجر مقامی یافت ودرردیف شاعران نامی آن‌زمان مانند انوری‌و

رشید وطواط وادیب صابر قرار گرفت. وی خاصه در سرودن رباعی طبع روانی داشت.

میدانی (ت) ابوالفضل احمدبن محمد میدانی النیشابوری. وفات ۵۱۸- ادیب بزرگ ایران در قرن پنجم. درقواعد ولغت عرب و نحو استاد بوده‌است. معروفترین اثر او کتاب «مجمع الامثال» است که شامل امثال مشهور عرب است. دیگر «کتاب السامی فی‌الاسامی» که کتاب‌لغت عربی‌به فارسی‌است ودرآن لغات‌را برحسب معنی وموضوع مرتب کرده است.

میرخواند (ت) محمدبن سیدبرهان‌الدین خاوند شاه‌بن کمال الدین‌محمود. وفات ۹۰۳- ازمورخان معروف قرن‌نهم ومعاصروطرف‌توجه سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علیشیر نوائی. میرخواند درسال ۸۳۸ متولد شد و کودکی‌را دربخارا گذراند وپس‌ازفوت پدراز بخارا به‌بلخ رفت ودرآنجا به‌تحصیل علوم متداول زمان مشغول گشت واز محضر علما استفادهٔ بسیار کرد، سپس به هرات رفت و درآنجا نیز درخدمت بزرگان علم و ادب به کسب علم پرداخت وپس از چندی به بلخ بر گشت و تازمان وفات آنجا ماند. میرخواند در فضل و هنر وعلوم معقول ومنقول و درفن تاریخ نویسی مقامی بزرگ داشت. اثر معروف وعظیم‌او کتاب«روضة‌الصفا» درشش‌جلداست که به‌علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن را به‌پایان رساند.

میرداماد (ت) میرمحمد باقربن محمد استرابادی. وفات ۱۰۴۱- میرمحمد باقر معروف به‌داماداز فیلسوفان ودانشمندان عصرصفوی لقب داماد از پدرش مانده که داماد محقق ثانی بوده است. منشأش استراباد و محل تحصیلش مشهد و اقامتگاهش اصفهان بوده است.

میرداماد مورد توجه شاه عباس بزرگ بود و تألیفاب متعدد فلسفی و دینی دارد که همهٔ آنها به زبان عربی است مانندصراط مستقیم‌وقبسات درمسائل حکمت، کشف الحقایق که حکمی ودینی است.

میرداماد شعر نیز می‌سرود «واشراق» تخلص می کرد ومثنوی دارد به نام «مشرق‌الانوار».

میرزامهدیخان منشی استرابادی (ت) رجوع شود به استرابادی.

میزان (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه شکل ترازو. برج میزان برابرماه مهر است.

اثرهای کین تو چون نحس عقرب

نظرهای لطف تو چون سعد میزان

«انوری»

ن

ناسخ التواریخ (ك) تاریخ عموسی تألیف میرزامحمدتقی سپهر که آن را به دستور محمدشاه قاجار شروع کرد و درزمان ناصرالدین‌شاه به پایان‌رساند. این تاریخ باملحقاتش درحدود پانزده‌جلد بزرگ‌می‌شود. قسمت اسلام وتاریخ بعد ازاسلام درآن بطور مشروح نوشته‌شده ، ولی سپهر نتوانسته است آن را تمام کند وبعد از او عباسقلی‌خان سپهر که ازمقربان دربارناصرالدین‌شاه بود، چند جلد درشرح حال ائمه وتفصیل سلطنت ناصرالدین شاه وغیره برآن افزوده است . سبک نثر کتاب‌ساده وپخته است .

ناصرخسرو (ت) حکیم‌ابومعین ناصربن‌حارث‌القبادیانی البلخی المروزی. وفات ۴۸۱- ازشاعران‌ونویسندگان بزرگ‌ایران درقرن‌پنجم. ناصرخسرو در سال ۳۹۴ درقبادیان بلخ متولد شدو در بلخ به کسب علوم پرداخت . وی در جوانی به دربار شاهان غزنوی راه یافت ومقامات عالی به دست آورد وعنوان «دبیر» و«ادیب» یافت وپس از تصرف بلخ به‌دست سلجوقیان درسال ۴۳۲ به‌مرو مقرحکومت‌ابوسلیمان چغری بیک‌داوودبن میکائیل رفت وبه کاردیوانی‌مشغول‌شد. ناصرخسرو درچهل سالگی ازکاردیوانی واشتغال به اموردنیوی دست کشیدوراه سفر حجاز پیش گرفت. دراین سفر که هفت‌سال‌طول کشید، چهاربارحج کردوحجاز وآسیای‌صغیروسوریه‌وفلسطین ومصرونوبه وسودان‌را سیاحت

کرد ودر مصر به خدمت خلیفهٔ فاطمی المستنصربالله رسید و به مذهب اسمعیلی گرویدوپس از طی مراحل به درجهٔ حجت رسیدو مأمورتبلیغ ونشر مذهب اسمعیلی گشت وبه وطن خود بلخ بازگشت. ناصرخسرو در بلخ باعلما مباحثات کردولی اغلب به مخالفت وی پرداختندو کم کم متعصبان درصدد آزارش برآمدند. وی ناچار به فرارشد ومدتی درمازندران بسر برد ؛ پس ازآن به یمگان ازاعمال بدخشان رفت و در آنجا مقیم شد وبه دعوت پرداخت ودرهمانجا وفات یافت. اقامت ممتد ناصرخسرو دریمگان باعث تقویت ونشر مذهب اسمعیلی درآن نواحی گردید؛ هنوز هم درآنجا طرفداران این مذهب دیده می‌شوند.

ناصرخسرو درعلوم و فنون متداول زمان خود استاد بود ، قرآن را ازحفظ داشت ودرعلم کلام وحکمت وعلم ادیان مطالعات عمیق داشت و اطلاعات وسیع او در اشعارش نمایان است. ناصرخسرو آثار منظوم ومنثور دارد. ازآثار منظوم او دیوان شعر است که مجموعاً ۱۱۰۴۷ بیت دارد. دیگر دومنظومه به‌نام «روشنائی‌نامه» و«سعادت‌نامه» است که درآخر دیوان ناصرخسرو به تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی درتهران چاپ شده است.

اغلب اشعار ناصرخسرو در بیان افکار مذهبی و مسائل حکمی ودارای اصطلاحات فلسفی است. ناصرخسرو به حقایق علمی ومبانی دین توجه خاص دارد وهمچنین اشعاری در انتقاد شدید کسانی دارد که بااومخالفت کرده و در صددآزار او برآمده‌اند. اشعارش ازمدیحه سرائی خالی است واز توجه به دنیا دوراست.

ازآثار منثورناصرخسرو چند کتاب ورسالهٔ مهم به‌زبان فارسی است مانند: سفرنامه، زادالمسافرین، وجه‌دین، خوان‌اخوان ، جامع‌الحکمتین،

گشایش ورهایش ، بستان‌العقول .

ناظرومنظور (ك) داستان عاشقانه‌ای از وحشی بافقی که‌آن‌را درسال ۹۶۶ سروده است این مثنوی دارای ۱۰۶۹ بیت است .

ناقهٔصالح (تن) شترصالح پیغمبر که قوم‌عاد وثمودآن‌را کشتند .

شخصی‌زعرب‌ناقهٔ‌صالح پی کرد   پیغمبر ماحرام می‌بروی کرد

«ازرباعیات‌منسوب به‌خیام»

نامهٔدانشوران (ك)ازکتابهای‌مشروح‌ومهم درترجمهٔ‌حال‌عالمان وادیبان به‌زبان فارسی که درزمان ناصرالدین شاه به اهتمام عده‌ای از فاضلان‌تألیف یافته وشش جلد آن‌تاحرف‌شین منتشرشده است . مؤلفان نامهٔ دانشوران میرزا ابوالفضل ساوه‌ای ومیرزا حسن طالقانی و شیخ عبدالوهاب قزوینی وسخصوصاً شمس العلماء عبدالرب‌آبادی می‌باشند .

نثراین کتاب نثر فنی است ولی متأسفانه ناتمام مانده است .

نان‌وحلوا (ك) مثنوی تألیف‌شیخ محمدبن‌حسین عاملی‌مشهور به شیخ بهائی ازعالمان وفقیهان مشهور دورهٔ صفویه . نام دیگر این کتاب«سوانح الحجاز «یا» سفرالحجاز» است و اشعار آن مخلوطی است ازفارسی وعربی.

بارها درایران وهند به چاپ رسیده است .

ناهید (نج) ستارهٔ زهره که ستارهٔ مطربان وخنیاگران است

غزلسرائی ناهید صرفه‌ای نبرد

درآن‌مقام که حافظ برآورد آواز

«حافظ»

نایره (ق) (از حروف قافیه)آن‌است که به مزید می‌پیوندد‌مانند الف ونون دراین‌شعر:

تاکی‌بخون‌دیده‌ودل‌پروریمشان   تاکی‌زره‌روندوبراه‌آوریمشان

نثر (ب) درلغت به معنی پراکندن و در اصطلاح کلامی است که مقید به وزن وقافیه نباشد.

نثرمرسل (ب) نثری است که نویسنده درآن مقید به آوردن سجع یاصنایع لفظی دیگر نباشد.

نثرمسجع (ب) نثری است که نویسنده درآن مقید به آوردن سجع باشد. مثال ازگلستان سعدی:

منت خدای راعزوجل که طاعتش موجب قربت است وبه شکر اندرش مزید نعمت.

نجات (ك) تألیف دانشمند بزرگ ابوعلی سینا. کتاب نجات خلاصه‌ای‌است ازکتاب‌شفا وشامل مختصرعقاید شیخ است درحکمت. نسخ متعدداین کتاب درکتابخانهٔ‌مشهد وکتابهای‌استامبول موجوداست

نجم‌الدین رازی (ت) شیخ نجم‌الدین ابوبکرعبدالله بن محمد رازی. وفات ٦٤٥ معروف به‌نجم‌دایه،از مشایخ معروف دورهٔ مغول. شیخ نجم‌الدین درحملهٔ‌مغول‌ازری‌به‌عراق گریخت‌ودرسال ٦١٨ به‌اردبیل وازآنجا به‌آسیای صغیر رفت. درشهر ملاطیه‌به دیدار شیخ شهاب‌الدین سهروردی نایل آمد و بعدبه خدمت علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی رفت وکتاب «مرصادالعباد»را درسیواس تألیف کرد. شیخ نجم‌الدین درقونیه با مولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد. سپس‌ازآسیای صغیر به بغداد رفت ودرهمانجا وفات یافت.

نجم‌الدین علاوه برنویسندگی شعرهم‌می‌سروده، خاصه به سبک سنائی متمایل بوده است.

نجوم‌السماء (ك) کتابی‌درشرح حال‌فقیهان شیعه درعصرصفوی تااواسطقاجاریه. تألیف‌میرزامحمدصادق‌ابن‌مهدی که‌آن‌رادرسال ١٢٨٦-

یعنی درزمان سلطنت ناصرالدین شاه تألیف کرده است وشامل شرح احوال علمای شیعه درقرون یازده ودوازده وسیزده می باشد .

نحر (زحاف)(ع) درمفعولات مجموع جدع و کشف است؛ یعنی حذف مف وعوت که می ماند لاو بجای آن فع می گذارند وآن را منحور می خوانند .

نخشب نام شهری درماوراء النهر که از چاهی درحوالی آن ماه مقنع برمی آمد

نرشخی (ت) ابوبکرمحمدبن جعفرالنرشخی . وفات ۳۴۷ — اهل بخاراست که کتاب « تاریخ بخارا » را به نام امیرحمید ابومحمد نوح بن نصرسامانی (۳۳۱—۳۴۳) به زبان عربی تألیف کرده است .

نریمان (ش — د) پدرسام وبه روایت گرشاسب نامه، برادرزادهٔ گرشاسب وبه روایت دیگر نبیرهٔ او .

نزاری قهستانی (ت) وفات ۷۲۰—از شاعران منتسب به طایفهٔ اسمعیلیه که تخلصش را ازنام نزار پسر دوم المستنصر بالله ، هشتمین خلیفهٔ فاطمی مصر گرفته است . دیوان اومشتمل برغزلیاتی است که به شیوهٔ سعدی نزدیک است . مثنوی «دستورنامه» از او باقی است .

نزهت نامهٔ علائی (ك) تألیف شهمردان بن ابی الخیر که آن را به نام علاءالدوله ابو کالیجار گرشاسف بن علی بن فرامرزبن علاءالدوله کاکویه، دراواخر قرن پنجم تألیف کرده است . نویسنده درمقدمهٔ کتاب نوشته است که قبلا کتابی تصنیف کرده به نام «کتاب البدایع» درخواص و منافع طبایع و چند علم دیگر و چون این کتاب به عربی بود زیاده ونقصانی برآن واردساخته وبه زبان فارسی دردوازده مقاله ساخته است . وبه مناسبت نام علاءالدوله ابو کالیجار نامش را نزهت نامهٔ علائی گذارده است . نثراین کتاب روان ودارای اصطلاحات متداول ومأنوس می باشدونویسنده

ازآوردن لغتهای فارسی ویژه که بنظرش از تازی دشوارتر است پرهیز کرده است .

نسر طایر (نج) از کواکب ثابت ومانند کرکسی است که هردو بال آن گشاده باشد .

برسرآن خوان عزت نسرطایر دان مگس
بلکه پر جبرئیل آنجا مگس ران آمده
«خاقانی»

نسرواقع (نج) ازکواکب ثابت که عوام آن را سه پایه گویند وبه شکل کرکسی است که دوبالش را در خود جمع کرده است .

عمر ضایع شده را سلوت جان بازآرید
نسر واقع شده را قوت پر باز دهید
«خاقانی»

نسرواقع با نسر طایر به صورت نسرین نیزدرشعرآمده است .

پروانهٔ چرخ اخضرش پرواز نسرین ازفرش
پروازسعدین برسرش چندانکه پروا داشته
«خاقانی»

نسوی (ت) نورالدین محمدبن احمدبن علی بن محمدالمنشی النسوی کاتب ووزیر سلطان جلال الدین مینکبرنی که در سال ۶۲۱ از شهر نسابه ری رفته و به خدمت جلال‌الدین خوارزمشاه در آمده و تا سال ۶۲۸ منصب کتابت اورا داشته است . وقتی جلال‌الدین ازحملهٔ مغول گریخت ، محمد نسوی در ۶۲۹ به میافارقین رفت و درخدمت الملک المظفر صاحب آنجارسید ودرآنجا خبر هلاک سلطان جلال‌الدین راشنید ورسالهٔ «نفثةالمصدور» را درشرح آن وقایع بامرثیهٔ سوزناك درفوت سلطان

تألیف کرد. اثر معروف دیگر او «سیرة جلال الدین مینکبرنی» است که در سال ۶۳۹ به‌زبان عربی تألیف کرده است.

نشاط (ت) میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به‌معتمدالدوله - وفات ۱۲۴٤ — از شاعران و ادیبان و رجال سیاست دورهٔ قاجاریه وصاحب دیوان رسالت فتحعلیشاه قاجار. در حکمت و ریاضی و علوم ادبی وزبان فارسی وعربی وترکی تسلط داشته ودراقسام خط مخصوصاً خط شکسته استاد بوده است. نشاط باهمت خاصی اصفهان را کانون شعر وادب قرارداد وسخنگویان‌را تشویق کرد ودرحلقهٔ مؤسسین نهضت ادبی ایران درآمد. نشاط درقصیده از استادان قدیم پیروی کرده و در غزل سعدی وحافظ را درنظر داشته است. مجموعهٔ اشعار و آثار نشاط به عنوان «گنجینه» عبارت ازپنج درج‌است شامل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و قطعات منثور حاوی مراسلات و منشآت و مقالات که در آن انشاء رسمی‌درباری وطرز ترسل زمان مؤلف وسبک نثر دورهٔ قاجاریه را نشان می‌دهد.

(کلیات نشاط — چاپ تهران)

نصیحة‌الملوك (ك) یکی از آثار فارسی امام محمد غزالی که آن را درحدودسال۵۰۳ برای سلطان سنجر ساخته‌است. موضوع کتاب حکمت عملی‌است برمبنای دین که غزالی‌آن‌را درراهنمایی‌شاه‌ودرباریان نوشته است.

کتاب نصیحة‌الملوك دارای‌یک‌مقدمه وهفت باب ویک‌خاتمه است درسیرت پادشاهان ووزیران ودرباریان و حکمت دانایان وصفت خردمندان.

این کتاب به عربی وچند بارنیز به ترکی ترجمه شده است.

(نصیحة‌الملوك . چاپ تهران)

نصیرالدین‌طوسی (ت) ابوجعفر نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن‌ابی‌بکر. وفات ۶۷۲ — از بزرگترین دانشمندان وسیاستمداران‌ایران درقرن هفتم. اصلش از قم‌است ولی درطوس تولد یافته است. پس‌از اتمام تحصیلات مقدماتی به نیشابور رفت و درمحضر فریدالدین داماد نیشابوری کتاب اشارات ابن‌سینا را خواند، ودربیست‌وچهارسالگی از تحصیل منظم فراغت یافت . پیش از هجوم مغول خواجه نصیرالدین ملازمت ناصرالدین محتشم حاکم قلاع قهستان وملازمت علاءالدین پیشوای اسمعیلیان را داشت . هنگامی که هلاگوخان قلعهٔ الموت را تسخیر کرد، خواجه‌نصیرالدین‌را به ملازمت‌خود برگماشت . خواجه نصیرالدین هلاگو را به تسخیربغداد وبرانداختن خلافت عباسی‌تشویق کرد . پس از انقراض خلافت عباسیان و قتل مستعصم ، تمام توجه خواجه نصیر به تأسیس رصدخانه معطوف شد تا درسال ۶۵۷ به‌فرمان و حمایت هلاگو به تأسیس رصدخانهٔ بزرگی در مراغه موفق شد . خواجه تاهنگام درگذشت هلاگو دردربار او مقرب بود و پس از او دردربار اباقاخان به تقرب می‌زیست ودرسال ۶۷۲ که با اباقاخان به بغداد رفته بود ، درهمانجا درگذشت .

خواجه نصیرالدین علاوه برجامع بودن در فنون مختلف علمی وادبی از رجال بزرگ عالم سیاست بود وهلاگو از قدرت ونفوذمعنوی او استفادهٔ بسیارکرد . این شخص بزرگ درتشویق فضلا و درتوسعهٔ علوم وپیشرفت ادب وراه تحقیق ، اثر بزرگی داشت .

خواجه نصیرالدین درعلوم ریاضی ومنطق ونجوم وطب واخلاق دارای تألیفات بسیاراست‌وآثارگرانبهای‌اوبه‌زبانهای مختلف ترجمه‌شده

ومورد استفادهٔ دانشمندان اروپا قرار گرفته‌است. درحدود صدوسه کتاب ورساله ومقاله درفنون مختلف به خواجه نصیر نسبت می‌دهند.

ازآثار او تحریر اقلیدس (درهندسه) تحریر مجسطی (درهیئت) تذکرهٔ‌نصیریه (درهیئت)شرح اشارات بوعلی،تجریدالعقاید (درکلام) قوانین‌الطب ، حل مشکلات قانون بوعلی ، سی‌فصل در نجوم ، معیار الاشعار(درعروض) .

غیر از کتابهای عربی خواجه نصیرالدین چند کتاب به فارسی تألیف کرده است . ازجمله اخلاق ناصری و اساس الاقتباس و اوصاف الاشراف می‌باشد .

کتابهائی‌را که‌خواجه نصیر ازحکیمان یونان اقتباس کرده است تحریر می‌نامد ، در این کتابها افکار و آراء مؤلفان یونانی را بیان کرده است . گرچه مقام علمی خواجه نصیر برجنبهٔ نویسندگیش برتری دارد ، ولی نمیتوان ارزش آثار فارسی او وسبک نویسندگی‌اش را نادیده گرفت. خواجه نصیر دربیان‌موضوعهای علمی‌به ایجازپرداخته و روانی و سادگی را به کار برده است . رویهمرفته بر اثر زحمتهائی که خواجه نصیر در اصلاح و تحریر آثار ریاضی دانان پیش از خود کشید ، علوم ریاضی را برای علمای عهد خود و بعد از خود آسان کرد .

خواجه نصیر به زبان فارسی وعربی شعر گفته وبعضی از مطالب علمی را به نظم آورده است .

نظام التواریخ (ك) تاریخ کوچکی تألیف قاضی ناصرالدین بیضاوی که درسال ٦٧٤ تألیف یافته است . این کتاب مشتمل است برخلاصهٔ تاریخ عمومی عالم از زمان آدم ابوالبشر تا اواخر قرن هفتم

حاوی تاریخ اسلام وشاهان قدیم ایران وپیغمبران بنی‌اسرائیل . عبارت کتاب بسیار موجز وساده است .

نظام‌الدین شامی (ت) شنب غازانی معاصر تیمور . هنگامی که امیر تیمور بغداد را گشود نظام‌الدین درآن شهر می‌زیست ودرسال ۸۰۴ تیمور وی را نزد خود خواند واورا به نوشتن تاریخ سلطنت خود وا داشت . درسال ۸۰۶ نظام‌الدین در اردوی تیمور نزدیک اردبیل به مناسبت عید رمضان خطبهٔ عید خواند وپس ازآن هنگامی که تیمور به سمرقند رفت به او اجازه داد که به وطن خود «تبریز» برگردد . از آثار معروف نظام‌الدین شامی «ظفرنامه» است که به امرتیمور آن را در سال ۸۰٤ تألیف کرد .

نظام‌الدین محمود قاری یزدی (ت) از شاعران قرن نهم که ذکر البسه را موضوع اصلی شعر قرارداده و اشعارش بیشتر مربوط به فن خیاطی است. این شاعر از ابواسحق اطعمه تقلید کرده وبه اسلوب او شعر گفته است .

قصیده‌ای دارد به‌نام آفاق وانفس که مناظره‌ای است بین جامهٔ کتان وسوئین و منظومه‌ای موسوم به « اسرار ابریشم » . نظام الدین یزدی چند رساله و مقاله به نثر دارد مانند « نامهٔ پشم به‌ابریشم » رسالهٔ آرایش نامه ورساله تعریفات و رسالهٔ «صدوعظ» ومثنوی فکاهی «جنگ‌نامه» به اسلوب شاهنامه شامل وصف جنگ مابین صوف و کمخا موسوم به « مخیط نامه » و فرهنگی دارد شامل اصطلاحات خیاطی . (دیوان البسه — چاپ اسلامبول) .

نظام‌الملک (ت) ابوعلی حسن‌بن‌علی‌بن اسحاق طوسی ملقب به نظام‌الملک. وفات ٤۸۵ —خواجه نظام‌الملک ازدهقان زادگان طوس

که در سال ۴۰۸ یا ۴۱۰ در نوغان طوس ولادت یافت ، دوران کودکی را در طوس گذارند و تعلیم و تربیت کافی پذیرفت و به زبان و ادبیات و تاریخ ایران و حکمت وزبان عرب احاطه یافت . در دربار جغری بیک به دبیری حکمران بلخ منصوب گشت و لیاقت بسیار از خود نشان داد و جغری بیک او را به پسر خود الب ارسلان سپرد و هنگامیکه الب‌ارسلان در ۴۵۱ به حکومت خراسان رسید ، وزارت خود را به او داد و او همچنان در زمان سلطنت این پادشاه وپسرش سلطان جلال‌الدین ملکشاه در این سمت باقی ماند وسی‌سال امور کشور را دردست داشت تا سرانجام درسال ۴۸۵ هنگامی که از اصفهان به بغداد می‌رفت نزدیک نهاوند بدست یکی ازفدائیان اسمعیلی به‌قتل رسید . نظام الملک غیر از صدارت و مملکتداری همهٔ عمر به ترویج علم ودانش همت گماشت. بزرگترین‌اقدام‌خواجه‌نظام‌الملک‌در این باب تأسیس مدارس است دربسیاری از شهرها مانند نیشابور وبلخ و هرات وخواف ومرو واصفهان وبصره‌وموصل وبغداد که از همه بزرگترومهمتر مدرسهٔ بغداد بود که ساختمان آن‌درسال ۴۵۷ آغاز شد . این مدارس به نظامیه معروف گشت ونظام‌الملک اوقافی ترتیب داد که درآمدشان صرف مدارس می‌شد . نظام‌الملک علاوه برتشویق ادیبان و حکیمان خود نیز آثاری دارد که از همه معروفتر « سیاست‌نامه » است . دیگر مکتوبی است درذکر شرایط وزارت که به پسرش فخرالملک نوشته به اسم «وصایای نظام‌الملک» یا «دستورالوزارة» .

نظامی (ت) حکیم جمال‌الدین ابومحمدالیاس بن یوسف‌بن زکی بنی موید. وفات درحدود ۶۰۴—ازشاعران بزرگ داستانسرای‌ایران. وی درحدود سال ۵۳۰ درگنجه متولد شد وبیشتر عمرخود را درموطن

خود صرف کرد. فقط یک بار به امر اتابک قزل ارسلان به تبریز سفر کرد. نظامی از ابتدای جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت وچنانکه خود گوید در تمام رشته‌های علوم متداول مانند علوم طبیعی والهی و طب و نجوم مهارت یافت. همچنین در علوم ادب و شعر مقام بزرگی به‌دست آورد. نظامی با اتابکان آذربایجان وشاهان محلی شروان و مراغه ارتباط یافته و کتابهای خود را به نام این شاهان ساخته است. ازجملهٔ ممدوحان او منوچهر خاقان کبیر پادشاه اخستان و پسرش ابوالمظفر اتابک نصرةالدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان، و اتابک شمس‌الدین محمد جهان پهلوان و اتابک قزل‌ارسلان‌است. نظامی چون عمر را بیشتر به عزلت و انزوا گذرانده است طرز سلوك و رفتارش باشاهان بسیار ساده بوده و سلاطین برای او احترام فراوانی قایل بوده‌اند.

ازآثار نظامی دیوان اوست که دولتشاه آن را شامل بیست هزار بیت دانسته واکنون قسمتی ازآنها دردست است ولی بزرگترین اثرش خمسه می‌باشد که به طرزمثنوی سروده و در حدود بیست وهشت‌هزار بیت دارد.

خمسه شامل پنج کتاب است: مخزن‌الاسرار، لیلی ومجنون، خسرووشیرین، هفت پیکر یا بهرام‌نامه، اسکندرنامه.

نظامی درشیوهٔ داستانسرائی استاد و پیشرو دیگران است. وی درضمن داستانسرائی ازمطالب اخلاقی وحکمی وپند غفلت نکرده‌است وپاکی‌اخلاق‌وعفت دراشعارش‌آشکار است، حتی هنگام‌ذکرعشق و گفتگوهای عاشقانه عفت قلم وشرم را از دست نمی‌دهد. نظامی همه جا ازوقایع وحالات نتیجه گرفته وبی اساسی زمان وسستی دنیا راگوشزد

می کند . نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند . نیروی تخیل او دروصف بسیار قوی است وحالات مختلف روحی انسان را ازقبیل انتظار ، شوق دیدار ، وصل ، هجر همه را با قدرت بسیار بیان می کند . معانی تازه وتشبیهات نو به کار می‌برد . نظامی چون از علوم مختلف اطلاع داشته‌است اصطلاحات علمی وفلسفی در اشعارش بسیار دیده می‌شود . آثار نظامی مورد تقلید بسیاری ازگویندگان پس از اوواقع گشته‌است . امیرخسرو دهلوی خواجو ، جامی، وحشی ، مکتبی ودیگران به تقلید از مثنویهای او مثنویهائی ساخته‌اند .

خمسهٔ نظامی چندین بار درتهران به چاپ رسیده است .

نظامی‌عروضی (ت) ابوالحسن نظام‌الدین احمدبن عمربن علی النظامی‌العروضی‌السمرقندی،وفات‌درحدود ۵۰۶- ازشاعران ونویسندگان قرن ششم هجری، درسمرقند متولد شده وپس‌ازکسب علوم به‌خراسان رفته است و در سال ۵۰۶ در بلخ به خدمت حکیم عمر خیام رسیده ودرسال ۵۱۰ درطروق طوس‌معزی‌را ملاقات کرده‌است. نظامی‌عروضی به خدمت ملوك آل شنسب در آمد و به مدح آنها پرداخت و کتاب «چهارمقاله» را به‌نام شاهزاده ابوالحسن حسام‌الدین علی‌بن فخرالدین مسعود شاهزادهٔ غوری تألیف کرد .

نظر (نج) یا نگریستن آن است‌که وضع هر برج را نسبت به برجهای دیگر نشان دهد و اقسام آن چهاراست: تسدیس ، تثلیث ، مقابله ، تربیع (به‌این کلمات رجوع شود)

درنظر منجمان بعضی ازاین حالها سعد وبعضی نحس است

زچارم همی بنگرد آفتاب   به‌جنگ‌بزرگانش آمد شتاب

«فردوسی»

نظیری نیشابوری (ت) محمد حسین نظیری نیشابوری. وفات ۱۰۲۱ – از شاعران معروف ایران در قرن یازدهم . اصلش ازنیشابور بوده و از ابتدای جوانی به‌شعروشاعری شوق فراوان داشته است‌وپس ازکسب شهرت درخراسان به کاشان رفت وچندی درمجالس مشاعره ومناظرهٔ شاعران شرکت کرد وازآنجابه هندوستان رفت‌ودردربارا کبرشاه راه یافت وپس از او دردربار جهانگیر تقرب حاصل کرد و قصایدی در مدح اکبرشاه و خان اعظم برادر او و جهانگیر سرود . نظیری باعرفی وظهوری‌معارضه ومناظره داشته‌است . نظیری درمذهب بسیار متعصب بود وسالهای آخر عمررا به گوشه گیری وزهد پرداخت .

غزلی در وصف تنباکودارد که استعمال‌آن بوسیلهٔ جهانگیروشاه عباس صفوی منع شده بود .

دیوان نظیری شامل قصاید وغزلیات و ترجیعات ورباعیات‌است ودرهندوستان به‌چاپ رسیده است .

نعایم (نج) منزل بیستم از منازل قمر که شامل‌چهار ستارهٔروشن است به شکل شتر مرغ

نعایم پیش او چون چار خاطب

به پیش چار خاطب چار مؤذن

«منوچهری»

نعمةالله کرمانی (ت) امیرنورالدین نعمةالله‌بن میرعبدالله .وفات ۸۳۴ – ازمشایخ بزرگ صوفیه که درسال ۷۳۰ درحلب متولد شد ودربیست‌وچهارسالگی به زیارت مکه معظمه نائل آمد و هفت سال در آنجااقامت کرد وقسمت‌آخرعمررا درسمرقندوهرات‌ویزدبسربردوسرانجام درماهان مقیم گشت و همانجا وفات یافت . شاه نعمةالله مورد توجه

شاهرخ بوده‌است ولی شهرتش بیشتر ازجنبهٔ تصوف اوست . اشعارش اغلب دربارهٔ وحدت وجود می‌باشد . دیوان شاه نعمةالله ولی شامل تقریبا چهارده‌هزاربیت مثنوی و رباعی است. مثنوی شاه‌نعمةالله تقلیدی است از مثنوی‌مولانا جلال‌الدین رومی و مضامین آن عارفانه است.

درجوارمقبرهٔ شاه نعمةالله درماهان خانقاهی است که درویشان نعمةاللهی‌ازپیروان او درآنجا اقامت می‌کنند .

نغمهٔ داوود(تن) اشاره به آواز نیکوی داوود که مرغان را نیز مجذوب می‌کرد و ازطیران باز می‌داشت .

چوگل سوارشود بر هوا سلیمان وار

سحرکه مرغ درآید به‌نغمهٔ داوود . . .

«حافظ»

نفاذ (ق) (ازحرکات‌قافیه) حرکت‌وصل چون به خروج پیوندد مانند حرکت‌میم درکلمه‌های می‌سپارمت ودوست دارمت دراین شعر

ای غایب از نظر به خدا می‌سپارمت

جانم بسوختی وبه دل دوست دارمت

حرکت خروج ومزید ونایره را هم نفاذ گویند .

نفایس‌الفنون فی‌عرایس‌العیون (ك) تألیف‌علامه‌شمس‌الدین محمدبن محمود آملی ازعالمان قرن هشتم هجری که آن را به نام‌شیخ ابواسحق اینجوساخته‌است . نفایس‌الفنون دربیان‌شرف‌علم‌وتقسیم‌علوم‌است به علوم‌اوائل‌واواخر وشامل علوم‌ادبی است درپانزده فن‌مانند علم‌لغت وعلم‌بیان‌ومعانی‌وعلم‌صرف ونحووعلم‌عروض وقوانی وعلم دواوین‌وعلم انشاء واستیفا .وعلوم‌شرعی‌شامل نه‌فن‌مانندعلم کلام‌وتفسیروعلم‌حدیث وحکم و اخلاق و علم اصول وفقه . (چاپ‌تهران)

نفثةالمصدور (ك) تألیف محمد منشی النسوی که آن را بین سالهای ۶۳۲—۶۳۷ نوشته‌است. موضوع کتاب شرح حوادث زندگی مؤلف وبلاها ومصیبتهائی است که دردربار سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه وحملهٔ مغول تحمل کرده است. مؤلف وقایع زمان و تیرگی اوضاع دربار خوارزمشاه وحمله های تاتار را به آذربایجان وانقراض خوارزمشاهیان وجنگها ودفاعها وعاقبت کار همه را به تفصیل شرح می‌دهد. محمد نسوی خود دراغلب وقایع شاهد بوده بلکه قسمتی ازامور را نیز به‌عهده داشته وشخصاً درکارها دخالت می‌کرده و محرم اسرار و مورداعتماد سلطان بوده است و با صداقت تمام علل وقایع را شرح داده است. سبك نوشتهٔ نفثةالمصدور مانند کلیله ودمنه نثر مصنوع ودرعین حال فصیح است. مؤلف از آوردن صنایع بدیع و تجنیسات خودداری نکرده واشعار فارسی و عربی وامثال سایر وآیات قرآن و شواهد فراوان بکار برده‌است. (چاپ‌تهران)

نفحات‌الانس (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۸۳ به خواهش امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است. نفحات الانس درشرح احوال ۶۰۲ تن از رجال‌وبزرگان واولیاء متصوف است‌ودارای مقدمه‌ای می‌باشد درشرح اصطلاحات‌صوفیه وبیان‌معرفت عارف و کرامات ومعجزات‌او. مؤلف پس ازمقدمه به‌شرح حال‌صوفیه می‌پردازدوآن‌رابه‌ذکر حال‌ابوهاشم‌صوفی‌شروع وبه‌خواجه‌شمس‌الدین‌حافظ‌شیرازی‌ختم‌می‌کند. انشاء کتاب روان و ساده است و در ردیف بهترین آثار نثرفارسی است.

نفخ‌صور (تن) دمیدن دربوق ومراد ازآن بوقی‌است که درروز قیامت اسرافیل درآن می‌دمد تا مردگان برخیزند. ودرشعر فارسی نفخ صور کنایه از روز قیامت است.

از مدحتش که زنده کن دوستان اوست
تا نفخ صور صور دوم در دهان ماست
«خاقانی»

نفس (ط) جوهری مجرد به حسب ذات ، نه برحسب فعل ؛ یعنی قابل اشارهٔ حسی نیست ، اما درصدور فعل محتاج به آلت است. مانند روح انسانی.

نفس‌مسیحا (تن) اشاره به‌معجزهٔ عیسای‌پیغمبر که می‌توانست مرده را زنده کند .

مژده‌ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
که زانفاس خوششش بوی کسی‌می‌آید
«حافظ»

نقدالنصوص‌فی‌شرح‌الفصوص (ك) شرحی برفصوص الحکم تألیف صوفی بزرگ شیخ محی‌الدین محمدبن علی العربی . این کتاب را مولانا عبدالرحمن‌جامی‌درسال۸۶۳ تألیف کرده ومشتمل‌است‌برمقدمهٔ مفصل دربیان‌اصطلاحات ومقدمات که پس‌ازآن به شرح کتاب فصوص الحکم پرداخته و از مطالب کتب سایر شارحین آن مانند صدرالدین قونیوی وشیخ مؤیدالدین جندی‌به‌آن افزوده است. کتاب نقدالنصوص به نثر فارسی است ومؤلف در آن اشعاری از بزرگان وشاعران به‌عنوان شاهد آورده است .

نقش‌ارژنگی (ش—ت) اشاره‌به‌نقش های‌دلکش کتاب ارژنگ منسوب به مانی نقاش.

گر التفات خداوندیش بیاراید
نگارخانه‌چینی‌ونقش‌ارژنگی‌است
(سعدی)

نکیسا (ش–د) رامشگر دربار خسرو پرویز

نگین سلیمان (تن) انگشتر سلیمان که اسم اعظم بر آن نوشته بود وسلیمان به وسیلهٔ آن بر آدمی و وحش وطیر حکومت می کرد. تقدیر حق تعالی اقتضا کرد که سلیمان را به مناسبت خطائی که مرتکب شده بود، مکافات کند. دیوی خود را بشکل معتمد سلیمان براو نمود وانگشتری را گرفت وخود را به صورت سلیمان به مردم نشان داد و شاه شد. پس از چهل روز انگشتری از دست دیو در دریا افتاد، ماهیی آن را فرو برد، صیادی ماهی را گرفت. سلیمان آن را از او خرید و به تخت بر گشت.

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

نل و دمن (ك) داستانی که اصل هندی دارد و شیخ ابوالفضل فیضی دکنی آن را از سانسکریت ترجمه کرده و در سال ۱۰۰۳ به خواهش اکبرشاه درچهارهزاربیت منظوم کرده است. چاپ تهران

نمرود (تن) شاهی بت پرست در زمان ابراهیم علیه‌السلام. ابراهیم چون نمرود را به خدا پرستی دعوت کرد و بتها را شکست، نمرود دستور داد تا اورا به آتش افکندند. اما آتش براو گلستان شد نمرود خواست باخدا جنگ کند، فرمود تاصندوقی ساختند و چهار پاره گوشت برچهار نیزه ازآن آویختند و برچهار پایهٔ صندوق چهار کرکس گرسنه بستند واو خود درصندوق نشست. کرکسان صندوق را به هوا بردند، نمرود تیری ربالا انداخت. حق تعالی تیر اورا خون‌آلود به پیشش فرستاد. نمرود به گمان آنکه خدا را مجروح کرده است گمراه شد ودعوی خدائی کرد. باردیگر خواست باخدا بجنگد. خدا لشکری

از پشه که ضعیفترین خلایق است ، به جنگ او فرستاد ، لشکرنمرود ازنیش پشه هلاك شدند و پشه‌ای دربینی نمرود رفت ومغز سراورا خورد واو را هلاك کرد .

دست‌نمرودبین که‌ناوك کفر در سپهر مدور اندازد

«خاقانی»

صدهزاران پشه درلشکر فتاد تا براهیم ازمیان باسر فتاد

(منطق الطیر)

نوح (تن) ازپیغمبران که مطابق روایات مذهبی هشتادتن اززن ومرد به اوایمان آوردند. حق تعالی به اوفرمان‌دادتادرخت ساج بنشاند وچون بزرگ شد ، ازچوب آن کشتی ساخت ، به طول سیصد گزوعرض پنجاه گزوارتفاع سی گز. می گویند این کشتی‌سه‌طبقه داشت ، یکی‌برای حیوانات،یکی‌برای آدمیان ، یکی برای پرندگان. خدا طوفان فرستاد ، نوح باخانوادهٔ خود درکشتی نشست وپس از فرونشستن طوفان کشتی او برکوه جودی در حدود موصل قرارگرفت و همهٔ موجودات دیگر غرق گشتند.

چه‌غم دیوار است را که دارد چون تو پشتیبان

چه‌باك ازموج بحر آن‌راکه باشدنوح کشتیبان .

نوذر (ش– د) ازشاهان سلسلهٔ پیشدادی وپسر منوچهر ؛ که پس از پدر به‌شاهی رسید وستم بسیار کرد ، چنانکه مردم ازاو به‌جان آمدند وازسام خواستندکه به تخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت . سر انجام نوذر به دست افراسیاب کشته شد .

نورالعلوم (ك) تألیف شیخ ابوالحسن خرقانی ازمشایخ بزرگ قرن چهارم‌وپنجم .موضوع کتاب مبانی عرفان است به‌زبان فارسی‌وانشاء

آن ساده وروان وبه‌شیوهٔ کتابهای قرن پنجم است .

نوروز نخستین روزاز فروردین‌ماه . پارسیان دراین روز جشن می گرفتند که روزنو از سال نو بوده است . این جشن تا کنون مرسوم است وبزرگترین جشن ایرانیان به شمار می‌آید .

بر لشکر زمستان نوروز نامدار
کرده‌است‌رای‌تاختن‌وقصد کارزار
(منوچهری)

نوروزنامه (ك) رساله‌ای به‌فارسی منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری .مؤلف‌درآن علت پیدایش‌جشن‌نوروز وواضع‌آن وآداب شاهان ساسانی رادراین‌جشن شرح‌می‌دهد وهمچنین ازشاهان داستانی وتاریخی ایران‌تازمان‌یزدگرد شهریارساسانی‌وآئین‌جهانداری ورسوم شاهی‌ایشان مطالبی آورده‌است. سبك کتاب روان وبی تکلف‌است . لغات‌عربی کم دارد وعبارتهایش کوتاه است . (چاپ تهران)

نوشدارو (ش—د) داروی جان‌بخش «ضدمرگ» . درشاهنامه نوشدارو آن است که رستم پس از دریدن جگرگاه سهراب، پسر خود ، بوسیلهٔ گودرز ازکاووس‌خواست ، ولی کاووس به سبب کینه‌ای که از سهراب داشت وبیم ازآنکه رستم باداشتن چنین پسر پهلوان قوت‌گیرد واورا حقیر شمارد ، ازدادن نوشداروخودداری کرد وسهراب جان‌داد. نوشدارو پس ازمرگ سهراب ، در زبان فارسی مثلی است که در مورد علاج کاری که ازدست رفته است گفته می‌شود .

بعد ازاین لطف‌توباما به چه ماندداني
نوشدارو که پس‌ازمرگ به سهراب رسد

نوع (ط) (ازکلیات‌خمس) کلی‌ذاتی‌است که‌درجواب ای‌شیئی

(کدام) قرار گیرد. وقتی که می گوئیم انسان کدام یک از حیوانات است؟ درجواب گفته می‌شود: انسان حیوانی است ناطق. پس نوع شامل حقیقت مختصهٔ افراد است. مثل مردم که از حیوان جدا می‌شود بوسیلهٔ نطق.

هرچه کلی عامتر باشد، جنس خاصتر می‌شود و هرچه خاصتر باشد نوع عامتر است. مثل حیوان، که عامتر است از مردم، و خاصتر است از جسم.

نه‌فلك (نج) عبارت است از هفت فلک با فلک الافلاك و عرش.

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای

تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان دهد

«ظهیر فاریابی»

و

وادی ایمن (تن) بیابانی که موسی در آن برسر درختی روشنی آتش دید و خطاب آمد که «انی‌اناالله»

شب تاراست وره وادی ایمن درپیش
آتش طورکجا وعدهٔ دیدارکجاست

«حافظ»

موسیم کانی‌انالله یافتم نورپاك وطورسینادیده‌ام

«خاقانی»

واعظ کاشفی (ت) رجوع شود به کاشفی.

وافر (ع) ازبحور شعرعربی که درفارسی‌بسیار کم‌متداول‌است. درعربی مسدس‌آن معمول است یعنی ٦ بار «مفاعلتن». وزنی که‌ازاین بحر گاهی درفارسی به‌کاررفته این است:

بحر وافرمثمن (مفاعلتن ٤ بار) مثال:

چه شدصنما که‌سوی کسی به‌چشم‌رضا نمی‌نگری
ز رسم جفا نمی‌گذری طریق وفا نمی‌سپری

وامق‌وعذرا (ك) یکی از داستانهای عاشقانهٔ کهن که بوسیلهٔ چندتن ازشاعران‌پارسی زبان به نظم درآمده است. معروفترین منظومهٔ «وامق وعذرا» اثرعنصری شاعر بزرگ عهد غزنوی است که دردست نیست وابیاتی ازآن درفرهنگ اسدی ضبط شده است.

وتد (ع) درلغت به معنی میخ و ازارکان‌عروضی است و بر دو قسم‌است وتدمقرون ، وتد مفروق .

وتد مقرون دو متحرک است ویک ساکن ، مانند اگرومگر ؛ و علامت‌آن دو صفراست و یک الف ه ه ا

وتد مفروق دو متحرك است که میان آنها ساکنی فاصله شده باشد مثل ناله وعلامت آن الف درمیان‌دوصفراست مانند ه ا ه

وجه‌دین (ك) از آثار منثور حکیم ناصر خسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم شامل تأویل احکام شرعیه وباطن عبادات به طریق اسمعیلیان . این کتاب دارای اصطلاحات مذهبی است و به گفتهٔ خود مؤلف «خردمندی که این کتاب را بخواند دین را بشناسد وبرشناخته کار کند» . (وجه دین—چاپ برلن)

وحشی (ت) کمال‌الدین‌وحشی بافقی کرمانی . وفات ۹۹۱—از شاعران عهدصفوی . وحشی‌در قصبهٔ بافق کرمان‌متولدشد ودرجوانی به یزد وسپس به کاشان رفت وبه تدریس مشغول گشت وپس ازچندی‌به یزد باز گشت و تا پایان عمر آنجا ماند . وحشی در یزد به درگاه غیاث‌الدین میرمیران حاکم یزد راه یافت و درمدح او قصایدی‌سرود . دیگراز ممدوحان اوشاه طهماسب وولی سلطان افشار فرمانروای کرمان اند . از آثارمهم‌وحشی‌غزلیات‌اوست که‌دارای سوزو گداز ولطافت‌خاصی است . دیوان او شامل قصیده ، قطعه ، ترکیب بند ، ترجیع‌بند ، رباعی است .

وحشی به تقلید نظامی‌چند مثنوی ساخته‌است ، به نام‌خلدبرین ، ناظر ومنظور ، فرهاد وشیرین .

دیوان وحشی چندین بار درتهران به چاپ رسیده است .

وحیدقزوینی (ت) میرزا طاهر . وفات ۱۱۲۰ - منشی وشاعر و خوشنویس ووزیرشاه سلیمان صفوی . ابتدا منشی دو تن از وزیران یعنی میرزاتقی‌خان اعتمادالدوله وخلیفه سلطان بود، پس ازآن‌مورخ رسمی دربارشاه عباس دوم شد ودرسال ۱۱۰۱ به وزارت شاه سلیمان رسید وپس از هیجده سال انزوا اختیارکرد . وحید آثاری به نظم ونثر فارسی وترکی دارد که از همه معروفتر تاریخ شاه‌عباس دوم است که آن را برای خلیفه سلطان وزیر دانشمند شاه عباس نوشته‌است . نثراین تاریخ نمونهٔ نثر فنی عهدصفوی است ودارای مترادفات و دیگر صنایع لفظی است .

وراق‌مروی (ت) محمود . وفات ۲۲۱- ازشاعران‌معاصرطاهری وصفاری که چند بیت ازاو باقی مانده است .

وراوینی (ت) سعدوراوینی‌ازنویسند گان‌اواخر قرن‌ششم‌واوایل قرن‌هفتم . وی‌ازملازمان‌خواجه‌ابوالقاسم‌ربیب‌الدین‌وزیراتابک‌ازبک‌بن محمد(۶۰۷-۶۲۲) اتابک‌آذربایجان می‌باشد. وراوینی مرزبان‌نامه را به‌نام این وزیر از زبان طبری به پارسی‌ترجمه کرده است . مرزبان‌نامه درنه باب ویک مقدمه‌ویک ذیل است ودرمقایسهٔ باروضة‌العقول‌معلوم می‌شود که بعضی‌از حکایتها وبابهای اصلی کتاب دراین ترجمه حذف شده است .

مرزبان‌نامهٔ وراوینی ازکتابهای مهم نثرمصنوع است ونویسنده درآن به سبک کلیله‌ودمنهٔ نصرالله منشی نظرداشته است .

ورقه‌وگلشاه (ك) یکی از داستانهای قدیم ایرانی که عیوقی شاعردورهٔ سلجوقی‌آن‌را به‌نظم‌آورده‌است . دردوره‌های‌بعدشاعران‌دیگری

نیز این داستان را درقالب مثنوی سروده‌اند که بارها چاپ شده ومیان عامهٔ فارسی زبانان رواج یافته است.

(ورقه‌وگلشاه -چاپ تهران - انتشارات‌سخن)

وزن (ع) عبارت‌است ازتناسب ونظمی‌دراصوات، ودرشعربجای اصوات کلمات است واین تناسب میان‌اصوات ملفوظ یا برحسب کمیت یعنی استدادزمانی‌آنهاست مانند وزن شعر درعربی وفارسی ، یابه‌حسب کیفیت ، یعنی شدت وضعف اصوات نسبت به یکدیگر ، مانند وزن شعر درزبانهای انگلیسی وآلمانی وروسی ؛ یا تنها به‌حسب عددآنها مانند وزن شعر فرانسوی .

وصاف‌الحضرة (ت) ادیب شرف‌الدین عبدالله کاتب‌شیرازی. وفات ۷۳۰ -متخلص به‌شرف. ازادیبان‌وسورخان قرن هشتم. وی‌درشیراز متولد شد ودرهمانجا به تحصیل علم و ادب پرداخت و توسط خواجه رشیدالدین‌فضل‌الله به‌دربار غازان‌خان والجایتورسیدوتقرب حاصل کرد. وصاف‌الحضرة مؤلف تاریخ معروفی است به‌نام «تجزیةالامصاروتزجیة الاعصار» که درسال ۷۱۲ درسلطانیه بوسیلهٔ خواجه‌رشیدالدین فضل‌الله به حضور الجایتومعرفی شد .

وصال‌شیرازی (ت) میرزا محمد شفیع شیرازی معروف به میرزا کوچک. وفات ۱۲۶۲ - ازشاعران غزلسرای قرن سیزدهم و معاصر فتحعلیشاه ومحمدشاه قاجار. وصال درسال ۱۱۹۷ تولد یافت و درجوانی به تحصیل ادب وهنر پرداخت . به علم موسیقی آشنائی یافت واز خوشنویسان معروف عصر خود گشت . ازآثار او دیوان اشعارش‌است که شامل‌قصیده وغزل ومثنوی است . وصال‌درغزل پیروسعدی‌وحافظ است ویک‌مثنوی به‌نام «بزم‌وصال» دارد که درآن‌از شیوهٔ فردوسی‌پیروی

کرده است. وصال مثنوی فرهاد وشیرین وحشی را تمام کرده و «اطواق الذهب» زمخشری را به فارسی شرح و ترجمه کرده است.

وصل (ق) ازحروف قافیه . حرف وصل آن است که بعد از حرف روی قرار گیرد و روی ساکن متحرك شود مانند حروف ضمیر ، رابطه ، جمع ، مصدر ، تصغیر ، مثال : رویت ، گیسویت و دلبندا ، خداوندا وآسایش ، آلایش ودشمنی ، وروشنی .

یارب آن نوگل خندان که سپردی به‌منش

می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش

که حرف ش درکلمه‌های منش وچمنش حرف وصل است

وضع (ط) (از مقولات عشر) مفهوم وضع نسبت اجزاء جسم است به یکدیگر ؛ یعنی دربالا یا درزیریا چپ یاراست جسم دیگرقرار گرفته باشد .

وقف (زحاف) (ع) درمفعولاتُ اسکان تاء مفعولات است وبجای آن مفعولن می گذارند وآن را موقوف خوانند .

ولوالجی (ت) ابوعبدالله محمدبن صالح ولوالجی مروزی . ازشاعران عهد سامانی . عوفی درلباب الالباب می گوید: «درعهدسلطان یمین الدوله محمود ، جملگی فضلاء خواستند که دوبیت فارسی اورابه تازی ترجمه کنند، کس رامیسرنشدتاآنگاه که خواجه ابوالقاسم پسر وزیرابوالعباس اسفراینی آن را به تازی ترجمه کرد چنانکه همهٔ فضلا بپسندیدند» .

ویس ورامین (ك) از داستانهای قدیم فارسی ومنسوب به‌دورهٔ اشکانیان که‌میان ایرانیان شهرت فراوانی‌داشته‌است ودربعضی‌ازنواحی ایران متن پهلوی آن وجود داشته و ابونواس از این داستان دراشعار خود نام برده است. فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم دراصفهان

باخواجه عمید ابوالفتح مظفرنیشابوری حاکم اصفهان دربارهٔ این داستان گفتگو کرده وبه خواهش اوبه‌نظم‌آن پرداخته‌است وکتاب رادرحدود سال ٤٤٦ به پایان رسانده و درآن عمیدابوالفتح را مدح کرده است . سبک نظم کتاب درعین‌آنکه به‌آرایش لفظی‌وتشبیهات زینت‌یافته ساده وروان است واز مغلق گوئی خالی‌است ولغات عربی نامأنوس بسیارکم دارد وصورت کهنهٔ بسیاری از لغتهای فارسی در آن دیده می‌شود .

(ویس‌ورامین — چاپ تهران)

ه

هاتف (تن) ندا دهندهٔ غیبی ؛ مرادف سروش .

سحر زهاتف غیبم رسید مژده، به گوش   که دور شاه‌شجاع است می دلیر بنوش

«حافظ»

هاتف اصفهانی (ت) میراحمد. وفات ۱۱۹۸ - از شاعران معروف قرن دوازدهم ومعاصر افشاریان وزندیان. اصل خاندان او ازآذربایجان بوده است ولی درزمان شاهان صفوی به اصفهان مهاجرت کرده وهمانجا مقیم گشته است . هاتف دراصفهان به تحصیل حکمت وطب وریاضی پرداخت ودرشعروادب از محضرمشتاق بسیاراستفاده می کرده واز دوستان نزدیک صباحی وآذر وصهبا بوده است . هاتف در زبان فارسی و عربی استاد بود ودیوانش مرکب است ازقصاید وغزلیات و ترجیعات ورباعیات . هاتف مراثی مؤثری در مرگ بزرگان با ماده تاریخ ساخته ودرقصیده ازاستادان قصیده‌سرای قدیم ودرغزل ازشیخ سعدی وخواجه حافظ شیرازی پیروی کرده‌است . هاتف ترجیع بندهای عاشقانه وعارفه‌ای دارد که بسیار معروف است وهمین شعر اورا ازجملهٔ شاعران مشهور فارسی ساخته است .

(دیوان هاتف اصفهانی — چاپ تهران)

هاتفی (ت) مولانا عبدالله هاتفی خرجردی خراسانی . وفات ۹۲۷ - خواهرزادهٔ جامی واز شاعران قرن دهم . هاتفی از شاعرانی است که به تقلید نظامی خمسه ساخته است . خمسهٔ او شامل مثنویهای لیلی ومجنون،

شیرین وخسرو ، هفت منظر ، تیمورنامه‌است . منظومه‌ای هم درفتوحات وجهانگیری شاه اسمعیل به سبک شاهنامه شروع کرده ولی به اتمام نرسانده است . این مثنوی‌موسوم به شاهنامهٔ حضرت‌شاه اسمعیل است.

هاروت وماروت (تن) نام دوساحربابلی که درجادوگری مثل اندو درچاه بابل سرازیرآویخته‌اند .

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی
صدگونه ساحری بکنم تا بیارمت
«حافظ»

هاماوران (ش–د) سرزمینی بوده است درعربستان که برطبق روایت شاهنامه کاووس به قصد فتح آن لشکرکشید وعاشق سودابه دخترشاه هاماوران شد وسرانجام اورابا‌خود به‌ایران آورد وبه‌زنی گرفت

هتم (ع) (زحاف) درمفاعیلن مجموع حذف وقصر است که چون لام ونون ویا را حذف کنیم مفاع می‌ماند . بجای آن فعول می گذارند وآن را اهتم خوانند .

هجویری (ت) ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی هجویری غزنوی . وفات ٤٧٥- از بزرگان مشایخ صوفیه واز طرفداران متعصب حسین بن منصورحلاج وازاقران‌شیخ ابوسعید ابوالخیرواستاداامام ابوالقاسم‌قشیری . وی ازخاندان علم بوده ودرزبان پارسی وعربی وتفسیر وحدیث ومنطق وکلام تبحر داشته است . شعر نیز می‌سروده وخوددر کشف‌المحجوب گفته است که دیوان شعرش را انتحال کرده‌اند . جلابی همراه سپاه سلطان مسعود به هندوستان رفت ودرلاهور اقامت گزید و دراین شهر کتاب«کشف‌المحجوب»را به درخواست شیخ ابوسعید هجویری غزنوی تألیف کرد· دیگرازآثار او دیوان اشعار ، رسالهٔفنا وبقا ، اسرارالخرق

والملونات ، کتاب البیان لاهل الایقان ، منهاج الدین ، شرح کلام حسین بن منصور حلاج است .

هدایت (ت) رضاقلیخان طبرستانی . وفات ۱۲۸۸ -ملقب به لله باشی پسر محمد هادی‌خان از خاندانهای اصیل ایرانی که در دربار قاجاریه بسرمی‌بردند . رضاقلی‌خان درسال ۱۲۱۰ قمری در زمان سلطنت فتحعلیشاه درتهران متولدشد ، پس ازمرگ پدر به مازندران وپس ازآنجا به‌شیراز رفت ودرآنجا به تحصیل پرداخت . هدایت ازکودکی به سرودن شعر شوق وافری داشت و هنگامی که فتحعلیشاه به شیراز رفت به خدمت او رسید وسورد لطف او قرارگرفت ولقب امیرالشعرائی یافت . پس از مرگ فتحعلیشاه به تهران آمد وبه وسیلهٔ حاج‌میرزاآقاسی صدراعظم به حضور محمدشاه رسید ونزدوی تقرب یافت وتربیت عباس‌میرزا به‌عهدهٔ او واگذار شد . پس‌از درگذشت محمد شاه در سال ۱۲٦٤ به خدمت ناصرالدین‌شاه درآمد و ازجانب اومأمور خوارزم گشت وپس ازبازگشت از سفر خوارزم به ریاست مدرسهٔ دارالفنون منصوب گشت . هدایت درهمهٔ زندگی مورد احترام شاهان وشاهزادگان بوده و مناصب عالی یافته است و باوجود اشتغال به‌کارهای درباری و کشوری به تصوف وعرفان‌متمایل بوده‌وهرگز از کوشش درراه‌علم باز ننشسته‌است .وی‌در تاریخ ولغت وتذکره تألیفات وتصنیفاتی دارد . ازجملهٔ آثاراوریاض العارفین، تکمیل تاریخ روضة‌الصفای‌میرخواند، نژادنامه، سفرنامهٔ‌خوارزم، مجمع‌الفصحاء ، فرهنگ انجمن‌آرای ناصری. مثنویهائی نیزبه‌نام‌انیس العاشقین ، بکتاش‌نامه ، انوار الولایة ، بحرالحقایق‌دارد. نثرکتابهای هدایت نثرفنی است‌که متداول زمان بوده است .

هدایت (صادق) . وفات ۱۳۳۰ شمسی-نویسندهٔ معاصرایرانی که

درنویسندگی راه تازه‌ای پیش گرفته‌است. هدایت به فرانسه‌وهندوستان سفرکرده وبه زبان پهلوی وفرانسوی آشنائی کامل یافته‌است. آثار او شامل رمان، داستانهای کوتاه، نمایشنامه، ترجمه ازادبیات فرانسه ومتن های پهلوی است که عبارت است از بوف کور، حاجی‌آقا (رمان) زنده بگور، سگ ولگرد، سه قطره‌خون، سایه‌روشن، ولنگاری، علویه خانم، (داستان کوتاه) پروین دختر ساسان، مازیار (نمایشنامه) افسانهٔ آفرینش (خیمه‌شب‌بازی).

هدایت زندگی مردم عادی را ازطبقه‌های مختلف اجتماع وصف می‌کند. درکتابهای او گفتگوها به زبان طبیعی‌اشخاص یعنی زبان محاورهٔ ایشان است.

هدهد (تن) مرغی که پیغام‌سلیمان رانزدبلقیس‌ملکهٔ‌سباسی‌برد:

فصاحتم چو هدهد است و هدهدم
کجا رسد به غایت سبای او

«منوچهری»

درشعرفارسی گاهی بادصبا راکه پیغامبرعاشقان است به هدهد تشبیه کرده‌اند.

ای هدهد صبا به‌سبا می‌فرستمت بنگر که‌از کجا به کجامی‌فرستمت

«حافظ»

هرمز (ش—ت) هرمز پسرانوشیروان که از مادر نوادهٔ خاقان چین بود. در زمان او بهرام چوبینه مأمور جنگ با ساوه شاه، خاقان چین، ودائی هرمز شد وبااو جنگید وچیره گشت؛ هرمز بجای خلعت برای او دوکدان‌وجامهٔ زنان فرستاد. به همین سبب بهرام بر هرمز یاغی شد وبه ری‌آمد ودستور داد به‌نام پرویز پسر هرمز سکه زدند.

چون سکه به هرمزرسید به‌پسر بدگمان شدوقصدجان‌او کرد. پرویز به آذربایجان گریخت. سرانجام بزرگان هرمز را کور کردند و پرویز را به شاهی نشاندند. وهرمز به دست بندوی و گستهم دو دائی پرویز کشته شد.

هروی(ت) ضیاءالدین عبدالرافع‌بن‌ابی‌الفتح هروی. از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم واز فاضلان دورهٔ آخر عهد غزنوی. درعلوم‌عقلیه ودرطب ولغت دست داشت. عبدالرافع دردربار تاج‌الدوله خسروملک غزنوی می‌زیست وپس‌از انتقال‌سلطنت به ملوك غوریه نزدآنان رفت. اشعاری از او درلباب‌الالباب نقل شده است.

هروی (ت) ابوشعیب‌صالح بن‌محمد از شاعران دورهٔ سامانی. عوفی گفته است که وی اواخر زمان رودکی را دریافته است. ابیاتی ازاین شاعر به‌عنوان شاهد درتذکره‌ها موجود است.

هزاردستان (ك) ترجمهٔ منظومی ازکتاب «الف لیلة ولیلة». این منظومه بوسیلهٔ ابوالفتح‌خان دهقان سامانی اصفهانی وبه تشویق سلیمان‌خان رکن‌الملك شیرازی که وزیری ادیب‌پرور و شاعردوست بوده سروده شده است. شاعر در این منظومه بیشتر از ترجمهٔ فارسی کتاب یعنی «هزار و یکشب» استفاده کرده ودر سراسر داستانهااسامی روزها وماهها را به‌فارسی نام برده است.

(چاپ تهران)

هزارویك‌شب (ك) ترجمه‌ای به‌فارسی ازکتاب الف‌لیلة‌ولیلة. اصل کتاب الف‌لیلة درست معلوم نیست ولی ظاهراً پیش ازاسلام از هندوستان به‌ایران آمده است. متن فارسی آن که «هزار افسان» نامیده می‌شده است درقرن سوم هجری به‌عربی ترجمه شده ودرقرن چهارم از

بغداد به‌مصر رفته است ودرآنجا قصصی به‌آن افزوده گشته و در حدود قرن دهم هجری درمصر به‌صورت«الف‌لیلةولیلة» کنونی درآمده است.

نثرعربی کتاب به‌زبان متعارف ومعمولی است واشعاری که‌درآن نقل‌شده است ازشاعران معاصر عباسیان است.

اما ترجمهٔ فارسی کتاب الف‌لیلة در حدود سال ۱۲۶۰ هجری انجام گرفته است. مترجم‌آن میرزا عبداللطیف طسوجی تبریزی است و چنانکه خود اودرمقدمهٔ کتاب گفته‌است کار ترجمه رادرزمان محمدشاه وبه‌فرمان بهمن‌میرزا فرزند ولیعهد وحاکم تبریز آغاز کرده و در زمان سلطنت‌ناصرالدین‌شاه به‌پایان‌رسانده‌است. اشعار کتاب‌رامیرزامحمدعلی سروش اصفهانی یا ازدیوان شاعران بزرگ ایران انتخاب کرده یا خود سروده است. (چاپ تهران)

هزج (ع) ازبحور شعرفارسی وعربی. درعربی مسدس‌آن‌معمول است‌یعنی ۶ بار «مفاعیلن». درفارسی ازاین‌بحر وزنهای‌زیربسیارمتداول است:

هزج مثمن سالم (مفاعیلن ٤ بار) مثال:

به‌مژگان سیه کردی هزاران رخنه‌ دردینم
بیا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم

هزج مسدس محذوف یا مقصور (مفاعیلن مفاعیلن فعولن - یا مفاعیل) مثال:

دل مسکین من گوئی که خان است
به خان اندر ز مهرت کاروان است

هشت‌بهشت (تن) بهشت دارای هشت قسمت است: ۱- خلد ۲- دارالسلام ۳- دارالقرار ٤- جنت عدن ٥- جنت‌المأوی ٦- جنت

النعیم ۷- علیین ۸- فردوس .

هشت‌بهشت (ك) یکی ازپنج مثنوی امیرخسرو دهلوی که‌شاعر آن را درسال ۷۰۱ در حکایت بهرام و به تقلید هفت پیکر نظامی ساخته است.

هفت‌آباء (نج) کنایه ازهفت فلک

به صدقران بنزاید یکی نتیجه چوتو
زامتزاج چهار امهات و هفت آباء

هفت‌آسمان (نج) طبقات هفتگانهٔ آسمان

گفتم دعای دولت تو ورد حافظ است
گفت این دعا ملایک هفت‌آسمان کنند

«حافظ»

هفت‌اختر (نج) هفت‌سیاره که به‌عقیدهٔ قدما عبارت بودند از: خورشید ، ماه ، مریخ ، مشتری ، زحل ، عطارد ، زهره.

سپهر مثل تو ازاتصال هفت اختر
زمانه مثل تو از امتزاج چاراركان

«انوری»

هفت‌اقلیم (نج) قدما کشورها را به‌هفت تقسیم کرده‌اند: کشور نخستین ـ هندوان ، کشور دوم ـ عرب وحبشان ، کشورسوم ـ مصر و شام ، کشور چهارم- ایرانشهر ، کشور پنجم ـ صقلاب روم، کشورششم ترك ویأجوج ، کشور هفتم ـ چین وماچین

آنکه هفت‌اقلیم عالم را نهاد   هرکسی را آنچه لایق بود داد

«سعدی»

هفت‌اورنك (نج) رجوع شود به بنات‌النعش .

هفت‌پدر (نج) رجوع شود به‌آباء علوی

از بند چهار و هفت برخیز زان مادروزین پدرچه خیزد

هفت‌پیکر (ك) یا هفت گنبد یا بهرام‌نامه. یکی ازمثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم که آن را درسال ۵۹۳ به‌نام علاءالدین کرب ارسلان ساخته است. این منظومه‌دارای پنجهزاروصدوسی‌وشش بیت است وموضوع آن داستان بهرام گور است که از داستانهای معروف عهد ساسانی است. نظامی ابتدا کودکی وجوانی بهرام‌را تاسلطنت اوسروده وبعد قصهٔ هفت گنبد راکه‌به‌دستور بهرام به هفت رنگ وبرای هفت دختر از شاهان هفت‌اقلیم ساخته شده بود شرح می‌دهد. نظامی دراین داستان قصه‌های عجیب و تازه‌ای ساخته است که از زبان دخترها برای بهرام نقل می‌شود.

هفت‌خوان (ش-د) هنگامی که‌رستم پهلوان زورمند ایرانی‌برای نجات کاووس به‌جنگ‌دیوان‌مازندران رفت، درراه باهفت‌حادثه‌وخطرکه درشاهنامه هریک ازآنها «خوان» خوانده شده است روبروشد که برهمهٔ آنها پیروز گشت.

همچنین هنگامی که‌اسفندیار برای گشودن دژ روئین وآزاد کردن خواهران خود به ترکستان رفت از هفت «خوان» گذشت.

اسفندیار این دژروئین سنم به شرط

هر هفته هفتخوانش به‌تنها برآورم

«خاقانی»

هفت‌دریا — یا دریای هفتگانه. قدما برای زمین هفت دریا تصورمی‌کردند. ۱- دریای‌اخضر ۲- دریای‌عمان ۳- دریای قلزم یا بحراحمر ۴- دریای‌بربر ۵- دریای اقیانوس ۶- بحرالروم

۷- دریای اسود.

سگ به دریای هفتگانه مشوی — که چوتر شد پلیدتر باشد

(سعدی)

هفت‌دوزخ (تن) جهنم دارای هفت طبقه است. ۱- سقر ۲- سعیر ۳- نطی ٤- حطمه ٥- جحیم ٦- جهنم ۷- هاویه.

هفت کشور (رجوع شود به هفت اقلیم)

گوئی اندر کشور ما برنمی‌خیزد وفا

یا خود اندر هفت کشور هیچ جائی برنخاست

«خاقانی»

هقعه (نج) منزل پنجم از منازل قمر که سه ستارهٔ کوچک است مانند پایهٔ دیگ وجایشان برسر جوزا است.

چون سه سنگ دیگپایه هقعه برجوزا کنار

چون شرار دیگپایه پیش او خیل پرن

«منوچهری»

هلال (نج) حالتی از ماه که فقط قوس باریکی از آن رو به زمین روشن است. این حالت درشب اول هرماه ودرآغاز شب دیده می‌شود.

قرص مه چون هلال و بدرشود

نعل یکران و قرص خوان تو باد

«ابوالفرج رونی»

هلالی (ت) نورالدین هلالی استرابادی. مقتول ۹۳۰ — معروف به جغتائی. ازشاعران غزلسرای قرن دهم هجری. هلالی از استراباد به خراسان رفت وبه دربار سلطان ابوالغازی حسین بایقرا راه یافت وتحت حمایت امیرعلیشیرنوائی قرارگرفت. دیوان هلالی شامل غزلهای لطیف

است ومثنویهائی به‌نام «شاه‌ودرویش» و «صفات‌العاشقین» دارد .

(دیوان هلالی — چاپ تهران)

هما (ش—د) دختر بهمن و همسر او . مطابق وصیت بهمن ، پس ازاو تاج را برسرهما که باردار بودنهادند وهما چون به‌شاهی رسید به‌تخت‌وتاج دل‌بست و نخواست شاهی را از دست بدهد ، ازینرو درد زائیدن‌را پوشیده‌داشت وپسری را که‌به دنیا آورد ، درصندوقی گذاشت وآن‌را باقیروموم استوار کرد وبه آب انداخت و وانمود که کودک مرده است . این کودک که نجات یافت و بعد به سلطنت رسید ،داراب بود .

همام‌تبریزی (ت) خواجه همام‌الدین علائی‌تبریزی .وفات ٧١٤- از شاعران‌مشهور آذربایجان واز مداحان‌شمس‌الدین‌محمد صاحبدیوان . همام باشیخ سعدی صحبت ومزاح داشته ودرغزل پیرو او بوده است . منظومه هائی نیزبه‌نام «صحبت‌نامه» به اسم خواجه شرف‌الدین هارون پسر شمس‌الدین محمد صاحبدیوان دارد .

(دیوان همام — چاپ تهران)

همای‌وهمایون (ك) مثنوی عاشقانه اثر شاعربزرگ قرن‌هشتم خواجوی کرمانی . خواجو این مثنوی را درسال ٧٣٢ به پیروی ازشیوهٔ نظامی ساخته و در آن سلطان ابوسعید بهادر و وزیر او غیاث‌الدین محمدرا مدح کرده است . ازاین داستان پیش از خواجو اثری نیست ومعلوم نیست که‌آیاساختهٔ ذهن‌شاعر است یاریشهٔ‌قدیمتری داشته است .

هندوشاه (ت) محمدبن‌فخرالدین هندوشاه نخجوانی ازسورخان قرن هشتم ومؤلف کتاب «تجارب‌السلف» که آن را درسال ٧٢٤ به‌نام

اتابک نصرة‌الدین تألیف کرده است .

هوشنک (ش—د) پسر سیامک که به جنگ دیوان رفت و به کینهٔ پدر دیوان را کشت. آهن در زمان او استخراج شد و آتش پدید آمد و جشن سده بنیان گذاشته شد .

هیولی (ط) مادة‌المواد واصل جسم را هیولی گویند .

یتیمة الدهر (ك) تألیف ابومنصور عبدالملک بن محمدبن ثعالبی به زبان عربی درشرح حال شاعران بزرگ عهد مؤلف خاصه شاعران عربی گوی ایران که اغلب از رجال وبزرگان عهد او بوده‌اند .

مؤلف این کتاب را بوسیلهٔ ذیلی تکمیل کرده نام آن را « تتمه الیتیمه» گذارده است .

ید بیضا (تن) معجزهٔ موسای پیغمبر که چون دست‌را در بغل می کردوبیرون می‌آورد ، نورسفیدی از دستش می‌تافت .

تردامنان چوسربه گریبان فرو برند
سحر آورند و من یدبیضا برآورم

«خاقانی»

یزدان‌شناخت (ك) از آثارمعروف صوفی بزرگ قرن پنجم‌وششم عین‌القضات که آن‌را به زبان فارسی وبه‌نام عزیزالدین مستوفی نوشته است . موضوع کتاب بحث‌درمسائل حکمت والهی وعلوم طبیعی‌است .

یزدگردسوم (ش—ت) آخرین شاه ساسانی که در زمان او سعد وقاص به‌فرمان خلیفه عمر به ایران لشکرکشید ودرمحل قادسیه‌میان ایرانیان وتازیان جنگی درگرفت. رستم فرخزاد سپهسالار ایران‌دراین جنگ کشته‌شد وایرانیان گریختندومداین پایتخت‌ساسانی به‌چنگ‌تازیان افتادویزدگرد ازآنجا گریخت وسپاهیان‌خودرا گردآورد . باردیگر جنگی

میان او وسپاه تازیان درنهاوند روی داد وباز ایرانیان شکست یافتند. یزدگرد برای گردآوری سپاه بسوی خراسان شتافت وازراه ری و گرگان به طوس رفت، ماهوی سوری به استقبال او آمد اما چون آرزوی تخت‌وتاج داشت، ترکان را برضد شاه تحریک کرد و جنگ درگرفت ویاران یزدگرد کشته شدند واوبه آسیائی پناه برد. آسیابان به‌تحریک ماهوی، شاه راکشت. ازآن پس سراسر ایران به دست تازیان‌افتاد.

یعقوب (تن) از پیغمبران وپسر اسحق و پدر یوسف که پسران دیگرش یوسف رابه چاه انداختند و پدر را به فراق او مبتلا ساختند، یعقوب درفراق یوسف آنقدر گریست که کورشد. پس ازسالها که یوسف عزیزمصر گشت وباتدبیرخود برای‌قحط سال‌آذوقه‌جمع کرد. پسران یعقوب برای خریدغله به‌مصر رفتند. یوسف‌ایشان‌را شناخت و پیراهن خود را برای پدرفرستاد. همینکه برادران پیراهن‌یوسف را ازمصر خارج کردند بادبوی‌آن‌را به مشام یعقوب‌رساند وچون یعقوب پیراهن را برچشم‌مالید بینا گشت.

یغمای‌جندقی (ت)میرزاابوالحسن یغمابن‌ابراهیم. وفات۱۲۷۶- ازشاعران عهدقاجار ودربارمحمدشاه، یغما دارای اشعار جد وهزل‌آمیز است وغزلیاتی دارد به‌نام‌سرداریه که باتخلص سردار ساخته شده‌است دیگر قصابیه که باتخلص قصاب سروده شده است. یغما علاوه برشعر مکتوبها ومراسلاتی دارد که آنهارا باانشاء ساده وسهل نوشته‌وکوشیده است که درآنها لغات پارسی سره به‌کار برد.

از آثار اومثنوی «خلاصةالافتضاح» و مثنوی«شکوك الدلیل» که به وزن شاهنامه سروده وظاهراً مدح ودرباطن هجو روضه خوانی است که یغما او را رستم السادات خوانده است.

(کلیات یغما . چاپ تهران)

یلدا (نج) رجوع شود به شب یلدا

یمینی (ت) عمیدمحمدبن‌عثمان یمینی کاتب غزنوی ازشاعران اواخر عهد غزنوی واز معاصران یمین‌الدوله بهرامشاه غزنوی. یمینی از دانشمندان وبلغاء مشهور به شمار می‌رفته واشعاری‌ازاو درلباب‌الالباب ومجمع‌الفصحاء آمده است .

یوسف (تن) از پیغمبران وپسر یعقوب که از برادران دیگر نزد پدر عزیزتر بود وشبی خواب دید که ماه وستارگان دربرابرش به‌سجده افتاده‌اندوآن‌را برای‌پدروبرادران نقل کرد. برادران بر او حسد بردند وبه بهانهٔ گردش‌وتماشا اورا به‌صحرابردند ودرچاهی انداختند وپیراهن اورا به خون کبوتری آلودند وبه‌پدر گفتند که گرگ اورا خورده است. کاروانی یوسف‌را ازچاه بیرون آورد وبه‌مصر برد وچون‌یوسف درجمال بی‌نظیر بود ، درمصر شهرت یافت ورئیس کاروان اورا به عزیز مصر فروخت . زلیخا زن‌عزیز مصر که عاشق شده بود، هرچه کرد نتوانست دل یوسف را به دست بیاورد واورا از پاکدامنی دورسازد پس او را متهم کرد وبه زندان افکند ، یوسف براثر تعبیر خواب ملک مصر از زندان نجات یافت و خزانه‌دار گشت. وی درسالهای فراخی غله جمع آوری کرد ودرسالهای قحطی فروخت وبااین تدبیر مردم مصررا از قحط نجات داد وخود عزیزمصر گشت. برادران یوسف که درکنعان ازقحطی به‌جان آمده بودندبرای‌خرید غله روبسوی مصر نهادند ، یوسف ایشان راشناخت ولی باراول ودوم خود رامعرفی نکرد و بارسوم که برادران برای خریدغله آمدند خودرا به‌ایشان‌شناساند وپیراهن خویش‌را برای یعقوب فرستاد تابرچشم بمالد و بینا شود ، همینکه برادران یوسف از

مصر بیرون آمدند بادبوی پیراهن یوسف را به یعقوب رساند. هنگامی که یعقوب پیراهن را برچشم مالید بیناشد وباپسران به‌مصر نزد یوسف رفت.

یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم‌مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

«حافظ»

یوسف‌سپهر چارم (نج) کنایه ازآفتاب.

چون یوسف سپهر چارم ز چاه دی
آمد به دلو در طلب تخت مشتری

«خاقانی»

یوسف عروضی (ت) ازشاعران قرن چهارم. اشعاری ازاو در «لغت فرس اسدی» و کتاب «المعجم» شمس قیس رازی ضبط است.

یوسف‌نجار (تن) وکیل پدرمریم عمران. روزی که مریم درصومعه درحال غسل کردن بود، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار براو نمایاند و او را به تولد عیسی مژده داد. چون عیسی متولد شد، بنی‌اسرائیل مریم را نکوهش کردند. خدای تعالی عیسی‌را به‌سخن‌آورد تا ایشان‌رابه پاکی مادروپیغمبری خود، بشارت دهد.

یوسف‌نجار کیست، نوح دروگر که بود
تا ز هنر دم زنند بر در امکان او

«خاقانی»

یوسف‌وزلیخا (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ اثر مولانا عبدالرحمن جامی که‌آن را به‌سال ۸۸۸ ساخته‌است. این‌مثنوی به‌اسلوب خسروو‌شیرین نظامی‌است وازروی سورهٔ یوسف وزلیخا که احسن‌القصص است به‌نظم آمده است.

یوسف وزلیخا معروفترین اثر جامی است که جلب توجه بسیاری از شاعران را کرده وبه زبانهای خارجی نیز ترجمه شده است .

(چاپ تهران)

یونس (تن) از پیغمبران که چون مردم دعوت اورا نپذیرفتند ، ایشان را نفرین کرد ، خدای تعالی ابری پرآتش برسرایشان فرستاد ، یونس از میان آنها رفت تا اورا نیابند . مردم توبه کردند و خدا توبهٔ ایشان را پذیرفت وبر یونس عتاب کرد که چرا ازمیان‌مردم غایب‌شده است‌و کشتی که‌یونس درآن نشسته‌بود ، درغر قاب‌افتاد . قرعه‌زدندتا کسی‌را به‌آب اندازند؛سه‌نوبت قرعه‌به نام‌یونس افتاد . یونس‌خود را به آب انداخت ، ماهیی اورا بلعید واوچهل روزدرشکم‌ماهی ماند ودر تاریکی‌شب‌وتاریکی‌آب وتاریکی‌شکم ماهی توبه کرد . خدا توبهٔ اورا پذیرفت واورااز‌شکم‌ماهی‌بیرون آورد . یونس‌به‌سبب‌ضعف مزاج برلب دریا ماند تا چهل روز آهوئی اورا شیر داد و درختی بر او سایه افکند تاقوت گرفت ونزد قوم خود بازگشت .

قرص خورشید درسیاهی شد یونس اندر دهان ماهی شد

«سعدی»

یهودا (تن) از برادران یوسف

چویوسف نیست کزقحطم رهاند

مرا چه این یامین چه یهودا

«خاقانی»

یهودا (تن) از حواریون عیسی که به او خیانت کرد .

منابع کلی که مورد استفاده قرار گرفته است

تاریخ ادبیات ایران	تألیف ادوارد برون (۳ جلد)
جلد اول	ترجمه علی‌پاشاصالح ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
ازسعدی تاجامی	« علی‌اصغرحکمت ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
ازآغاز عهدصفویه‌تا زمان حاضر	« رشید یاسمی چاپخانهٔ روشنائی-تهران ۱۳۲۱ شمسی
سخن وسخنوران	تألیف بدیع‌الزمان فروزانفر ازنشریات کمیسیون معارف-شرکت محدود طبع کتاب
تاریخ ادبیات ایران	« دکتر رضازاده‌شفق چاپخانهٔ دانش ۱۳۲۱ شمسی
تاریخ ادبیات ایران (۲جلد)	« دکترذبیح‌الله‌صفا ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
حماسه‌سرائی درایران	« دکتر ذبیح الله صفا ازانتشارات مؤسسهٔ‌امیر کبیر ۱۳۳۳ شمسی
سبک‌شناسی (۳جلد)	« ملک‌الشعراء‌بهار ازانتشارات مؤسسهٔ امیر کبیر
شعرالعجم ترجمهٔ سیدمحمدتقی‌فخرداعی گیلانی	« شبلی‌نعمانی ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
جامی	« علی‌اصغرحکمت چاپخانهٔ بانک‌ملی‌ایران ۱۳۲۰ شمسی
لباب‌الالباب به کوشش سعیدنفیسی	« محمدعوفی ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
تذکرة‌الشعراء	« دولتشاه سمرقندی
مجمع‌الفصحاء به کوشش مظاهرمصفا	« رضاقلی‌خان‌هدایت ازانتشارات مؤسسهٔ امیر کبیر

آتشکدهٔ آذر بامقدمه سیدجعفر شهیدی	تألیف لطفعلی بیك آذر بیکدلی ازانتشارات مؤسسهٔ نشر کتاب
تذکرهٔ میخانه به‌اهتمام احمد گلچین‌معانی	« ملاعبدالنبی فخرالزمانی قزوینی از انتشارات شرکت نسبی اقبال
ریحانة‌الادب	« محمدعلی تبریزی (مدرسی) ازانتشارات شرکت سهامی طبع کتاب
فرهنگ سروری (مجمع‌الفرس) به کوشش محمد دبیرسیاقی	« محمدقاسم بن حاجی محمد کاشانی ازانتشارات کتابفروشی علی اکبر علمی
فرهنگ رشیدی تصحیح محمد عباسی	« عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی التتوی ازانتشارات کتابخانه بارانی–تهران
برهان قاطع به‌اهتمام دکتر محمد معین	« محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص – به برهان ازانتشارات کتابخانه زوار–تهران
فرهنگ آنندراج به‌اهتمام محمد دبیرسیاقی	« محمدپادشاه متخلص به «شاد» ازانتشارات کتابخانه خیام – تهران
غیاث‌اللغات به کوشش محمد دبیرسیاقی	« غیاث‌الدین محمد رامپوری ازانتشارات کانون معرفت–تهران
فهرست کتابهای چاپی	« خانبابا مشار ازانتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب
المعجم فی معائیر اشعار العجم تصحیح مدرس رضوی	« شمس قیس رازی ازانتشارات دانشگاه تهران
نفایس الفنون وعرایس العیون تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرائی	« شمس‌الدین محمد بن محمود آملی ازانتشارات کتابفروشی اسلامیه-تهران
وزن شعر فارسی	« دکتر پرویز خانلری ازانتشارات دانشگاه تهران
درهٔ نجفی	« نجفقلی میرزا ملقب به آقاسردار چاپ شیراز ۱۳۳۳ قمری
ابدع البدایع	« شمس العلما حاج میرزا حسین گرکانی چاپ تهران ۱۳۲۸ قمری
علم بدیع	« محمدحسین فروغی (ذکاءالملک) چاپ تهران

هنجار گفتار « حاج سید نصرالله تقوی
چاپخانه مجلس - تهران ۱۳۱۷ شمسی

اساس الاقتباس « خواجه نصیرالدین طوسی
تصحیح مدرس رضوی از انتشارات دانشگاه تهران

التفهیم لاوایل صناعة التنجیم « ابوریحان بیرونی
تصحیح جلال همائی چاپخانهٔ مجلس - تهران ۱۳۱۷ شمسی

مفاتیح العلوم « خوارزمی
چاپ مصر

مجمل التواریخ والقصص «
تصحیح ملك الشعراء بهار از انتشارات خاور ۱۳۱۸ شمسی

کشف المحجوب « هجویری
از انتشارات مؤسسه امیر کبیر

درة التاج لغرة الدباج « قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود الشیرازی
تصحیح سید محمد مشکوة چاپخانه مجلس - تهران

جزاینها اغلب متون کتابهای نظم ونثر فارسی که ذکر آنها دراین کتاب آمده مستقیماً مورد مطالعه قرار گرفته است .

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	25		
	27/11/(1-0)		

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	25		
	27 [illegible] (1-20)		[illegible]